

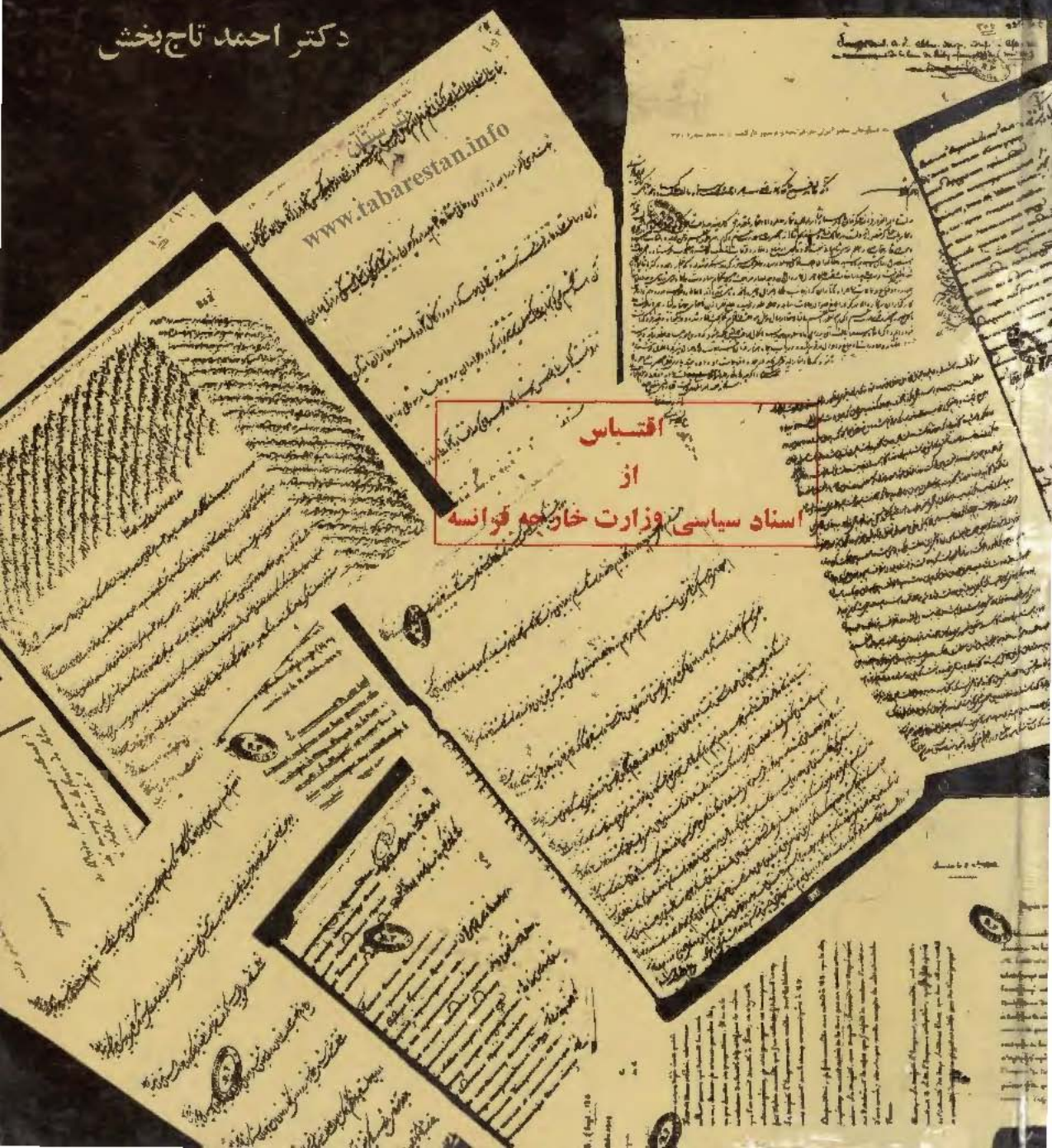
سیاست‌های استعماری

روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه

در ایران

تألیف

دکتر احمد تاج‌بخش



سیاست‌های استعماری

روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه

تبرستان
www.tabarestan.info

در ایران

نیمه اول قرن نوزدهم

تألیف

دکتر احمد تاج بخش



تبرستان
www.tabarestan.info



۱۰۰ ریال

- | | |
|--------------|-------------------|
| نام کتاب | سیاستهای استعماری |
| مؤلف | دکتر احمد تاج بخش |
| قطع | ۲۴ × ۱۷ |
| صفحات | ۳۳۶ صفحه |
| نوبت چاپ | اول |
| حروفچینی | کاوش |
| تاریخ انتشار | ۱۳۶۲ |
| تیراژ | ۳۰۰۰ جلد |
| چاپ | اقبال |

فهرست مطالب

قسمت اول

روابط ایران با انگلیس و فرانسه و روسیه

- ۱۰ پطرکبیر و ایران
- ۲۲ نامه والی زاده گرجستان به ناپلئون
- ۲۶ نامه والی زاده گرجستان به ناپلئون
- ۳۵ نامه عباس میرزا به ناپلئون
- ۳۹ نامه عباس میرزا به وزیر روابط خارجی فرانسه
- ۴۰ عهدنامه اتحاد بین فتحعلیشاه و ناپلئون
- ۴۶ آمدن ژنرال گاردان به ایران
- ۴۸ نامه مارشال گودویچ به عباس میرزا
- ۵۸ نامه مارشال گودویچ به میرزا بزرگ
- ۶۴ نامه مارشال گودویچ به میرزا بزرگ
- ۷۵ نامه مارشال گودویچ به عباس میرزا
- ۷۹ نامه ژنرال گاردان به موسیوشامپاینی
- ۸۶ نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی فرانسه
- ۹۰ نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی فرانسه
- ۱۰۰ نامه مارشال گودویچ به عباس میرزا
- ۱۰۹ نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی
- ۱۱۳ نامه فتحعلیشاه به ناپلئون
- ۱۷۷ نامه میرزا بزرگ به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه درباره عزیمت ژنرال گاردان از ایران
- ۱۸۶ فرمان عباس میرزا بعنوان عسکرخان
- ۱۸۹ قدردانی عباس میرزا از افسران فرانسوی
- ۱۹۳ تشویق از موسیو ژوانین
- ۱۹۵ نامه میرزا بزرگ به موسیولامی فرمانده توپخانه
- ۱۹۹ نامه میرزا شفیع به عسکرخان
- ۲۰۲ نامه عباس میرزا به عسکرخان

سیاستهای استعماری

- ۲۰۵ دستور بازگشت عسکرخان سفیر ایرا در فرانسه
 ۲۰۸ آمدن سفیر انگلیس به ایران
 ۲۱۵ قرارداد بین ایران و انگلیس
 ۲۱۷ مواد عهدنامه گلستان

قسمت دوم

سیاست روس و انگلیس و فرانسه در ایران بعد از عهدنامه گلستان

- ۲۲۸ اعتراض ایران به تجاوز روسها به خاک طالش
 ۲۳۳ اختلاف نظر بین یرملوف و عباس میرزا و کوشش او برای ولیعهدی محمدعلی میرزا
 ۲۴۰ عهدنامه ترکمنچای
 ۲۴۶ عهدنامه تجارتی
 ۲۵۰ صورت مجلس درباره تشریفات آمد و رفت سفراء
 ۱۱۵ - نامه مارشال گودویچ به میرزا بزرگ
 ۱۲۳ نامه میرزا شفیع به موسیوشامپاینی
 ۱۲۷ نامه فتحعلیشاه به ناپلئون
 ۱۲۹ نامه فتحعلیشاه به ناپلئون
 ۱۳۳ نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی
 ۱۳۷ نامه فتحعلشاه به ناپلئون
 ۱۴۰ مایوس شدن فتحعلشاه از کمک ناپلئون و توجه او به انگلیسها
 ۱۴۲ قرارداد تیلسیت و تغییر سیاست ناپلئون
 ۱۴۷ نامه عباس میرزا به ناپلئون
 ۱۵۰ نامه عباس میرزا به موسیوشامپاینی
 ۱۵۳ نامه میرزا شفیع به موسیو تالیران
 ۱۵۶ پاسخ عباس میرزا به موسیوشامپاینی
 ۱۵۹ نامه میرزا شفیع به وزیر خارجه فرانسه
 ۱۶۲ نامه میرزا شفیع به وزیر خارجه فرانسه
 ۱۶۵ نامه میرزا شزرگ به وزیر خارجه فرانسه
 ۱۷۰ نامه فتحعلیشاه به ناپلئون
 ۱۷۴ تقاضای متارکه موقت جنگ از طرف ایران
 ۱۷۵ پذیرفتن سفیر انگلیس و عزیمت ژنرال گاردان

قسمت سوم

رقابت روس و انگلیس در ایران بر سر مسئله افغانستان

- ۲۵۹ نامه عباس میرزا به امپراطور روسیه در خصوص قتل گری بایدف
- ۲۶۲ روابط تجارتي ایران و روسیه
- ۲۶۹ علل رونق تجارت روسیه در ایران
- ۲۷۵ رقابت روس و انگلیس درباره مسئله افغانستان
- ۲۸۰ اعلامیه محمدشاه پس از مراجعت از هرات
- ۲۸۷ منظور نهائی انگلستان از دخالت در امر افغانستان

تبرستان

www.tabarestan.info

قسمت چهارم

متن قرار دادهای ایران با روسیه و انگلستان

- ۲۹۱ قرارداد ۱۷۲۳ بین ایران و فرانسه
- ۲۹۴ عهدنامه پطر دوم با اشرف افغان
- ۲۹۸ عهدنامه سری بین روسیه و ایران
- ۳۰۳ عهدنامه منعقدہ در گنجه بین ایران و روسیه
- ۳۰۷ قرارداد منعقدہ بین ایران و انگلیس

نتیجه

- ۳۱۳ فهرست اسناد
- ۳۱۵ فهرست منابع
- ۳۱۸ فهرست اعلام

تبرستان
www.tabarestan.info



مقدمه

در نیمه اول قرن نوزدهم فکر تهیه مستعمرات و توسعه قلمرو نفوذ در آسیا و آفریقا و تهیه مواد خام برای کارخانه‌ها و بازار فروش برای محصولات باعث شد که دول بزرگ اروپایی به خاک ملل ضعیف دست‌اندازی کنند. بالنتیجه کشورهای بی‌اطلاع از بازیهای سیاسی آن زمان بازبچه میدان سیاست کشورهای قوی گردیدند و مثل مهره‌های شطرنج بدلخواه بازی‌کنان در حرکت بودند و چون دولت‌های مقتدر اروپایی همه از این نقشه پیروی میکردند این بود که رقابت‌های سیاسی و استعماری و تجارتی بین آنها پیدا شد که منجر به ضعف و انحطاط کشورهای ضعیف گردید و در نتیجه اوضاع عمومی جهان آشفته شد.

دولت روسیه میخواست به دریای آزاد دست پیدا کند، هدف فرانسه این بود که با تصرف هندوستان انگلستان را به زانو درآورد، انگلستان هم برای حفظ هندوستان مشغول طرح و اجرای نقشه‌های سیاسی برای جلوگیری از پیشرفت هدف مخالفین خود بوده است. دولت ایران در این میان چون گوی درخم جوگان بر چپ و راست در حرکت، گاه به وعده‌های فرانسه دلخوش بود و گاه به تعهدات انگلستان پای‌بند.

دولت فرانسه برای به زانو درآوردن انگلیس به فکر فتح هندوستان افتاد و در این راه به کمک ایران احتیاج داشت و با کوشش بسیار توانست نظر ایران را جلب کند و قرارداد فین‌کین اشتاین را منعقد سازد.

دولت انگلیس برای حفظ هندوستان و جلوگیری از کمک ایران به ناپلئون در فتح هندوستان با اجرای سیاست‌های مختلف، روسیه را به تجاوز به خاک ایران تحریک کرد در صورتیکه طبق قرارداد سال ۱۸۵۰ متعهد شده بود که ایران را در مقابل تجاوز روسها حفظ کند حال برای حفظ منافعش روسیه را به جنگ با ایران وامیدارد.

ناپلئون به علت صلح با روسیه و گرفتاریهای در اروپا و تغییر سیاستش در آسیا و منصرف شدن از فتح هندوستان تعهدات خود را نسبت به ایران فراموش کرد و با روسیه طبق عهدنامه تیلسیت صلح نمود.

ناپلئون در مذاکرات با تزار روسیه در خصوص ایران و تخلیه گرجستان نه تنها اظهار تکرر بلکه به امپراطور روسیه اعلام نمود که من ترجیح می‌دهم ایران بدست شما بیفتد تا به دست انگلیسها.

شاه ایران ناچار متوجه انگلیس‌ها می‌شود و با آنها قراردادی بر علیه روسیه می‌بندد در حالی که انگلیس باطنا "با روسیه متحد شده است و برخلاف تصور دولت ایران، کوشش در حفظ منافع روسها دارد ولی وقتی روسها وارد تبریز شدند و خیال حرکت به سمت تهران را داشتند، انگلیس‌ها به وحشت می‌افتند و برای هندوستان احساس خطر می‌کنند. آنها از طرف ناپلئون نگران بودند حالا بدست خود پای روسها را به ایران و بالنتیجه به سمت هندوستان باز کرده بودند. بهمین جهت ایران را مجبور می‌کنند که تقاضای صلح نماید و چون دولت ایران حاضر نمی‌شود، افسران خود را از قشون ایران احضار می‌نمایند که منجر به شکست می‌گردد و ایران اجباراً "پیشنهادات صلح را می‌پذیرد".

فتحعلیشاه تصور نمی‌کرد که ناپلئون مرد مقتدر اروپا به قول خود وفا نکند و یا دولت انگلستان با ایران عهد مودت و همراهی به‌بندد و در قفا با دشمن او بر علیه او بسازد. چون اولین مرتبه است که ایران گرفتار سیاست‌های استعماری می‌شود و آشنا به رموز آن نیست و نمیداند که در راه اجرای سیاست‌ها همه فضائل انسانی و وظایف اخلاقی نادیده گرفته می‌شود و برنامه سیاستمداران رسیدن به هدف است از هر طریق و بهر وسیله.

کشورهای ضعیف همیشه در طول تاریخ همین وضع را داشته‌اند و همیشه بازیچه کشورهای قدرت‌مند بوده‌اند و رفتار غالبین را خلاف عدالت و اصول انسانی دانسته‌اند اما وقتی هم که خودشان قوی شده‌اند همان روش نسبت به دیگران بکار برده‌اند که قبلاً "خود از آن انتقاد می‌کردند. تاریخ جهان شرح این برخوردها و کشاکش‌ها است این است که تاریخ همیشه تکرار می‌شود.

بهر حال تغییر روش‌های سیاسی و نحوه روابط سه کشور روسیه و فرانسه و انگلستان و برخورد منافع آنها اوضاع کشور ما را مغشوش کرد و باعث شکست ایران در جنگ‌های با روسیه گردید که درباره آنها با توجه به اسناد و مدارک توضیح داده خواهد شد.

ایران در دو جنگ با روسیه که یکی ۱۵ سال و دیگری دو سال طول کشیده شکست خورد و ایالات ما و ارس را از دست داده سرداران و سربازان ایرانی در حدود امکان در راه حفظ وطن جان‌بازی و فداکاری کردند و برای جلوگیری از پیشرفت دشمن کوشش فراوان نمودند ولی سیاست انگلستان و قدرت نظامی روسیه و عدم اجرای تعهدات فرانسه و انگلیس و امید و انتظار بی‌پایه ایران به کمک آنها، باعث شد که ایران با همه فداکاری‌هایی که بخرج داد شکست بخورد.

آنهايي که به کار تحقیق مسائل تاریخی آشنائی ندارند بدون توجه به علل شکست یا فتح، همیشه فقط با توجه به نتیجه جنگ اظهار نظر میکنند و فاتح را تجلیل مینمایند و شکست خورده را مورد ملامت قرار میدهند.

درباره جنگهای ایران و روس اغلب نویسندگان اینطور اظهار نظر کرده اند که فتحعلشاه سیزده شهر را بعلت خساست و نرسانیدن کمک مالی به عباس میرزا از دست داد و قراردادهای ننگینی با روسیه منعقد نمود، بدون اینکه به علل شکست واقعی ایران توجه کنند و اجرای سیاستهای مختلف کشورهای مقتدر آلمان و عدم توازن قدرتها را در نظر بگیرند. در صورتیکه یکی از اصول مهمی که در تحقیق مسائل تاریخی باید در نظر داشت موضوع رعایت امکانات زمان واقعه و مقتضیات و امکانات قلمرو یا مکان وقوع واقعه است.

میزان ارزش یک واقعه با رعایت امکانات زمان وقوع و محل و مکان وقوع واقعه مشخص میگردد اگر ما وقایع و حوادث قرون گذشته را که در زمان خودش ارزش و اهمیت زیاد داشته است با امکانات امروز مقایسه کنیم آن حوادث ارزشمند تاریخی در نظر ما بی ارزش جلوه خواهد کرد و علاوه بر این باید امکانات قلمرو وقوع واقعه را نیز در نظر گرفت زیرا در هر زمان امکانات کشورهای مختلف یکسان نیست.

در مورد ارزشیابی جنگها نیز چنانکه اشاره شد، نباید فقط به نتیجه جنگ توجه کرد و اظهار نظر نموده، بلکه امکانات نظامی دو طرف جنگ را نیز باید مقایسه و بررسی کرد.

مثلاً "در جنگ چالدران (جنگ ایران و عثمانی در زمان شاه اسماعیل) ایران از دولت عثمانی شکست خورد ما اگر رعایت امکانات دو طرف جنگ را ننمائیم و سطحی قضاوت کنیم خواهیم گفت دولت عثمانی فاتح است و مفتخر و دولت ایران شکست خورده و قابل سرزنش.

اشتن متز مورخ آلمانی در کتاب شاه جنگ ایرانیان به اختلاف امکانات نظامی ایران و عثمانی اشاره کرده است در این جنگ ایرانیان با داشتن ۳۰ هزار سرباز بدون توپخانه ولی با ایمان قوی، در مقابل قشون دویست هزار نفری عثمانی و توپخانه مجهز جنگیدند و مقاومت کردند و تقریباً "جز عده معدودی همه کشته شدند و حتی یک سرباز ایرانی اسیر نگردید.

اشتن متز مقاومت و پایداری شاه اسماعیل و سرداران و سربازان ایران را اگر چه شکست خورده اند ستوده و برای موفقیت ارتش عثمانی با مقایسه امکانات نظامی دو طرف جنگ ارزشی قائل نشده است.

به عقیده من، ما نباید از شکست در جنگهای ایران و روس سرافکننده باشیم زیرا سرداران و سربازان ایرانی در حدود امکان در راه حفظ مملکت فداکاری کرده اند و جای اعتراض از اینجهت وجود ندارد. واقعاً "اگر کلیه علل داخلی شکست ایران (نبودن ارتش منظم - اختلاف فرماندهان، همکاری بعضی از خوانین قفقاز با دولت روسیه - کارشکنی بعضی از درباریان - بی اطلاعی اولیاء امور از سیاست آنروز) وجود نداشت آیا دولت ایران از آن جنگها فاتح بیرون میآمد؟ محققاً "خیر، زیرا علل اصلی شکست ایران برخورد سیاستهای استعماری کشورهای بزرگ اروپا و از همه مهمتر عدم تعادل قدرت نظامی ایران و روسیه بود

روسیه‌ای که قدرت شکست ناپلئون قهرمان اروپا را داشته است !

بطوری که اشاره شد اجرای سیاست‌های استعماری ملل قدرتمند زمان و ضعف ایران از جهات نظامی و مالی و سیاسی ، باعث شکست ایران گردید و این یک اصل تاریخی است که قوی ضعیف را پایمال میکند .

بسیرو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

یک کشور ضعیف یا باید کوشش کند که از جمیع جهات خود را آماده مبارزه سازد و یا با کشورهای ضعیف دیگر متحد شود و قدرتی بوجود آورد که قابل شکست نباشد .

بهرحال با بررسی اسناد و مدارکی که از پایگانی وزارت خارجه فرانسه بدست آمد شمه‌ای از سیاست‌های استعماری کشورهای روسیه انگلستان و فرانسه مشخص گردید و چون در این مختصر منظور بررسی سیاست‌های دول مقتدر زمان بود از شرح جنگها خودداری شد .

تهران دیماه ۱۳۶۰

احمد تاجبخش

تبرستان
www.tabaresan.info

قسمت اول

روابط ایران
بانگلیس و فرانسه و روسیه

قبل از عهدنامه گلستان

ایران قبل از عهدنامه گلستان

کشور ایران بعلت وضع جغرافیائی و موقعیتی که دارد از ادوار قدیم مرکز مبادلات تجارتی بین شرق و غرب بوده است. مالالتجاره‌های مناطق مختلف آسیای شرقی و جنوبی پس از گذشتن از ایران به کشورهای اروپائی فرستاده میشد و بالعکس امتعه غرب بوسیله تجار عرب یا ارامنه از راههای تجارتی آندوره وارد ایران میگرفتند و پس از عبور از فلات ایران یا بنادر ایران به نقاط دیگر آسیا فرستاده میشد و در بازارهای بزرگ آنروز بفروش میرسید.

البته در ادوار قدیم که کشورهای مقتدر دنیا کمتر بفکر ایجاد مستعمره بودند بیشتر روابط بین کشورها بر پایه تجارت و تبادل مالالتجاره و استفاده از امتعه یکدیگر بوده است ولی کم‌کم اجرای نقشه‌های استعماری و نظریه‌های سیاسی، چگونگی روابط بین کشورها را تغییر داده و بصورت دیگری درآورده است که در تاریخ معاصر این جریانات بطور وضوح نشان داده شده و روشن گردیده که چگونه روابط تجارتی و فرهنگی مقدمه اجرای نقشه‌های سیاسی و استعماری شده است.

موضوعی که در این مختصر مورد تحقیق و مطالعه است سیاست‌های استعماری روسیه و انگلیس و فرانسه در ایران میباشد.

قبل از اینکه در این باره بحث کنیم لازم است مختصراً "بروابط این کشورها در قرون قبل که محققاً" مقدمه روابط این کشورها در قرن نوزدهم میباشد اشاره شود.

همانطور که در بالا اشاره شد تجار اروپائی و آسیائی امتعه موردنیاز بازارهای اروپا را از چین و آسیای مرکزی تهیه کرده و از راههای زیر:

۱ - دریای سیاه.

۲ - خلیج فارس، دجله و فرات، سوریه.

۳ - دریای احمر - اسکندریه.

به بازارهای موردنظر میفرستادند. البته میتوان گفت اعراب و ارامنه عامل اصلی ارتباط تجارتی بین دو قطعه اروپا و آسیا بوده‌اند (۱).

پرتغالیها اولین ملتی هستند که از دماغه امید گذشته و راه دریائی هندراکشف کردند

و خلیج فارس را تحت نفوذ و سلطه خود درآوردند و بالنتیجه تجارت شرق را در دست گرفتند و دست اعراب را از خلیج فارس کوتاه کردند.

در قرن شانزدهم فروش امتعه هند و ایران برای تجار خارجی منافع زیادی داشت بهمین دلیل کشورهای بحری اروپا (انگلستان، هلند، پرتقال، فرانسه) برای بدست آوردن امتعه شرق و انحصار تجارت آسیا با یکدیگر رقابت میکردند که بحث درباره آن موضوع کتاب دیگری خواهد بود.

در این دوره مالالتجارهائی که از ایران به اروپا حمل میشد عبارت بود از ابریشم گیلان و شیروان، پشم کرمان، پنبه، پارچههای زربفت ابریشمی، پارچههای اصفهانی، مروارید و سنگهای قیمتی (۱).

مالالتجارهائی که بیش از هر چیز مورد توجه و قابل اهمیت بود، ابریشم بخصوص ابریشم گیلان و مازندران بوده است که بعلت ظرافت و لطافت مشتری زیاد داشت این مالالتجاره در تمام دوران حکومت صفویه نقش بزرگی در روابط بین ایران و کشورهای اروپائی بازی کرده است که شرح آن خارج از بحث ما میباشد.

پرتقالیها پس از پیدا کردن راه دریائی هند با قدرت بحری که داشتند در تمام اقیانوس هند و خلیج فارس پایگاههای تجارتی تهیه کردند و تجارت شرق را منحصر بخود نمودند و حتی الامکان اجاره نمیدادند کشورهای دیگر در این امر دخالت کنند و مانع میشدند که کشتیهای دیگران در دریای هند و خلیج فارس رفت و آمد نمایند.

روسها که ناظر استفادههای سرشار تجارتی دولت پرتقال بودند، بفکر افتادند که آنها هم از منابع تجارتی ایران استفاده کنند و نگذارند پرتقالیها از راه دور بیایند و محصولات ابریشم شهرهای ساحلی بحر خزر را که در همسایگی آنهاست خریداری کرده به بازارهای اروپا بفرستند.

دولت روسیه در سال ۱۵۶۲ (۹۷۴) در زمان حکومت ایوان مخوف، انتونی جنکینس را که عضو کمپانی تجارتی انگلیس در مسکو بود و از طرف ملکه الیزابت هم ماموریتی برای ایجاد روابط تجارتی با دولت ایران داشت بدربار صفویه فرستاد. این نماینده با همراهانش بحضور شاه طهماسب رسیدند و نامه و هدایائی که همراه آورده بودند ارائه دادند و پیشنهادهای و منظور خود را با اطلاع شاه ایران رسانیدند ولی شاه طهماسب به جهت تعصب مذهبی و عدم علاقه به عیسویان، توجهی به پیشنهادهای و نظریات دولت روسیه و انگلستان نکرد و این نماینده اجباراً "بدون اخذ نتیجه ایران را ترک نمود".

تا سال ۱۰۵۳ که شاه عباس ثانی بر تخت سلطنت نشست، بین ایران و روسیه روابطی وجود نداشت، در زمان این پادشاه الکسی رومانف تزار روسیه ۸۰۰ نفر از تجار ارمنی و روسی را بعنوان نمایندگان سیاسی بایران فرستاد ولی در حقیقت این هیئت نظری جز تجارت و فروش امتعه خود نداشتند و فقط برای معاف بودن از پرداخت حقوق گمرکی و سایر مالیاتهای معموله آنزمان به لباس نماینده سیاسی درآمد، چنانکه در مدت کوتاهی که در ایران اقامت داشتند در حدود ۸۰۰۰۰۰۰۰ هشت میلیون فرانک پوستهای مختلف فروخته بودند (۱).
دربار ایران پس از اطلاع از وضع کار و هدف نمایندگان روسیه دستور داد فوراً آنها را از ایران خارج نمایند. این عمل باعث کدورت و اختلاف و منجر به تعرض قوای روسیه بسواحل بحر خزر گردید که البته به شکست نهائی روسیه خاتمه یافت. باری تا ظهور پترکبیر بین ایران و روسیه روابطی وجود نداشته است ولی با ظهور پیشوای بزرگی مانند او که هدفش اصلاحات داخلی و اساسی بود سیاست خارجی روسیه نیز تغییر کرد.

پترکبیر که هدفش بسط تجارت و ترقی سریع روسیه و دست یافتن بدریای آزاد بود چاره‌ای نداشت جز اینکه با ایران روابط دوستانه برقرار کند و به همین جهت در سال ۱۱۲۳ (۱۷۱۱ م) نماینده‌های بایران فرستاد تا درباره انعقاد قراردادهای تجارتی با شاه سلطان حسین مذاکره نماید و ضمناً اطلاعات کافی درباره شهرهای ساحلی بحر خزر تهیه کند. شاه سلطان حسین این سفیر را بگرمی پذیرفت، سفیر از طرف دولت خود تقاضا کرد که به تجار ارمنی دستور داده شود که بعداً مالالتجاره‌های خود را عوض اینکه از راه ازمیر یا طرابوزان به اروپا بفرستند از راه سن پترزبورگ باروپا ببرند، بخصوص محصول ابریشم ایران که در آن موقع فوق‌العاده مورد توجه کشورهای اروپائی بوده از راه روسیه به اروپا فرستاده شود.

نماینده فرانسه در تفلیس در یادداشت‌های خود که در بایگانی وزارت خارجه فرانسه ضبط است اینطور مینویسد: (نماینده فوق‌العاده‌ای به قزوین رسیده و مقصودش بستن قرارداد تجارتی است مواد مهم این قرارداد درخصوص حمل انواع مختلف مالالتجاره ایران بخصوص ابریشم از راه روسیه میباشد). (۲).

در این دوره مالالتجاره‌های ایران از راه دریائی هند و یا از راه ترکیه و حلب به اروپا فرستاده میشد بخصوص در اینموقع که تجارت ایران در دست انگلیسها بود و تقریباً سیادت بحری در خلیج فارس داشتند کلیه امتعه ایران از بنادر جنوب بخصوص بندرعباس به اروپا صادر میشد، بنابر این این تقاضا مورد قبول شاه سلطان حسین واقع نگردید و نماینده روسیه

۱- Chardin- مسافرت به ایران ص ۱۷۰.

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه، ایران، پرونده پنجم، ۳۱۴.

بدون اخذ نتیجه بازگشت .

در سال ۱۱۲۸ (۱۷۱۵ م) سفیر دیگری بنام ولینسکی از طرف پترکبیر بدربار شاه سلطان حسین فرستاده شد این سفیر در خصوص تعرضاتی که در حدود بخارا به تجار روس شده بود اعتراض کرد و باندازه‌ای طرز تکلم و لحن این سفیر شدید و بی ادبانه بود که شاه سلطان حسین به گفته‌های او توجهی ننمود و سفیر معترضانه دربار را ترک گفت و این امر بیشتر باعث ایجاد کدورت و دشمنی بین دو کشور و مقدمه پیدایش روابط خصمانه گردید .

پترکبیر اولین امپراطور روسیه است که برای دست اندازی ب خاک ایران و قلمرو دولت عثمانی فعالیت می‌کرد و برای راه یافتن بدربای آزاد خیال تصرف ایران را داشت چنانکه گفتیم در سال ۱۷۱۵ (۱۱۲۷) ارتمی ولینسکی (۱) را مامور کرد که بعنوان سفارت بدربار ایران برود ولی ماموریت اساسی او این بود که در حین عبور از ایران از اوضاع جغرافیائی و نظامی و موقعیت بنادر کسب اطلاع کند و تحقیق نماید که قلاع و استحکاماتی در بنادر وجود دارد یا خیر و راههای عبور از ارتفاعات چگونه است، موانع قشون کشی این راه کدامست پتر میخواست قبل از اجرای نقشه‌های خود کاملاً " از وضعیت ایران و راههای سوق الجیشی اطلاع کامل داشته باشد تا بتواند هر چه زودتر به هدف خود برسد .

در سال ۱۱۳۴ (۱۷۲۲ م) که افغانه به ایران حمله کردند پترکبیر از موقعیت استفاده کرد و شهرهای باکو و دربند و رشت را بتصرف درآورد. دولت ایران که وضع آشفته‌ای داشت در مقابل تعرض قوای روسیه عکس العملی نشان نداد و چون شاه طهماسب دوم پسر شاه سلطان حسین برای اینکه به پادشاهی برسد به پترکبیر متوسل شده بود بنابر این چاره‌ای نداشت جز اینکه ضمن عهدنامه‌ای که در سپتامبر ۱۷۲۳ (۱۱۳۵) در سن پترزبورگ بسته شد شهرهای دربند باکو و ایالات گیلان و مازندران و استرآباد را بروسها واگذار کند (متن قرارداد در آخر کتاب نوشته شده) .

در سال ۱۱۳۶ (۱۷۲۴ م) پترکبیر از هرج و مرج ایران استفاده کرد و با مذاکراتی که با دولت عثمانی بعمل آورد توانست نظر آن دولت را در خصوص اشغال قسمتی از ولایات غربی و شمالی ایران بوسیله قوای عثمانی و روسیه جلب نماید ، دولت عثمانی که در تمام دوران حکومت صفویه بعلت اقتدار و قدرت نظامی این سلسله نتوانسته بود به تصرف قسمتی از خاک ایران موفق شود و جبران شکست‌های خود را بنماید از ضعف دولت ایران و موقعیت خود استفاده کرد و پیشنهاد دولت روسیه را پذیرفت .

در سال ۱۱۳۶ (۱۷۲۴ م) بین این دو دولت عهدنامه‌ای منعقد گردید که طبق آن روسها ولایات

شیروان، داغستان، آذربایجان، گیلان، مازندران، و دولت عثمانی، تبریز، همدان، کرمانشاه و نواحی مجاور آنرا اشغال کردند.

این دو دولت به شاه طهماسب دوم وعده دادند که اگر با قرارداد فوق موافقت کند او را مجدداً "بسلطنت میرسانند و افغانه را از خاک ایران خارج خواهند کرد."

شش سال بعد از این قرار داد، دولت روسیه عهدنامه دیگری با اشرف افغان در شهر رشت در تاریخ فوریه ۱۷۲۹ (۱۱۴۱) منعقد کرد که ضمن آن نواحی دیگری بدولت روسیه واگذار گردید که حدود آن ضمن قرارداد می که در آخر کتاب نوشته شده مندرج است.

البته برای اشرف افغان مانعی نبود حتی اگر قسمت اعظم ایران را هم به روسیه واگذار میکرد چون او نظری جز غارت و چپاول نداشت و همینقدر که بر قسمتی از ایران حکومت میکرد راضی بود.

در سال ۱۱۴۴ (۱۷۳۲م) در موقعی که شاه طهماسب دوم در گوشه و کنار ایران حکومت میکرد و طهماسب قلی خان نیز فرماندهی قشون او را داشت، قسمتی از ایالات ایران که ضمن قرارداد ۱۱۴۱ (۱۷۲۹م) از طرف اشرف افغان واگذار شده بود هنوز در تصرف دولت روسیه بود.

طهماسب قلی خان که در این موقع قدرت کافی داشت بروسها پیشنهاد کرد که ایالات متصرفی را بدولت ایران واگذار نمایند. دولت روسیه هم که از قدرت و توانائی سردار ایرانی اطلاع حاصل کرده بود ضمن عقد قرارداد مورخ ۱۱۴۴ (۱۷۳۲م) تمام ایالاتی را که در تصرف داشت باستثنای باکو و دربند تخلیه کرد و بدولت ایران تحویل نمود (متن قرارداد در آخر کتاب است).

طهماسب قلی خان که در این موقع به منتهی درجه قدرت رسیده بود برای پاک کردن خاک ایران از دشمنان و سرکوبی کسانی که در دوره هرج و مرج ایران از موقع استفاده کرده و بخاک ایران دست اندازی کرده بودند، مشغول فعالیت گردید. ابتدا متوجه روسها شد و تا گنجه پیشرفت و در گنجه ضمن عهدنامه‌ای که بامضای نماینده دولت روسیه رسید این دولت از تمام متصرفات خود در خاک ایران صرف نظر کرد.

باید گفت اگر این سردار رشید ایرانی نبود قسمتی از نواحی آباد و زرخیز ایران برای همیشه در تصرف همسایگان شمالی و غربی باقی میماند.

پطرکبیر و ایران

نقشه اساسی پطرکبیر شامل دو قسمت بود، رسیدن بدریای آزاد - دست یافتن به هندوستان .

برای اینکه از برنامه تزاران روسیه بیشتر اطلاع حاصل کنیم قسمت نهم از وصیت نامه‌ای را که به پطرکبیر نسبت می‌دهند ذیلاً " مینویسیم .

" دولت روسیه را وقتی میتوان دولت واقعی گفت که پایتخت خود را باستانبول که کلید گنجهای آسیا و اروپا است ببرد پس تا میتوان باید کوشید که بشهر استانبول و اطراف آن دست بیندازیم و کسی که استانبول و اطراف آنرا در دست داشته باشد خداوند همه جهان خواهد بود. پس برای رسیدن باین مقصود باید در میان ایران و دولت عثمانی نفاق افکند تا همیشه در میانشان جنگ باشد اگر چه اختلاف مذهب و عقیده که مردم شیعه با مردم سنی دارند از هر لشکر و سلاحی بیشتر کارگر است و برای تامین مقصود و تسلط روسیه بر آنها بهترین وسیله است. با این همه بر شما واجبست همواره بهر وسیله که می‌توانید دوگانگی را در میانشان سخت‌تر کنید و نگذارید با هم آهنگ شوند.

چیزی که بیش از همه مرا دلخوش می‌کند یکی اختلاف عقیده در میان شیعه و سنی و استیلای روحانیان بر ملل مسلمان و اینکه ایشان مانعند که مسلمانان با ملل اروپا درآمیزند . . .

گذشته از آن باید چاره‌جوئی‌های فراوان کرد که کشور ایران روز بروز تهی دست‌تر شود و بازرگانی آن تنزل کند و رویهم‌رفته باید همیشه در پی آن بود که ایران روبه‌ویرانی رود چنان باید آنرا در حال احتضار نگاهداشت که دولت روسیه هرگاه بخواهد ، بتواند بی‌دردسر آنرا از پا درآورد . و باندک فشاری کار خود را بپایان رساند اما مصلحت نیست که پیش از مرگ حتمی دولت عثمانی، ایران را یکباره بی‌جان کرد .

کشور گرجستان و سرزمین قفقاز رگ حساس ایرانست همینکه نوک نیشتر استیلای روسیه بآن رگ برسد فوراً " خون ضعف از دل ایران بیرون خواهد رفت و چنان ناتوان خواهد شد که هیچ پزشک حاذقی نتواند آنرا بهبود بخشد .

آنگاه دولت عثمانی چون شتر مهار کرده در دست پادشاهان روسیه خواهد بود و دم آخر را بر نخواهد آورد تا در مقام لزوم، بارکشی کند و پس از آنکه دیگر کاری از آن ساخته نیست باید سرش را از تن جدا کرد .

بر شما لازم است که بی‌درنگ کشور گرجستان و سرزمین قفقاز را بگیرید و پادشاه ایران

را دست‌نشانده و فرمان‌بردار خود کنید. پس از آن باید آهنگ هندوستان کرد زیرا که کشوری بسیار بزرگ و بهترین بازارگاه تجارتست و هرگاه بدانجا دست یافتید هر قدر پول که بوسیله انگلستان بدست می‌آید می‌توان مستقیماً از هندوستان فراهم کرده‌کلید هندوستان سرزمین ترکستانست تا می‌توانید باید بسوی بیابانهای قرقیزستان و خیوه و بخارا پیش بروید تا بمقصد نزدیک‌تر شوید و اما تامل و تانی را نباید از دست داد و باید از شتاب کاری خودداری کرد

باید با دولت اطربش دوستی ظاهری داشت اما باید چنان چاره‌جویی کرد که آلمان و اطربش رفته‌رفته در جنگ ما بیفتند، باید با اطربش همدست شد و دولت عثمانی را از اروپا بیرون کرد اما نه چنانکه اطربش بهره‌مند شود و آن‌دوراه دارد؛ نخست آنکه باید اطربش را جای دیگر سرگرم کرد دیگر آنکه با د از خاک عثمانی آن نواحی را با طربش داد که پس از چندی بتوانید آنرا هم بگیرید برای اجرای قسمتی از این برنامه بهترین راه ضعیف کردن دولت ایران و عبور از این منطقه بود.

این نقشه مورد توجه تمام تزاران روسیه بوده و هر یک با کمال جدیت برای رسیدن به این هدف فعالیت میکردند. در وصیت‌نامه مذکور به این مسئله نیز اشاره شده است که هندوستان مخزن ثروت عالم است برای رسیدن بآن باید تمام موانع موجود را از میان برد و با انحطاط و اضمحلال ایران بسمت خلیج فارس پیشروی نمود (۱).

روسها برای دست‌یافتن بدریای آزاد راههای دیگری نیز درپیش داشتند ولی بعللی که ذکر میشود صلاح در آن دیدند که از راه ایران بخلیج فارس برسند.

در دریای ابیض روسیه دارای چند بندربود که اکثر ایام سال بعلت یخبندان شدید مورد استفاده واقع نمیشد. عبور از بحراسود و رسیدن بدریای مدیترانه گرچه مورد توجه و علاقه دولت روسیه بود ولی این موضوع باین سادگیها عملی نمیشد زیرا دول اروپائی حاضر نبودند که روسیه از این راه بمدیترانه دست یابد و وضع خود را در اروپا محکمتر نماید بهمین جهت خلیج فارس را انتخاب کردند که از هر حیث راه وصول بآن ساده‌تر و بی‌درد‌تر بود، علاوه بر این دولت روسیه میتواند برنامه‌های استعماری خود را نیز اجرا نماید و بر قسمتی از آسیا نیز دست یابد، چون دولت روسیه علاوه بر اجرای برنامه‌های تجارتي و اقتصادی نظر سیاسی نیز داشته است.

در زمان کاترین دوم والریان زویف (۲) ماموریت پیدا کرد که ایران را تصرف نماید و

بین روسیه و هندوستان روابط دوستانه برقرار کند و پس از تصرف شهرهای ایران متوجه عثمانی شده و آسیای صغیر را نیز تصرف نماید.

ژنرال الکساندر سوارف نیز ماموریت داشت که از بالکان عبور کرده و به شهر استانبول نزدیک شود و قوای بحری روسیه هم از راه دریا پایتخت عثمانی را تهدید نمایند. این بود برنامه دولت روسیه برای تصرف ایران و آسیای صغیر.

والریان زوبف در فوریه ۱۷۹۶ میلادی (۱۲۱۱) از پترزبورگ حرکت کرد.

و امیدوار بود در سپتامبر همین سال اصفهان را تصرف خواهد کرد.

نقشه عملیات این بود که سپاه ژنرال کارساکف پس از عبور از کوههای قفقاز، تغلیس را تصرف کند و زوبف از ساحل غربی دریای خزر پس از عبور از دربند و باکوبه لشکریان کارساکف ملحق شود و متحداً بسمت اصفهان پیش روند. ماه سپتامبر رسید ولی هنوز لشکریان زوبف نتوانسته بودند به مرزهای ایران نزدیک شوند. از دربار سن پترزبورگ برای رفع مشکلات و موانع یکی از مهندسين را با نقشه‌های لازم فرستادند ولی در این اوان کاترین دوم فوت کرد و پسرش پل لشکریان خود را از ایران احضار نمود.

دولت روسیه با اقدامات پطرکبیر وارد مرحله جدیدی شده بود و با ایجاد کارخانجات و کارگاههای صنعتی احتیاج به قلمرو جدید و بازار فروش امتعه و بالاخره احتیاج بربوابت تجارتی با کشورهای آسیائی داشت و ضمناً "پطر کبیر تصرف اراضی جدید و توسعه قلمرو نفوذ را نیز جزء برنامه‌های اساسی خود قرار داده بود (۱).

شروع اجرای این برنامه منجر به قطع روابط دوستانه بین کشور ایران و روسیه و مقدمه پیدایش یک دوره جنگهای ممتد گردید که بعداً "بآن اشاره میشود.

در زمان نادرشاه چون دولت ایران قدرت کافی داشت، دولت روسیه نتوانست درخصوص اجرای برنامه‌های سیاسی و اقتصادی خود اقداماتی نماید، حتی مجبور شد نقاطی را که در دوران هرج و مرج ایران تصرف کرده بود تخلیه کند. از ابتدای حکومت زندیه تا آغاز سلسله قاجاریه بین دو کشور روابطی وجود نداشت و از طرف روسها نیز در این مورد اقداماتی بعمل نیامد ولی چنانکه بعداً خواهیم دید نیمه اول قرن نوزدهم دوران اجرای برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دولت روسیه میباشد.

در زمان آقا محمدخان، هراکلیوس والی گرجستان که تحت قیمومیت ایران بود سربطفیان برداشت و چون میدید به تنهایی نمیتواند سلطنت خود را حفظ کند خود را تحت‌الحمايه روسیه قرار داد کاترین دوم نیز از موقعیت استفاده کرد و پیشنهاد هراکلیوس را پذیرفت و

عهدنامه‌ای بین طرفین منعقد گردید که طبق آن گرجستان تحت الحمايه روسیه قرار گرفت و کاترین ملکه روسیه متعهد شد که از هراکلیوس و جانشینانش حمایت کند ولی آقامحمدخان بالاخره بر گرجستان دست یافت و مخالفین را منکوب نمود.

در سال بعد ۱۲۰۹ هجری (۱۷۹۴ میلادی) روسها بعنوان کمک به گرجستان بقفقاز قشون کشی کردند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد زیرا کاترین دوم فوت کرد و جانشینش پل قشون روسیه را از قفقاز احضار نمود.

پل جانشین کاترین که جزو متحدین اطریش و انگلستان بر ضد فرانسه بود پس از شکست در ایتالیا به اشتباه خود پی برد و با امپراطور فرانسه متحد گردید و هر دو طرف باتفاق تصمیم گرفتند که به هندوستان از راه ایران حمله کنند و متواجلاً رودخانه ولگا پایگاه قشون هردو طرف باشد. برای این نقشه لازم بود که دولت ایران نیز از این جریان مطلع گردد. نمایندگان تجارتی فرانسه در بغداد مکرراً "ضمن نامه‌های خود در خصوص اهمیت ایران از لحاظ تجارت و موقعیت جغرافیائی و نظامی اشاره میکرده‌اند. و وزارت خارجه فرانسه هم کم و بیش از اوضاع ایران اطلاع داشت.

در سال ۱۸۰۰ وضع انگلیسها در اروپا بسیار وخیم بوده است زیرا اکثر سلاطین اروپا بمیل خود یا از راه زور و فشار بر علیه آنها متفق شده بودند.

اتحاد بین ناپلئون و پل و شایعه حمله این امپراطور با کمک دولت ایران به هندوستان فوق‌العاده باعث اضطراب و نگرانی دولت انگلستان گردید زیرا انگلیسها میدانستند که حمله از راه ایران به هندوستان بسیار ساده و آسان است بخصوص برای ناپلئون.

انگلیسها برای حفظ موقعیت خود سر جان مالکم را مامور درباره ایران کردند تا با انعقاد قرارداد تدافعی و تعرضی از کمک ایران به فرانسه ممانعت کرده و بالنتیجه ایران را از اتحاد با فرانسه باز دارند.

سرجان مالکم در سال (۱۲۱۵) ۱۸۰۰ وارد بوشهر گردید و از آنجا عازم دربار فتحعلیشاه شد و پس از مذاکرات لازم توانست قراردادی در ۵ ماده منعقد نماید.

ماده اول - تا خورشید جهان افروز بر مملکتین پرتوافکن است و عالم را منور میگرداند این اتحاد و یگانگی هم بین دولتین در صفحه روزگار باقی خواهد ماند و ریشه شرم‌آور دشمنی و نفاق برای همیشه قطع خواهد گردید.

ماده دوم - هرگاه پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید چون سکنه هندوستان رعایای اعلیحضرت پادشاه انگلستان می‌باشند یک قشون بزرگ با تمام لوازم و مهمات از طرف کارگزاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران با افغانستان مامور خواهد شد که آن مملکت را خراب و ویران نماید و تمام جدیت و کوشش را بکار خواهند برد که

آن ملت بکلی مضمحل شده و پریشان گردد.

ماده سوم - اگر پادشاه افغانستان مایل گردد که از در دوستی و صلح وارد شود دولت شاهنشاهی ایران در حین تعیین شرایط صلح این مسئله را مسلم و حتمی خواهند نمود که پادشاه افغانستان و قشون او خیال حمله و هجوم به هندوستان را که جزء قلمرو پادشاه انگلستان می باشد بکلی از سر خود بیرون نمایند و آنرا برای همیشه ترک گویند.

ماده چهارم - هرگاه اتفاق افتد که پادشاه افغانستان یا کسی از ملت فرانسه بخواهد با دولت شاهنشاهی ایران داخل در جنگ گردد اولیای دولت پادشاهی انگلستان هر میزان توپ و مهمات قشونی که لازم باشد با تمام اسباب و لوازم آن و اشخاص لازم در هر یک از بنادر ایران که معین نمایند تسلیم عمال دولت شاهنشاهی ایران خواهند نمود.

ماده پنجم - اگر اتفاقاً قشونی از طرف ملت فرانسه که محرک آنها انجام مقصود معین یا دسیسه باشد بخواهند در یکی از بنادر ایران مسکن اختیار کنند در چنین پیش آمدی یک قشون معظم مرکب از سپاهیان دولتین متعاهدتین تشکیل شده، برای اخراج و اضمحلال آنها اقدام خواهند نمود و آنها را معدوم نموده بنیان دسایس آنها را ریشه کن خواهند نمود مخصوصاً قید میشود هرگاه چنین اتفاقی رخ بدهد و قشون ظفر نمون دولت شاهنشاهی ایران برای انجام این مقصود حرکت نمایند صاحب منصبان دولت پادشاهی انگلستان هر اندازه مهمات و آلات و ادوات جنگی و آذوقه لازم باشد تهیه نموده حمل کرده تحویل خواهند داد و اگر یک وقتی یک از رجال بزرگ ملت فرانسه اظهار میل یا خواهش نماید، اینکه یک محل ایستگاه یا مسکن در یکی از حزائر و یا سواحل طویل مملکت شاهنشاهی ایران بدست بیاورند که در آن محل بیدق (برق) خودشانرا برافراشته آنجا را محل توقف خودشان قرار بدهند یک چنین خواهش یا تمنائی از طرف کارگزاران اعلیحضرت شاهنشاهی قبول نخواهد شد. مهر و امضای حاجی ابراهیم صدراعظم و کاپیتان مالکم ژانویه ۱۸۰۱ (۱).

در اواخر سال ۱۸۰۰ (۱۲۱۵) تنها دولتی که هنوز از دشمنی با فرانسه دست برنداشته بود دولت انگلستان بود زیرا سایر ملل بنا بر تحریک ناپلئون بر علیه انگلستان متحد شده بودند. اتحاد روسیه و فرانسه و مسئله حمله به هندوستان انگلستان را به بستن قرارداد با ایران مجبور نمود در نتیجه این قرارداد، دولت انگلستان خیالش از طرف ایران و افغانستان آسوده گردید ولی واقعه‌ای پیش آمد که سیاست دولت روسیه یکنی تغییر کرد و آن قتل امپراطور روسیه بدست فرماندهان قشون میباشد. محققاً "قتل امپراطور روسیه که از متحدین صمیمی ناپلئون بود طبق نقشه و برای اجرای هدف خاصی بوده است که میتوان سفیر انگلیس را در روسیه محرک این واقعه دانست.

بهر صورت با جلوس آلکساندر دوستی فرانسه و روسیه از بین رفت و الکساندر با انگلیسها روابط حسنه برقرار نمود باین ترتیب سیاست فرانسه و انگلیس و روسیه هم در ایران تغییر کرد. ناپلئون در این تحولات نه تنها دوست و متحد حقیقی خود امپراطور روسیه را از دست داد بلکه روسیه دشمن او و متحد انگلستان گردید و انگلستان توانست به روسیه‌ای که ممکن بود روسیه را از فرانسه دور کند، فقط دولت فرانسه و ایران باقیمانده بودند که امکان داشت هندوستان را تهدید نمایند. گرچه انگلستان با دولت ایران در ۱۸۰۰ قرارداد تعرضی و تدافعی منعقد کرده بود با وجود این غیرممکن نبود که دولت فرانسه با وعده و وعید نظر ایران را بخود جلب کند و دولت ایران رعایت مواد قرارداد را ننماید. بهترین راه برای جلوگیری از دخالت ایران در اجرای نقشه ناپلئون این بود که ایران را گرفتار و مشغول کنند دولت انگلیس از دوستی خود با روسیه استفاده و آن دولت را تحریک کرد که به خاک ایران تجاوز نماید، روسها هم که منتظر چنین فرصتی بودند حمله و هجوم خود را بر گرجستان شروع کردند. با این ترتیب ایران دیگر نتوانست حتی بفکر کمک کردن به فرانسه بیفتد و مجبور بود تمام کوشش خود را صرف دفاع از مرزهای خود نماید.

در این موقع ایران دیگر در نظر انگلیسها اهمیتی نداشت زیرا روسها دیگر دوست فرانسویها نبودند بلکه متحد انگلستان و دشمن فرانسویها شده بودند، به همین جهت انگلیسها ایران را مثل طعمه‌ای پیش روسها انداختند و چنانکه خواهیم دید در موقع حمله روسها، انگلیسها تقاضای کمک ایران را رد کردند و جواب مثبتی در این باره ندادند البته جوابی هم نمی‌توانستند بدهند چون خود محرک ایجاد جنگ بین روسیه و ایران بودند.

اقدامات دولت روسیه در اینموقع در مازندران و سواحل شمال ایران نشان میداد که این دولت خیال تصرف شهرهای ساحلی بحر خزر و توسعه نفوذ سیاسی در ولایات شمالی ایران را دارد.

روسها بعنوان تاسیس کارخانجات و بنگاههای تجارتی چند کشتی خود را بسواحل اشرف فرستادند، سیاست تجارتی آنها این بود که مالالتجاره‌های ایرانی را بمبلغ گران خریداری میکردند و امتعه خود را بقیمت نازلی میفروختند و منظورشان این بود که بدینوسیله نظر تجار ایرانی را بخود جلب و وضع خود را در نواحی شمالی ایران محکم نمایند و مقدمات نفوذ دولت روسیه را فراهم کنند. (۱)

از ابتدای قرن نوزدهم ایران گرفتار بحران عجیبی گردید، تحولات سیاسی در اروپا و تماس سیاست‌های مختلف کشورهای اروپائی در وضع ایران تاثیر عمیقی داشته است.

دولت روسیه برای اجرای برنامه و نقشه‌های اصلاحی پطر کبیر و رسیدن به دریای آزاد و بسط قلمرو نفوذ و تهیه بازار فروش فعالیت میکرد. دولت انگلستان برای حفظ مستعمرات خود در آسیا و جلوگیری از نفوذ فرانسه مشغول اقداماتی بود که با منافع کشورهای دیگر مغایرت داشت. سیاست خارجی ناپلئون و عشق غلبه بر انگلستان و فتح هندوستان باعث نزدیکی ایران و فرانسه و بالاخره منجر به اقدامات شدید دولت انگلستان بر علیه ایران گردید.

اجرای سه سیاست مختلف در ایران این کشور را گرفتار هرج و مرج کرده بود و هر یک از سه دولت انگلستان روسیه و فرانسه برای رسیدن به هدف خود اقداماتی میکردند که به ضرر ایران تمام میشد. بخصوص دو دولت انگلستان و فرانسه با وعده‌های خود ایران را امیدوار میکردند ولی در موقع لزوم کوچکترین کمکی نمی‌نمودند و بالنتیجه باعث ضعف و شکست ایران در برابر روسیه گردیدند.

همکاری انگلستان و روسیه بعزت فتوحات و پیشرفتهای ناپلئون باعث شد که انگلستان در موقع لزوم به ایران کمک نکند حتی افسران خود را از قشون ایران احضار نماید و درنتیجه باعث شکست قشون ایران گردد.

بهرحال اوضاع سیاسی ایران در ایندوره بسیار مبهم و تاریک است و روش سیاسی دربار قاجار بعزت وعده‌های صریح دو دولت انگلستان و فرانسه و بی‌اطلاعی و عدم آشنائی اولیاء امور به مسائل سیاسی دائما "در تغییر بوده است.

فتحعلیشاه گاهی با نمایندگان انگلیس و گاه با نمایندگان فرانسه در گفتگو بود و در

جستجوی متحدی برای دفع سپاه روسیه از سرحدات ایران فعالیت مینمود و سیاست مستقل و ثابتی ابراز نمیکرد و نمیخواست تا اخذ نتیجه و رسیدن به هدف هیچیک از دولت‌ها را ناامید گرداند.

چنانکه قبلاً اشاره شده است دولت روسیه برای رسیدن بدریای آزاد مجبور بود که بدو "بخاک قفقاز دست‌اندازی نماید و چون این منطقه جزو خاک ایران بود کوچکترین تعرض به این نقاط به منافع ایران لطمه وارد می‌آورد و دولت ایرانرا مجبور به مبارزه در مقابل مهاجمین مینمود.

الکساندر امپراطور روسیه برای اجرای نقشه‌های خود در اوایل سال ۱۸۰۳ (۱۲۱۸) سیسیانف را مامور کرد که قفقاز را تصرف کرده به پیروی خود ادامه دهد. امپراطور روسیه تصور نمیکرد که این عمل مقدمه بروز جنگهای ممتدی بین ایران و روسیه خواهد شد او خیال مینمود که دولت ایران با گرفتاریهای زیادی که دارد مجال جلوگیری از اقدامات دولت روسیه را نخواهد داشت.

پس از اینکه هراکلیوس حاکم گرجستان وفات یافت، فرزند او گرگین خان بجای او نشست در اینموقع قوای روسیه به تفلیس حمله کرد و شهر را بتصرف درآورد و خانواده گرگین را اسیر نمود ولی طهمورث خان فرزند گرگین بدربار ایران پناهنده شد. فتحعلیشاه برای جلوگیری از حملات روسیه و تصرف گرجستان وارد معرکه گردید و چون مسئله گرجستان یکی از علل اساسی پیدایش جنگ ایران و روسیه است لازم است مختصری درباره تاریخچه گرجستان گفته شود.

گرجستان ناحیه‌ایست که در دامنه کوههای قفقاز و در قسمت راست سواحل بحر اسود واقع شده. ساکنین این منطقه مردمی هستند از نژاد آریا که از زمانهای خیلی پیش در این سرزمین سکونت داشتند. زبان آنها بعقیده زبان‌شناسان جزء رشته زبانیای خارتولی است که بعلت مجاورت با مردم فارسی زبان، مقدار زیادی لغات فارسی وارد زبان آنها گردیده است مذهب اکثریت مردم گرجستان ارتودکس وعدهای نیز مسلمان میباشند مثل لزکیها و آجارها.

گرجستان بچند ناحیه تقسیم شده که مهمترین آن ناحیه کاخ و کارتیل میباشد. در زمان حکومت هخامنشی دولتهای نیمه‌مستقلی در کاخ و کارتیل تشکیل شده که از حکومت مرکزی ایران اطاعت میکردند. در دوره ساسانیان این منطقه گاهی در تصرف رومیان و زمانی تحت تسلط ایران قرار داشت. بنابراین مدتها بین دولت روم و ایران بر سر گرجستان نزاع و اختلاف بود. وقتی که اعراب بایران حمله کردند گرجستان را نیز تحت تصرف خود درآوردند و در دوران حکومت اسلامی تفلیس شهری آباد و پرجمعیت گردید و مسلمین و نصارا در آن شهر بدون وجود اختلاف زندگی می‌کردند زیرا اعراب مردم گرجستان را در انتخاب دین

آزاد گذاشته بودند.

در اواخر قرن دوم هجری سلسله باگراتیان ارمنستان بر گرجستان نیز دست یافتند و مدت زیادی در این ناحیه حکومت کردند در قرن پنجم هجری هم ترکان سلجوقی بر این ناحیه تسلط پیدا نمودند. در اواخر قرن پنجم بکمک صلیبیون داوید پادشاه گرجستان ترکان را بیرون کرد و از این تاریخ سلسله مستقلی در گرجستان تشکیل گردید که تا اوایل قرن هفتم حکومت میکرد. مغولها پس از تصرف ایران بر این ناحیه نیز دست یافتند و تیمور نیز شش مرتبه بگرجستان لشکر کشید ولی وقتی که تیموریان ضعیف شدند گرجیان مجدداً سلسله‌های مستقلی تشکیل دادند.

پس از میان رفتن امپراطوری بیرانس بوسیله ترکان عثمانی، امرای گرجستان صلاح خود را در این دیدند که خود را در پناه دولت نیرومند دیگری قرار دهند بهمین جهت تحت حمایت سلاطین صفوی درآمدند.

در دوران حکومت صفویه گرجستان جزء خاک ایران بود و ولیعهدهای آن ناحیه بعنوان گروگان در دربار صفویه می‌زیست‌اند. وقتی که شاه گرجستان فوت میکرد ولیعهد از اصفهان با تشریفات خاصی به گرجستان میرفته است. روابط گرجستان و ایران در این دوره بسیار حسنه بود و اکثر پادشاهان صفوی و شاهزادگان درباری، نجیب‌زادگان گرجی را بزی اختیار کرده‌اند. مردم گرجستان همیشه در فکر بدست آوردن استقلال و آزادی حکومت بودند تا اینکه روسها به قلمرو خاک آنها نزدیک شدند و چون از لحاظ مذهب با مردم گرجستان زیاد اختلاف نداشتند و از آنها نیز کم و بیش پشتیبانی مینمودند، کم‌کم گرجیان تمایلی بدربار روسیه پیدا کردند زیرا دولت روسیه در آن موقع قدرت زیاد بدست آورده بود و علاوه بر این مردم گرجستان بعلمت اینکه مسیحی بودند حاضر نبودند تحت حمایت یک حکومت مسلمان باشند، چنانکه بارها امرای گرجستان از سلاطین روسیه در مقابل سلاطین صفویه کمک خواسته‌اند ولی روسها نمیتوانستند در آن دوره بخصوص در دوران حکومت شاه عباس به تقاضای گرجیان ترتیب اثر دهند.

نزدیکی دولت قوی روسیه بگرجستان کم‌کم آنها را به این فکر انداخت که خود را از زیر بار حکومت ایران خارج کنند و حکومت مستقلی تشکیل دهند. ضعف اواخر دور صفویه و عدم توجه سلاطین افشار و زند به مسئله گرجستان بالاخره باعث شد که این ناحیه کم‌کم از تحت نظر ایران خارج شود و تحت حمایت تزارهای روسیه درآید.

در سال ۱۷۸۳ (۱۱۹۷) ضمن عهدنامه‌ای هراکلیوس گرجستان را تحت حمایت امپراطوران روسیه قرار داد و گرجستان که مدت چهارصد سال تحت نظر ایران اداره میشد از این تاریخ از تحت حمایت دولت ایران خارج گردید.

آقامحمدخان در سال ۱۲۵۹ با سرعت زیادی که از خصوصیات او بود عازم گرجستان گردید و قبل از اینکه هراکلیوس بتواند خود را آماده کند و یا فرصت استفاده از قشون روسیه را پیدا نماید بر سر او تاخت و بالاخره وارد تفلیس شد. کلیساهای شهر را ویران کرد و در حدود شانزده هزار پسر و دختر را با سارت برده بین سربازان خود تقسیم کرد. رفتار سخت آغامحمدخان با مردم تفلیس، خراب کردن کلیساها و اسارت پسران و دختران لطمه بزرگی به موقعیت ایران زده است و از این تاریخ دیگر مردم گرجستان بهیچوجه حاضر نشدند که تحت‌الحمایه کشور ایران باشند زیرا کینه شدیدی نسبت به ایران پیدا کرده بودند در جنگهای بین ایران و روس کمک و همکاری مردم گرجستان با متجاوزین موید این مسئله است و نشان میدهد که ثمره قساوت و سخت کشی آقامحمدخان چه بوده است ولی البته باید اشاره کرد که مردم گرجستان نیز از همکاری با دولت روسیه نتیجه نگرفتند و بعداً "بعلت فشار و سخت-گیری مامورین تزاری از اینکه تحت‌الحمایه آندولت شده بودند بسیار ناراضی بوده و آرزوی ایام گذشته را می‌کردند."

چنانکه قبلاً" اشاره شد ساکنین گرجستان از ایرانیان مسلمان و آرامنه تشکیل شده و اکثریت مردم این ناحیه بحکومت ایران بیشتر علاقمند بودند. البته عده‌ای از آرامنه که اختلاف و خصومتی با مسلمانان داشتند همیشه سلاطین روسیه را تحریک میکردند که در خصوص اشغال این منطقه اقداماتی بنمایند تا بدینوسیله از مسلمانان انتقام کشیده و دست آنها را از تجارت این منطقه کوتاه کنند. عملیات آقامحمدخان هم این خصومت را تشدید کرد و چون پیشنهادات آرامنه با افکار تزاران روسیه که بسط و توسعه قلمرو خود و رسیدن بدریای آزاد از راه ایران بود، از این جهت دولت روسیه تصرف گرجستان را جزء برنامه‌های خود قرار داد.

همانطور که در بالا ذکر شد ساکنین گرجستان بعد از تسلط روسها بر این ناحیه بعلت فشار و آزار مامورین تزاری به حکومت ایران بیشتر از حکومت تزاران روسیه تمایل پیدا کردند. ژنرال گاردان در یادداشت‌های خود درخصوص وضع گرجستان پس از الحاق به روسیه اینطور می‌نویسد. (مقام روسها در گرجستان که آخرین پادشاه آنها بواگذاری مملکت خود به امپراطور روسیه وادار کرده‌اند متسحکم نیست و مردم آن چنین بنظر می‌رسد که روزگار تسلط ایران را با حسرت یاد می‌کنند).

دو نامه که از آرشیو وزارت خارجه فرانسه بدست آمده این مطلب را تأیید می‌کند. (سند شماره ۱ و ۲).

الکساندر والی‌زاده گرجستان شرحی به ناپلئون نوشته و بوسیله ژنرال گاردان فرستاده است که برادرش بعلت اغتشاش در ایران دست بدامن روسها زده، بامید اینکه وضع بهتری

پیدا کند، ولی وقتی روسها بر گرجستان تسلط پیدا کرده‌اند برخلاف انتظار، تمام کسان او را به پترزبورگ تبعید و مزاحمت‌ها فراهم کرده‌اند. و او با دو برادرزاده‌اش به ایران آمده و فعلاً گذران میکنند او از ناپلئون تقاضا کرده است که ترتیبی داده شود که به گرجستان بازگردند و موقعیت گذشته خود را بازیابند.

او نوشته است گرچه گرجستان جزء توابع ایران است ولی خاج‌پرستان باید از لحاظ غیرت و تعصب رعایت یکدیگر را بنمایند و حال انتظار کمک از امپراطور فرانسه را دارد.

او نوشته است که از روی بی‌فکری و نابخردی به روس‌ها پیوسته و نمیدانسته است که چه بر سرش خواهد آمد و به مفاد بیت زیر نیز اشاره کرده است.

دشمن دوست نما را نتوان کرد علاج شاخ را مرع چه داند قفش خواهد شد

نامه والی زاده گرجستان به ناپلئون

عرضه داشت کمترین بندگان عبودیت نشان

الکساندر والی زاده گرجستان

بموقف عرض افتادگان سریر گردون نظیر، خلافت مصیر بندگان دارا... اسکندرشان
قیصر پاسبان، خاقان فلک شکوه و قآن نصرت پژوه، اعلیحضرت قدر قدرت قضا توان کیوان
رفت، انجم خدم، ستاره حشم، سلطان سلاطین روزگار، مؤید الطاف و عنایات خداوندگار
شاهنشاه جمجاه عالم پناه ظل الهی اعنی امپراطور اعظم میسراند که قبل از این به اعتبار
انقلاب و اغتشاش ساحات ایران، برادر این کمترین غلامان عبودیت نشان از روی بی فکری و
نابخردی دست استیغاد و استیلادبر دامن دولت علیه روسزده بامیدا نیکه او را از نوایب
و خویب روزگار از کارکنان آن دولت حفظ و صیانت بعمل آید و بمظاهرت و معاضدت امنای
آن دولت گرجستان و سلسله بیگزادیان را زیاده از قبل آسایش و رفاهیت فزاید و کارکنان آن
دولت را بعد از آنکه راه دخل و تصرف در امورات گرجستان گشاد و استیلای آنها در رتق
و فتق مهام ایل و رعیت روزبروز افزون و زیاده گردید، شیوه بی انصافی را در پیش و دستگیر
ساختن دخیلان و مستعادیان را شعار خویش داشته از روی بی رحمی و نامردمی همگی ذکور و
اثاث و صغیر و کبیر سلسله این غلامان بی تقصیر را به هزار نوع افترای قصور و خیانت به غل
و زنجیر کرده و در قفس حبس نهاده بسمت پطرزبورق بردند

دشمن دوست نما را نتوان کرد علاج شاخ را مرغ چه داند قفسش خواهد بود

و در خلال ظهور آثار بعدی و بی انصافی ایشان این غلام عبودیت ارتسام هم با دو
نفر از برادرزاده های خود بطریق اضطرار و ناچاری از میان خویش و تبار بیگانه و فراری شد
حال در سایه جناح طایر دولت و سلطنت پادشاه جمجاه ایران بطوری مدارا و گذرانی مینماید
ولیکن خداوند یگانه که موسس اساس این کارخانه و مقلب اوضاع زمانه است به تدبیرات
حکمت بالغه و قدرت کامله خویش از روی ترحم و عاجزنوازی مدام مرغ گرفتاری را در قفس
و بجهت اخذ انتقام مظلومان عرصه گیتی را از بیداد ظالم بیدادرس نگذاشته و نخواهد
گذاشت.

حال بحمدالله المتعال که خورشید جهان آرای دولت و سلطنت بندگان اعلیحضرت
قدر قدرت امپراطور اعظم فرانسه در تقدیم سعادت و بخش خدائی از افق ارتفاع تسلط و
استیلائی آغاز درخشیدن کرد، خورشید کلاهان روی زمین را از سطوت قیامت آشوب همیونش

(همایونش) افسر تاجداری طوق چنبر گردن و با زور پنجه قهرمان جهانگیر عدلش سینه ستم‌کیشان از دست ستمکشان پاره‌تر از چاک پیراهن است و سیاست کشان درگاه عدالتش هواداری ذره بیمقدار را با فتاب نمیدهد و پاداش نظم و گرفتگی آفتاب را در سحاب نمی‌گذارند قامت چرخ ستمگر در عهد مروت جهانشمولش از ناراستی خم شده و صحن زمین چمن جلوس همیونش (همایونش) بسان خلدبرین سرسبز و خرم گردیده از بیم شحنة عتابش مرجان نسیم را قوت کاهربائی مقدور نیست و صبا را فرصت برگریزی شکوفه نصیب و میسوزنه. با وجود این همه تسلط و اقتدار ملکی و ملکی، اولیای دولت قاهره و سلطنت باهره اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم بر این کمترین غلامان عبودیت نشان لازم بود که از سر قدم ساخته‌خاک خاک آستان سپهرنشان خدام والامقام مقیمان حضور معدلت دستور، اولیای دولت قاهره امپراطور اعظم را کحل جواهر دیده رجا و امیدواری خود ساخته، عرض نیاز و استعداد چاکرانه خود را بعرض واقفان حضور سلطنت دستور همیون (همایون) اعلی‌رساند. نهایت بضمون اینکه پای مانگست منزل بس بعید از آنجهت فرصت شرفیابی زیارت آستان جواقین مطاف شاهنشاهی نیافته، در این وقت که عالیجاه جنرال غاردان‌خان (گاردان) ایلچی از دربار سلطنت مدار پادشاه جمجاه ایران مراجعت میکرد این کمترین غلامان عبودیت نشان نیز بتحریر عرضه داشت نیازمندی‌جات و جسارت نمود که اولیای دولت ابد مدت قاهره شاهنشاه عالم پناهی در مقام عدل گستری و انصاف بخشی، چندان التفات به قرب و بعد، عارض و ملتجی نمیفرمایند و بلکه بشکرانه اینکه نظر کرده الطاف غیبی و موبد عنایات و تفضلات هستند در عرض و استعداد هر ذره که در اقصای ممالک عالم بوده باشند با کمال عدل و انصاف و مروت گستری نهایت غوررزی خواهند فرمود، از آنجهت کمترین غلامان جان‌نثار بعرض این مطلب میپردازد که اگر چه گرجستان و سلسله این کمترین غلامان ملازمت نشان در حساب محسوب بتوابع ایران میباشیم ولیکن به دین و ایمان خاج‌پرستی سیر و سلوک عموم خاج‌پرستان از بابت غیرت و تعصب و هواداری به‌همدیگر تعلق دارد. بحمدالله تعالی و المشیه که در عهد دولت و سلطنت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه عالمپناه امپراطور اعظم که عموم سلاطین روزگار به محبت و دوستی همیونش (همایونش) خودشان را نقش صلیب میکنند و دواتفه ملت مسیحی طوق عبودیت و ملازمتش را زناوار بگردن اطاعت و فرمان‌برداری می‌اندازند از عهد انصاف و عدالت چنان شاهنشاه عالم‌پناه دور و بعید است که خانمان این فقیران خراب و ویران و ولایت هزار و پانصد ساله این غلامان فدوی‌نشان بدون تقصیر و خیانتی مختل و پریشان گردد. در عالم عاجز نواری و عدالت‌گستری لطف و مرحمت فرموده در باره ولایت و مملکت و منصوبی فقیران بمجرد صدور فرمانی تدارکی فرمایند که این اوجاق خاموش باز با نوار مرحمت و عاطفت امپراطور اعظم روشن و این خانه‌خرابان از صدقه فرق سایه فرقدان

همیون شاهنشاهی روحی فداه در خانه ولایت موروثی خود ساکن و متمکن گردند

آسمان دور و زمین سخت است سخت

گر ترحم میکنی وقت است وقت

باقی امرالاشرف الاقدس الارفع الاعلی مطاع (۱)

تبرستان

www.tabarestan.info

عرض داشت کز بنده کان بهوقف عرض صاحب قله دایم کرامت امیر بر سر اندوینا معروض

که حضرت جناب عالی مبادا اندک در کوهستان سابق برین حاکم و صاحب ادو جاق بودیم بسیار
 خونی خود را در راه اهل ولایت نثار نموده بودیم و درین باب هزارین سبب از راه و غیره زبان داشتند و بنده فانی که
 از ادو جاق محبت شد است و برادران و قومان این کز بنده را از کوهستان بران کرده به ولایت ارس سیر و دیوای
 که بر دشمنان قطع شد و کوه ولایت چمنیه و طین و ده دایه بنشیند و این صورت دانی جاست و امید یاری دیگر
 مگر حضرت عالی بنده را که از راه صلحین جان خوب تر و بهتر می دانیم از این محبت امیدوار باشیم و بسیار بکنون
 بر سر این بنده انگیزه حاصل می فرماید بکار شغف نای سری ام باز در طین خود وطن نموده و کل سابق به این
 مشورت کنیم و استعنا چنانست که حکومت این کز بنده را شغف نای خود را خیر بنده و ولایت باسره حاجی ام
 با شوره بنده لازم میشود که خونی خود را در کوهستان نثار کند و با باقی باشد و دهای عرواست
 بنده باقیات و بهر غفلت که شغف نای باکران و دیو بنده سوار شده و امید یاری حاصل کرد و کجای پای و کجای
 شویم اگر از آن باشد و عرض بکجای پای فرستادیم و جواب غایب شدیم چشم بر راه و مشغور بسیاریم صاحب

La conduite des Anglais avec
 ui se sont alliés à elle sur le
 as encore les Perses dans de
 i me suis déjà occupé de la
 le la Perse, à Bagdad, Akop de
 on j'ai des comptes à eux.
 Si saurai sans plus de jours
 Ali Chah s'est dévouée à
 exclusivement attachés à elle
 je suis avec Desput

کز بنده کان حضرت عالی بنده
 کوهستان و کوه کجای خان طهر و شمشیر

بنایر میجا به مشورت
 ۱۸۰۹
 دوتبریز

عرض داشت کمترین بندگان بموقف صاحب قبله و امید کاهی ام میرساند و ثانیاً معروض میدارد .

که حضرت جناب عالیّه میدانند که در کرجستان سابق بر این حاکم و صاحب اوجاق بودیم به سبب آنکه خون خود را در راه اهل ولایت نثار نموده بودیم و در این باب تواریخ بسیار از ما و غیر زبان ما شاهد میباشند و الحال حکومت از اوجاق ما سلب شده است و برادران و قومان این کمترین را از کرجستان بیرون کرده به ولایت روسیه (روسیه) بردند به جایی که امیدشان قطع شد، چنانکه ولایت پسندیده وطن ما در خود را نه بینند و به آن صورت در آنجا بمانند، امید بجای دیگر نداریم مگر حضرت عالیجناب، چرا که از همه سلاطین جهان خوبتر و بهتر میدانیم از این جهت امیدوار میباشیم و سایه بزرگی خود را بر سر این بنده افکنده و امدادی بفرمایند، بلکه از شفقت تاج سریام باز در وطن خود توطن نموده مثل سابق به امور مشغول باشیم و استدعا چنان است که حکومت به این کمترینان اشتغال نماید و اختیار بنده و با ولایت با سپرده صاحبی ام باشد، بر بنده لازم میشود که خون خود را در ریختن و خدمت مضایقه نکنیم تا از صلصله (سلسله) ما و اجاق ما باقی باشد و به دعای عمردولت مشغول باشیم تا به قیامت و امید چنان است که شفقت شما با فرمان دربار بنده سادر (صادر) شود تا امیدواری حاصل کرده بخاک پای توطی آسا شویم . اگر ازن (اذن) باشد و عریصه بخاک پای فرستادیم به جواب فایض نشدیم چشم براه و منتظر میباشیم .

کمترین بندگان حضرت و عالیجناب والی کورجستان ولد کرکین خان طهمورث

تاریخ مسیحا ۳۰ شهر مرت (۱)

۱۸۰۹ - در تبریز

یکی دیگر از بزرگان گرجستان که حاکم و دارای موقعیت ممتاز بوده است نیز شرحی نوشته که حکومت مرا از من گرفته و برادران و اقوام من را به ولایت روسیه برده‌اند، تقاضا کرده است ترتیبی داده شود که مجدداً "موقعیت خود را در گرجستان بدست آورد و به امر حکومت اشتغال داشته باشد". (۱)

تصرف گرجستان و پیشرفت مداوم قشون روسیه نشان داد که دولت روسیه نظرش فقط تصرف گرجستان نیست، بلکه برای دردست داشتن بحر خزر در فکر این است که قفقاز را ضمیمه خاک خود کند و قسمتی از برنامه‌های سیاسی تزاران روسیه را اجرا نماید. محاصره ایروان این موضوع را ثابت کرد که مسئله گرجستان بهانه‌ای بیش نبوده است.

دولت ایران به تعرض سپاه روسیه و فتح گرجستان و محاصره ایروان شدیداً "اعتراض کرد ولی روسها توجهی به اعتراضات دولت ایران نکرده گنجه را نیز تصرف کردند ولی بعلت فشار حمله قوای ایران این ناحیه را تخلیه کردند و به باکو عقب‌نشینی نمودند.

چون منظور شرح وقایع جنگ نیست فقط باینموضوع اشاره میشود که در ۱۸۰۶ سیسیانف شهرهای قراباغ شکی، شیروان را تصرف کرد و برای ادامه تعرضات خود مشغول تهیه تدارکات لازم گردید.

سرجان مالکم سفیر انگلستان در این موقع در ایران بود، فتحعلیشاه به مفاد قرارداد ۱۸۰۱ اشاره کرد و تذکر داد که دولت انگلستان در اینموقع که ایران مورد تعرض قشون روس واقع شده باید به ایران کمک نماید، دولت انگلیس که در این موقع با دولت روسیه روابط دوستانه داشت و نفعی در کمک به ایران نمیدید، پیشنهاد فتحعلیشاه را رد کرد.

در سال ۱۸۰۰ که سرجان مالکم سفیر دولت انگلستان موفق گردید که قراردادی با ایران بر علیه متجاوزین هندوستان منعقد نماید، دولت فرانسه کوشش بسیار کرد که نظر ایران را بسمت خود جلب کند و با کمک قشون ایران به هندوستان حمله برد. ولی دولت ایران برای حفظ حیثیت خود و احترام به عهد و پیمان منعقد پیشنهاد فرانسویان را رد کرد اما در این موقع که ایران احتیاج به کمک انگلستان داشت، دولت انگلستان و حکومت هندوستان حتی سفیر ایرانرا نپذیرفتند.

ناپلئون که از اوضاع ایران بی‌خبر نبود از بی‌اعتنائی انگلستان نسبت به ایران استفاده کرد و چون اجرای نقشه حمله به هندوستان با جلب رضایت دولت ایران بستگی داشت به نامهای که بوسیله کلنل رومیو (۱) برای فتح‌علیشاه فرستاده بود اشاره کرد که هرگاه دولت ایران قراردادش را با انگلیسها بر هم زند و روابط خود را با آنها قطع کند امپراطور فرانسه حاضر است با دولت ایران متحد شود و درخصوص استرداد ولایات قفقاز اقدامات موثر نماید و قشون کافی با مهمات برای شرکت در جنگهای قفقاز بفرستد.

رقابت شدید بین فرانسه و انگلستان در ایران، یکی از علل بروز حوادث زیاد گردید. ناپلئون میخواست راه حمله به هندوستان را با نزدیک شدن به ایران و جلب رضایت فتح‌علیشاه هموار کند و انگلستان سعی میکرد که موانع و مشکلاتی برای اجرای این نقشه فراهم سازد. دولت ایران نیز بی‌اطلاع از اوضاع سیاسی جهان آن روز به اتکاء قرارداد ۱۸۰۰ که با انگلیسها بسته بود، تمایلی به نظرات دولت فرانسه ابراز نمیکرد ولی بعد مجبور گردید که به فرانسویان توجه کند و بطوریکه بعداً "ذکر میشود از اتخاذ با این دولت هم نتیجه‌ای جز ضرر عاید ایران نگردید.

فتح‌علیشاه هنوز به کمک انگلیسها امیدوار بود، بنابراین به پیشنهاد ناپلئون توجهی نکرد و مجدداً از انگلیسها تقاضای کمک نمود. حکومت ایران در اینموقع از جریانات سیاسی اروپا بی‌خبر بود و نمیدانست که روسیه و انگلیس بر علیه فرانسه متحد شده‌اند و ممکن نیست انگلیس به دشمن روسیه یعنی ایران کمک کند.

فتح‌علیشاه چنانکه ذکر شد مجدداً از انگلیسها تقاضای کمک کرد و دولت انگلستان پاسخ داد که بشرط واگذاری جزیره لارک و بندر بوشهر حاضر به کمک خواهد بود. فتح‌علیشاه که قبول این پیشنهاد را بضرر دولت ایران میدانست این پیشنهاد را رد نمود و باید گفت اگر فتح‌علیشاه حاضر به قبول پیشنهادات دولت انگلستان هم میشد آن دولت کمکی بایران نمیکرد. زیرا همکاری با روسیه باعث از بین بردن رقیب خطرناکی مثل ناپلئون میشد ولی دوستی و همکاری با ایران، برای انگلستان در اینموقع هیچ نتیجه‌ای نداشت.

فتح‌علیشاه چون از طرف انگلیسها مایوس شد در جستجوی متحد دیگری بود که او را در این جنگ کمک نماید. در اینموقع که ناپلئون شهرت عظیمی در اروپا پیدا کرده بود و آوازه فتوحاتش بههمه جا رسیده قبلاً هم از فتح‌علیشاه تقاضای همکاری علیه انگلستان کرده بود نظر شاه ایران را جلب کرد. ناپلئون برای اجرای نقشه نهائی خود یعنی انحطاط انگلستان و فتح هندوستان در جستجوی متحدی بود که او را در این امر کمک و مساعدت نماید از طرف

دیگر دولت روسیه دشمن مشترک ایران و فرانسه بود و دولت ایران هم از کمک انگلستان مایوس شده بود، وجود این عوامل این دو دولت را بیکدیگر نزدیک کرد.

شاه ایران امیدوار بود که با کمک ناپلئون نه تنها شهرهای از دست رفته را پس بگیرد بلکه امید داشت که بغداد را نیز از چنگ ترکان عثمانی درآورد. فتحعلیشاه ضمن نامه‌ای به ناپلئون نوشت که روسیه دشمن مشترک ایران و فرانسه است انحطاط و اضمحلال او باید هدف هر دو کشور باشد باید فرانسه از یکطرف و ایران از طرف دیگر به این کشور حمله نمایند و کار او را بسازند.

ناپلئون برای حمله به هندوستان ابتدا با تزار پل امپراطور روسیه مذاکراتی بعمل آورده بود که ۳۵ هزار سرباز فرانسوی به آستراخان (هستراخان) بیایند و با سی و پنج هزار سرباز روسیه با اتفاق از راه هرات و قندهار به سوی هندوستان حرکت کنند ولی با قتل تزار این نقشه مورد اجرا قرار نگرفت و ناپلئون برای فتح هندوستان منوجه ایران گردید.

در اکتبر ۱۸۰۴ (۱۲۱۹) روسو (۱) یکی از عمال فرانسه در حلب به وزیر خارجه فرانسه نوشت که او بطور غیرمستقیم بدوست خود که شیخ الاسلام اصفهان است اطلاع داده که ناپلئون میل دارد با شاه ایران برای اجرای هدفهای خود رابطه برقرار کند و پیشنهاد کرده بود که ناپلئون سفیری برای مذاکره بدربار فتحعلیشاه اعزام دارد، شیخ الاسلام جواب داده است که چون فتحعلیشاه از انگلیسها بعلت عدم انجام تعهداتشان رضایتی ندارد حتماً اتحاد با فرانسه را خواهد پذیرفت.

اظهارنظرهای روسو به نظر ناپلئون رسید و او تالیران (۲) را مامور کرد که خلاصه مطالب مراسلات روسو و نظرات انگلیس و روسیه را نسبت به ایران جمع‌آوری کند و به او گزارش دهد و ژوبر را نیز به ایران فرستاد چون ژوبر برای انجام بعضی از ماموریتها در قسطنطنیه مجبور بود بماند سرهنگ رومیو را به تهران اعزام داشت تا از اوضاع ایران اطلاعاتی جمع‌آوری و گزارش کند.

کنسول انگلیس در حلب از منظور اعزام رومیو به ایران آگاه شد و باعث گردید که او را چهل روز توقیف نمایند و او بالاخره در اکتبر ۱۸۰۵ به تهران رسید رومیو نامه ناپلئون را به شاه ایران تقدیم کرده در این نامه ناپلئون درخصوص مزایای داشتن یک آرتش مجهز و قوی، اشاره کرده است و یادآور شده که فرانسه به کمک ایران خواهد آمد و روسها را از مناطق اشغالی بیرون خواهد کرد به شرط اینکه دولت ایران با فرانسه متحد شود و یکی از

بنادر خلیج فارس را در اختیار دولت فرانسه بگذارد. ولی رومیوفوت کرد و نتوانست ماموریت خود را انجام دهد.

انگلیسها نیز برای جلوگیری از نزدیک شدن فرانسه به ایران به اطلاع فتحعلیشاه رساندند که علت حمله روسها به ایران، تحریک فرانسویان بوده است در حالیکه خود باعث تجاوز روسها به ایران شده بودند تا ایران سرگرم آنها باشد و نتواند به ناپلئون در فتح هندوستان کمک کند.

ناپلئون پس از دریافت جواب موافق فتحعلیشاه Pserre Amedee Jaubert را به ایران اعزام داشت. ژوبر با اینکه با نام مستعار مسافرت میکرد در طرابوزان مامورین انگلیس او را شناختند و وسیله‌ای فراهم کردند که پاشای بایزید او را دسگیر و زندانی کند. دو نفر از همراهان او هم در این ماجرا کشته شدند. ژوبر مدت چند ماه زندانی بود تا بوسیله‌ای به اطلاع عباس میرزا ولیعهد رسانید که بعلت توطئه انگلیس‌ها زندانی شده است.

ولیعهد آزادی ژوبر را از حاجی یوسف پاشا حاکم ارز روم خواست و او را تهدید کرد که در صورت عدم اجرای تقاضای او کار به جنگ خواهد کشید. سفیر فرانسه پس از هشت ماه آزاد شد و به ایران آمد و در چمن سلطانی بحضور فتحعلیشاه رسید و نامه امپراطور فرانسه را به شاه ایران تقدیم کرد، مفاد نامه بدین مضمون بوده است که دولت فرانسه دشمن روسیه است در صورتیکه انگلستان با روسیه روابط دوستانه دارد و چون انگلیس‌ها از انجام تعهدات خود نسبت به ایران خودداری کرده‌اند ایران با فرانسه روابط دوستانه برقرار کند که نتیجه آن اخراج روس‌ها از کرجستان و نقاط اشغالی دیگر خواهد بود.

Jaubert به علت کسالت عازم فرانسه گردید و Joseph-Marie Jouannin و Auguste Bontems و Monsieur de la Blanche آمد و بعداً که وظایف نظامی داشتند به ایران آمدند. از طرف دولت ایران هم میرزا رضا قزوینی بعنوان سفارت به فرانسه اعزام گردید. در آوریل ۱۸۰۷ Bernard Maret از طرف دولت فرانسه در فینکن اشتاین با نماینده ایران میرزا رضا قزوینی قرارداد اتحاد ایران و فرانسه را امضاء کردند.

در پائیز سال ۱۸۰۷ سفیر ایران به همراه ژنرال Claude-Matthieu Gardane به تهران وارد شدند و قرارداد فینکن اشتاین (۱) به تصویب دولت ایران رسید.

ژنرال کاردان بعنوان نماینده تام‌الاختیار ناپلئون و برادر او Paul Ange Louis بعنوان دبیر اول سفارت فرانسه در ایران به حضور فتحعلیشاه معرفی گردیدند و شاه ایران قرارداد را تصویب کرد و طبق مراسمی لقب خانی به ژنرال کاردان اعطاء شد.

عباس میرزا نامه‌ای بوسیله یوسف آقا (نامرسان) برای امپراطور فرانسه فرستاد و درباره

اعزام میرزا محمد رضا برای ابلاغ مراتب دوستی و تحکیم روابط مطالبی نوشت سند (۱) سند شماره ۲ و ۳ عباس میرزا نامه‌ای نیز برای وزیر روابط خارجی فرانسه بوسیله حاجی حسین فرستاد و در خصوص استحکام روابط دوستی بین دو دولت و نتایج حاصله از روابط بین دو کشور نظرات خود را اعلام داشت (۲) (سند شماره ۴).

تبرستان
www.tabarestan.info

۱ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه جلد ۱۱ صفحه ۳۲۵.

۲ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه جلد ۱۱ صفحه ۳۳۵.

نامه عباس میرزا به ناپلئون امپراطور فرانسه

لالی سپاس و نیازی که به موافقت دل و زبان و متابعت حواس و ارکان و مشارکت باطن و ظاهر و معاضدت قول و خاطر بر رشته اذکار غیبی... و سلک او در لیل و نهار منعقد و مرتبط آمد سزاوار کبریا خداوند بنده نواز یگانه را... ز آشنا... موجود کعبه و دیر و موجد اقامت و سیر است مقدری که دست قدرت بیهتاش در مواد اضداد و صبوری با همه تباین و دوری چندان خاصیت اتحاد نهاده که از آمیزش آتش و آب و ازدواج باد و خاک خلقتی لطیف چون پیکر شریف انسانی سمت قوام پذیرد و از تفاعل کیفیات متخالفه و تقابل انفعالات مترادفه به احسن الوجوه سمت امتزاج و التیام گیرد و به تعلق نفس و بدن با غایت خلاف از اثر ائتلاف مسجود ملک و مقصود فلک گردد مدبری که اثر حکمت پنهانش چنانچه در اجتماع و اتفاق اضداد آثار نیک و نتایج نزدیک نهاده تباعد و افتراق انداد را نیز آثار حصول مقصود و مراد داده است نیرین اعظمین آفتاب و ماه رونق بخش این بلند خرگاه و ظهور نور و کمال ظهور در حالت جدائی و دوری این و آن و تباعد و تقابل مقام امکان است تعالی شانه و مبارک سلطانه و درود سبحان افلاک بر روان پاک رسل و انبیاء و خلفاء و اوصیاء که بتواتر ابلاغ و اخبار و توارد کتب و آثار کاشف پیوند اول و آخر و شارع مسلک باطن و ظاهر و مخبر ربط قدیم و جدید و مظهر فرق شقی و سعیداند علیهم الصلوه اجمعین و بعد هدایای دعائی که از بسط خاک بحمل مطایای افلاک بمنزل استجاب و موقف اجابت شتابد و اذکار ثنائی که در ادوار انجمن سروش موقع قبول و مورد تذکار یا نثار بساط پادشاه ذی جلال و کرامت و انجم سپاه خورشید سایه جمشید پایه دوست نواز، دشمن که از عدل اندوز ظلم سوز قایمه سیف سطوت و دلیری پنجه ساعد کشورستانی و ملک گیری نظام بخش مصالح ممالک امن ساز مسالک و خوف پرداز مهالک سلطان معظم مکرم فرمانفرمای ممالک فرانسیس (فرانسه) امپراطور اعظم دام ملکته و اقام خلافت ساخته مکشوف رای ملک آرا که گنجور عقود موافقت و دستور قواعد مصادقت و ترجمان اسرار دولتی و مفسر آثار یکجهتی است میدارد از آنجا که نوزاد گلشن مراودت متولد و رشحات اقلام و تواتر سبحت کتب طراوت پذیر و رونق گلزار و داد از ترجیع و تسجیع و صغیر طایران خوشالحن برید و صغیر است ضمیر محبت تخمیر تجدید و تکریر رسائل را که دلائل تمهید و تقریر منازم الفت است وسائل تشید قوایم محبت دانسته پیوند یکجهتی و مودت را به حبلمتین روابط رسل و سفرا پیوسته دارد و قبل از این که سفر نیکخو و برید نگر گوموسیو رومیو از آن سو بجستجوی مراسم الفت و گفتگوئی مقاصد صفوت نامزد

شده بود بعد از پیوند سلک اتفاق و ائتلاف و قبل از رخصت رجوع و انصراف رشته عمرش بمقطع اجل بریده رخت حیات بر مرجع وفات کشید مصحوب ترجمانی که با او همراه و از مطاوی حالات و فخاری مکالمات دوستی آیات آگاه بوده به ارسال نامه یکجتهی ختامه پرداخته تاسیس مبانی خلت و موالات را رسیس ساخت بعد از رجوع او عالیجاه رفیع جایگاه و سعادت اکتناه اخلاص و ارادت آگاه سلاله النجباء میرزا محمدرضا نیز بجهت ابلاغ مقاصد مواحدت بادراک سعادت حضور به امپراطور از این جانب مامور گشت و در هنگامی که رسول بی نظیر و سفیر ساقراالتقریر موسیو ژوبر که سابقاً "از طرف قرین الشرف به تمهید قواعد موافقت مامور و به علن موانع سلوک و عبور یک چند وصول او بدین ثغور قرین تاخیر و بعد از ورود بدین حدود علیم و خبیر از قلیل و کثیر مقاصد و مکنونات ضمیر مصادقت تخمیر این نیازمند درگاه خداوند قدیر گردیده بود رخصت انصراف می یافت نیز در طی نامه محبت آمیز اقتضای خاطر مهرانگیز مراسم و مودت و وفاق ممهد و منظم الفت و اتفاق مجدد افتاد نظر به صعوبت مسالک عبور و امتداد مسافت مابین این حدود و آن ثغور گمان میرفت که هرگز سفرای مذکور بدریافت وصول حضرت پادشاهی نرسیده کماهی مضامین مکاتیب و مراسیل مشهود رای یکجتهی اقتضا نگردیده مکنونات ضمیر مودت تاثیر تا اکنون مستور و مقاصد دوستی و مراتب یکجتهی فاقد صورت شهود و ظهور باشد لهذا در این اوان سعادت اندوز که فرستاده عالیجاه رفیع جایگاه عزت و شہامت همراه عمده الاکابر موسیو روس نیک مامور به اولیای این دولت جهان افروز از ظهور و بروز فتوحات لشکر خصم سوز آن پادشاه فیروز اشارت و خاطر دوستی امارت را قرین هزارگونه مسرت و بشارت داشت باقتضای رای یکجتهی آرا عالیشان عزت و سعادت نشان عمده الاعیان یوسف آقا را به چاپاری روانه و این نامه محبانه خاص تجدید عهد محبت حاکی تشیید رسوم مودت نوشته آمد مراد خاطر مصادقت نهاد از تاسیس بنیان و داد و ترسیس بنیاد اتحاد آن است که پیوند و فاق و اتفاق که سلک خلود و دوام دولتین از اوتار آن چون سنگ ضخره بهم پیوسته خواهد بود پیوسته تامین این دو شوکت قاهر بسته و تار افکار دشمنان و شیشه اندیشه خصمان گسسته و درهم شکسته باشد و مامول ضمیر محبت تخمیر چنان که بعد از وصول نامه و رسول و اطلاع بر فصول مضمرات و مقاصد که اصول و فروغ حصول مرام دو جانب و اکمام ازهار اقسام مارب و مطالب است شرایط ضوابط موافقت و مصادقت را بیش از اوقات گذشته رعایت و کفایت ملزومات و مقتضیات دوستی را منظور نظر مهر آیت سازند و پیوسته از ورود رسل و صدور رسایل و نیز به طریق و مسیل مصادر و موارد صدق و محبت بردارند امید از تائیدات کردگار جاوید آنکه هواخواهان آن دوست بی زوال را همواره اشتعال آتش قتال و جدال دشمنان نمودار گلزار خلیل و کینه جویان آن پادشاه ... را از بحر آمال حاصل قبطیان از رود نیل چاکران صمیمیش اگر صفت عظام رمیم گیرند از انفاس روح پیروز

اقبالش چون مرغ عیسی در اوج قدرت بال گستر و دشمن غدراندیش اگر بسان بدر صدرنشین
فلک منزلت و قدر آید از اثر تبغ هلال میانش بمثابه قمر از سیابه احمدی دو پیکر اشهب
مرامش در مضمار حصول سبک خیز و ساغر کامش از شراب ادراک مامول لبریز باد. ایام سلطنت
و حکمرانی و دوام خلافت و جهانبانی پیوسته بر وفق مراد باد. (۱)

تبرستان
www.tabarestan.info

نامه عباس میرزا به وزیر روابط خارجی فرانسه سند شماره (۴)

جنابان و بابت شکایات و منازعات و مسائل و کتب نظامی و روح امور و جمهور مدبر و امام الامم و حیل القدر و الی غیر ذلک و منظم الامر بالنصل و الاول و

حدود الاستطین را بطه نصد مصافات و لیتن جاوی شکایات و منازعات و مسائل و کتب نظامی و روح امور و جمهور مدبر و امام الامم و حیل القدر و الی غیر ذلک و منظم الامر بالنصل و الاول و

که الحمد تعالی از انانیت ستمانی و تانک ستمانی وین اهل التیم سالوات شکر و ستیام میاید و دوزولت جاوید فرجام ایران و دونه نظام شاد و

امن و امان از اثر نور افشان مطابقت و لا بر ساحه کلتن و هنی الار با تاهت و درین اوقات نیز که ساعات ادراکان محل نزول بود و چون بکمال صنایع

کلیک شرایط معالمت و لیتن منظور ششم روز بروز آثار مطابقت و لا بر شیر ظاهر و جلوه کرده و خواهد و غریب ازین حسن و فاق و دستان

مخصوص النج و دشمنان و دوشوک متعوض النج خواهند کرد و بد و چند پدای دشمن فتنه جو در سرطت کلتن باقی نخواهد ماند و چون محض خط و داد و فاحشه کاد

در عایشه طمعالت نفع و ضرر و لیتن را بعد از یکدیگر نسیخته کار هر یک ازین دوشوک را کار آن که میبایم و سینه سزاوارت باید و لب نیز که غریب ازین

و احسن بت با تضر و ده اند محنت کار را بر رجال دولت و ائمه القدر ظاهر و انکار شسته و انجای باقی نگذاشته اند و اولیا انخست جاوید زبیر ظاهر است

که بطریق کار پر و داران بشوکت شرایط و فاق را امر می خواهند و بد و جدید مع خواهند نمود که شیران طین از کار و کردار این شخص بود و جام

بر و فو صلاح و شوکت غریب انجام کرده و چون طینان زنده الاث و الافران حاجی حسن امور بکنند و دود و ادعی انانیت نیز خواهند آمد و

نامه عباس میرزا به وزیر روابط خارجی فرانسه

جناب جلالت و بنالت وشهامت نصاب فخامت و مناعت انتساب عزت و معالی اکتساب نظام بخش امور رواج آموز جمهور مد بر مهام الامم جلیل القدر جمیل الشیم زکی الاصل منظم الامور بالفصل والواصل، واسطه عقد موالات سلطنتین رابطه ضد مضافات دولتین حاوی ملکات انسانی متمم کمالات نفسانی بلند قدر و روزیر مکرّم مشیر مفخم صدراعظم با احتشام رابعدا زابلاغ دعوت مشفقانه عزایها میدارد که الحمد لله تعالی از تالیفات آسمانی و تأییدات سبحانی و یمن باطن - التیام سالهاست تا رشته دوستی و التیام میانه دو دولت جاوید فرجام ایران و فرانسه انتظام یافته و انوار امن از نیز نورافشان مطابقت و ولا بر ساحت مملکتین و استی الارجا تافته است و درین اوقات نیز که ساحات آذربایجان محل نزول ما بوده چون باکمال صفای نیت و ضمیر کامیج شرایط معاملت دولتین منظور گشته روز بروز آثار مطابقت و ولایت بیشتر از پیشتر ظاهر و جلوه گر شده و خواهد شد عنقریب ازین حس وفاق دوستان دو دولت مخصوص النجاح و دشمنان دوشوکت مقصوص الجناح خواهند گردید و رخنه برای دشمن فتنه جو در سرحدات مملکتین باقی نخواهد ماند و چون مامحض حفظ و داد و ملاحظه اتحاد و رعایت شرط معاملت نفع و ضرر دولتین را جدا از یکدیگر ندانسته کار هر یک ازین دوشوکت را کار آن دیگر میدانیم و البته سفراء متوالیه این دولت نیز که عزیمت بآنحدود نموده و از حسن نیت ما مستحضر بوده اند حقیقت کار را بر رجال دولت و دائمه القرار ظاهر و آشکار داشته و ابهامی باقی نگذاشته اند و اولیاء آنحضرت جا و یدنبنا ظاهر است که بطریق کارپردازان این شوکت شرایط وفاق را مرعی خواهند داشت و جهد بلیغ خواهند نمود که مشیران سلطنتین ازکار و کردار جانبین مستحضر بوده مهام دو دولت بر وفق صلاح دو مملکت و قرین انجام گردد و چون عالیشان زبده الاماثل والاقران حاجی حسین مامور بآنحدود بود و داعی التفات عنانکش خامه محبت آمد . سند شماره ۴

والسلام خیر ختام (۱)

عهدنامه اتحاد بین اعلیحضرتین ناپلئون و فتحعلیشاه تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ مطابق (۲۵ صفر ۱۲۲۲)

(اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا و پادشاه ایران برای تحکیم روابط دوستانه و عقد معاهده اتحاد اشخاص زیر را نامزد مینمایند :

از طرف اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا آقای هوک برنارمار (۱) وزیر مملکتی و حامل حمایل لژیون دونور و دارای نشان سن هوبر (۲) از مملکت باویر و نشان وفا از مملکت باد (۳) :

از طرف پادشاه ایران عالی جناب فخامت نصاب میرزا محمد رضا خان سفیر فوق العاده و بیگلربیگی و وزیر شاهزاده محمد علی میرزا و ایشان بعد از ارائه و مبادله اعتبارنامه های خود در باب مواد ذیل توافق حاصل کردند .

ماده اول - بین اعلیحضرتین امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت پادشاه ایران صلح و دوستی اتحاد دائمی برقرار خواهد بود .

ماده دوم - اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا استقلال ممالک حاضره اعلیحضرت پادشاه ایران را حمایت مینماید .

ماده سوم - اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا گرجستان را حقا " متعلق به اعلیحضرت پادشاه ایران میدانند .

ماده چهارم - اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا متعهد میشود که تمامی مساعی خود را در مجبور ساختن روسها به تخلیه گرجستان و خاک ایران صرف نمایند و برای این نتیجه در بستن عهدنامه صلح مداخله کنند و تخلیه این اراضی همه وقت منظور سیاست و پیشنهاد نظر عنایت او خواهد بود .

ماده پنجم - اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا در دربار ایران یک نفر سفیر فوق العاده و چند نفر منشی سفارتخانه نگاه خواهد داشت .

ماده ششم - چون اعلیحضرت پادشاه ایران مایل است که پیاده نظام و توپخانه و استحکامات

۱- Hugues-Bernard Maret

۲- Saint-Hubert

۳- باد : ناحیه ایست در آلمان که کنار رودخانه رن واقع شده

خود را برطبق اصول اروپائی منظم نماید اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا متعهد میشود که توپهای صحرائی و تفنگها و سرنیزه‌هایی را که اعلیحضرت پادشاه ایران لازم دارد برای اوتدارک نماید و قیمت این اسلحه مطابق ارزش آنها در اروپا محسوب خواهد شد.

ماده هفتم - اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا برعهده میگیرند که هر اندازه صاحب منصب توپخانه و مهندس و پیاده نظام که اعلیحضرت پادشاه ایران وجود آنها را برای تحکیم قلاع و تنظیم توپخانه و پیاده نظام ایران برطبق اصول فنی نظام اروپائی لازم بشمارد در تحت اختیار او بگذارد.

ماده هشتم - اعلیحضرت پادشاه ایران هم از طرف خود متعهد میشود که جمیع روابط سیاسی و تجارتی را با انگلیس قطع نموده بدولت مشاورالیها فوراً اعلان جنگ دهد و با وبدون فوت فرصت خصمانه رفتار کند بنابراین اعلیحضرت پادشاه ایران قبول میکند که وزیر مختاری را که به بمئی فرستاده احضار نماید و قونسولها و نمایندگان و سایر عمال کمپانی انگلیسی مقیم ایران و بنادر خلیج فارس را فوراً از محل‌های خود خارج سازد و تمام مال التجاره‌های انگلیسی را ضبط کرده در قطع هرنوع ارتباط با انگلیسی‌ها چه در خشکی و چه در دریا بمالک خود حکم اگید صادر نماید و از قبول هر وزیر مختار یا سفیر یا عاملی که در ضمن جنگ از طرف این دولت بیاید استنکاف ورزد.

ماده نهم - در هر جنگی که انگلیس و روسیه برضد ایران و فرانسه متحد شوند فرانسه و ایران هم به همین وضع برضد آن دو دولت اتحاد خواهند کرد و همینکه آن طرفی از متعاهدین که مورد تهدید یا حمله واقع شده رسماً "مراتب را باطلاع دیگری رسانید، متحداً" برضد دشمن مشترک بجنگ قیام خواهند نمود و از آن پس در باب هرنوع روابط سیاسی و تجارتی بر طبق مقررات ماده قبل رفتار خواهد شد.

ماده دهم - اعلیحضرت پادشاه ایران تمام نفوذ خود را بکار خواهد برد تا افاعنه و سکنه دیگر قندها را با قشون خود برضد انگلیس متحد سازد و پس از آنکه راهی به مساکن ایشان باز کرد لشکر برضد متصرفات انگلیس در هند بفرستد.

ماده یازدهم - در صورتی که از قوای بحری فرانسه یک دسته جهازات بخلیج فارس و بنادر متعلق به اعلیحضرت پادشاه ایران بیاید اعلیحضرت پادشاه ایران تمام وسائل و تسهیلات لازمه را که محتاج الیه باشد فراهم خواهد نمود.

ماده دوازدهم - اگر اراده اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا برای حمله به متصرفات انگلیس در هند بفرستادن قشون از راه خشکی قرار گیرد، اعلیحضرت پادشاه ایران از آنجا که متحد صمیمی و وفادار اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا است بایشان راه عبور از مملکت خود خواهد داد، اگر این مسئله عملی شد دولتین قبلاً "قرارداد مخصوصی

خواهند بست و راهی را که قشون باید اختیار نماید و مایحتاج و وسایل حمل و نقل که برای ایشان لازم میشود و قوای کمکی را که اعلیحضرت پادشاه ایران میتواند همراه کند در آن تعیین خواهند کرد.

ماده سیزدهم — هرچه از لوازم و مایحتاج در ایران به لشکریان بری و قوای بحری داده شود در تعقیب مواد سابق این معاهده بقیمتی که در مملکت فرانسه باهالی واکذار و محسوب میشود بحساب آورده خواهد شد.

ماده چهاردهم — مقررات ماده دوازدهم مذکور در فوق فقط شامل فرانسه است بنابراین حقوق مذکور نباید با انعقاد معاهدات دیگر بانگلیس یا روس واکذار شود.
ماده پانزدهم — برای استفاده طرفین یک معاهده تجارتی نیز در طهران منعقد خواهد گردید.

ماده شانزدهم — این معاهده بعد از چهار ماه از تاریخ امروز در طهران بامضاء و تصویب خواهد رسید.

در اردوی امپراطوری در فینکن اشتاین بتاریخ چهارم ماه مه ۱۸۵۷ (مطابق ۲۵ صفر ۱۲۳۲ منعقد و امضاء گردید:

محل امضاء هوک برنار ماره محل امضاء سفیر ایران

(وزیر روابط خارجه) (۱)

ش. م. تالی ران

بنابر مفاد قرارداد فین‌کین‌اشتاين ايران متعهد گرديد که با انگلستان قطع رابطه کند و اگر انگلستان با روسيه بر ضد فرانسه متحد شود دولت ايران با فرانسه همکاري نماید و قشون ايران با قشون فرانسه در فتح هندوستان ياري کند و بالاخره بنادر خليج فارس بروي کشتي‌هاي فرانسه باز باشد .

ناپلئون در عوض حق ايران را بر گرجستان مي‌شناسد و جديت لازم را براي تخليه گرجستان از طرف قواي روسيه خواهد کرد و قشون ايران را با اعزام افسران فرانسوي به سبک اروپائي مجهز خواهد نمود (۱) .

ناپلئون پس از عقد قرارداد ، ژنرال گاردان را بر سرپرستي هيئتي با صدور دستورات لازم - به ايران فرستاد :

مفاد دستورات ناپلئون که در بايگاني وزارت خارجه فرانسه ضبط است بشرح زير مي‌باشد .
(آقای سرتيب گاردان بايد هرچه زودتر با ايران برسد و بعد از يکماه يکي از افسراني را که همراه او هستند به فرانسه بفرستد تمام مراسلات که بعنوان وزير روابط خارجه و سرتيب سبستاني است هر قدر هم بي اهميت باشد بايد برمز نوشته شود

در نوشتن راپورتها اين نکته را بايد رعايت کرد که در خصوص ايران هيچ نوع اطلاعات صحيحي در دست نيست و شناختن اين سرزمين لازم است ، تحقيق در وضع جغرافيايي و سواحل و جمعيت و وضع مالي و نظامي از وظيفات اوليه ژنرال گاردان است او بايد در گزارشهاي خود به تفصيل در اين خصوص بحث کند .

دولت ايران روس را دشمن حقيقي خود ميداند ، چه روسها گرجستان را تصرف کرده و ايالات شمالي ايران را تهديد مينمايند . آقای سرتيب گاردان بايد تمام اين خصوصتها و دشمني‌ها را بياد ايرانيها بياورد و آتش دشمني بين آنها را دامن زند و مردم ايران را به قيام بر عليه روسها تحريک کند .

آقای سرتيب گاردان بايد به ايرانيها عمليات نظامي بياموزد و در اين کار با شاهزاده عباس ميرزا همکاري و کمک نمايد . دولت ايران بايد بسرحدات روسيه تعرض کند و در اين موقع که روسها در اروپا مشغول هستند و قواي قفقاز ضعيف است از موقعيت استفاده کرده ولاياتي را که روسها

گرفته‌اند پس بگیرد .

وضع روسها در گرجستان مستحکم نیست و مردم آن هنوز ایام تسلط ایرانیان را با حسرت یاد میکنند و علاوه بر این رشته کوههایی که سرحد طبیعی ایران از سمت شمال است در شمال گرجستان واقع شده دولت ایران نباید اجازه دهد که دولت روسیه بر معا بر این کوهها دست یابد . . . ایران امروز ما بین روسیه و متصرفات انگلیس در فشار است هر قدر دامنه این متصرفات وسیع تر و محدود ایران نزدیک تر شود باید دولت ایران بیشتر نگران گردد و اگر امروز در فکر جلوگیری نباشد و مزاحم انگلیسها نشود و به فرانسویها بر علیه انگلستان کمک نکنند روزی میرسد که ایران نیز مثل هندوستان جزو ایالات متصرفی انگلیس خواهد شد . ایران از دو جهت مورد توجه فرانسه میباشد ، یکی اینکه ایران دشمن روسیه میباشد دیگر آنکه محل عبور قشون فرانسه به هندوستان است و برای همین دو موضوع عده زیادی افسر مهندس و توپخانه همراه سرتیب گاردان باید فرستاده شود .

این افسران برای این فرستاده میشوند که قوای ایران را در مقابل روسها قوی تر و وحشتناک تر کنند ، اعضاء هیئت موظف هستند موانع اردو کشی به هندوستان را تعیین نمایند و تحقیقات کافی درباره وضع راههای ایران بکنند و راهی را که باید برای حمله به هندوستان استفاده کرد مشخص نمایند .

اگر قشون فرانسه بخواهد از راه جلب وارد ایران شود با رضایت باب عالی به بندر اسکندرون پیاده شوند و اگر راه دریائی جنوب افریقا را انتخاب کند باید در مدخل خلیج فارس پیاده شود و راهی که تا هندوستان باید به پیماید مشخص شود و مشکلات آن معین گردد و تحقیق کند که آیا میشود در این راهها توپخانه حمل کرد یا نه .

اگر راه دوم انتخاب شود باید بنادری که برای پیاده کردن قشون مناسب است معلوم گردد و ضمناً مشخص شود که در کدام بندر میتوان با پرداخت پول آذوقه تهیه نمود .

این هیئت باید از بنادر ایران چه در خلیج فارس و چه در بحر خزر نقشه برداری کنند و اطلاعات کافی در خصوص بنادر تهیه نموده بفرانسه بفرستند .

ماموریت گاردان پس از انجام این دستورات خاتمه پیدا نمیکند بلکه باید دشخما " با قبیله ماهراتا تماس بگیرد و اطلاع حاصل کند که در صورت حمله به هندوستان چه کمک‌هایی ممکن است در آن سرزمین بما بشود .

در خاتمه ژنرال گاردان نباید فراموش کند که منظور اساسی ما اتحاد بین فرانسه و باب عالی و ایران و باز کردن راهی به هندوستان و پیدا کردن متحدینی بر علیه روسیه میباشد . و اگر برای اجرای قسمت اخیر امکان داشت که حدود مغولستان دست اندازی شود بسیار خوب بود

چهار این صورت روسیه مشغول حفاظت سرحدات خود میگردد و ما زودتر به نتیجه میرسیم
(۱) ناپلئون

تبرستان
www.tabarestan.info

در پائیز سال ۱۸۰۷ سفیر ایران به همراه ژنرال Claude Matthieu Gardane به تهران وارد شدند و قرارداد فین‌کن‌اشناین به تصویب دولت ایران رسید.

ژنرال گاردان بعنوان نماینده تام‌الاختیار ناپلئون و برادر او Paule Ange Louis بعنوان دبیر اول سفارت فرانسه در ایران به حضور فتحعلشاه معرفی گردیدند و شاه ایران قرارداد را تصویب کرد و طبق مراسمی لقب خانی به ژنرال گاردان اعطا شد.

میرزا شفیع وزیر خارجه ایران نیز قراردادی با ژنرال گاردان در خصوص خرید اسلحه و مال‌التجاره‌های مورد احتیاج ایران منعقد کرد. طبق این قرارداد مقرر گردید که دولت فرانسه تعداد بیست هزار تفنگ در بندر بوشهر به نمایندگان ایران تحویل نماید، قیمت این تفنگ‌ها نیز شش صد هزار فرانک (سی هزار تومان) تعیین گردید و اگر دولت ایران مایل باشد میتواند در مقابل قسمتی از پول تفنگ‌ها گاو و گوسفند و آرد و برنج تحویل نماید.

ضمناً "قرارداد که دولت فرانسه تعدادی کارگر فنی، بافنده، چاپچی، شیشه‌ساز، سازندگان کریستال، ساعت‌ساز، گراورساز، جواهرساز، چینی‌ساز، نجار، سنگ‌تراش و چند نفر نقاش و مهندس معدن به ایران اعزام دارد (۱)

بین میرزا شفیع با حضور ژنرال گاردان و سایر فرانسویها توافق بعمل آمد که پس از اینکه راه آمدن قشون فرانسه و تعداد آنها به نظر شاه ایران رسید و موافقت فرمودند افراد اعزامی از روسها و سایر ملت‌ها نباشد فقط از سربازان فرانسه و ایتالیا فرستاده شود که با همراهی قشون ایران برنامه تصرف هندوستان عملی گردد. ضمناً "از طرف اولیاء امور پیشنهادی به ژنرال گاردان شده است که اگر دولت فرانسه بخواهد هدایایی به سران ایران بدهد از چه قبیل باشد (انگشتر - ساعت - طپانچه - تفنگ).

(در حضور عالی‌جناب رفیع‌الیاگاه عمده‌الخوانین جنرال گردان و سرکردگان فرانسویس مکالمه و گفتگو شده که هرگاه رای مبارک حضرت سکندر مرتبت پادشاه ذی‌جاه فلک بارگاه فرانسه قرار بگیرد که برای امنای دولت ایران از روی لطف و مرحمت نشانه بفرستند از این قرار بوده باشد. دوات قلمدان، انگشتر به‌روضعی که خود صلاح بدانند قوتی که صورت مبارک پادشاه در آنجا باشد تفنگ عمل استادان ساعت مخصوصی که خود صلاح بدانند طپانچه مخصوص فرانسویس

برای سرکردگان خاص

چون در عهدنامه‌ها قرار شده بود که هرگاه برای تسخیر هندوستان از راه خشکی پادشاه فلک بارگاه فرانسه در معبر ایران قشون تعیین بفرمایند بعد از اینکه قدر و مقدار سپاه معروض رای آفتاب ضیای اعلیحضرت پادشاهی بشود و راه را مشخص فرمودند، برای انضباط شوارع و معابر و تهیه تدارکات ضروری که خود بقیمت خریداری نمایند، و آمدن قشون را از کدام راه و بچه وضع ماذون فرمودند میباید مشروط باین شرط و عهد بوده باشد که از قشون روسو سایر ملت‌ها احدی داخل نشده هرچه قرارداد میشود که بیایند همان قشون فرانسه و ایتالیا باشد که همراه لشکر ایرانی تا بفضل الهی آنچه خاطرخواه طرفین است بعمل آید (۱) .

تخریفات اوایل شهر جمادی ثانی ۱۲۲۳

محل مهر اصف جای

پس از اینکه سیسیانف به قتل رسید تزار مارشال گودویچ (۲) را مأمور تعقیب عملیات او کرد عباس‌میرزا نیز با قشون جدیدی که تحت نظر افسران فرانسوی مجهز و آماده شده بود برای مبارزه در مقابل حملات روسیه عازم سرحدات ایران گردید .

۳- گودویچ که میخواست بدون جنگ و دادن تلفات نقشه‌های خود را عملی کند و بدینوسیله قسمتی از خاک ایران را ضمیمه قلمرو روسیه بنماید نامهای به عباس میرزا نوشت و بعنوان خیر-خواهی پیشنهاد کرد که صلاح است دولت ایران قسمتی از خاک خود را بدون جنگ و قتل و غارت به روسیه واگذار کند و مجاری رودخانه‌های کورا و آرس و آراچای را سرحد طبیعی دو کشور بم-شناسد .

ترجمه نامه مارشال گودویچ به عباس میرزا

من برای آخرین دفعه به حضرت اشرف اعلام میکنم که دولت بلندپایه روسیه نمی تواند پیشنهادهای صلح را بپذیرد مگر تحت شرایط و ضوابطی که من قبلاً "به دولت ایران پیشنهاد کرده ام و آن پذیرفتن مجاری رودخانه های کورا ارس و آریاچای بعنوان حدود مرزها میباشد و بدون دادن هیچگونه مهلت عهدنامه در این خصوص باید امضاء شود .
نامه شما بوسیله فتح علیخان نوری رسید که حاوی مطالبی در خصوص مرزهای کشور شما و ادعاهای ایران در این باب بود .

تمام نقاطی را که شما ادعا میکنید و امروز تحت تسلط روسیه است قسمت عمده را قشون ما به قدرت شمشیر گرفته و بقیه باکمال میل تحت اطاعت مادرآمده اند از طرف دیگر هیچوقت این ولایات کاملاً "و قطعاً" مربوط به ایران نبوده است .

و از طرف دیگر دولت ما بوسیله قشون خود این موقعیت را بدست آورده است و حال هم دولت روسیه به علت قدرت فوق العاده ای که دارد حق دارد دعاوی بیشتری داشته باشد .
اعلیحضرت امپراطور سرور من تمایلات زیادی به حسن روابط با همسایگان دارند و دولت ایران نیز یکی از آنها میباشد .

با توجه به احساسات عدالت خواهی ، امپراطور حاضر به عقد قراردادی است که از طرف دولت ایران تقاضا شده و به ایران آرامش کامل خواهد داد .

برای من مشکلاتی در خصوص مرزها وجود دارد زیرا تمام ایالات گیلان قبلاً "بوسیله پطر- کبیر اشغال شده بوده است اما سرور من نظر به وضع فعلی ایران فقط به پیشنهاداتی که در خصوص سرحدات کرده است قناعت میکند که به جنابعالی اعلام شده و باید بدون هیچ تغییری در متن قرارداد باشد . دعاوی ایران در باب نواحی مجاور که امروز تحت تسلط امپراطور روسیه قرار دارد بی مورد است به خصوص با وضع خطرناکی که امروز ایران دارد باعث تعجب من گردید و این دور از شرط دوستی است و به منزله اعلام شروع جنگ است .

دولت ایران بایستی به قدرت نظامی روسیه توجه داشته باشد و به بهره های که در نتیجه ادامه جنگ نصیب آرتش روسیه خواهد شد فکر کند .

من به عالی جناب اعلام میکنم با وضعی که ایران دارد این پیشنهادات بسیار قابل توجه و باارزش است ما اطلاع داریم که قسمتی از قوای شما در مبارزه با انگلیس ها هستند که به سواحل خلیج فارس حمله میکنند همچنین پاشای بغداد نیز به طرفداری از انگلیس ها دشمنی خود را

با ایرانیان ابراز داشته است .

حال که ایران چنین وضعیتی دارد آیا موقع آن است که بر تعداد دشمنان خود بیفزاید و با ادعاهای خود کینه حکومت با قدرتی مثل روسیه را بر علیه خود برانگیزد .
من به عالی جناب اظهار میکنم که امپراطور بعلت احساسات انسانی وعادلانه نمی خواهد از موقعیت اسفناک ایران استفاده کند گرچه دارای قدرتی است که کسی نمی تواند در مقابل آن مقاومت کند .

شرایطی را که من پیشنهاد کرده ام و عالی جناب میدانند که به نفع کامل ایران است بدون تاخیر و مهلت تصویب آنرا خواستار است .

من تصور میکنم که حکومت روسیه که دارای قدرت و عظمت است باید کشورهایی را که ارتش او بعد از سالهای زیاد بدست آورده حفظ کند . و من بهیچوجه تصور نمیکنم که ادعاهای ایران در خصوص قسمتهائی که در اختیار ما است اساسی باشد برای آخرین دفعه اعلام میکنم که پیشنهاداتی که توصیه شده و به نفع ایران است رد نکنید و همچنین موقعیتی که شما را وارث تخت و تاج خواهد کرد .

دوستی صادقانه که من نسبت به شما و شاه ایران دارم مرا وادار کرده است که این مطالب را بنویسم آرامش امپراطوری ایران که یک روزی شما بر آن حکومت خواهید کرد بدست نخواهد آمد مگر در نتیجه صلح با یک دولت قوی مثل روسیه (۱) سند شماره (۵)

۱۸۵۵. Sept. ۱۴

نامہ مارشال گودویچ بہ شاہزادہ عباس میرزا - سند شمارہ (۵)

Duplicata

N. B.

On n'a pu se procurer de nouveau l'original original déposé par S. A. B. dans l'indignation que lui cause cette lettre. Il a été également impossible de ravoir la copie qui en avait été faite à Téhéran. Cette copie n'est restée entre les mains du fougipour que le temps nécessaire pour transcrire les articles de la dite pièce qui ne sont pas consignés dans ce qu'écrivait le comte Goudovitch à S. A. B. Mirza Asafy et Mirza Asghar.

le 22 octobre 1855.

تبرستان

www.tabarestan.info



Extradiction de la fin d'une lettre
du Maréchal Goudovitch au Prince
Abbas Mirza écrite en date du
2 septembre style russe (14 septembre)
arrivée ici le 11 octobre 1855.

Le commencement de cette lettre est par :

« parfaitement conforme aux trois premiers alinéas de la
pièce adressée à Mirza Asghar et le texte n'est altéré
qu'à ces mots : « Sa Majesté est surtout bien éloignée
de vouloir rien changer aux conditions, les quels
ont été remplacés par ce qui suit : »

« Je expose pour la dernière fois
à V. A. B. que le sublime Gouvernement de Russie
ne peut adhérer à la conclusion définitive de la
paix que sous les bases que j'ai antérieurement signi-
fiées à la Persa, savoir que la démarcation des li-
mites pour le cours des fleuves Khou, Arax et Arpa »

, Téhéran

" tel sera constaté et qu'on signera des deux parts
 " le traité sans aucune espèce de délai. Quant par
 " l'amour du bien qui m'anime et dont j'ai donné plus
 " d'une preuve à V. M. je ne lui cacherais point mon
 " opinion sur cette matière, et en raison de la parfaite
 " considération que j'ai pour elle, je la lui en
 " ferais présentement avec toute la sincérité possible.
 " La lettre de V. A. D. qui nous fut remise par l'attaché
 " Vous nous rappelait ce qui formait anciennement
 " les frontières de votre Empire et nous donnait à en
 " rendre les prétentions de la Perse à cet égard - de
 " toutes les contrées auxquelles vous prétendez et qui
 " sont aujourd'hui sous la domination de S. M. l'Emp.
 " perse de Russie mon auguste Souverain, la plus
 " grande partie a été soumise par nos armes victorieuses,
 " et le reste s'est rangé de plein gré sous notre
 " obéissance. Et si d'un côté ces provinces n'ont jamais
 " été originellement et totalement dépendantes de
 " Perse, de l'autre, la grandeur et le pouvoir supérieurs
 " que le Gouvernement russe s'est acquis par la force
 " de ses armées et par de vastes conquêtes lui donnent

56

« D'envoyer des présentations encore plus fortes au
 « vant les confins qu'il lui plaît de se donner. Enfin
 « S.M. l'Empereur, mon maître, mettant ses augustes
 « vœux dans la bonne intelligence qu'il désire avoir
 « avec ses voisins, et comprenant la Cour de Pése dans
 « ce nombre, en a écoutant que les sentiments de sa justice
 « et de sa grandeur, veut bien conclure la paix qui lui
 « a été demandée par la Cour de Pése et lui rendre
 « tout à fait la tranquillité. Je pourrais répondre à V.M.
 « sur les objections qu'elle me fait relativement aux fron-
 « tières, que toute la province du Quilan avait été
 « conquise par S.M. feu l'Empereur Pierre le Grand; mais
 « mon auguste souverain, vu la position actuelle de
 « la Pése, et surtout en égard à son équité s'est uni-
 « quement borné aux propositions qu'il manifeste aujour-
 « d'hui, les quelles j'ai énoncées à V.M. et qui doivent
 « irrévocablement servir de base au traité. Mais les
 « prétentions qu'avance la Pése sur les contrées limi-
 « trophes aujourd'hui au pouvoir de S.M. l'Empereur
 « de Russie sont tout à fait déplacées, surtout dans la
 « situation critique où elle se trouve maintenant, et

« je ne puis m'empêcher d'en marquer mon étonnement
 « parqu'elles s'éloignent de ce qu'exige l'amitié et j'
 « dirai bien plus, qu'on peut les regarder comme une
 « déclaration ouverte de guerre. Alors il faudrait voir
 « que la Cour de Persie surpassât en puissance les armées
 « belliqueuses de la Russie et comptât un plus grand
 « nombre de conquêtes qu'elle. En réfléchissant sur le point
 « et sur les avantages que le Gouvernement russe retirerait
 « de la prolongation de la guerre, j'en pose encore à
 « M. A. à que surtout dans l'état actuel de décadence
 « se trouve la Persie ces avantages seraient bien plus
 « considérables. Nous sommes informés que plusieurs personnes
 « les puissances du Chef de votre Empire sont en mesure
 « que les Anglais attaquent les côtes du Golfe persique
 « et que le Pacha de Bagdad tournant aussi du côté
 « l'Angleterre s'est déclaré l'ennemi des Perses. Puis
 « la Cour de Persie se trouve dans une situation si
 « critique, est-ce le moment de songer à augmenter le
 « nombre de ses ennemis, et de vouloir par d'orgueilleuses
 « prétentions, attirer la haine d'un Gouvernement
 « aussi redoutable que celui de Russie? — Mais plutôt

تبرستان

57

« ne perdant pas de vue ses véritables intérêts, j'annon-
 « ce à V. A. S. que mon auguste Empereur, en
 « raison de ses sentiments de justice et d'humanité
 « ne veut point profiter du triste état de votre Cour,
 « Quoiqu'il ait une puissance à la quelle rien ne peut
 « résister, il vous réitère les propositions que j'ai com-
 « muniquées et que V. A. S. sait bien être à l'entière
 « avantage de la Perse, elles se bornent à la ratifica-
 « tion du traité sans aucun délai ni retard.

« Enfin comme je connais toute l'étin-
 « due de la sagesse et la profondeur du Génie de V. A. S.
 « abandonnant entièrement cette matière à sa réflexion
 « pénétrante, je pense que la Cour de Russie, parvenue
 « au degré de puissance et de grandeur où elle est, doit
 « pour sa dignité même, garder des pays que le succès
 « de ses armes lui a acquis depuis nombre d'années, et je
 « ne crois nullement fondées les prétentions que la Perse
 « met en avant sur les possessions actuellement entre ses
 « mains. Après avoir donné ces explications si sincères, à
 « V. A. S. je ~~vous~~ vous envoie une dernière fois lui faire

آمد و رفت نمایندگان فرانسه و وعده‌های ناپلئون، شاه ایران را امیدوار ساخت که با کمک فرانسه میتواند روسها را از ایران اخراج کند بهمین جهت شرایط پیشنهادی از طرف روسها را برای پایان جنگ نپذیرفت. ناپلئون تسلط روسیه را برگرجستان که منجر به روابط نزدیک با دولت عثمانی میگرددید برخلاف مصالح سیاسی خود میدانست و تقویت قشون ایران را برای حمله به هندوستان و تضعیف قدرت انگلستان لازم ضروری تشخیص داده بود.

ناپلئون به‌مراه ژنرال گاردان (۱) عده‌ای کارشناس نظامی و مهندسين نقشه‌بردار را اعزام داشت و در انتخاب اعضاء این هیئت دقت لازم را به‌خرج داد.

Bernard و Trezel مامور نقشه‌برداری Fabvier و Rebaul متخصص توپخانه Lami و Bontens و Auguste افسر صنف مهندس و Verdier افسر پیاده نظام و علاوه چند نفر از شاگردان مدرسه زبانهای شرقی برای ترجمه و یک طبیب وعده دیگر را مامور ایران کرد.

از طرف ایران جزیره خارک برای تکیه‌گاه نظامی فرانسویها طبق نظر ژنرال تعیین گردید افسران مامور آموزش قشون ایران در تهران و تبریز شروع به کار کردند. قابویه در اصفهان کارخانه توپ‌ریزی بوجود آورد و در مدت هشت ماه ۲۰ توپ سبک صحرائی ساخت و پس از یکسال کوشش افسران فرانسوی ۳۵ هزار سرباز آماده شرکت در جنگها گردید.

در اینموقع وضع ایران بسیار وخیم و مبهم است: قطع رابطه با انگلستان و اعلان جنگ به این دولت، مقاومت در مقابل تعرض قوای روسیه و بالاخره کمک به ناپلئون در فتح هندوستان. قوای روسیه در مدت سه سال بعلت حملات قوای ایران و مقاومت آنها نمیتوانست ابروان را تصرف کند و هر دفعه با دفاع سخت سربازان ایرانی مواجه می‌شد و اجباراً "به تغلیس عقب نشینی میکرد.

در ۱۸۰۷ مجدداً "قوای روسیه ابروان را محاصره کردند، عباس میرزا نامهای بعنوان گدوچ فرمانده سپاه روسیه فرستاد و تقاضای یک سال متارکه جنگ نمود البته منظورش از این تقاضا این بود که قوای فرسوده خود را برای حمله مجدد آماده کند. از نامه تزار روسیه در پاسخ نامه گدوچ که در صفحات بعد بآن اشاره میشود معلوم میگردد که تزار به منظور نهائی عباس میرزا پی برده و در نتیجه با تقاضای متارکه جنگ برای مدت یکسال موافقت نکرده است.

گودویچ در پاسخ نامه عباس میرزا چنین مینویسد:

به حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا ولیعهد ایران

نامه دوستانه‌ای که بدستور حضرت اشرف تهیه شده بود خوشبختانه دریافت گردید من امروز باطلاع حضرت اشرف برسانم که شرایط متارکه و مقدمات یک قرارداد قطعی با هم اختلاف زیادی ندارند و متارکه باید مقدمه قرارداد صلح باشد نتیجه متارکه جنگ این است که عملیات خصمانه قطع شود تا اینکه مانعی برای ادامه مذاکرات درخصوص قرارداد قطعی پیش نیاید. دیگر آنکه دوقشون طرفین فعلاً "ایالاتی را که اشغال کرده اند تا پایان مذاکرات در اختیار داشته باشند بالاخره اگر شرایط فوق در نظر گرفته نشود محققاً "قرارداد قطعی صلح در تعقیب متارکه بسته نخواهد شد.

من امیدوارم که حضرت اشرف باطلاع من برساند که آیا با شرایط فوق درخصوص مقاوله نامه متارکه و تعطیل عملیات نظامی موافقت دارند یا نه؟

کنت گودویچ رجب ۱۲۲۲ هفدهم اکتبر ۱۸۰۷ (۱)

منظور عباس میرزا از تقاضای متارکه یک ساله جنگ این بود که خود را مجدداً "برای حمله نهائی و اخراج قوای روسیه از شهرهای ایران آماده کند و این امر در حال جنگ ممکن نبود قوای ایران در مدت شش سال جنگ بکلی فرسوده و خسته شده بود و نمیتوانست در مقابل قوای روسیه که دائماً "تجدید میشد و از هر حیث بر قشون ایران مزیت و برتری داشت مبارزه نماید. قشون ایران در این موقع نظم و ترتیب صحیحی نداشت و اسلحه سربازان ایرانی نیز نسبت به وسائل دفاعی و اسلحه و ساز و برگ قوای روسیه بی ارزش بوده است و ضمناً "قشون روسیه قشونی بود که قوای فرانسه را که در آن ایام از حیث اسلحه و مهمات و ساز و برگ و سایر لوازم جنگ بر سایر کشورهای اروپائی برتری داشت شکست داده و از خاک روسیه خارج کرده بود.

فقط رشادت سربازان و دلآوری سرداران ایرانی باعث شد که ایران توانست در مقابل حملات شدید و مداوم روسها مدتها مقاومت کند هیچگاه نباید خدمات این مردان دلیر را نادیده گرفت و چون جنگ به شکست ایران و از دست دادن شهرهای ماوراء ارس خاتمه پیدا کرد فدakarیهای سرداران و سربازان آنروز را فراموش نمود.

در این مختصر با ارائه مدارک لازم مشاهده میکنیم که ایران منتهای کوشش و فعالیت را برای مبارزه در مقابل متجاوزین کرده است ولی متأسفانه بعلت اجرای سیاستهای مختلف، عدم اجرای تعهدات متحدین و قدرت فوق العاده دولت مهاجم، جنگ را باخته و قسمتی از قلمرو خود را از دست داده است.

فتحعلیشاه عسگرخان را بعنوان سفارت با اختیارات نامحدود به پاریس فرستاد تا در آنجا با واسطت ناپلئون قراردادی با سفیر روس که در اینموقع در فرانسه بود منعقد نماید و با واسطت ناپلئون کار بنحوی خاتمه پذیرد که حقوق ایران محفوظ بماند ولی قبل از اینکه این سفیر به فرانسه برسد تزار روسیه درخواست متارکه موقت جنگ را که از طرف عباس میرزا پیشنهاد شده بود رد کرد و به گودویچ صریحا "دستور داد که به عملیات نظامی و تعرض خود ادامه دهد". در چهارم اوت ۱۸۰۸ (۱۲۲۳هـ) رومیانتز از طرف امپراتور نامه‌ای بعنوان گودویچ فرستاد که مفاد آن بشرح زیر است:

(امپراتور روسیه تقاضای یکسال متارکه را رد کرده‌اند زیرا بنظر تزار این مدت خیلی زیاد است و ضمنا "ژنرال را در انتخاب وقت مناسب برای ادامه تعرض و عملیات جنگی آزاد میگذارند که هر موقع صلاح بداند به پیشروی ادامه دهد، امپراتور روسیه اساسا" با واسطت ناپلئون و مذاکره و قرارداد صلح در فرانسه مخالفت دارند و مذاکره و بحث در خصوص گرجستان را که جزو قلمرو دولت روسیه است قبول نمیکنند و ادعای دولت ایران را در این خصوص رد مینمایند. امپراتور عقیده دارند و از نامه عباس میرزا اینطور نتیجه گرفته‌اند که نقشه اساسی دولت ایران ادامه جنگ میباشد و تقاضای یک سال متارکه فقط برای جمع‌آوری قشون و ترمیم نواقص سپاه میباشد که مجددا "بر علیه قوای روسیه اقدام نماید زیرا در حال حاضر دیگر قشون ایران قادر به مقاومت و مقابله با قشون ما نیست.

نظر امپراتور این است که نباید بدولت ایران فرصت داده شود و گودویچ باید جنگ را ادامه دهد نه اینکه آنرا متوقف سازد تا مجبور شود بعد از یکسال مجددا "آن را شروع کند" (۱) گودویچ پس از دریافت فرمان تزار امپراتور روسیه نامه‌ای به میرزا بزرگ وزیر شاهزاده عباس میرزا نوشت و اعلام نمود که دولت روسیه با متارکه یکسال مخالف است و ضمنا "نظر موافقتی با واسطت دولت فرانسه در عقد قرارداد صلح ندارد و ضمنا "در نامه گودویچ اشاره کرده‌است که با دستیابی به دفترخانه حسین‌خان در جنگ به خیالات و نقشه‌های ایران آگاهی پیدا کرده است و به این نتیجه رسیده است که دولت ایران متارکه موقت را برای استحکام موقعیت خود و فرصت برای جمع‌آوری قوا میخواهد و خیال صلح واقعی ندارد.

خلاصه مفاد نامه کنت گودویچ به میرزا بزرگ وزیر شاهزاده عباس میرزا

۲۳ تیرماه ۱۸۰۸

قبلا "به جناب اشرف موقع مراجعت فتحعلیخان نوری درخصوص پیشنهادات حکومت ایران درباره ترک مخاصمه برای یکسال نوشته‌ایم. من درحال حاضر اجازه انجام این کار را ندارم و نمی‌توانم به این پیشنهادات توجهی داشته باشیم.

ضمنا "درخصوص قرارداد صلح با واسطت و نظارت دولت فرانسه که باید درباره آن در پاریس مذاکره شود دستوری وجود ندارد و من نمی‌توانم چنین نظریه‌ای را قبول کنم من به اطلاع امپراتور خواهم رساند. تصمیمات در این باره بعدا " با اطلاع می‌رسد.

امروز دستورات امپراتور بوسیله چاپار رسید و اعلیحضرت سرور من نظر مخالف مرا درباره قرارداد ترک مخاصمه یکساله تأیید کرده و ضمنا "واسطت فرانسه را در قرارداد صلح نپذیرفته‌اند. گرچه اعلیحضرت امپراتور سرور من با امپراتور ناپلئون متحد است و از روابط دوستانه بین دو دربار اطمینان دارد و اتحاد بین آنها بیش از پیش محکم است اما فاصله زیاد پاریس و مرزهای امپراتوری ایران نتیجه کار را به تأخیر خواهد انداخت و کاری را که ایران خواهان انجام آن است به طول خواهد انجامید.

ما تقریباً "مدت دو سال است که به مذاکره درخصوص این موضوع مشغولیم بدون اینکه مذاکرات به پایان رسیده باشد بهمین جهت نظر امپراتور این است که هرچه زودتر یک قرارداد صلح با ایران تحت شرایطی که قبلا "پیشنهاد شده منعقد شود و مصلحت هر دو مملکت این است که با واسطت که تقاضای ایران بود موافقت نداشته باشد.

اعلیحضرت تقاضای دیگری جز شرایطی که قبلا "برای عقد قرارداد پیشنهاد شده ندارد یعنی تحدید حدود مرزهای دو کشور در سواحل کورا، ارس و آریاچای.

درخصوص مذاکرات ابتدائی برای قرارداد قطعی بین دو کشور باید دو لیعهد اختیارات تام در اینخصوص داشته باشد همانطور که من دارای اختیارات کامل از طرف امپراتور هستم و اونیز دارای اختیارات کافی باشد.

تصمیمات بعدی اعلیحضرت امپراتور را در همان زمان که ما از تمام جهات آماده برای عقد قرارداد صلح با دولت ایران بودیم اعلام خواهیم کرد.

بدون شک آن جناب که یک شخص مجرب و پیش‌بین و دانا است به فوائد و امتیازاتی که ایران از دوستی و اتحاد با چنین قدرت بزرگ و امپراتوری وسیعی مثل روسیه بدست خواهد آورد آشنا میباشد و نباید از نظر دور داشت که اگر دولت ایران با روش‌ورویهای که مخالف منافعتش

میباشد میخواهد بر علیه روسیه اقدام کند و جنگ را با دشمنی چون روسیه ادامه دهد این فقط دولت ایران است که خسارت و رنج فراوان خواهد دید حضرت اشرف باید برای انجام یک کار مفید برای کشورش بخصوص برای مسئله جانشینی تاج و تخت ایران کوشش خود را بکاربرد . اگر وزرای دربار ایران نخواهند پیشنهادات ما را که مدتی است ارائه شده بپذیرند و آنرا بدون توجه بدنتایج رد کنند این آخرین رابطه و مکاتبه ما خواهد بود .

من امیدوارم که جنابعالی بدون تاخیر چاپار ما را به تهران بفرستید که نامه‌ی از طرف من به میرزا شفیع و نامه‌ای به ژنرال گاردان بدهد (۱) سند شماره (۶)

تبرستان
www.tabarestan.info

نامه گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا - سند شماره (۶)

1908. Oct. 3. (Sept. 1908.)

Traduit le 3 octobre 1908

Traduction d'une lettre usupée par M. le
Comte Goudovitch à S. E. Mirza Asghar Ministre
de l'Intérieur de l'Empire Abbas Mirza



Je ne saurais déjà écrit précédemment à V. E. lors du retour de
Téhéran et Paris, relativement aux propositions de l'Empereur
relativement à la conclusion d'un armistice pour
un an. Comme je n'avais pas alors les pouvoirs de le faire, je
ne pus émettre ces propositions. Il en a été de même quant à la
conclusion du traité définitif sous la médiation de la France
que l'on aurait discuté à Paris; et n'ayant à cet égard aucun
ordre supérieur, je n'ai pu agréer ces arrangements et je vous ai
fait alors connaître que j'en rendrais fidèlement compte à
Sa Majesté l'Empereur mon maître, dont les décisions ulté-
rieures seraient sous le champ communiquées à V. E.

Aujourd'hui, je fais connaître sans retard à V. E. que les ordres
impériaux me sont arrivés de la Cour par un courrier exprès.
Sa Majesté, mon auguste Souverain a daigné approu-
ver totalement le refus que j'ai fait de conclure l'armistice
d'une année; elle n'a pas voulu accepter la médiation de la
France.

Quoique Sa Majesté l'Empereur, mon maître, soit étroite-
ment uni à S. M. l'Empereur d'Autriche, qu'il soit apaisé
de l'intimité des deux Sublimes Cours, que leur alliance mette
se consolide davantage en plus qu'il est scellée par des témoignages et

59

auguste maître, je lui fais connaître à N.É. et je lui déclare en même temps, que nous sommes en toute circonstance, prêts à faire la paix avec le Gouvernement de Persie, pourvu toutefois que du son côté, il n'y ait point de perte de temps dans sa conclusion.

Après dans cette dernière communication, et en raison de l'amitié et de l'intérêt que je porte à N.É. lui représentant je pense, que sans doute elle-même, qui est une personne sage et expérimentée, et qui a dû examiner et reconnaître tous avantages que la Persie retirerait de son alliance et de cette amitié avec un empereur qui peut et qui ne peut pas perdre rien, que si la Persie, par une conduite opposée à ses intérêts, venait à se tenir ferme contre la Russie, et continuer la guerre avec un ennemi comme elle, c'est seulement la Persie qui en souffrirait, et de côté de qui, seraient toutes les pertes.

Quant à N.É. de son côté se soigne et se travaille à la conclusion d'une affaire avantageuse à l'Empire russe, mais surtout à l'héritier de sa couronne. Or si les ministres de cette Cour ne veulent pas écouter nos propositions depuis longtemps énoncées, les rejettent sans songer à leurs véritables intérêts, alors ce serait pour la deuxième fois que nous aurions avec N.É. des relations et une correspondance.

Nul doute que le Gouvernement russe, qui vous a offert toute espèce de sûreté et n'a jamais cherché à troubler votre tranquillité, ne ramène alors sa cause entre les mains, depuis

et de nombreuses circonstances, (et à qui Sa Majesté ne
 elle confie ses plus chers intérêts, si ce n'est à l'Empereur, ^{et l'éloignement}
 cependant la longueur des chemins, de Paris, en regard aux
 frontières de l'Empire persan, rallentirait la conclusion d'un
 affaire aussi importante pour la Perse, qui d'ailleurs la première
 la demandeur, la rejeterait à une époque trop éloignée.
 voilà déjà deux ans qu'on s'en occupe sans l'avoir encore
 conduite à fin.

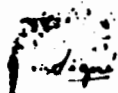
La conséquence, les intentions de Sa Majesté l'Empereur
 maître, qui veut hâter la conclusion d'un traité de paix et
 avec la Perse sur les bases qui lui ont déjà été proposées, -
 grand avantage des deux Cours, sont cause que Sa Majesté
 just n'a pas agréé l'intermédiaire demandé par la Perse.
 Sa Majesté est surtout bien éloignée de vouloir rien de
 aux conditions qui furent offertes précédemment pour la con-
 sion d'un traité définitif par vertu de quoi, elle daigne ac-
 nue les pouvoirs les plus étendus: elle ne veut dépendre ni
 en outre, jamais Sa dite Majesté ne consentira à alterer
 bases du traité, c'est à dire, la démarcation des fronts
 des deux Empires aux rivages du Kow, de l'Oray et de la
 Tchai. Avant aux conférences préliminaires pour la con-
 du traité définitif entre les deux Cours, il faut que l'Empereur
 du trône du chef glorieux de la Perse, soit revêtu de plus
 pouvoirs à cet effet, autres que des plénipotentiaires,
 désignés et envoyés des deux côtés, ainsi que j'ai été au-
 revêtu de tous pouvoirs par Sa Majesté l'Empereur.

Voilà les décisions ultérieures de Sa Majesté l'Empereur.

de l'éternel, dont nul mortel ne peut pénétrer les replis
profonds; ensuite nous attendrons et nous verrons quel sera
la fin de tout ceci.

Aureste, j'espère que V.B. voudra bien faire expédier
sans retard mon courrier à Chikra, où il devra remettre
une lettre de ma part à J.B. Minge Chef premier Vice
votre Lou, et à J.B. M. le Général Gardane Ambassadeur
de France.

Il ai l'honneur de vous saluer avec le plus parfait
estime et avec les sentiments d'amitié la plus sincère

 Comte Jean G. Dornith.

Ecrit au mois de Radjab 1286 (2. septembre 1908. 48)

Au camp, près de la rivière Binéféché-Tchéi.



Traduit par le S. int. de la lég.

خلاصه نامه گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا

درنامه‌هایی که قبلاً " برای شاهزاده عباس میرزا و جناب میرزا شفیع فرستاده بودیم نظر قطعی اعلیحضرت امپراطور روسیه درخصوص سرحدات اعلام شده و امکان تغییر وجود ندارد و از طرف ما جوابی باقی نمانده است مگر تکرار مطالبی که قبلاً " گفته شده اظهار نظر و تصمیم بعهدہ طرف قزلباشیہ میباشد .

اگر از طرف شما سرحدات مورد نظر که به تصرف درآورده‌ایم مورد قبول است موضوع خاتمه پیدا میکند نوشته‌اید که آقای لازار منشی سفارت فرانسه با توصیه‌های ژنرال گاردان سفیر دولت فرانسه نزد ما می‌آید اگر نظرات او قرین صلاح هر دو طرف باشد مورد قبول است نه اینکه یک جانبه باشد و من مطمئن هستم که سفارشات جناب ژنرال گاردان ایلچی کشور دوست ما خارج از رسوم اتحاد و دوستی نخواهد بود .

از مضمون نامه آن عالیجاه روشن است که شما طالب صلح میباشید ما هم مضایقه نداریم اگر جانشین گرام ولایات قزلباشیہ (عباس میرزا) اختیار کلی در تمام موارد عقد مصالحه از فتح‌علیشاه خواهند داشت همانطور که ما از طرف امپراطور اختیار کلی داریم .
مجدداً " تکرار میکنم که صلح انجام نخواهد گرفت مگر اینکه بدون فوت وقت سرحدات مورد نظر که قبلاً " به آن اشاره کرده‌ایم مورد قبول واقع شود .

در مورد فوایدی که طرف قزلباشیہ از دوستی دولت روسیه حاصل خواهد کرد در اینجا ضرورت توضیح ندارد زیرا ما قبلاً " فواید آنرا ضمن مراسلات قبلی اظهار کرده‌ایم .
نظر قطعی ما که قبلاً " گفته شد تغییر نخواهد کرد و آن تعیین سرحدات درکنار رودهای کورا و ارس و آریاچای است که البته بدوستی و یابہ دشمنی سرحدات مذکور به حیثه تصرف در خواهد آمد البته برای ایران جنگ و دشمنی با ما فوایدی نخواهد داشت من تصمیم در این باره را به آن عالیجاه واگذار میکنم .

در جنگ با حسین خان که فتح نصیب ما گردید ضمن وسائل که بدست ما افتاد دفترخانه حسین خان نیز بدست ما رسید و ما از نامه‌های موجود به اوضاع کشور شما و خیالات و نقشه‌های شما اطلاع پیدا کردیم ، امپراطور روسیه به جنگ و خونریزی تمایلی ندارند و بهمین جهت ما طرفدار صلح میباشیم ولی اگر خون خلق ریخته شود سبب آن شما خواهید بود درخصوص محل ملاقات برای گفتگو و مذاکره نوشته بودید چون فعلاً " نمیدانیم که به چه صورت و در کجا خواهد بود نمی‌توانم جواب صریحی به آن عالیجاه بدهم پس از روشن شدن برنامه مذاکرات درباره محل

ملاقات تصمیم گرفته میشود .

فرستاده ما بالویوف در آنجا نگهداشته شده اما نگهداری یک نفر برای طرف قزلباشیه فایده و برای دولت روسیه ضرری نخواهد داشت طبق آداب معمول ایلچی را اگر چه میان دو دولت آتش دشمنی اشتعال داشته باشد توقیف نمیکند چنانکه میدانید ما هیچیک از فرستادههای شما را توقیف نکرده ایم الان هم آدمی که آمده بود مرخص و روانه ساختیم باقی درخیرخواهی شما حاضر میباشیم (۱)

غراف گودویچ ۱۳-اکتبر ۱۸۰۸

تبرستان

www.tabarestan.info

отте добродетельное общество не-
подчиненное и сие единично
и неоскверненное твоей про-
сто, миссия? Я отвечаю не на-
всемъ бисеромъ судить

و در این کتاب آمده و در این کتاب

در این کتاب آمده و در این کتاب

Пришли же сказать почитаемъ
де гурько, было водворилось, что

در این کتاب آمده و در این کتاب

хотя это повелели великого велико-
императора и видна картина

در این کتاب آمده و در این کتاب

в мире: Но такъ какъ я много
взвешивая обиди говорить и что

در این کتاب آمده و در این کتاب

отговорила отъ ответа: то что
сказано это все, что повелели

در این کتاب آمده و در این کتاب

поверженности нѣкогда вѣдѣли
всѣмъ крѣпко хранили, что в

در این کتاب آمده و در این کتاب

тоже время обѣе ея пося ка-
зѣмъ вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли

در این کتاب آمده و در این کتاب

и — А между темъ и что —
вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли

در این کتاب آمده و در این کتاب

подлинно вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли
оно, и что вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли

در این کتاب آمده و در این کتاب

и что вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли
и что вѣдѣли вѣдѣли вѣдѣли

در این کتاب آمده و در این کتاب

твоему какому-нибудь
свое соображению или какому-нибудь
мотиву! Но почему никак не

اینها

интересного для нас является
предмет нашей мысли, а именно
предмет нашего сознания

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

предмет нашего сознания. Почему
мы предлагаем себе соображение

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

будет следовать из нашего
представления предположения,

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

то я предлагаю себе соображение
какого-нибудь предмета нашего

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

представления. Почему
мы предлагаем себе соображение

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

какого-нибудь предмета нашего
представления. Почему

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

мы предлагаем себе соображение
какого-нибудь предмета нашего

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

представления. Почему
мы предлагаем себе соображение

این موضوع را که ما به آن فکر می‌کنیم

نامه خراف گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا

عالی‌جاه‌معلی جایگاه مجدت و عزت انتباه ابهت و حرمت آگاه میرزا بزرگ وزیر کبیرجناب بلندجایگاه جانشین کرام ولایات قزلباشیه همواره خواهان مسرت و شادکامی بوده و میباشیم . بعدها مکشوف میدارد که مراسله مرسوله آنعالیجاه بدست آدم حسین‌قلی خان وصول گشته از مضمون آن در فوق مراسلات آخرین ما که . . . جناب بلندجایگاه جانشین کرام ولایات قزلباشیه عباس میرزا و عالیجاه‌معلی جایگاه میرزا شفیع وزیر کبیر جناب صاحب کار ولایات عظام قزلباشیه و به آن عالیجاه قلمی و بمصحوب بود پوز و پکتک بالویوف ارسال داشتند در جوف مراسلات مزبور رای عالم آرائی قاطعه و آخرین اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ، گردون پایگاه و امپراطور اکرم جهان پناهی ، اظهار ساخته اساس و بنائی که در آن یعنی بموجب تکلیف سرحدات یم که از رای عالم آرای حضرت فلکرفت قیصر اکرم عالم پناهی‌ام که ذره‌ای از آن قدرت و جرات تجاوز نداریم با آنطرف التیام خواهد داشت شما را مستحضر و آگاه ساختیم .

عدم جواب قاطع از آنطرف ملاحظه و معلوم نمودیم حالا از اینطرف جوابی باقی نمانده جز اینکه باز شروع به تحریر همان مضمون مراسلات مرسوله آخرین ما و دوباره تکرار نمائیم که بالاخره اتمام امور الحاله موقوف از طرف قزلباشیه است .

اگر طرف شما در سرحدات مطلوبه آنچه بحیطه تصرف آورده‌ایم بلا تاخیر راضی گردیده قبول به واگذاری آن تمام خواهد شد و آنچه آنعالیجاه تحریر و اظهار مینمایند که جناب موسی لازار میرزای ایلچی فرانسه با سفارشات جناب دنیارال (ژنرال) عاردا ن ایلچی دولت بهیه فرانسه مامور و مرسول نزد ما گردیده و زود او در آنوقت خواهد شد که ما سفارشات محوله او را قرین صلاح کار جانبین نموده محض صرفه یکجانب نباشد .

در این باب لازم دانسته آنعالیجاه را مخبر و آگاه میسازیم که چگونگی تاخیر و فسخ عزیمت موسی لازار موقوف برای جناب جانشین کرام ولایات قزلباشیه و آنعالیجاه خواهد بود والا بیشتر یکی خاطر جمع میباشم که سفارشات عالیجاه جناب نیارال عاردا ن که ایلچی دوست دوست و رابطه دار مشفق دولت علیه روسیه و خواهان ما است مگر باز بطریق رسوم اتحاد و دوستانه بنحو دیگر نخواهد بود .

در اینجا اظهار مینمایم که از مضمون مراسله آنعالیجاه ظاهر و عیان است که طرف قزلباشیه خواهشمند حصول التیام است و از اینطرف ما هم در آن مضایقه نداریم و حاضر هستیم که در حال شروع به عقد مصالحه در سر قرارداد معلومه بمانیم .

اگر که جناب جانشین کرام ولایات قزلباشیه اختیار کلی و تمام در مواد عقد مصالحه از جانب جناب والد ماجد عظام خود خواهند داشت چنانکه ما از طرف ذیشرف حضرت قدر قدرت و امپراطور اعظم کل ظل الهی ام‌الاختیار کلی داریم .

اما باز به آنعالیجاه تکرار مینمائیم که وقوع مراتب مصالحه مقدور نخواهد شد مگر اینکه طرف قزلباشیه بدون گذراندن وقت با نظر قاطعه ما برای واگذاری سرحدات مطلوبه مذکوره که بنا بر برای عالم آرای حضرت قیصر اکرم تاجداری خواهش کرده به آنعالیجاه هم اظهار نموده ایم . . . قبول شوند و در مورد فوائد و خیریکه طرف قزلباشیه از وقوع دوستی دولت علیه عالیّه دائم القرار روسیه حاصل خواهد کرد در اینجا ضرور شرح و بیان نیست زیرا ما مکرر بصورت عیان فوائد مزبوره را ضمن مراسلات مرسوله جات بجناب بلند جایگاه جانشین کرام ولایات قزل‌باشیه کاملاً اظهار و بیان نموده ایم .

بهر حال از اطوار ثابته ما که در حال ضمن گفتگو مع طرف قزلباشیه داشتیم و هم در کیفیت تکالیف ما که در یک حال و صورت بوده است البته طرف قزلباشیه معلوم و ملاحظه نموده که تکالیف ما چنانکه از روز اول بطرف قزلباشیه نموده ایم و الحال مضبوط داریم ثابت و آخر کلام است . محض از جانب قزلباشیه قبول در . . . قادر است که در طبق تکالیف ما عقد مصالحه نماید کذا لک آنعالیجاه که فرزانه تجربه آمیز است و همیشه در آن جمله محسوب میداریم ، فکر خواهند کرد که زمانی که دوست قوی مکنت علیه روسیه تمنای طرف قزلباشیه را که در باب وقوع مصالحه "اولا" اظهار شده بود حاصل نمود و در آن توقع ایشان به استقرار و تعیین سرحدات در رودهای کر و ارس و آرپه‌چای مضایقه نفرموده البته بدوستی و یا بدشمنی سرحدات معلومه همگی تحط (تحت) تصرف خواهد رسید .

اما بطرف قزلباشیه وقوع سازش بازورچندان فوایدی نخواهد رسانید چنانکه مصالحه با رضامع قبول سرحدات مطلوبه و وقوع التیامی در پیش رو داشته فوائد حاصل مینمایند . باقی را به فکر نیک آنعالیجاه حواله و رجوع مینمائیم .

لازم دیده بآنعالیجاه معلوم نمائیم که اگرچه از مراسله شما خواهش وقوع مصالحه معلوم و ظاهر است اما چون عادت داریم که بطریق نیکخواهی گفتگو و اظهار نموده باشیم مع هذا از آنعالیجاه پوشیده نمیداریم که اسباب فتح و نصرت نمایان که در مقابل حسین قلی‌خان حاصل نموده همگی اثاثیه و اسباب حتی دفترخانه خان مزبور بدست افتاد و مراسلات اصلی از اشخاص دیگر و از آنعالیجاه داریم که بعد از ارسال تحریرات ما بوسیله بلویوف مرسل شده است ، نوشته اند .

لهذا ما همگی اوضاع و خیالات طرف قزلباشیه را دانسته و در دست داریم از آنجا که مراحم و انفاق بیکران حضرت فلکرفت پادشاه اعظم گردون و قار عالم پناهی که دائماً "عمل خونریزی خلق را مضایقه میفرمایند میدانیم بدینجهت از طرف ما خواهان این مصالحه میناشیم .

اما هرگاه خون خلق ریخته میشود سبب آن نبوده بل باعث آن شما خواهید بود. دیگر بیشتر از این آنچه در خصوص وقوع ملاقات آنعالیجاه و بجهه گفتگوی پادشاهانه ورود شما را به نزد ما اظهار نموده بودیم و اکنون بشما اعلام مینمائیم که چون الحال جایی (جای) توقف و دوری شما نمیدانیم و نیز ملاقات شما چه صورت و در کجا خواهد بود لهذا نمیتوانیم که جواب صریحی بآنعالیجاه بدهیم. مادامیکه بیشتر چگونگی آن محل را مفصلاً "بما قلمی و بیان نسازند و وقتی که صورت ملاقات بنحوشایسته و لایق تکالیف سابقه باشد رضای خاطر محسوب میداریم که آنعالیجاه را ملاقات نموده با دیدن صورت بمنابه شایستگی آشنا شویم.

چون الی الان عودت فرستاده ما با لویوف را مشاهده ننمودیم لهذا به آنعالیجاه اظهار مینمائیم که نگهداری او موقوف به آنعالیجاه است والا چنان میدانیم که نگهداری یک نفر مزبور نه فایده طرف قزلباشیه نه برای دولت علیه عالییه اروسیه قصوری خواهد بود.

در جائیکه رویه عموم دولت نیک مرتبت داب و قانون مالوفه است، ایلچی در اتمام خدمت مرخص و مطلق بوده هیچوقت نگهداری نمیکرد.

بنجوی که آنعالیجاه مشاهده مینمایند که ما الی الان هیچیک از آدمهای شمارا نگهداری ننموده ایم الان نیز آدمی که آمده بود در حال مرخص و روانه ساختیم باقی درخیرخواهی شما حاضر میباشیم.

غراف گودویچ

در ۲۰ ماه اوکدمبر (اکتبر)

سنه المسیحیه ۱۸۰۸

در اردوی کنار قلعه ایروان (۱) سند شماره ۷

ژنرال گاردان برای اینکه بین ایران و روسیه را سازش دهد و از ادامه تعرض روسها جلوگیری کند نامه‌ای بوسیله منشی خود موسیولاژار برای گودویچ میفرستد .

گاردان به گودویچ چنین مینویسد (. . . در نامه دوم سپتامبر اعلام کرده بودید که اگر دولت ایران بدون وساطت فرانسه حاضر به صلح نشود به تعرض خود در خاک ایران ادامه خواهند داد من باید محرمانه مطالبی با اطلاع شما برسانم که چون دولت ایران با امپراطور معظم من متحد است و اعلیحضرت ناپلئون ولایاتی را که قشون روسیه تصرف کرده جزء لاینفک ایران میدانند هر نوع حمله به خاک ایران به منزله توهین و تعرض به دولت فرانسه است با اطلاعی که از مراتب دانشو فراست آنجناب دارم آنجناب قبل از ختم مذاکرات بین روسیه و فرانسه بر علیه ایران اقدامی نکنند بهتر است) .

مارشال گودویچ پس از اطلاع از متن نامه گاردان بوسیله لاژاریام خصوصی برای او میفرستد (. . .) که چون بین فرانسه و روسیه روابط حسنه برقرار است آرزو داشتم که بنا بر پیشنهاد شما کار بمصالحه بگذرد ولی امپراطور روسیه به من امر کرده است که بدون تامل قلعه ایروان را فتح کنم و من از اجرای این دستور نمی توانم سربچی بنایم) .

عباس میرزا چون از تقاضای خود درباره یکسال متار که جنگ نتیجه نگرفت نامه‌ای مجدداً به مارشال گودویچ نوشت که ناروشن شدن وضع اروپا جنگ را ادامه ندهد . عباس میرزا انتظار داشت که ناپلئون در موقع مذاکره با امپراطور روسیه در خصوص حق ایران بر گرجستان و تخلیه شهرهای ایران از قشون روسیه اقداماتی بعمل بیاورد بهمین جهت به گودویچ پیشنهاد متار که موقت را نمود .

مارشال گودویچ نامه دیگری به وزیر عباس میزادر تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۸۰۸ (۱۲۲۳ هـ) نوشته و در خصوص نقاط مرزی ایران و روسیه مطالبی اظهار داشته و تهدید کرده است که اگر با میل و رضا دولت ایران ارس و کورا و آریاچای را خط مرزی شناسد ، با جنگ و جدال نظر ما اجرا خواهد شد .

ژنرال گاردان که از وضع ایران و نظر دولت روسیه در خصوص تجاوز به خاک ایران اطلاع کافی پیدا کرده بود و بعلاوه به علت آمدن انگلیسها به خلیج فارس و لزوم وساطت دولت فرانسه در اختلاف نظر روسیه و ایران درباره شرایط صلح ، لازم دید نامه‌ای به وزیر روابط خارجی بنویسد شاید بتواند دولت فرانسه را برای اجرای تعهداتش آماده کند .

خلاصه نامه ژنرال گاردان به آقای شامپاینی وزیر روابط خارجی فرانسه

تهران ۲ ژوئن ۱۸۰۸ (۱۲۲۳ هـ)

آقای بارون ور Werde نایب سرهنگ توپخانه از طرف مارشال گودویچ فرمانده نیروی روسیه در قفقاز به دربار ایران فرستاده شد و من از ورود او به تبریز مطلع شدم و قبلاً "در نامه ۱۶ مه شماره ۱۱ به آن اشاره کرده‌ام.

در ۲۱ مه یک نامه خیلی دوستانه از طرف مارشال گودویچ به من داده شد و در همین زمان یک نامه نیز برای میرزا شفیع فرستاده‌اند و در آن نامه شرايطی که روس‌ها برای عقد قرارداد صلح پیشنهاد داده‌اند ذکر شده که با مفاد نامه‌ای که برای حضرت اشرف عباس میرزا فرستاده‌اند مطابقت دارد که من از آن با اطلاع هستم.

محقق است که شرایط روس‌ها با پیشنهادات ایران سازش ندارد و مذاکرات بدون وساطت دولت سوم سامان نمی‌پذیرد.

او در یک ملاقات خصوصی به من اظهار کرده که حاضر به عقد قرارداد صلح نیست مگر به شرط آنکه روس‌ها کاملاً "شهرهای ایران را تخلیه نمایند.

من اظهار کردم که ممکن است این مذاکرات بین عسگرخان و آقای کنت دوتولستوی (Tolstoy) در پاریس با وساطت اعلیحضرت همانطور که من بارها پیشنهاد کرده‌ام انجام گردد.

من پیشنهاد کردم که به سفیر اختیارات کامل بدهد و شاه را نیز در جریان بگذارد.
من دو نامه را با ترجمه آن تقدیم میدارم.

به نظر میرسد که عسگرخان دستور شروع مذاکرات صلح با روس‌ها را دارد و همچنین دستور امضاء تمام شرایطی را که اعلیحضرت تأیید خواهند کرد.

شاهزاده عباس میرزا به امپراطور الکساندر نوشته است که فتحعلیشاه میل دارد روابط دوستی قدیم را با روسیه تجدید کند و رویه مذاکرات مورد نظر را اعلام نماید.

میرزا شفیع از کنت Romanzow خواسته است که امپراطور روسیه اختیار کامل به سفیرش در پاریس بدهد و این اقدام به نظر من بسیاری از مشکلات را حل میکند و دو طرف بعد از مذاکرات و گفتگو درباره هدفهایشان که در خصوص ایران است میتوانند به نتایج نهائی مورد نظر برسند.

میرزا شفیع دیروز به من اطلاع داده که کاپیتان مالکم Maleom با کشتی‌های جنگی وارد خلیج فارس شده و به شش کشتی حمل و نقل که قبلاً "آنها اطلاع داده بودم ملحق شده است و او هزار سرباز برای دفاع از سواحل خلیج فارس پیاده کرده است.

آقای بارون Werde عازم بازگشت به تفلیس است که قرار متارکه جنگ داده شود تا پایان مذاکرات تظاهرات خصمانه قطع گردد.

از او استقبالی بعمل آمد که برای هیچیک از افسرانی که قبلاً "از طرف گودویچ فرستاده شده بودند بعمل نیامده بود. به آن افسر دو مرتبه اجازه شرفیابی داده شده و به او یک کلاه بسیار قیمتی هدیه داده‌اند و وزیر (میرزا بزرگ) هم به او یک اسب و پارچه‌های ذی قیمت اهدا کرده است. (۱) سند شماره ۸

میرزا شفیع وزیر خارجه ایران نامه‌ای دوستانه به وزیر خارجه روابط فرانسه مینویسد و اتحاد و اتفاق دو کشور و رعایت شرایط دوستی و مودت را یادآور میشود و منظورش جلب نظر فرانسه برای اجرای تعهداتی است که ضمن قرارداد کرده است میباشد. سند شماره ۹

میرزا شفیع نامه دیگری به وزیر روابط خارجی فرانسه مینویسد و از فتوحات ناپلئون اظهار مسرت و شادمانی مینماید و بخیال خود برای جلب نظر دولت فرانسه و تشویق آنها به اجرای تعهدات بر علیه روسیه این نامه را فرستاده است سند شماره (۱۰)

میرزا شفیع که از این نامه نتیجه‌ای بدست نیاورد نامه دیگری بطور روشن و صریح به وزیر روابط خارجی فرانسه مینویسد و مواد ۳ و ۴ قرارداد را یادآور میشود و اقدامات ژنرال گاردان و نامه‌های او را به روسیه و تهدیدات گودویچ را گوشزد مینماید و خواستار انجام تعهدات و پاسخ به نامه‌های فرستاده شده میباشد. سند شماره (۱۱)

Chikoran, le 2. juin, 1868.

نامه ژنرال گاردان به موسیوشامپاینی وزیر روابط خارجی فرانسه - سند شماره (۸)

Monsieur,

تبرستان

www.tabarestan.info

M. le baron de Mède, lieutenant colonel
d'artillerie, a été envoyé à la cour de Perse
par S. E. M. le Feldm. Maréchal Comte de
Gudowitsch, commandant les troupes
russes en Géorgie. J'avais été prévenu de
son arrivée à Tauris, ainsi que j'ai eu
l'honneur de le mander à Votre Excellence
dans ma dépêche du 6. mai 1868. Il m'a
reçu le 21. du même mois une lettre
extrêmement amicale de M. le Comte
de Gudowitsch, qui m'écrivait, en même temps,
une dépêche au même Vixir Mirza-
Chéfi et y exposait les propositions
auxquelles la Russie désirait faire la
paix avec la Perse. J'ai eu communication
de cette pièce et j'en joins ici l'extrait.
Il est en tout conforme à la lettre adressée
à S. A. A. le Vixir Abbas-Mirza et dont
j'ai

Votre Excellence, Monsieur de Champagny.

j'ai également eu connaissance.

Il devenait évident que les prétentions de la Russie seraient insconciliables avec celles de la Perse, et que la négociation ne pourrait être terminée sans la médiation d'une troisième puissance. S. M. impériale déclara, dans une audience particulière qu'elle n'avait pas voulu prendre connaissance des lettres de M^r le Marquis Guénoitsch, et qu'elle ne traiterait que sous la condition expresse que les Russes évacueraient entièrement les Provinces Persanes. J'exposai alors à S. M. qu'elle avait remis ses intérêts entre les mains de mon Auguste Souverain, et que les négociations pourraient avoir lieu à la suite Asker Khan et M^r le Comte de Tolstoy, sous la médiation de la Majesté comme j'avais eu occasion de le proposer déjà plusieurs fois. Je décidai S. M. à expédier ses pleins-pouvoirs à son Ambassadeur et à faire connaître sa pensée toute entière à la Majesté l'Empereur et moi. J'ai l'honneur

d'adresser à Notre laulume ces deux pièces
 avec leur traduction. Elle verra qu'Asker-
 Khan a l'ordre d'entamer les négociations
 pour la paix avec la Russie et de
 signer toutes les conditions que Sa Majesté
 aura approuvées. En même temps, le
 chah, Fath-Abbas-Mirza écrit à l'Empereur
 Alexandre pour lui exprimer le désir
 qu'a Fath-ali-Chah de renouer les anciens
 liens d'amitié avec la Russie, et pour
 lui faire connaître le mode de négociation
 que S. M. a adopté. Et Mirza Chafi-
 demande à M. le Comte de Romanow
 que S. M. l'Empereur de toutes les Russies
 veuille bien envoyer ses pleins-pouvoirs
 à son ambassadeur à Paris. Elle montre
 qu'a paru faire disparaître beaucoup de
 difficultés; et les deux grands Souverains,
 après s'être communiqué leurs dessein
 relativement à la Paix, pourront admettre
 une négociation dont l'issue est, en
 définitif, entièrement soumise à leur
 volonté.

Je dois rendre à Sa Hauteur la
 justice, qu'Elle montre un vif désir de
 devenir

devenir l'allié des deux premières Puissances d'Europe, et la forme résolution de priver contre l'Angleterre toutes les mesures que pourra commander l'intérêt commun. Mura Chafi, qui a souvent eu l'ordre de m'exprimer ces sentiments, les partage avec sincérité. J'ai l'honneur de joindre ici la lettre qu'il écrit à Votre Excellence.

Ce Vénir m'a informé hier que Capitaine Malcolm était arrivé dans le Golphe Persique, avec 4. vaisseaux de ligne, et avait rejoint les 6. vaisseaux, et les 4. bâtiments de transport qui s'y trouvaient déjà, ainsi que j'avais eu l'honneur d'en prévenir Votre Excellence. S. M. fait marcher 4. mille hommes, troupes pour mettre les côtes du Golfe en état de défense et s'opposer aux entreprises des anglais.

M. Labrousse de Whide va partir pour retourner à Liffin où une armistie sera inévitablement conclue. Les hostilités cessent pendant toute la durée des négociations. Il a reçu ici un accueil que n'avait obtenu aucun des officiers envoyés précédemment.

par M. le Maréchal Gadowitsch. S. M.
lui a accordé deux audiences isolées a fait
remettre un riche calant. Le Vixir lui
a donné ses chevaux et des étoffes. Notre
Laallane doit être bien persuadé que
j'ai regardé comme de mon devoir, de
faire traiter cet officier avec la distinction
qu'il méritait.

S. M. part demain pour aller
camper une vingtaine de jours à
Kemal-abad, village à deux journées de
Chihéran. Nous nous mettrons en route
le 4. avec le Vixir pour rejoindre la route
de Kemal-abad, ou se rendra au camp
de Sultanie à petites journées et avec
plusieurs haltes. Si pendant ce trajet,
qui sera de cinq à six semaines, il ne se
passe rien d'intéressant, Notre Laallane
voudra bien ne pas trouver mauvais que je
ne lui écrive point. Je pense que notre
séjour à Sultanie se prolongera jusqu'au
mois de Septembre.

Veuillez agréer les assurances de la
respectueuse considération avec laquelle
j'ai l'honneur d'être,

Monsieur,

De Votre Laallane,

ftin. kemle et tes.
chiffre et écriture.

27/9/90

نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی فرانسه

تا نظام منظم امور و قوام مصالح جمهور بانظار کوکب سعد بسته و گردش اعوام و صدور و سنین و شهر به آمد و شد سفرای ماه و هور پیوسته است، پیوسته انتظام دولت و فرمانروائی و انضباط ضوابط مصلحت بینی و صاحب رائی به وجود بهجت نمود جناب آصف نظر صافی ضمیر صائب تدبیر، خجسته سیرت فرخنده سریرت زینت بخشای انجمن وزارت، صدر آرای بساط صدارت، وزیر صاحب رای مشیر ملک فزای، برادر نیک اختر نیکو هنر منوط و مربوط باد.

بعد از چهره آرائی شاهد صفحه بغازه دعوات اجابت آمات و بس در چنین پیرائی حنای لوحه به گلگونه اظهار مراتب مودت و موالات مشهور رای موافقت پیرا و مکشوف ضمیر موافقت اقتضا میدارد که چون طراوت بوستان صدق و صفا بواسطه آبیاری خامه و قضاوت گلستان محبت و ولا بدست یاری نامه های مهر علامه است. لهذا در این وقت که حامل وسیله دوستی عنوان، عازم آنصوب صواب توامان و مولود اشتیاق باستفسار احوال خجسته مال، آن برادر بی مثال درهیجان بود بتحریر این مراسله موافقت معامله مجدد قواعد مودت و یکجتهی و مشید مبنای محبت و دوستی گردیده بعضی از اشواق دل مهرمایل را بدریافت ملاقات مسرت شامل اظهار میدارد.

بر دانای آشکار و نهان واضح و عیان است که شوق لقای بهجت الفا خارج از حد حصرو بیان و اظهار یکی از هزار آن بیرون از قوه قلم و زبان است و الحمد لله تعالی از روزی که بنیان ائتلاف و اتحاد این دولت جاوید نهاد محکم و سلک مرابطت و مخالطت که امنای دولتین علیتین برشته ثبات و دوام منعقد و منظم گردیده روز بروز لوازم یکرنگی و مواحدت از دو جانب در تزیید و تضاعف است و هواخواهان حضرتین بهره یاب از اینگونه تود و تودت و ناف طریقه آمیخته دوستی و شهره پسندیده یکجتهی مقتضی آنست که آن دوست نیز همواره از اظهار سلامتی حالات خیر علامات شادی بخش خاطر مودت و درصدد استحکام مبنای دوستی و مصافات باشند. در باب امور این حدود که سابقا "علی التفصیل نگاشته خامه اظهار شده بود. تکرار مجدد را موقوف داشته بتحریرات عالیجاه رفیع جایگاه دوستی و موافقت پناه سفیر گاردان آگاه ژنرال گاردان خان واکذاشته چون از خبر هوای و مصادقت آن دوست مطمئن و منتظر و از جانب داری که بنا بر مراتب دوستداری از دولت علیه ایران دارند مطلع و مستحضر میباشود همه وقت منتظر رجوع مهمات از آنجناب هست الباقی ایام. بکام باد (۱).

نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی فرانسه - سند شماره (۹)

اتفاق منقسم بر دو قسم می باشد یکی در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است
 منقسم دوم در دو قسم می باشد یکی در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

بر وجهی که است منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

بعد از ظهر در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

آذربایجان در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

خارج از منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

در کوشش و اقدام منقسمین شهر آذربایجان و دیگر منقسم است

نامه میرزا شفیع به وزیر روابط خارجی فرانسه

جناب صدارت مآب وزارت اکتساب مشیر مفخم مکرم مدبر الامور الامم وزیر روشن ضمیر و منیر صائب تدبیر اخاکرم صدراعظم دام اقباله العالی .

انشاء الله تعالی همواره در مسند عزت و کامکاری مستدام و کامروای حصول دوجوهانی بوده در معرکه شور و شر دشمن گداز و دوست نواز باشند .

بعد از طی مراسم دعوات آفات اجابت ایات ، مشهود رای بیضا ضای اخوت پیرا میدارد که در زمانیکه پادشاه جم جاه انجم سپاه خسرو نامدار نظر کرده الیظاف حضرت پروردگار ، حضرت امپراطور اعظم دام اجلاله العالی بعزم دشمن کشی و گیتی ستانی و مملکت گیری کمر همت بر میان بسته بجناح استعجال سوار و عازم معرکه نام و ننگ گردیدند ، هر چند از قوانین ظاهر و مانند شمس فی وسط السماء باهر و آشکار بود که شبیره طبعان در پیش آفتاب عالمتاب در پردین پر بریده و سلسله جمعیت ایشان به مجرد وصول کوکبه شاهشاهی از هم گسیخته ، سربزایه خمول و خموش کشیده از کردار زشت و حرکات ناملایم خودشان نادم و پشیمان و ملتسم مقدم پادشاهی خواهند شد .

اما این نیازمند درگاه اله نظر به فدویت و جان سپاری دودولتین معظمتین باز حواس نا جمع خود را جمع و اوقات شب و روز را بدعا گوئی و ثنا خوانی ذات خجسته صفات پادشاهی مصروف میسازد و این فرد را ورد زبان ساخته میگوید :

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست هر کجا هست خدایا بسلامت دارش و بهمین ورد زبان نیز اکتفا نکرده کتاب لسان الغیب خواجه حافظ علیه الرحمه را که در تفال شهرت تمام داشته و میدارد بدست کرده بطالع فرخنده مطالع شاهشاهی تفال نموده این غزل وصف حال حضرت امپراطور اعظم در آمده :

نسیم روضه شیراز پیک راحت بس	دلا رفیق سفر بخت نیکو خواست بس
که این قدر ز جهان کسب مال و جاهت بس	بصدر مصطبه به نشین و ساغرمی نوش
رضای ایزد و انعام پادشاهت بس	بمنت دو جهان خو مکن که درد دوجهان
دعای نیمه شب و درس صبحگاهت بس	بهیچ روی دگر نیست حاجت حافظ

و بعد از ملاحظه تبغال خاطر خود را در کمال انضباط خوش ساخته خواهشمند بودیم که همین مؤده دلپسند را به آن اخ کامکار اظهار و خاطرایشان را نیز خوشحال سازیم آن بود که مراسله دوستی مواصله از جانب خیریت جوانب آن دوست حقیقی به دوستدار رسید . چون از مضمون

مراسله خبرهای فتح حضرت امپراطور اعظم بود دفعتاً " بسجده شکرالهی پرداخته و این فرد را بزبان آوردیم بدین مژده گرجان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ما است و معلوم گردید که معاندان بدکردار از هرباب و از همه جهات آنچه شایست و بایست از استعداد و جمعیت از هراقسام آلات حرب مجتمع و در جای خودشان حرکت و بعزم مقابله و مقاتله قدم جرأت به پیش نهاده میآیند و غافل از اینکه صید را چون اجل آید سوی صیاد رود .

الحمد و المنة جناب حضرت امپراطور اعظم مانند بلای ناگهان بسروقت ایشان رسیده به یک آتشفشانی عرصه رزم را برایشان تنگ تر از خانه مور ساخته چند هزار اسیر و اسباب و اساسیه بدست می آورند الحمد والمنة از یک طرف الطاف جناب باری و از طرف دیگر طالع فرخنده مطامع شهریاری و فتح و نصرت مددکار .

امیدوارم که در این چند روز تمامی و همگی ممالک اعدا را بحیطه تسخیر و تصرف درآمده در کمال نام معاودت و مراجعت بصوب مقصد خواهند آورد البته احوالات را بجهه استحضار مرقوم و مرسل دارند .

الباقی والسلام (۱)

سند شماره (۱۰)

نامه میرزا شعیب بد وزیر و اعلیٰ حاکمیتی فراسه - سند شماره (۱۵)

19 main 1809.
341

Paris le 19 Mars 1804 341
 M. Lom Sandhuze de l'Académie des Relations Politiques

خواب محمد اسباب خواب که است میسر کنم بحکم جبره الامم در بر منی خمر و نبرد بیزیران اکرم صدر اعظم

[illegible]

آیت الیقین: محمد پر خیر از آفت ہر مہر و در نایاب کائنات جمیع اہل علم و فضل و کرامت و ہر طرف

حضرت ابوالفضل علی بن ابی طالب علیه السلام در کربلا فرمود که هر کس مرا ببیند و مرا بگوید سلام خداوند بر او باشد و منم که از شما جدا شدم

و در این کتاب که در دسترس است و در این کتاب که در دسترس است و در این کتاب که در دسترس است

[illegible][illegible][illegible][illegible]

فمنهم من لم يزلوا في ذلك حتى ماتوا في ذلك اليوم
فمنهم من لم يزلوا في ذلك حتى ماتوا في ذلك اليوم

for a 1.8 inch diameter hole in the wall.

نامه میرزا شفیع وزیر اول ایران به کنت دو شامپاینی وزیر روابط خارجه فرانسه

پس از تعارفات معمول . . . تا بحال چند نامه فرستاده ایم و تا امروز هیچ جوانی از طرف شما دریافت نشده و ما نمیدانیم نظر دربار فرانسه درباره قراردادی که ما را متحد کرده است چه میباشد .

هشت ماه از تاریخی میگذرد که جناب عسکرخان پس از کسب اجازه از سرور بزرگ ما بعنوان سفارت بدربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه اعزام گردیده . همچنین نامه های زیادی فرستاده شده که تا امروز (۱۶ اکتبر ۱۸۰۸ و ۲۶ ماه شوال ۱۲۲۳ هـ) هیچ جوابی برای ما نیامده شاید پیشنهادات دربار ایران مورد قبول امپراطور واقع نشده است .

به ژنرال گاردان از طرف ما وعده رسمی داده شد که تا رسیدن جواب از طرف دولت فرانسه قشون ایران پیشقدم در شروع جنگ و دشمنی نباشد .

ما فتحعلیخان نوری را نزد مارشال کنت گودویچ اعزام داشتیم و اوضاع را بطور واقع برای او تشریح کردیم که اگر امپراطور فرانسه دوست امپراطور روسیه است آن اعلیحضرت با حکومت ایران نظر مساعد و موافق دارد و ما حل اختلافات را در اختیار ایشان گذاشته ایم در حال حاضر سفیر هر دو دولت در پاریس میباشد و میتوانند درباره صلح قطعی زیر نظر امپراطور فرانسه تصمیم بگیرند .

امروز جواب قطعی کنت گودویچ بدست من رسید در این نامه و نامه ای که به کنت نیکلارمانزف Romanzow نوشته صریحا " اعلام کرده است که دولت روسیه وساطت امپراطور فرانسه را رد کرده است و مایل نیست که قرارداد صلح در پاریس منعقد شود و باید بدون فوت وقت کار را در همین جا خاتمه دهند و اگر ایران به پیشنهادات ما توجه نکند دشمنی ها مجددا " شروع میشود و دوباره باید اسلحه بکاربرد ، گرچه این دربار از قشون روس ترس و نگرانی ندارد و آرزوی جزاین نیست که آنها را خارج از ایالات این امپراطوری به بیند . ما نامه های کنت رمانزف و مارشال گودویچ را در اختیار ژنرال گاردان گذاشته ایم که از مفاد آن مطلع شود حال مسئله روابط و قراردادهائی که با امپراطور ناپلئون بسته شده مورد نظر است .
در قرارداد اتحاد سه ماده آن نظر ما را جلب میکند .

در ماده ۲ - اعلیحضرت امپراطور تمامیت قلمرو امپراطوری ایران را تضمین میکند و هیچ قدرت خارجی نمیتواند آنرا نقض کند و اگر کسی قسمتی از این سرزمین را اشغال کند اعلیحضرت

باید او را خارج کند .

در ماده ۳- اعلیحضرت امپراطور ایالت گرجستان را در ملکیت ایران می شناسد .

در ماده ۴- اعلیحضرت تضمین میکند که چه با سیاست و چه با زور تمام ایالات ایران را که امروز تحت تصرف روسها میباشد پس بگیرد .

این موادی هستند که اعلیحضرت اجرای آنها تعهد کرده اند و باید ترتیبی برای این کار داده شود و یا با حرکت قوای ایران برای جنگ با روسیه مخالفتی نداشته باشند .

ژنرال گاردان پس از اطلاع این مطالب و آشنائی به اوضاع موجود تصمیم گرفت آقای لازار منشی سفارت فرانسه را بعنوان مامور نزد مارشال گودویچ بفرستد .

او کتبا " به مارشال اعلام خواهد کرد که چون اعلیحضرت امپراطور ناپلئون نسبت به شاه ایران وظایفی دارد و بین آنها اتحاد و قراردادی دارد اعلیحضرت ناپلئون موظف به مراقبت ، در کارهای مربوط به ایران است .

هرگاه قشون روسیه اقداماتی برخلاف حق و عدالت در خاک ایران و برای تصرف آن بنمایند و دشمنی را آنها شروع کرده باشند این اقدامات باعث عدم رضایت فرانسه خواهد شد و موجب سردی روابط بین دو کشور خواهد گردید و اگر گودویچ سردار قشون روس عامل این حوادث باشد جز پشیمانی و ندامت چیزی عایدش نخواهد شد .

آقای لازارخان نامه هائی را که برده است به کنت گودویچ میرساند و با او مذاکرات لازم را خواهد کرد و بدون شک خود او بدون فوت وقت جواب فرمانده روس و مشاهدات خود را جز به جز به اطلاع آن جناب میرساند .

ما انتظار الطاف و مراحم آنجناب را داریم که به این نامه و به هر یک از مواد قرارداد اشاره شده پاسخ دهند و ما را از تصمیم دولت فرانسه مطلع فرمائید (۱) سند شماره (۱۱)

نامه میرزا شفیع به کنت دوشامپاینی — سند شماره (۱۱)!

Primates

Oratoire d'un Baron de S. E. Mazarin.
Chiffre, premier Vêpres de Paris, à S. E. Mazarin.
De Champagne, Ministre des Relations Extérieures.
De l'Empire français.

London, le 10 Octobre 1802.

تبرستان

www.tabarestan.info

Les les aimables boutons de la fleur de nos vœux, qui -
s'épanouissent en double et constant d'une plume parfumée ; -
que les traits gracieux de nos hommages, qui se nourrissent en -
s'élevant sur la grande ombre d'une lettre, que Dieu l'amiti
devient mis sous les yeux de S. E. Monsieur de Champagne
Ministre des Relations Extérieures de l'Empire Français, Notre
fiancé bien-aimé ; — ~~le Prince de~~ de grands, qu'environ
ment la dignité et la gloire, confidant des secrets du trône, et
Gardeur des trésors de l'autorité et de la puissance souveraine ;
Ornement du grand ministériel ; Doyen du flambeau de la
Majesté suprême, dieu du ponton de l'amitié et de la bonne
foi, lumière de l'assemblée des sages et des amis fidèles,
Vêpres plein de zèle et de prudence, aux vœux profonds de
Suprême ; Directeur des affaires de l'état, et Ministre ami
de la justice et de la droiture. (Qu'il son bonheur être -
étérnel ! ce tout-quel monde aura de Dents, que des désirs
y soient vœux, et que sa coupe soit à jamais remplie du
vin de la félicité !) —

Oratoire —

« Je vous en prie, nous en avons besoin pour la page de l'amitié et la
 « la feuille de la bonne intelligence, nous en avons besoin pour
 « exprimer à Votre Excellence.

« Il y a longtemps que nous donnons priés des nouvelles
 « nouvelles de Notre France (ici), et que nous ignorons l'état de
 « l'Inde. Les questions nous ont été souvent posées des Indes
 « des Indes, nous n'avons, jusqu'à ce jour, reçu aucune réponse
 « de Votre poste, nous sommes nous n'avons pas la satisfaction
 « de savoir ce qui regarde particulièrement Votre Excellence, et
 « l'inquiétude de nous faire d'apprendre les dispositions
 « de la Sultanie pour de donner les traits qui nous en font
 « à point, nous en sommes certains.

« J'ai vu je suis sûr depuis l'époque où S. E. a été
 « l'hôte, Général des Indes, après avoir de la part
 « de l'Empereur, notre amitié et gracieuse, nous ferons
 « un certain d'ambassadeurs extraordinaires auprès de l'Empereur
 « l'Empereur des Français, Roi d'Italie etc. »

« En de temps après M. de Gardane, et Auguste de
 « tous, ainsi que de nombreux courriers qui de font suivis
 « avec rapidité, ont été avec satisfaction envoyés à Votre
 « Excellence. Chacun d'eux était pour vous de l'Inde que nous

« nous devrions toujours être prêts de lui écrire. Mais jusqu'à
 la mort, c'est-à-dire jusqu'en 1861 de l'ère de Chuân (-
 « Dimanche 16. Octobre 1861.), nulle réponse ne nous est parve-
 « nue, et nous ne venons pas de Sa Majesté Impériale à l'égard
 « après les propositions de notre Sublime Cour qui remettaient,
 « entre les mains de Sa Majesté, la plus grande étendue
 « de pouvoirs. »

« Reprenons de cette année, soit on s'en est ordinaire-
 « ment en campagne, comme les nouvelles de l'Occident devaient
 « tarder à venir, S. E. Monsieur de Général Gerdan-kiân,
 « nous de notre part la promesse et l'engagement formel, que
 « l'armée persane ne commettrait pas la première déshon-
 « nabilité contre les Russes, jusqu'à l'arrivée des délégués du
 « Cabinet de France; et en même temps, sur les représentations
 « brèves et amicales dudit-Ambassadeur, nous expédiamos
 « une personne distinguée (M. l'ali-kiân Nouri) à S. E.
 « M. le Général Feld-Marschal Comte Gerdowitch, Général-
 « en-chef des Russes, et on lui écrivait de la manière la plus poli-
 « et la plus convenable, nous lui fîmes connaître le véritable
 « état des choses, et lui déclarâmes :

« Que, puisque Sa Majesté d'Auguste Empereur de France
 « est l'ami du Souverain de toutes les Russies, et que d'un autre

« C'est, de votre Majesté, est remplie d'intentions favorables
 « pour le sublime consort de France, qui a remis entre ses mains
 « toutes nos plus chères intérêts; qu'en outre les deux
 « puissances ont actuellement à Paris leurs ambassadeurs
 « respectifs, c'est à ces ambassadeurs à travailler de traités;
 « diffinitifs l'affaire de la paix, sous les yeux et d'après les instructions
 « de votre Majesté Impériale et Royale; que sur nos frontières
 « on cesserait toute espèce d'hostilité, jusqu'à l'arrivée d'un
 « officier de la France, et que pendant cet intervalle, les deux
 « parties auraient mutuellement les regards et les bons procédés
 « qu'exige une amitié donnée et rendue. »

« Aujourd'hui la réponse définitive du Comte Fiodor
 « est entre nos mains. Dans la lettre et dans celle de M. B...
 « de Comte Nicolas Romanzoff, il est clairement établi que
 « le Cabinet de Russie a rejeté la médiation de votre Majesté
 « l'Empereur des Français, et ne veut pas que la paix de
 « notre soit traitée à Paris; que le Ministère Russe exige
 « un contraire, que sans plus tarder, on y transmille ^{le mot} qu'en
 « la terminant dans le champ; qu'enfin, si la Russie n'écoute
 « pas ces propositions, on doit reprendre les armes et
 « recommencer les hostilités. »

« Quoique ce sublime consort doit bien derrière les

« Dans l'art. IV de Majesté s'engage à obtenir,
 « soit par de bons offices, soit par la force même, la restitution
 « de toutes les provinces possédées aujourd'hui occupées
 « par les Russes.

« Cels sont ces articles, qu'il est de la grandeur et de
 « la magnanimité de sa Majesté Impériale Royale, de
 « la gloire et de la dignité de la Couronne de France même
 « exception, et le devoir du Ministre Distingué qu'elle
 « envoie auprès du trône de sa Majesté, et qui est son
 « représentant en cette sublime Cour, en ce de trouver le
 « moyen d'arranger cette affaire, ou enfin de ne pas s'exposer
 « des dangers à la marche de nos armées pour combler
 « les Russes.

« S. E. M. le Général Gardane, après avoir prêté
 « l'oreille à ces représentations, et pris une connaissance parfaite
 « de l'état des choses, a résolu d'envoyer, le Noble M. de La Fayette,
 « ancien, d'origine de la légation française, en mission vers
 « le Comte Gardane; il fait de l'avis parvenir à ce point
 « que comme sa Majesté l'Empereur Napoléon le grand
 « a été chargé par notre sublime Cour de ses plus chers
 « intérêts, et qu'il a avec elle une alliance si précieuse
 « Majesté s'est engagée à veiller aux affaires de la Pologne,

نامه کنت گودویچ به شاهزاده عباس میرزا

۱۱ نوامبر ۱۸۰۸ (۱۲۲۴ هجری)

نامه دوستانه‌ای که آن جناب بوسیله آقای لازار منشی سفارت فرانسه فرستاده بودید دریافت گردید . آقای لازار همچنین تمام مذاکرات شفاهی مربوط به مسائل ایران و روسیه و پیغامهای ژنرال گاردان را به اطلاع من رسانید .

پاسخ تمام مطالب ، جوابی است که دفعه اول داده شده که این حوادث بوسیله ایرانیان به وجود آمده است و من جز اجرای دستورات امپراطور روسیه کاری نمی‌توانم انجام دهم همانطور که قبلاً " ضمن نامه به آن عالی جناب اعلام کرده‌ام .

من در مقام یک خدمتگزار تابع امیال اعلیحضرت هستم و نمی‌توانم کارهای شروع شده را ناتمام بگذارم و در قدرت من نیست که از آن صرف نظر کنم و بهیچ طریق نمی‌توانم از ادعاهای کشورم چشم‌پوشی کنم گرچه سرزمین‌هایی که دولت من می‌خواهد از ایرانیان بگیرد ما آنها را فتح کرده‌ایم و در تصرف ما هستند معذک من با قرارداد قطعی صلح موافقم اگر برای خط سرحدی بین دو کشور رودخانه‌های ارس و کورا و آریا جای مورد قبول واقع شود .

اگر جنابعالی در اینخصوص از طرف پدر معظم اختیارات تام دارید به من اطلاع دهید که فوراً " وبدون فوت وقت مذاکرات را درخصوص مرزها که قبلاً " مشخص شده شروع کنیم .

در هر حال به علت ارادت صادقانه و احترام عمیقی که نسبت به آن جناب دارم مطالبی را مخفی نخواهم کرد و آن این است که ما هرگز از پیشنهاداتی که کرده‌ایم صرف نظر نخواهیم کرد زیرا این حدودی که ما خواستاریم من صریحاً " اعلام میکنم دارای نتایج زیادی برای ایران است که بخصوص برای شما که زمانی بر آن حکومت خواهید کرد و اگر حکومت شما مهلت زیادی برای انجام آن بخواهد عملی نیست و بعلاوه اگر قلعه ایروان با میل و رغبت بدون خونریزی به ما واگذار نشود من بشما اعلام میکنم که به لطف کمک خداوند ما با کمال شدت و قدرت آنرا محاصره خواهیم کرد و آنجا را تصرف میکنیم ولی به پایان زندگی محاصره‌شدگان و مدافعین تمام خواهد شد .

آنجناب در این باره فکر کنند که تعیین حدود مرزی بستگی به اراده سرور بزرگ من خواهد داشت و اگر با رضایت و موافقت شما حاصل نشود به نیروی قشون ما بستگی دارد .

با توجه به منافع شایک مرتبه دیگر توضیح میدهم که دولت روسیه از نظر خود بر نمی‌گردد بخصوص درباره مسائل مربوط به صلح که بسیار برای ایرانیان مفید است و بخصوص برای آنجناب

(۱) سند شماره (۱۲) .

در نوامبر ۱۸۰۸ (۱۲۲۳ هجری) کنت گودویچ مجدداً " نامهای برای شاهزاده عباس میرزا در خصوص مذاکرات شفاهی آقای لازار و پیغام آقای ژنرال گاردان در خصوص رعایت دوستی ایران و فرانسه مینویسد و ضمناً " ایران را تهدید به محاصره و تصرف ایروان کرده و اصرار دارد که به دولت ایران به قبول مرزهای پیشنهادی روسیه به صلاح ایران است و نتایج و فوائد زیادی خواهد داشت .

تبرستان
www.tabarestan.info

۱۱۷

۱۵

نامه کنت گودویچ به شاهزاده عباس میرزا - سند شماره (۱۲)

تبرستان

www.tabarestan.info

Traduction d'une lettre de M. le Comte
Spudovitch adressée à S. M. le Prince
Sobouk-Mirza.

Remise le 8 x 6-1868.



Après un compliment d'usage :

« Votre lettre amicale que V. A. m'a envoyée par M. Lajard
Secrétaire de légation de France m'est parvenue et
M. Lajard m'a fait toutes les communications verbales
relatives aux intérêts de la Russie et de la Perse dont
l'avait chargé notre estimable ami M. le Général Gourane
Ambassadeur de France près la Porte persane. Je réponds
à tout dans le même sens que la première fois: que ces événe-
ments ont été provoqués par les Persans, que c'est eux qui
sont cause de leur prolongation et de leur durée et que je
n'agis que d'après les ordres absolus et irrévocables de S. M.
l'Empereur de toutes les Russies, ainsi que j'en ai parfaitement
prévenu V. A. par toutes les lettres que je lui ai adressées anté-
rieurement. Enfin en ma qualité de serviteur dévoué et fidèle

de mon auguste Souverain, je me conforme uniquement à sa volonté sacrée, incapable que je suis de faire autrement. Je n'appartenant pas de suspendre mes opérations commerciales, il n'est pas en mon pouvoir d'y renoncer, et je ne puis en aucun façon reculer des prétentions de mon Comro ni les altérer en

Quoique tous les Etats que mon suprême Gouvernement veut obtenir des Persans soient tous en notre pouvoir et que nous les ayons conquis par la voie Desarmée, je suis néanmoins encore tout disposé aujourd'hui à négocier la paix définitive, si l'on veut convenir d'accepter pour ligne de démarcation entre les deux Empires le Roum, l'Arax et l'Arpatsch et si U. A. ayant à cet effet renoncé de son Auguste père les pleins pouvoirs nécessaires, on en fait aussitôt sur le champ et sans délai les conférences concernant les frontières ci-dessus indiquées. Dans tous les cas, en raison des sentiments d'intérêt sincère et du profond respect que je professe pour U. A. je ne lui défendrais pas que d'une part ces limites nous séparent étant en notre puissance puisque nos armées nous les ont subjugués, et d'une autre, comme nous ne pourrions jamais nous résoudre à nous déistes des prétextes que nous avons mis en avant, je déclare positivement au Gouvernement persan que ce n'est qu'à nos conditions que

119

118

que pourra avoir lieu entre la Russie et lui cette paix si pleine d'avantages pour les deux parties. Mais si toutefois ce que nous proposons est d'un si grand intérêt pour le Gouvernement de Perse, et surtout pour V. A. qui doit un jour en être le Souverain, si ce Gouvernement apporte de plus long délais à ce traité, elle ne sera plus praticable. Et si Dupuy, la forteresse d'Erivan ne nous est pas livrée de bonne volonté et sans verser de sang, je déclare, qu'avec le secours de Dieu, nous en pourrions le siège avec tant d'ardeur, qu'en détail contre la vie à tous les habitants et à tous les défenseurs de cette place, nous nous en emparerions certainement. Que V. A. songe que la détermination des limites ne pourra jamais dépendre que de la volonté de mon auguste maître, si elle n'est pas le fruit de votre apaisement à nos propositions, mais au contraire l'effet de la force de nos armes.

Et maintenant l'amour du bien qui me fait faire ces observations à V. A. se m'en rapporte à sa sagesse et à sa parfaite équité. Guidé par les sentiments de l'intérêt le plus vif, j'exprime encore une fois que la Cour de Russie ne verra pas avec ce qu'elle a avancé, surtout relativement à la conclusion de cette paix qui doit

être si utile aux Persans et principalement à N. A. A.

Du reste elle fera ce qui lui plaira pour moi, j'attends
en l'attention d'exposer ce qui était le plus sage et le plus
convenable dans ces conjonctures. Enfin, en raison des
profonds sentimens de respect que j'ai pour M. A. plus
annonce que je n'ai retenu son caprice qu'un jour subit
et l'ai mispitôt capoté. Quant à M^r. Lajard, n'ayant
pas eu la force de retourner vers les Persans à cause de
son indisposition, il est demeuré près de moi. Lorsque
on sera rétabli lui permettra de se remettre en route
je le renverrai, en le faisant accompagner par des cavaliers
sans jamais aux frontières.

J'ai l'honneur d'être avec un profond

Au Camp d'Orsan le 11 novembre 1908.

Traduit par le g. Ant. pour la ligne

3. et 4. près la Cour de Peve.

Cherbon les p^{tes} 1806 P.T. de Verriat



میرزا شفیع مجدداً "ضمن نامه‌ای به عنوان وزیر روابط خارجی فرانسه به قرارداد ایران و فرانسه"^۱ (فین‌کین‌اشتاین) اشاره میکند و تعهدات دولت فرانسه را درباره اخراج روس‌ها از خاک ایران یادآوری مینماید.

در این نامه مینویسد که پس از مراجعت میرزا رضا و آمدن ژنرال گاردان و اعزام عسکرخان به عنوان سفارت بدربار فرانسه^۲، ایران کلیه پیشنهادات فرانسه را مورد عمل قرارداد و با انگلیس‌ها ترک رابطه کرد و بنای مخاصمت گذاشته شد و برای گشودن راه هندوستان با جماعت افاعنه در گیری پیدا نمود و با دولت روسیه ترک محاربه کرد و بهر حال با دوست آندولت دوست و با دشمن دشمنی کرده است و چون در عهدنامه، حضرت امپراطور تعهداتی کرده‌اند باید از عهد بهر آیند و روسها را یا با دوستی و یا از راه دشمنی از ایران خارج کنند.

یکسال است که عسکرخان روانه آن کشور گردیده و تا بحال جوابی از اولیاء آندولت نرسیده است روسها نیز از فرصت استفاده کرده به ایالات ایروان و نخجوان تجاوز کرده‌اند. گرچه هجوم آنها دفع گردید و متواری شدند و مقدار زیادی توپ تفنگ و آلات جنگ بر جای گذاشتند ولی از این آمد و رفت در حدود دو کرور تومان خسارت وارد آورده‌اند.

بهر حال این دولت منتظر وصول خبر و ظهور اثری از آنطرف میباشد. باعث تعجب است چرا این همه تغافل و اهمال اوجانب آن دولت بعمل آمده آبا بعد مسافت است یا خدای نخواستہ موانع دیگری پیش آمده است.

موسیو پتوریلر عازم آن دیار است و حامل یک نامه از طرف شاهنشاه برای امپراطور میباشد ژنرال گاردان نیز اوضاع را کتبا "با اطلاع رسانیده است.

امید است آن برادر محبت نموده ترتیبی دهند که پیش از این در انجام این امر تاخیر نشود و اخراج روسها که امپراطور تعهد کرده‌اند هر چه زودتر انجام شود (۱) سند شماره (۱۳) فتحعلیشاه که از اقدامات دولت فرانسه اثری مشاهده نکرد و مکاتبات وزیر خارجه ایران و گزارشهای ژنرال گاردان برای دولت فرانسه در خصوص انجام تعهدات در خصوص انجام تعهدات در خصوص ایران نتیجه‌ای نبخشید ضمن نامه‌ای به عنوان ناپلئون پس از تعارفات معمول به تعهدات فرانسه درباره خروج روسها از خاک ایران و جلوگیری از تجاوز روسها و سایر مخالفین اشاره کرد

و اعلام نمود که دولت ایران که تعهدات خود را انجام داده خواستار اخراج روسها از ایران
میباشد (۱)

تبرستان
www.tabarestan.info

نامه میرزا شفیع وزیر خارجه ایران به وزیر روابط خارجی فرانسه

دره یکتای شنائی که از صدف خاطر صدق مظاهر زاید ولولو لالای دعائی که زیور تریاب
اتراب و ولا را شاید ، نثار انجمن حضور جناب شوکت نصاب ، بهامت وفخامت انتساب ، جلالت
و بنالت ماب ، زیور صدر صدارت دست وزارت ، برازنده مستدجلال طرازنده انجمن اقبال شمع
جمع وفا و وفای ، نظم بزم مهر و انفاق حضور اعظم اکرم صدر جلیل القدر افخم برادر نیکو
اختر معظم باد .

بعد از شرح مراتب مودت و ولامکشف رای محبت اقتضا میدارد که اولاً " غایت مطلب و
مقصود سلامتی وجود مسعود است و ثانیاً " درباب موافقت دولتین علیتین ایران و فرانسیس که
اساس محکم بعون خداوند عالم تاسیس یافته و عهود و شروط چند در عهدنامه مبارکه سمت نگارش
پذیرفته بود .

چون اهم شروط و عهود بیرون شدن طایفه روسیه از خاک ایران بود بعد از مراجعت عالیجاه
میرزارضا که عالیجاه عزت همراه جنرال گردان خان (گاردان) شرف اندوز حضوراً شرف پادشاهی
و الطاف مهر انتصاف ضمیر خورشید نظیر شاهنشاهی مفتخر و مباهی گردید ، عالیجاه عمده -
الخوانین عسکرخان سالار عساکر افشار از جانب این دولت ابد مدار روانه آنصوب صواب آثار گشته
اولیاء این دولت علیه همه تکلیفات دولت فرانسه عالیجه را قبول کرده عهدنامه معتبر مهوری
سپردند و از تاریخ ورود عالیجاه موسی (موسیو) ژوبر که بنام دوستی و موافقت را که مشید پاس
یکجهتی و اتحاد را بنوعی مرعی داشتند که بر همه اهل عالم معلوم و بهرذی شعوری واضح و
مفهوم شد .

از یکطرف بملاحظه رای امپراطوری آتش ستیز را ، باطایفه انگلریز (انگلیس) تیز کرده و از
یک جانب ، ابواب نزاع و جدال را برای گشودن راه هندوستان برجماعت افغان گشودند
و ازیک سونظر بر رابطه سازش که فیما بین حضرت امپراطور اعظم با دولت روس واقع شده بود کاوش
با آنها را مبدل بسازش نمود و در هر حال با دوست آن دولت دوست و بادشمن دشمن بودند و از
آنطرف نیز چشم آن داشتند که در عالم دوستی و موافقت مجاری رفتارشان از همین قرار باشد و
چون حضرت امپراطوری در عهدنامه مبارکه که کفیل و وکیل دولت علیه ایران شده اند موافق
قانون فرخنده پادشاهان که وفای عهد و ایفای به وعداست از عهده عهد خود برآیند . و عساکر
روس را از سرحدات این ملک محروس خواه بدوستی و خواه بدشمنی اخراج نمایند .

حال متجاوز از یکسال است که عالیجاه عسکرخان روانه آنولاشده و بهیچوجه جوابی از

اولیاء آندولت نیامده بعد از روانه شدن او هم چندین رسول و نامه روانه و انقاد آنصوب گردیده و اثری از جواب هیچیک بظهور نرسیده.

در این اثنا برخلاف منظور، کدویج سردار روس باقتضای جبلت منحوس چون عساکر ظفر مائر ایران را از کار جنگ و پیکار آسوده دید، سپاه گمراه خود را بجانب ایروان و نخجوان که دو ولایت معظم آذربایجان است کشیده بسودای خیال فاسد مصدر بعضی مفسد گردید. و عاقبت کار بعون آفریدگار ازین رفتار ناصواب بجز پشیمانی و ندامت حاصلی نیافته در عرض مدت دوماه از تناول غازیان کینه خواه، بحدی کار خود را تباه یافت که بهمان رهائی جان خود اکتفا کرده همه عراده توپ و تفنگ و آذوقه و اسباب و آلات جنگ را سوخته و ریخته بی اختیار قرین انحاء خذلان و خسارت بجانب نواحی گرجستان گریخت و قتل از سپاه او واقع شد که خندق حصار ایروان نهری مالا مال خون و همه دشت و کوه لاله گون گشت ولیکن از این آمدن و رفتن دو کور و خسارت باهالی ایروان و نخجوان رسیده و نظر به کفالت و وکالت حضرت امپراطوری اولیاء این دولت باز منتظر وصول خبر و ظهور اثری از آنطرف میباشند و نهایت حیرت و تعجب دارند که چرا اینهمه تغافل و اهماال از جانب آندولت ابداتصال روی داده آیا بعد مسافت مانع وصول جواب شد یا خدانخواستہ عایقی دیگر اتفاق افتاده.

قاعده وکالت و مقتضی رسم کفالت و رای این بود که درین عرض مدت بکلی از حال و وضع این حدود مطلع نباشند و در این زمان مدید بهیچوجه جویای اوضاع امور این دولت نشوند. علی ای حال در اینوقت که عالیشان و کیاست نشان عمده العیسویین موسی طوریلر روانه آنصوب صواب سمیر بودیک طفرانامه دوستی از جانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه طلاله روحی فدا به حضرت رفعت امپراطور اعظم مرقوم و مکنونات ضمائر در ملفوفه مبارکه معلوم شده. عالیجاه عزت همراه جنرال گردان هم مفصل اوضاع و امور این حدود و ثغور را قلمی داشته است. خاطر مهر مایل را اطلاع کامل خواهد شد. دوستدار نیز در مقام اعلام و آشکار بر می آید که آن برادر محبت نموده در عالم خیرخواهی هر دو دولت وضعی نمایند که زیاده بر این تعویق و تعطیل در ظهور اثر عهود سابقه و شروط سالغه واقع نشود و بیرون کردن روسیه را که حضرت امپراطوری بر ذمه همت خسروانی لازم فرموده اند بزودی صورت اتمام دهند که این مطلب در مقابل فوائد و منافعی که در ضمن موافقت حضرتین متصور است بسیار جزئی است و انشاء الله تعالی تا قیام قیامت چنان التیام این دو دولت جاوید فرجام محکم و استوار و محکم و پایدار خواهد بود. هموقت حقایق نگار صور حالات و مهمات المافات هستم (۱)

الباقی ایام شوکت فرجام بکام باد

سند شماره ۱۳

مفاد نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

شاه ایران به تعهدات فرانسه درباره خروج روسها از خاک ایران و جلوگیری از تجاوز مخالفین
به خاک ایران و به پایبندی خود در اجرای تعهدات اشاره کرده است و خواستار انجام تعهدات
و اخراج روسها شده است سند شماره ۱۴.

تبرستان
www.tabarestan.info

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

بعد از ابلاغ سلامی چون مهردوستان یکدل صافی و پس از اهدای ثنائی چون عهد ما یکدلان وافی، مکشوف رای مهرضیای آن برادر والا گهر که ضمیر منیرش قانون مزامیر مردی و مردانگی و خاطر خطیرش میزان مقادیر دانش و فرزانیست میدارد که از سوابق زمان تاکنون کیفیت امور و مجاری اوضاع این حدود و ثغور از تقریرات سفرا و فرستادگان و تحریرات عالیجاه جنرال - قاردان خان (ژنرال گاردان) بر رای عقده گشای آن برادر کامکار کامران، کماکان معلوم و مشهود گردیده بود .

در اینوقت که عالیشان موسی دوبری را بر سیل ضرورت روانه خدمت آن حضرت فلک رفعت مینمود و گزارش امور بنگارش جنرال مشارالیه محول افتاد، مفصل آن را بر پیشگاه ضمیر آگاه آنجناب عرضه داده است . بنیان عهد و میثاقی که فیما بین این صداقت شعار و آن برادر کامکار به فصول مشروطه و اصول مضبوطه مشید و محکم گردیده در اثبات و ایفاء آن ملزومات یکجتهی و دوستی بظهور رسیده از اینجانب قصوری و فتوری در آن راه نخواهد یافت دل بر عهد آن برادر مکرم بسته ایم و خاطر باوفای او پیوسته و آن خجسته برادر والا گهر در عهدنامه مهموره بر عهده کفایت ایمپراطوری لازم داشته بود که طایفه مسکو را از خاک ایران بیرون سازد و اگر از طرف ایشان به نزاع و جدال آنسامان اقدامی شود آن برادر معظم بتلافی و مکافات آن پردازد و هرگونه آسیب و ضرری از آن طایفه یا سایر مخالفین بممالک ایران عاید گردد، در دفع و رفع آن دست همت و پای عزیمت گشاده از عهده مشروط و عهده خسروانه برآید .

جنرال مشارالیه نیز از آن جانب همیون در رکاب و جناب ما واقف و عاکف و التزام اودر این حضرت از معاهده مسطوره کاشف بوده نیز با وجود دواعی ضروری به بانتظام امر سرحد آذربایجان چنانچه بایست نپرداخته تمامی مهام را بانتظار وصول خبر از خدمت آن برادر فرخ سیرموکول ساختیم .

درین فصل زمستان که هنگام لشکرکشی ایران منقضی و عهود و موثقه کمال اطمینان را از جانب آن برادر مهربان مقتضی بود، سردار طایفه روس در گنجه و تغلیس با جمعیت سپاه خود وارد ایروان و اکنون قریب دوماه است که فیما بین، نوایر جدال و قتال قرین اشتغال و سپاه ظفرپناه بمحاربه و مجادله اشتغال دارند، شرایط دوستی چنین و این معنی بر ضمیر یکجتهی صریح و یقین است که آن طرازنده افسر امپراطوری را که آفتاب همتش از روح غیرت و مردمی تابان است و صرصر غزیمتش از نهیب مردی و مردانگی شتابان عهدش پرورده مهد وفا است و مهرش آمیخته باشد

صفاهرکز تحمل وقوع این گونه امور نخواهد بود و فوراً " بمجرد آگاهی از کماهی حال بتدارک و تلافی جسارت طایفه مذکوره برا " و بحرا " خواهند پرداخت و مقتضیات قدرت و همت ایمپراطور برا بی شائبه تحمل و صبری بحکم ضرورت آشکار خواهند ساخت . عهد اتفاق و عقد وفاق و میثاق ما باقصای آفاق رفته سرتاسر جهان را فرو گرفته است .

اکنون این قضیه بین السلاطین مشهور است و در السنه و افواه دوستان و دشمنان مذکور ، زبان روزگار بدین ترانه گویا است و گوش و هوش پادشاهان نامدار مال این کار را طالب وجویا در تنبیه روسیه از حضرت ایمپراطوری قصوری نخواهد رفت والا اولیای هر دو دولت تا قیامت مورد ملامت دشمنان و موجب ندامت دوستان خواهند بود . والسلام

سوادنامه اشرف پادشاهی است که بتاريخ ۷ شهر شوال ۱۲۲۳ قلمی گردیده و مطابق است و تغییر و تبدیلی در آن نیست (۱) سند شماره ۱۴

گودویچ در نوامبر ۱۸۰۸ (۱۲۲۳ هـ) مجدداً " نامه ای به میرزا بزرگ وزیر شاهزاده عباس میرزا مینویسد و تقاضاهای سابق را درباره مرزهای ایران و روسیه تجدید مینماید و اعلام میکند که حاضر به تغییر پیشنهادات خود نیست و توصیه میکند که این قرارداد به نفع ایران است و ضمناً " اظهار کرده است که اگر پیشنهادات ژنرال گاردان به نفع هر دو طرف باشد مورد قبول است البته نظرش این است که اگر در پیشنهادات خود منافع روسیه را رعایت کند و با واگذاری قسمتی از خاک ایران به روسیه موافقت نماید مورد قبول دولت روسیه خواهد بود .

خلاصه نامه کنت گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا

۲۹ نوامبر ۱۸۰۸

... نامهای که بوسیله حسین قلی خان فرستاده بودید دریافت کردید من در این نامه‌های اخیر که بعنوان حضرت ولیعهد عباس میرزا و میرزا شفیع و صدراعظم فرستاده‌ام اراده منظر امپراطور روسیه را تشریح کرده‌ام و در قدرت و اختیار من نیست که آنرا تغییر دهم من اخیراً "ضمن نامه اعلام کرده‌ام که موضوع مربوط به خود ایران است که ترک منازعه کند .
اگر دولت ایران با پیشنهادات ما در خصوص مرزهایی که ما پیشنهاد کرده‌ایم و فعلاً" در تصرف ما میباشد موافقت کند همه مسائل حل خواهد شد .

در خصوص اینکه جناب عالی به ما موریت لاژارمنشی سفارت فرانسه اشاره کرده‌اید که او را اعزام داشته‌اید که پیشنهاداتی بنماید اگر پیشنهادات او به نفع دو طرف باشد مورد قبول است نه اینکه فقط برای یک طرف مفید باشد و من حتم دارم نظریه‌هایی ژنرال گاردان اعلام می‌نماید خارج از اصول اتحاد و دوستی نخواهد بود .

من باید به اطلاع جنابعالی برسانم که این موضوع مربوط به شاهزاده ولیعهد است که باید تصمیم بگیرد . من میدانم که دولت ایران آماده صلح است و ما نه تنها مخالف نیستیم بلکه برعکس علاقه به انجام آن طبق ضوابطی داریم .

اگر شاهزاده ولیعهد از طرف پدر معظم اختیارات کافی دارد همانطور که من از طرف امپراطور روسیه دارم .

من تکرار میکنم که انعقاد قرارداد صلح انجام گرفت مگر اینکه ایران پیشنهادات ما را در خصوص مرزها بپذیرد ، ضرورت ندارد فوایدی که ایران از این قرارداد صلح و اتحاد بایک دولت قوی نصیب میشود یادآوری گردد .

زیرا ما در این خصوص در نامه‌های قبلی که بعنوان ولیعهد نوشته‌ایم توضیح داده‌ایم . بطور تحقیق ما در انجام تقاضاهایی که قبلاً" کرده‌ایم مصر می‌باشیم و این آخرین حرف ما میباشد که پیشنهادات ما را بپذیرند و قرارداد صلح با توجه به نظرات ما بسته شود .

اولین دفعه که ایران نظریات خود را در خصوص صلح اعلام داشت به نظر نمی‌آمد که با واگذاری مرزهای مشخص بوسیله رودخانه‌های کورا و ارس و آراپای موافقت نداشته باشد . به صلاح ایران است که پیشنهادات ما را در خصوص مرزهای پیشنهاد شده بپذیرد . من تصمیم را به عقل و دانائی شما واگذار میکنم (۱) سند شماره ۱۵

ترجمه نامه کنت گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا - سند شماره (۱۵)

۴۴۸

Traduction d'une lettre de S.E.
le Feld-marschal Comte Gudenovitch
à S.E. Mirza-Pourquelt. Niziv de
S.A.S. le Prince Abbas-Mirza.

نسخه شماره ۴۴۸.

تبرستان

remise le 29 novembre

1808.

Après avoir aperçu V.E. des vœux que je fais
constamment pour son bonheur, je lui apprend, que
j'ai reçu la lettre qu'elle m'a expédiée par un serviteur
de Gupsein-Koulth Khan, et d'après le contenu de cette
lettre, j'avais déjà expédié et manifesté dans mes
dernières dépêches adressées au Prince héritier
Abbas Mirza et au Grand Niziv Mirza-chéy, les
suprêmes volontés de mon auguste maître l'Empereur
de toutes les Russies, et qu'il n'est point en mon
pouvoir d'attiser par une téméraire audace. Je
prévins V.E. que je n'ai point encore obtenu de
réponse décisive. Pour moi, j'ai pleinement
connu à V.E. tous les détails. Et maintenant
lui retraçant ici le contenu de ses dernières écrits, je
lui déclare de nouveau, qu'il dépend uniquement
de la Perse de faire cesser les contestations actuelles
si la Perse consent à nous accorder les limites que
nous exigeons et que nous avons déjà conquises, tout
est dit.

Quant à ce que V.E. me marque de la mission de
M. Lajard, l'attaché de légation de S.E. le Général
Gardane, Ambassadeur duquel je suis gouverneur

paix et de son union avec le formidable Gouvernement de Russie, puisque nous les avons suffisamment exprimés et d'une manière évidente dans les lettres que nous avons précédemment écrites au Prince héritier de Perse et à V. L. Par la conduite que nous avons tenue en dernier lieu, et dont il est inutile de parler, et par la nature de nos propositions, qui tendent toujours vers un même objet, la Perse sans doute, aura été à même de comprendre, que nous voulions persister dans les demandes que nous avions faites en avant le premier jour, et qui tel était notre dernier mot. Il ne lui reste donc d'autre parti, que d'après ce que nous offrons, et de signer la paix aux termes de nos propositions. V. L. si pressante et si sage, voudra bien remarquer que la première fois que la Perse nous fit connaître ses intentions à l'égard de la paix, elle ne paraissait pas éloignée de nous céder les frontières déterminées par le Rhod, l'Aras, et l'Anpachai, et que certainement nous sommes nous en comparez, Dongri, Malysri. Mais la paix que la Perse offrirait à la nécessité, ne lui serait pas à beaucoup près aussi avantageuse, que celle qu'elle obtiendrait par la douceur. Il est de l'intérêt des Perses d'accepter celle que nous leur proposons en faveur des limites que nous voulons avoir: je m'en remets à la sagesse de V. L. Cependant, je dois encore représenter à V. L. que quoiqu'il paraisse par le contenu des lettres, que la Perse a du penchant pour s'arranger avec nous, il est d'usage, parmi nous, qu'on réplique d'une manière claire et loyale; et je ne cache pas à V. L. à ce sujet, qu'ayant eu la bonté de venir dans une affaire, tous les ministres de votre

De France, qui l'envoie auprès de moi pour m'
faire des représentations, il ne lui serait rien
de se présenter, que dans le cas où ce qu'il a à
m'objecter, serait à l'avantage des deux partis
n'aurait point pour but de m'en favoriser qu'à
sein. Je dois donc avertir N.É. que c'est au Prince
héritaire et à Elle, à décider en conséquence
si M. Lajard doit être retenu, ou si l'on doit
faire retourner sur ses pas. Quant à moi, je suis in-
mement persuadé, que les représentations que me
fait faire le Général Gardane, ambassadeur d'
Gouvernement ami et qui épouse tous nos intérêts
ne peuvent être que conformes aux lois de l'amitié
et de l'alliance.

Je comprends par les dépêches de N.É. que le
Gouvernement de Perse est porté pour la paix,
notre part, loin d'y être opposé, nous sommes
au contraire à en traiter d'après les bases qui
viennent, si le Prince héritaire a reçu de son
tous les pleins pouvoirs à cet effet, ainsi que me
a remis Sa Majesté mon auguste maître. Je
répète encore à N.É. que la conclusion de cette
paix ne pourra avoir lieu, qu'aux conditions que
la Perse accédant à nos dernières déclarations,
cède les frontières que je demande au nom de S. M.
l'Empereur de toutes les Russies. J'en ai déjà vu
N.É. Il n'est point nécessaire de faire ici ment
des avantages énormes, que la Perse retirera de

میرزا شفیع درشوال ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) مجدداً "نامه‌ای به وزیرروابط خارجی درباره رعایت عهد دوستی و توجه به نظر دولت فرانسه درخصوص ترک خصوصیت با روسیه و ترک رابطه با عثمانی و جنگ و درگیری با افغانه برای گشودن راه هندوستان و بالاخره جلوگیری از ورود سفیر انگلیس (مالکم) مطالبی مینویسد.

میرزا شفیع نوشته است که حال تنها دوست ایران دولت فرانسه است و افغانها و روسها و انگلیس‌ها به علت توجه ایران به خواسته‌های دولت فرانسه، از سه طرف درصدد دشمنی و جنگ میباشند و اگر دولت فرانسه به عهد خود وفا نکند مبارزه ایران با دشمنان متعدد خالی از اشکال نیست.

علیحضرت شاه ایران برسر عهد و پیمان هستند و هربار که از طرف انگلیس‌ها درخصوص اعزام سفیر اصرار شده است موافقت نکرده‌اند و روسها هم که تقاضای مصالحه کردند مورد قبول واقع نشده و به وساطت امپراطور موکول فرموده‌اند و بالت نتیجه حال دولت روسیه هم از دوستی با این دولت مایوس گردیده‌امید است آنجناب و سایر رجال دولت فرانسه با توجه به تعهدات در فکر اخراج روسها از خاک ایران باشند (۱) سند شماره ۱۶

فتحعلیشاه در نامه‌ای به ناپلئون به دوستی و اتحاد دو دولت اشاره کرد و نوشت که مطالب مهم را ژنرال گاردان بعرض رسانیده و ضمناً "به خدمات موسیو فایر اشاره کرده است. فتحعلیشاه در تعقیب نامه‌های عباس میرزا و میرزا شفیع مجدداً "نامه‌ای برای ناپلئون فرستاد و پس از تعارفات معمول به تعهدات دولت فرانسه و مواد قرارداد اشاره کرد و یادآور شده که آن برادر گرام متعهد گردیده که روسها را از خاک ایران خارج کند و اگر آنها یا دیگران با ما به جنگ پردازد همراهی و مساعدت کند و در رفع آنها یکوشد، ما نیز با امید تعهدات شما آنطور که لازم بود در استحکام سرحدات آذربایجان کوشش نکردیم در این فصل زمستان سردار روس با سپاه خود به ایروان تجاوز کرد، و دو ماه است که به جنگ با آنها مشغولیم با رعایت شرایط دوستی مطمئن است که آن امپراطور به محض اطلاع از تجاوز روسها به تلافی خواهد پرداخت و قدرت امپراطوری را نشان خواهند داد. (۲) سند شماره (۱۷)

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه جلد ۱۰ صفحه ۴۲۹

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه جلد ۱۱ صفحه ۲۶۳

فتحعلیشاه مجدداً "نامه‌ای برای ناپلئون فرستاد و نوشت که دوسال است که باب مراوده باز شده و اول دفعه موسیو ژوبر به ایران آمد ما نیز میرزا رضا را به سفارت فرستادیم که نظرات ما را به اطلاع شما برساند.

ژنرال گاردان نیز از طرف شما به ایران فرستاده شد و پس از مذاکرات ما پیشنهادات آن برادر گرام را پذیرفتیم چون متعهد شده بودید که روسها را از ایران خارج خواهید کرد، ارادت ما زیاده گشت ما نیز با دشمنان آن دولت آغاز دشمنی کردیم و از آن برادر انتظار داشتیم که عهد و پیمانش محکم و تا پایان کار مورد نظر باشد و اگر یکی از سلاطین با یکی از ما دشمنی کند دیگری بر علیه او برخیزد. شرط مهم معاهده اخراج روسها از ایران بود که آن برادر گرام متعهد انجام آن گردیدند.

ژنرال گاردان هم حضوراً "مطالبی به عرض رسانید که اطمینان کامل حاصل کردیم و با دشمنان دولت فرانسه دشمنی کردیم و ملکم انگیزی (مقصود نماینده انگلستان است) را که از راه عمان عازم این سامان بود قهراً "راندیم و او را در انجام امر سفارت مایوس ساختیم.

ژنرال گاردان از ما قول گرفت که تا آمدن خبر از عسکرخان در خصوص اقدامات شما با دولت روس ترک مخاصمت کنیم.

گودویچ از موقعیت استفاده کرد و به دو شهر ایروان و نخجوان حمله نمود و هر چند ژنرال گاردان کنبا "و شفاها" او را از این کار منع کرد سودمند نیفتاد ولی مابهرترتیب بود آنها را راندیم ولی از این آمد و رفت خسارت زیادی (دو کور) بر مردم این دو شهر وارد آمد. عسکرخان تا بحال مراجعت نکرده و خبری از آن برادر و تصمیمات او نداریم من نمیدانم علت در تاخیر جواب و انجام تعهدات چیست منتظر وصول جواب از آن برادر گرام هستیم (۱) سند شماره ۱۸

میرزا شفیع نامه دوستانه‌ای به وزیر خارجه فرانسه در خصوص تجاوز انگلیسها در جنوب و دفع آنها از طرف قوای ایران مطالبی نوشت و به تعهدات فرانسه درباره اخراج روسها از خاک ایران اشاره نموده است.

ضمناً "تقاضا کرد که چون موسیو وردیر و همراهانش (مرشل - فینو - دمتر) در خدمت شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه در تنظیم قشون و انتظام لشکر خدمات زیادی کرده‌اند، مراتب خدمتگزاری آنها را بنظر امپراطور برسانند تا برپایه و رتبه آنها افزوده شود (۲) سند شماره ۱۹).

فتحعلیشاه در ربیع الثانی سال ۱۲۲۴ (ژوئن ۱۸۰۹) مجدداً "نامه‌ای به عنوان ناپلئون

۱- وزارت خارجه فرانسه ایران جلد ۱۲ صفحه ۲۲۲

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران جلد ۱۱ صفحه ۲۴۰

نوشته که ژنرال گاردان در اینجا مقیم است و همه روزها منتظر خبر انجام تعهدات شما می باشد که تا بحال نرسیده است .

بطوریکه قبلاً " نیز اطلاع دادیم روسها که ما را متحد شما دیده اند از فرصت استفاده کرده وارد محال ایروان شده و خرابی ها کرده اند که البته هجوم آنها دفع گردید .

از قسمت فارس نیز انگلیس ها دشمنی آغاز کرده اند و پاکشتی های خود به حوالی بوشهر آمده اند خبر رسید که آن برادر گرام برای دفع شورش به اسپانیا رفته اند .

با ژنرال گاردان مذاکره کردیم و قرار شد تا سه ما دیگر ایلچی انگلیس را اجازه ورود ندهیم تا خبری از آن برادر گرام برسد . از عسکرخان تا بحال خبری نرسیده ژنرال گاردان اظهار میکنند که توقف من دیگر در ایران بيمورد است و اجازه برگشت می خواهد و نظر دارد که خود ما سفیر برای مصالحه و گفتگو به روسیه اعزام داریم البته این پیشنهاد برخلاف تعهدات آن برادر گرام است ولی هر چند اصرار به توقف او کردیم که شاید خبر مساعدی برسد موثر واقع نشد و عازم گردید و لازم آمد که با نمایندگان انگلیس مدارا کنیم ولی هنوز منتظر خبر از جانب آن برادر گرام می باشیم سند شماره ۲۰

نامه میرزا شفیع به موسیو شامپاینی وزیر خارجه فرانسه

جناب وزارت ماب ، جلالت نصاب عظمت و حشمت آنتساب صدر آرای صدارت قدرافزای وزارت شمع جمع شهادت نظم بزم فخامت ، وزیر عدیم النظر ملک فزای دستور فرخنده دستور عقده گشا ، برادر نیک اختر مهرپرور موسی و شامپاینی همواره قرین شاهد شادگامی و شادمانی باد .

بعد از شرح مراتب مهر و وفا مکشوف رأی مودت پیرامیدارد که چون از روزی که عهد دوستی و موادحت فیما بین این دو دولت جارید محکم و استوار گردیده و عهد نامه حضرت ایمپراطوری بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاهی رسیده است نهایت اعتقاد و اعتماد ببقای عهد و وفای وعده حضرت معزی الیه حاصل نموده و بردمت و همت خسروانه ثابت و لازم فرموده اند که بمقتضای شرایط یگانگی و اتحاد همه وقت با آنحضرت یکدل و موافق و آرای رجال دولتین در هر امری از امور متحد و متفق باشد .

بنابر این چندی قبل این موافقت رای ملک آرای ایمپراطوریرا منظور داشته بنای ترک خصوصت و عداوت با طایفه مقو (مگو) را گذاشته و از اینطرف چون طبع حضرت معزی الیه را مایل دیدند اساس دوستی و مودت با دولت علیه عثمانیه را چیدند و از طرف دیگر برای گشودن راه هندوستان که یکی از مطالب عمده اولیای آنحضرت بود ، مشغول مقاتله و محاربه جماعت افاغنه گردیدند و ملکم ایلچی انگریز (انگلیس) را که عازم درگاه پادشاهی بود در کنار سواحل عمان که متصل بخاک فارس و داخل حدود این ملک جاوید اساس است برگردانیده نگذارند که داخل مملکت ایران شود .

هرچند از جانب جماعت انگریز (انگلیس) اصرار و ابرام در فرستادن سفیر و رسولی باین دربار سپهر احتشام شد قبول نگردید و خواهش آنها را برنیاوردند تا در این اوقات که نظر بتعهداتی که از جانب عالیجاه ، رفیع جایگاه ، عزت و بنالت دستگاه ، عمده الاکابر العیسویه ، جنرال گردان خان (ژنرال گاردان) اتفاق افتاد و التزامهایی که برای رفع خصومت و نزاع بین ایران و روس از اولیای این شوکت بیهیه گرفت و بوکالت طایفه روسیه داد ، اولیای این دولت را اطمینان کامل بهم رسیده ، مظنه جنگ و دعوائی با طایفه روسیه نداشتند و بهمین سبب سپاهو استعدادی که بایست در سرحدات مملکت محروسه نگذاشته ، با وجود اینکه حضرت ایمپراطور اعظم را دوست و حامی این دولت میدانستند گمان اینکه طایفه مزبوره جرات جسارت نمایند و در مقام نقصان و خسارت اهالی این مملکت برآیند نمیبردند ، و از روی کمال بیغرضی

داد و ستد بآنها میکردند که ناگاه غراف گودویج سردار سپاه روسیه علی الغفله جمعیت و سپاه خود را برداشته وارد خاک ایروان که واسطه الحد گرجستان و آذربایجان است گردیده بی - سبقت خصومتی از اینجانب بکاوش و اضرار اهالی آنجا پرداخته مساوی پانصد هزار تومان اموال و ائقال و دواب و غلات رعایای آنولایت را ضایع و تلف ساخت . و در این اثنا که عساکر منصور ایران مامور بسمت ایروان و سرگرم مدافعه طایفه مسقو (مسگو) بودند و از جانب خراسان هم با جماعت افغان برای تمهید مقدمه تسخیر هندوستان معامله و مقاتله مینمودند، طایفه انگریز (انگلیس) نیز فرصتی یافته از طرف دریای عمان یکنفر ایلچی روانه نموده اند که عازم دربار سپهر مدار پادشاهی و شرفیاب حضور لامع النور شاهنشاهی شود ، و بر آن دوست ظاهر خواهد بود که معارضه یکدولت با سه دوست نهایت صعوبت دارد و دعوا از سه طرف امر عظیمی است . بنا بر این اولیای ایندولت منازع انگریز را از حال تحریر که دهم شوال است تا دو ماه دیگر موقوف داشته با عالیجاه جنرال گردان خان قرارداد نمودند که هرگاه خبری از ظهور اثر عهدنامه های حضرت ایمپراطوری در عرص مدت این دوماه برسد ایلچی انگریز با خفت و جوه از کنار دریای عمان که در این مدت محل توقف او خواهد بود اخراج نمایند و بوضعیکه از اینجانب در عهدنامه مبارکه مرقوم شده مانع دخول او بخاک ایران شوند و الا بر آن برادر والا گهر پوشیده نخواهد بود که امروز دوست دولت علیه ایران منحصر بدولت علیه فرانسه میباشد و طوایف مسقو (مسگو) و افغان و انگریز از سه جانب در صدد دشمنی و کاوش میباشند .

هرگاه خدای نخواست از جانب دولت فرانسه تقویت و اعانتی بوضع که خود عهد و پیمان نموده اند نسبت باین شوکت روز افزون نشود ، معارضه عساکر منصوره ، در زمان واحد با دشمنان متعدد خالی از اشکالی نخواهد بود .

تا امروز اعلیحضرت پادشاه ظل الله ایران بر سر عهد و پیمانی که با حضرت سپهر رفعت ایمپراطوری نموده اند ایستاده و هر بار که از جانب انگریز در باب فرستادن ایلچی و سفیر اظهار و اصرار شده گوش بسخن آنها نداده ایلچی آنها را به بدترین وجهی پس فرستادند و از این طرف هم چندانکه از جانب روس خواهش وقوع مصالحه اتفاق افتاد قبول نفرموده محول بتوسط حضرت معزی الیه فرمودند که بهمین جهت طایفه روس از دوستی این (دولت بکلی مایوس شده مصدر این حرکت گردیدند و باز هم با وجودیکه ظهور این حرکت آنها منافی عهودیست که با دولت فرانسه شده بود از اینطرف بهیچوجه خلل و فتوری در بنیاد عهود سابقه حادث نشده .

عالیجاه جنرال گردان خان که در این مدت مدید متوقف این استان ملایک پاسبان بود هرگز امر جزوی که موجب نکته گیری بر اولیاء این دولت تواند شد ملاحظه ننموده است و امیدواری است که من بعد نیز امری که منافی قاعده قانون دوستی و دوستداری باشد از اینجانب واقع نشود و از آنطرف نیز از عهده عهد و پیمان خود برآیند که هرگاه خدا نخواستہ نقص و قصوری

در ارکان عهدنامه مزبور روی نماید حضرت‌ایمپراطور اعظم از عهده عهود و مواعید خود بنوعی که شایان شأن سلطنت و ملک‌داری است برنیاید، معنی در نظر مردم خورده‌بین و سایر پادشاهان روی زمین خوش آیند نخواهد بود و بدنامی خواهد داشت که این دوستدار در عالم خیرخواهی که نظر باتحاد دولتین دارد خود را راضی بآن نخواهد نمود.

یقین است که آنجناب و سایر رجال دولت علیه فرانسه نیز بمقتضای حمیت و غیرتی که داشته و دارند خود را به این معنی راضی نخواهند نمود. و در فکر بیرون کردن طایفه مسکو (مسکو) از خاک ایران و رفع ماده فساد از این حدود و سامان خواهند بود سایر امور نبجوی است که عالیجاه جنرال گاردان مفصلاً "قلمی داشته است الباقی ایام بکام باد.

سند شماره ۱۶ مهر میرزا شفیع
سوادنامه‌ایست که از جانب بندگان میرزا شفیع به وزیر اعظم قلمی گردیده تغییر و تبدیلی در آن نیست. سند شماره ۱۶

(۱) بتاريخ ۷ شوال ۱۲۲۳

[illegible][illegible]

صالح و نادر بنده و ملاقاتی که از درج حسن معارف و کتب معتبره فی الذمّه تراب دنیا و جنت را بر عباد علیهم السلام

اندر چشم من خورشید دلی را که در من نه بر فرمودم چه رسم کند زو بجای چشم من و من چشم
دیده بیا به چنان هم با یکدیگر کردم ما در چشم من اگر اندر او را

[illegible]

سید که در این زمانه است و این که در این زمانه است و این که در این زمانه است

[illegible]

شبهه که می بیند بجهانم که از کائنات خالص است که باطنی نیست و شایسته نیست بهر چه که بخواند و شنود

حضرت پیر محمد مصدق شاه و امامان مجتهدین پس از آنکه به پیشگاهش آمدند هر چه در امر مسیحیت میسر شد

[illegible]

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

حمد و سپاس وافر خداوند قادر بر اسراست که ملوک بی شریک و عدیل است لاخلف فی قوله ولاتبدیل حکیم دانا، علیم توانا، نعم المولی و نعم الوکیل، درود بیحد مرزمره پیغمبران و رسولان که سفرای امین و رهنمای شرایع مبین و باعلان آیات سابقه و لاحق و مواعید صادقانه پیروان روشن روان و متقیان پاک صمیر صافی حنان را نظام بخش مناظم و مصالح دنیا و دینند و بعدلای متلالی ثنائی که از درج منطق صدق و صفا زیور منطق یکجهتی و ولآمد و جواهر زواهر دعائی که از عقد تنزیه ریب و ریا شاهد اجابت رازیب حمایل شایر نثار انجمن انجم خدم، خسرو دریادل، ابرکرم خدیو قمر عزم مهرهم اسکندر شکوه سلیمان حشم، موسوی دست، عبسوی دم پادشاه فلک جاه معظم، شهریار کارمکار مکرم، برادر افخم اکرم، ایمپراطور اعظم، حکمروای مالک فرانسه و ایطالیا، که تا فلک را دوار و زمین را قرار است دوران جاهش برقرار و بنیان کامش استوار باد ساخته مکشوف رای عقد گشایش که کاشف رموز یکجهتی و ولایت میدارد که چون از بدایت نوبهار یکجهتی ووداد، ملزوم ضمیر محبت تخمیر که گلشن دوستی و روضه الفت را خجسته رضوانی بی نظیر است داشتیم که گلین موحدت و یگانگی را پیوسته به آبیاری خامه از انهار جدول، سطور نامه سیراب، واز هر سو عندلیب آسا بریدان حضرتین علیتین را با لحن صدق گفتار و موافق نواساز و نغمه خوان سازیم.

در اینوقت که عالیشان رفیع مکان عمده الاعیان موسی طوریلر از این حضرت سپهر.... عازم آن درگاه جهان پناه بود ادای مختصات دوستی و اتحاد را لازم افتاد که از تحریر این نامه سعادت ختامه عارض یگانگی رازیوری تازه آورده مشیدارگان موالات و مضافات کردیم تفصیل مطالب و مهام و گزارش مقاصد و مرام از قراری است که عالیجاه فطانت و متانت انتباه عمده الاکابر جنرال غاروان خان بدان حضرت سپهر نشان معروض داشته و امنای این دولت علیه باولای آن شوکت بهیه نگاشته اند. بهره رای مهر ضیای حضرت ایمپراطوری اقتضا نماید عین صواب است شرط رسم یکجهتی این و طریقه حسن موحدت و دوستی چنین است که پیوسته از مکاتیب و مراسلات موافقت آیات قوانین محبت و الفت از هر دو جانب بنعمات مصادقت ساز و انجام مقاصد و مطالب نیکوتر از آغاز باشد چون لازم است که ما خدمتگذاری سرگردانرا بنیان سازیم موسی فاویرهم کمال خدمت نموده است

دوام و مستدام باد (۱). سند شماره ۱۷

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

شهریارا جهان مدارا خجسته برادر کامکار

از روز نخست که شاهد موافقت این دو دولت از پرده غیب راه بانجم ظهور جست تاکنون که مدت دو سال افزون است سفرا و ایلچیان متعدد آمده و رفته اند تا نظام مواحدت دولتین از دوسو سمت انتظام گرفته .

ابتدا مرتبه عالیجاه موسیو ژوبر از جانب آن برادر وارد این حضرت و صبای نامه مشکبیر گلزار موافقت حضرتین را موجب طراوت و خضرت گردیده و نسیم شوق در اهتزاز آمده شکوفه آشنائی شکفتی آغاز نهاد ، دل مهر مایل را بمهربانی آن برادر میلی کامل حاصل گشت . عالیجاه میرزارضا را مامور بسفارت آن حدود ساخته مکنونات خاطر خود را بخامه دوستی نگاشتیم و از این ارسال رسول و نامه منظوری جز این نداشتیم که اولیای این دو حضرت در مراسم مهر و وفاق محسود شهر یاران آفاق باشند .

الحمدالله منظور جانبین موافق بود و رضای ما با قضای خدا مطابق ، بقاصله اندک عالیجاه جنرال غاردان خان (ژنرال گاردان) وارد این حدود و مراتب دوستی و محبت آن برادر بوجه اتم و اکمل آشکار و مشهود شد . عهد مودت تازه گشت و علایق محبت بی اندازه ، پیمان موافقت حضرتین با همان عهود و شروط موکد و مضبوط گردید و حصول این موافقت به فرخندگی و میمنت مقرون و فقط همه خواهشهای آن برادر که در عهدنامه محرر بود قبول نمودیم و از اینکه متعهد بیرون کردن روسیه از خاک ایران شده بود بر اعتقاد خاطر بمراتب برادری و نیکوخواهی آن حضرت افزودیم .

عالیجاه عمده الخوانین . . . عسکرخان سالار عساکر افشار را روانه آنولا کردیم و آنچشمقتضی رسم مواخات و مستلزم طریقه موالات بود بعمل آوردیم . با دشمنان آن دوست آغاز مخالفت نمودیم و با دوستان ابواب مخالفت گشودیم و از آن گرامی برادر نیز متوقع بودیم که مجاری رفتار و کردارش با این دولت جاوید قرار از این قرار باشد و عهد موافقتی که فیما بین گزارش یافته تا پایان روزگار محکم و استوار ، دلهای حضرتین با دوری مسافت نزدیک باشد و اولیای دولتین از شماتت نزدیک و دور ، دور با مخالف یکدیگر مخالف باشیم و با موالف مخالف هر یک از سلاطین اطراف که با یکی از این دو حضرت در صدد خلاف باشند به جز مخالفت او و نجوئیم و هر که با یکی از این دو سرکار در مقام ائتلاف آید جز راه موافقت او نیوئیم با بد یکدیگر بد باشیم و با نیک ، نیک و در هر بد و نیکی سهیم و شریک .

عمده شروط عهدنامه میمنت ختامه، اخراج طایفه روس از سرحدات این ملک محروس بود که آن گرامی برادر ضامن و کفیل انجام این امر شد و دفع همه معاندین این دولت را بر ذمت همت خسروانه گرفته بودند و عالیجاه جنرال غاردان هم بعضی مراتب در انجمن حضور معروض رای مهر ظهور داشت که خاطر مهرام ترا وثوق و اعتمادی تمام حاصل شد و باطمینان تحریرات آن حضرت و تقریرات مشارالیه با همه معاندین دولت فرانسه بنای خصومت گذاشتیم و ملکم انگیزی را که با جمعی فراوان از راه دریای عمان عازم این سامان شده بود جبرا "و قهرا" جواب داده ابواب ستیز و آویر بر جماعت انگلیز (انگلیس) گشادیم و باستظهار آن دولت ابد مأنوس او را از سفارت در ایران مایوس ساختیم و عالیجاه جنرال گردان (ژنرال گاردان) بوکالت آن برادر مهربان حجتی سپرده وثقه گرفت که از جانب این دولت نسبت بجماعت روسیه کاری اتفاق نیفتد و از آن طرف نیز ابواب نزاع و جدال مسدود باشد تا خبری از عالیجاه عسکرخان و اصل واستحضاری از منظور آنحضرت حاصل شود.

بهمین اطمینان امر پادشاهی نافذ شد که عساکر مملکت آذربایجان با جماعت روسیه ترک برک مصاف کنند و تیغ خلاف در غلاف، گودویچ سردار سپاه روس از این معنی خبردار شد و فوراً "فرصت و موقد شرار شرارت گشته فساد باطن خود را ظاهر ساخت و بملزومات غدر و حیلت پرداخته سپاه گمراه خود را برداشته همت قاصر بر تصرف ایروان و نخجوان که دو ولایت معظم آذربایجان است گماشته.

در آن اوقات چندان که عالیجاه جنرال گردان خان تهدید و تمهید نمود نوشتجات نصیحت آمیز قلمی داشت و کسان مصلحت اندیش فرستاده شاید او را از این حرکت ناصواب ممنوع دارد مفید فایده نیفتاد و ابرام و اصرارش بیشتر و اذیت و اضرارش زاید بر بیشتر شد تا بیاری حضرت باری و اقبال بیزوال شهربازی با اینکه در این مدت که اولیای این دولت علیه بتعهدات جنرال مشارالیه خاطر جمع و مطمئن گردیده دست از پیکار کشیده داشتند، چنانکه باید تدارک و استعدادی در سرحدات آذربایجان آماده و مهیا نبود و در فصل شتا بفصول شتی جنگ و پیکار سپاه ایران مشکل و دشوار بود با ز از آنجا که هموقت نسایم فیروزی و نصرت بر پرچم رایت اقبال ما و زان اسب و گلزار این دولت روزافزون، ایمن از آفات خزان، هربار که تلافی فریقین واقع گردید لشکر منصور غالب بود و سپاه روسها رب، ریشه اندیشه که در زمین ضمیر داشتند پای وجودشان را تیشه گشت و تخم عذر و حیلتی که در مزارع دل میکاشتند بجز نومیدی و ناگامی حاصلی نداد در کنار حصار ایروان از خونهای روسیه جویها جاری گردید و در فضای صحرای نخجوان از کشتهها پشتهها و متواری در عرض دوماه از دستبرد سپاه کینهخواه عرصه بر آنها تنگ و نامشان مبدل به ننگ شد رشته تاب و طاقتشان گسیخته و دود از نهادشان برانگیخته شد جمع کثیر بدیار عدم رفتند و بقیه السیف بناچار راه فرار پیش گرفتند ولیکن از این آمدن و رفتن آنها قریب دو

بارپانصد هزار تومان ضرر به ولایات ایروان و نخجوان رسیده و از تاریخ روانه شدن عالیجاه عسکرخان الا الان بهیچوجه اطلاعی از منظور آن برادر حاصل نگردیده باز نهایت اطمینان داریم که البته از جانب آن برادر خبری و از عهود سابقه اثری بظهور خواهد پیوست .

از عالیجاه عزت همراه جنرال گردان خان (ژنرال گاردان) و سایر... سفرای آن حضرت سوای نیکخواهی و مصلحت جوئی ملاحظه نشد بلکه لازمه خدمتگزاری و نهایت سعی در تشیید مبانی دوستی و دوستداری از جانب آنها بعمل آمده در این صورت نمیدانم چه سبب دارد که خبری از جانب آن برادر نمیرسد . آیا بعد مسافت مانع است ، و یا عایق و مانعی دیگر هست .

چشم داشت ما در دوستی و برادری آنحضرت زیاده بر اینها بود که در این عرض عریض و مدت مدید از اوضاع این ولاستفساری نفرمائید . قریب یکسال است که ایلچی و عهدنامه این دولت روانه و ایفاد آنحضرت شد و از آن تاریخ تا حال مطلقاً جوابی از آن صوب با صواب نیامده دیده انتظار در راهست و جناب اقدس الهی شاهد و گواه که عهد ما با آن برادر مهربان همان است و پیمان همان ، با آن حضرت در موقف ثبات عهد و صدق مودت ایستاده ایم و دل محبت منزل را به مهربانیهای آن برادر گرامی داده دولتین علیتین فرانسه و ایران را در حکم واحد می شماریم و فیما بین هواخواهان این دو دولت جاوید سیر فرق و توفیری نمی گذاریم و امیدواریم که بنیان این دوستی و داد هموقت از رخنه فتور و خلل دور و قواعد این نوع یکجهتی و اتحاد تا جهان است از شائبه نقص و قصور مهجور باشد و فوائد این آمیزش و الفت بهر دو جانب عاید شود و روز بروز یگانگی و مودت متزاید ، علی ای حال منتظر وصول خبر از جانب آن گرامی برادر فرخنده سیر میباشیم و در اینوقت... روانه بود بتحریر این نامه دوستانه پرداخته و منتظر جواب از آنحضرت هستیم الباقی ایام عزت مستدام باد سند شماره ۱۸ (۱)

نامه میرزا شفیع وزیر خارجه ایران به وزیر خارجه فرانسه

صروف دعا‌های مستجاب و صنوف شنا‌های مستطاب که از پاکی و صفا چون دامن مریم و دم مسیحا آمد تحفه بزم حضور جناب دستور پسندیده دستور "مسیح خصلت" حواری رتبت، مفسر آیات انجیل و داد، کاشف زبور اتحاد و برنس افزار مقام مودت، زنار بند میان خلت و وفا، صلیب آویز گردن صدق و صفا، ناقوس نواز دیر، مهر و وفا برادر با عز و علا و بعد چون بتائیدات آفریننده زمین و آسمان کارفرمایان دولتین فرانسه و ایران از بسیاری مودت و دوستداری مانند دو جسم و یک جان و در آشکار و نهان یکدل و یکزبان میباشند ملاحظه این مراتب لازم است که پیوسته اولیای دوشوکت از کار و کردار همدیگر مطلع و مستحضر بوده مجاری حالات را علی الموالات اعلام دارند.

بیشتر از این نوشته‌های (نوشته‌های) دوستانه مبنی بر کم و کیف امور ایفاد بزم مستلزم التّسّرور داشت که تا بحال نظر به دوری راه و بعد مسافت از جواب آن کماهی اطلاع و آگاهی حاصل نشده و در اینوقت نیز که حامل مراسله روانه بود محض کمال میل خاطر و درون و مواقف دو دولت روزافزون و اینکه اینجانب را هواخواه دولت جاوید انتساب میداند نگاشته خامه دوستی ختامه میدارد که چنانکه البته تا بحال مقروع سمع آنجناب شده چندگاه پیشتر ملکم نام انگریز (انگلیس) با جمعیت لازمه از راه دریا بسمت بنادر فارس عازم و بعد از آنکه خبر عزیمت ایشان بمسامع علیه اولیاء دولت بهیبه رسید اراده بالغه علیحضرت خدیو قدر قدرت شهریار قضا مهابت، آفتاب فلک پادشاهی، سایه قدرت الهی، فریدون نامدار، سلیمان روزگار، جمشید تاجدار خسرو گردون وقار، پادشاه مظفرمند کامکار مدت مدته ملکه باضمحلال و استیصال ایشان تعلق یافته فرمان همایون پادشاهی بعهدده حضرت پادشاهزاده مظفر جوهر شمشیر فتح و ظفر گوهر دریای خلافت و تاجداری، اختر سپهر شهامت و شهریاری، فرمان فرمای فارس نافد و مجرد لقاء و امر اشرف فوراً "جناد آتش نهاد فارس که بهر بوم و بر روی نماید از توجه ایشان شور و نشور و علامت محشر ظاهر و جلوه گر آمد.

از بطون ممالک مزبور بسواحل بنادر چون سیل هایل بدانیشان انگریز مانند مشت خاشاک که در برابر تندباد درنگ و ثبات نیارد با کشتی بی بادبان که از لطمات امواج بحر خوار آسیمه سر و گسسته لنگر آمد، از روی آب قرین خذلان بجانب ولایات خود گام سپار گردیدند و چون عالیجاه عزت پناه یوسف خان تاتار بعد از مراجعت و ورود به پایه سریر پادشاهی مراتب صلاح اندیشی و نیکخواهی و اهتمام آنجناب را در التیام دو دولت جاوید انتساب بوضع نیکو و

طرزی دلجو تقریر نموده از تقریرات او مرغ دل این دولت نیازمند صید دلنوازیهای آنجناب و میل خاطر مودت ذخار آنجناب زیاده از اندازه و حساب شده و این نیازمند نیز مراتب نیکخواهی آنجناب را بطریقی که شایست و بایست در پیشگاه حضرت آسمان نزهت عرضه داشت نمود.

طریقه آنست که آن برادر مهرپرور بعد از این نیز همواره در استحکام علاقه و اتحاد دو دولت جاوید بنیاد ایران و فرانسه ساعی بوده نوعی نمایند که حال که عالیجاه عزت و سعادت پناه مجدت و نجات دستگاه، شہامت و بسالت اکتناه، عمده الخوانین کبار عسکرخان ایلچی بزرگ بیایه سریر امپراطوری آمده اولیاء آند دولت به عهودی که در اخراج روسیه فیما بین شده است وفا کرده و آثار صدق و صفرا که متضمن نیکنامی دود دولت جاوید بنا است ظاهر و هویدا دارند تا اماناء اینحضرت نیز در صدد اظهار مکنونات خاطر که متضمن فوائد دود دولت بوده که عهدهای دولتین وفا و کارهای شوکتین بر وفق مرادشان آید همواره حقایق نگار حالات خبریت و دلالات بجهت علامات بوده مهمات اتفاقیه را همه روزه بمقام تحریر و ترسیل در آورند باقی ایام بکام باد برب العباد.

در حاشیه نامه

برادر کامکار دوست مهربانا

چون عالیشاه رفیع مکان عزت و مجدت تو امان موسی فیلتوس وردیر باسه نفر عسکر خود که عبارت از رفعت و معالی پناهان مرشل و فیتو و دمرم در رکاب نواب مالک الرقاب ولی النعم شاهزاده اعظم نایب السلطنه العلیه مشغول انتظام امور لشکر و سپاه بنظام فرانسه عالیہ میباشند و نهایت سعی و اهتمام در خدمتگزاری ایندولت میبایست توقع از محبت و مهربانی آن برادر آن است که حقیقت خدمات آنها را به نیکوترین طوری معروض رای حضرت امپراطوری داشته بملاحظه مواحدت دولتین علیتین برپایه و رتبه آنها فزائید و این دوست را از این گذر خوشوقت و ممنون فرمایند الباقی والسلام (۱) سند شماره ۱۹

نامہ فتحعلیشاہ بہ ناپلئون — سند شماره (۳۵)

مش و در کفر و ادا نیکم که مدت شد و چون بنحس را اذن دخول داده مری و دیگری را راعنه بمجلس میفرستاد
 و قیام بجای استخراجه که متعارف میفرستادیم مدت چهارده و پنج و بیست و سه روز کشیده از سر مجلس
 میزد و اگر چه از راه عسکریان هنوز خبر رسیده و لیکن از راه مری و مجسها و مجسها را از شهر پل و درین و در
 و صبح میفرستاد معلوم شد که بکلی ضرورت تشریف بهایا بوده و چون عسکریان را از شهر پل و درین و در
 معادست که نشسته اند این توبه که بجزال آمده و خواستیم که در آن روز که از شهر پل و درین و در
 و آنچه از دولت عتبه معلوم میفرستاد برادر شایسته چند روز درین است که در شهر پل و درین و در
 و درین روزها و بنا بر مصالحه و درین روزها که از شهر پل و درین و در
 ان هر روز در آن روزها که از شهر پل و درین و در
 و نگارشی که درین روزها که از شهر پل و درین و در
 تشریف شد رسیده بود و ان اقامت میفرستاد و درین روزها که از شهر پل و درین و در
 و کار قضا را از شهر پل و درین و در
 داشت که ان حضرت به تشریف میفرستاد و درین روزها که از شهر پل و درین و در
 میفرستاد و امید داشت که در آن روزها که از شهر پل و درین و در
 برایم و درین روزها که از شهر پل و درین و در
 که بخت شد و حقیقت حوالی بان با در کرم پوشیده و درین روزها که از شهر پل و درین و در

التواد مطابق الأصل
 محمد رفیع شیخ ربيع الثاني

Pour copie conforme à l'original, exp.
 par voie de Constantinople et Euromin
 6. juin 1908.

J. M. Douanin

سوادنامه همیون اعلیٰ حضرت قدر قدرت ، پادشاه جم جاه ایران بحضرت ناپولیون (ناپلئون) امپراطور فرانسه و ایتالیا

لالی سپاس بیقیاس و جواهر ثنائی فزون از حیز او هام و حواس ، نثار انجمن انجم خدم
شهریار کامکار ، نامدار کرم گستر ، عدل شعار خدیو کشورگشا ، خسرو ملک آرا ، مفخر پادشاهان و
فرماندهان ، مرجع شهریاران جهان و ملک مکرم معظم ، برادر والا گهر مفخم ، امپراطور اعظم
اکرم ، پادشاه سپهر دستگاه ، ممالک فسیح المسالک فرانسه و ملک ایتالیا ، که تا زمین را قرار
است و زمان در شتاب ، دوست نواز و دشمن گداز باد .
ساحته (ساحت) مکشوف رای ممالک آرای عقده گشایش میدارد که مکرر مراتب دوستی و
یکجهتی این نیازمند حضرت آله و آن برادر معظم والا جاه بواسطت نامه و سفراء معلوم ومشهود
گشته و وضوح و ظهور این دوستی و اتفاق در انفس و آفاق از آن گذشته است که حاجت بیان و
اظهار و تکرار و تذکار باشد در این دوسال که پیوند یکدلی و محبت بستمایم روز بروز بر بروز
دوستی و اختصاص افزوده ، رشته الفت و مراودت را از هر طرف گسسته در انتظار وفای عهد و
میثاق و ادای شرط وفا و وفای آن حضرت نشستیم .

عالیجاه فطانت آگاه جنرال غاردان خان (ژنرال گاردان) نیز از جانب سعادت جوانب آن
برادر فرح سیرمکرم در این حضرت مقیم و همه روزه منتظر اثر و ثمر این عهد قدیم بوده و نظر
بطول مسافت خبری که مفید ثمری باشد از آنحضرت سپهر بسطت نرسیده جواب تعهدات آن
پادشاه فلک دستگاه دیر کشید .

طایفه روسیه اولیای ایندولت را مطمئن و مستمال عهود یگانگی آن پادشاه والا جاه دیده
فرصت غنیمت دانسته علی الففله با جمعیت کلی بطریقی که قبل از این نگارش یافت وارد محال
ایروان و بعد از خرابی و خسران و نقصانهای کلی دفع فتنه ایشان از آن سامان شد . از سمت
فارس نیز طایفه انگلیش دشمنی و عداوت را آشکار کرده باجهازات و سنکرات بسیار وارد حوالی
بندر بوشهر گردیده هنگامه ساز جنگ و جدال گشتند اول دفعه آنها را خواه مخواه مجاب ساخته
بتهییه و تدارک اسباب دفاع و نزاع پرداختیم مجدداً " خبری رسید که از دارالالملک انگلیس کسی
دیگر نیز تعیین شده عازم این سامانست . مقارن این احوال ، گزارش اسپانیول و طغیان وعصیان
آنطایفه مخدول و مشغولی آن برادر مکرم بدفع فساد ایشان و حرکت موکب نصرت نشان بدان سامان
و نزول همیون در پایتخت مادرید مذکور و مسموع گردید و به بقین پیوست که گرفتاری تازه برای
آن برادر مکرم بهم رسیده ، در آن حال با عالیجاه جنرال مشاوره کرده قرارداد نمودیم که تا مدت
سه ماه ایلچی انگلیس را اذن دخول نداده موسی (موسیو) دوپری را روانه اسلامبول نمودیم که

از گزارش وقایع آنجا استحضار حاصل کرده بمقتضای وقت عمل نمائیم . مدت چهارماه ذهاب و ایاب مشارالیه طول کشیده ازاسلامبول مراجعت نمود . اگرچه ازعالیجاه عسکرخان هنوز خبری نرسیده لکن ازسایرمامورین محبت هاو مهربانیهای آن شهیارسپهر اقتدار براین دولت پایدار بوضوح پیوسته معلوم شد که بحکم ضرورت تشریف باسپانیا برده ، عالیجاه عسکرخان را مامور بتوقف داشته مرخصی او را موقوف بمعادوت گذاشته اید . باین تقریب عالیجاه جنرال استدعا و خواهش مراجعت کرده مذکور نمود که توقف من در اینجا بیحاصل است و آنچه از دولت علیه معلوم من شد برای مماشات چندروزه مصلحت در این است که امنای دولت ایران خود ایلچی بپای تخت روسیه فرستاده بنای مصالحه اصلیه را در آنجا بگذارند . این عمل موجب تفکر و تأمل خاطر و خلاف مواثیق و تعهدات آن همیون برادر گردیده لازم آمد که بتحریر این نامه در مقام نگارش احوال برآئیم .

آنچه لازمه ابرام و اصرار بود در توقف و نگاهداشتن عالیجاه جنرال کردیم و مقصود این بود که از جانب آن شهیار گردون وقار خبری که موجب اطمینان خاطر و نتیجه تعهدات باشد رسیده بروفق آن اقدام نمائیم مشارالیه راضی بتوقف نگردیده عازم خدمت آنحضرت شد و مصلحت وقت و کار اقتضای آن نمود که یک چند مماشات و مدارائی بافرستادگان انگلیس نموده ، بازمنتظر خبر از جانب آن برادر باشیم . مجعلا " عهد همانست که با آن حضرت بسته ایم اگر با دیگران سخنی بمیان آمده است محض صلاح وقت بوده از دوستی آنحضرت دست بردار نیستیم و امید ما همه آنست که از آنحضرت خبری برسد و اطمینانی از طرف روسیه حاصل شود که از عهده دوستی آن حضرت برآئیم با دوستان او دوست و با دشمنان دشمن و تا هستیم کاخ این دو دولت بشمع راستی و یگانگی روشن باشد چون گمان بود که بعلت بعد مسافت حقیقت احوال بر آن برادر مکرم پوشیده ماند - تحریر این نامه پرداختیم و منتظر رسیدن خبر از آنحضرت میباشیم ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد .

السواد مطابق بالاصل تحریرا " فی شهر ربیع الثانی ۱۲۲۴ (۱) سند شماره ۲۰

گودویچ ضمن نامه دیگری به عباس میرزا چنین نوشته است :

(... لازم است به اطلاع حضرت اشرف برسانم که در عهدنامه (۱) منعقد بین دودربار معظم روسیه و فرانسه شرایطی که بستگی بوضع ایران داشته باشد پیشنهاد نشده شاه ایران شخصا میتواند وارد مذاکره شده در خصوص برقراری صلح اقدام نماید) (۲)

فتحعلیشاه میخواست از موقعیت فرانسه استفاده کند و به وساطت فرانسه بنا بر اظهارات و وعده های ژنرال گاردان فوق العاده امیدوار بود. شاه ایران به ژنرال گاردان مکررا "گوشزد میکرد که کمک ایران بفرانسه در موقع لشکرکشی به هندوستان منوط به واگذاری گرجستان به ایران میباشد، در غیر این صورت دولت ایران در موقع لزوم بفرانسه کمکی نخواهد کرد.

وضع ایران در این موقع بسیار وخیم بود روسها به پیشروی خود ادامه میدادند انگلیسها ببنادر جنوب راتهدید میکردند، فرانسویها هم فتحعلیشاه را بکمک خود امیدوار کرده بودند ولی کوچکترین اثری از انجام وعده های آنها دیده نمیشد.

صدراعظم ایران مکررا "مفاد عهدنامه فین کین اشتاین را به گاردان خاطرنشان میکرد او هم مرتبا "از طرف دولت خود وعده همه گونه مساعدت و کمک میداد.

انگلیسها که در این موقع با ایران رابطه نداشتند از دور مراقب اوضاع بودند و انتظار داشتند که دولت ایران از طرف فرانسویها مایوس شود و مجددا "سفیر آنها را بپذیرد. در این موقع مالکم نامهای ب دربار ایران فرستاد که مفاد آن بشرح زیر است:

(... فرانسه اظهار میکند که با دولت روسیه کمال دوستی و صمیمیت را دارد ولی این مسئله صحیح نیست و کاملا "برخلاف حقیقت است فقط دولت انگلستان است که متحد و دوست حقیقی دولت روسیه میباشد ما نمیخواهیم که شما سفیر فرانسه را از ایران خارج کنید بلکه او هم مثل مادر دربار شاه باشد. شما به ژنرال گاردان مثلا "برای واگذاری گرجستان به ایران مدت سه ماه مهلت بدهید ما هم در این مدت در خصوص این موضوع اقدام خواهیم کرد نتایجی که ما هر دو از اقداماتمان بدست میآوریم بشما ثابت خواهد کرد کدامیک از دو دولت انگلستان و فرانسه بیشتر با دولت روسیه روابط نزدیک و دوستانه دارند) (۳).

1 - Tilsit

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۹ صفحه ۲۵۹

۳- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران پرونده ۱۰ صفحه ۳۹۵

در ملاقات ۲۳ نوامبر فتحعلیشاه به ژنرال گاردان تذکر داد حال که دولت فرانسه نمیخواهد بوعده‌های خود وفا کند، دولت ایران مجبور است که سفیر انگلیس را اجازه ورود بدهد. ژنرال گاردان اظهار کرد اگر دولت ایران سفیر انگلیس را بپذیرد او بلافاصله ایران را ترک میکند. شاه ایران برای آخرین دفعه نامه‌ای به ناپلئون نوشت تا از حقیقت نیت او و علت عدم اجرای تعهدات او باخبر شود و بتواند در خصوص روابط خود با دولت انگلستان تصمیم بگیرد زیرا هنوز فتحعلیشاه به کمک فرانسه امیدوار بود (۱) قسمتی از نامه فتحعلیشاه به ناپلئون:

(... یکی از شرایط اساسی عهدنامه (فین‌کین‌اشتاین) تخلیه ایالات ایران است که هنوز هم در دست روسها میباشد. اعلیحضرت در خصوص آن صریحا "تعهد کرده‌اند و وعده داده‌اند که اقداماتی بنمایند که دشمنان ما را محم مانشوند" (۲).

قبل از انعقاد قرارداد تیلسیت بین روسیه و فرانسه، چون دولت روسیه سرگرم جنگ با ناپلئون بود و نمیتوانست در دو جبهه جنگ کند ناچار استیافت (۳) را بدربار ایران فرستاد که در خصوص انعقاد قرارداد صلح و متارکه جنگ مذاکره نماید. دولت ایران که به پشتیبانی دولت فرانسه و کمک ناپلئون امیدوار بود و انتظار ورود هیئت اعزامی را داشت یکماه سفیر روسیه را در تهران معطل کرد بدون اینکه جواب صریحی بدهد بالاخره بنا بر اصرار سفیر روسیه فتحعلیشاه قول داد که اگر روسها حمله‌ای نکنند دولت ایران بجهت مبادرت نخواهد کرد.

ولی مناسفانه عهدنامه تیلسیت اوضاع را دگرگون کرد نه تنها ناپلئون دیگر در فکر ایران نبود و توجهی به اوضاع ایران نداشت بلکه در نتیجه این قرارداد روسها خیالشان از سمت اروپا آسوده شد و تمام قوای خود را در جبهه قفقاز متمرکز کردند.

البته دولت ایران از جریان قرارداد تیلسیت اطلاعی نداشت و با امید وعده‌های ناپلئون خود را آماده میکرد که شهرهای از دست رفته را پس بگیرد.

از دستوراتی که ناپلئون به گاردان بعد از انعقاد قرارداد داده است تغییر روش ناپلئون کاملاً واضح است امپراطور فرانسه تا بحال در خصوص دفاع از حقوق ایران و تخلیه قوای روسیه از شهرهای ایران صحبت میکرد ولی بعد از عهدنامه‌های تیلسیت به گاردان دستور میداد که بین روسیه و ایران وساطت کند و رعایت روسیه را نیز بنماید.

البته بی‌اطلاعی فتحعلیشاه از جریان عقد قرارداد باعث شده بود که در مقابل روسها سخت باشد. برای گاردان هم این میانجیگری بسیار مشکل و غیرممکن بود زیرا نه روسها حاضر

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران پرونده ۱۰ صفحه ۳۹۱

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران پرونده ۱۱ صفحه ۸۴-۸۳

۳- Istifanof

بودند نقاط متصرفی را پس بدهند و نه ایرانیان حاضر بودند که از شهرهای قفقاز صرف نظر کنند. شامپاینی (۱) وزیر خارجه فرانسه ضمن نامه‌ای که به گاردان مینویسد اشاره میکند که جنگ بین ایران و روسیه نتیجه‌ای نخواهد داشت ناپلئون میل دارد که بین این دو دولت صلح برقرار شود و فتح‌علیشاه همانطور که وعده داده باید درهای کشور ایران را بر روی انگلیسها به بندد زیرا دشمن منحصر بفرد است و از آمد و رفت هیئت‌های انگلیسی جدا " جلوگیری نماید.

باعث تاسف است که دولت فرانسه نه تنها از حقوق ایران دفاع نکرد، بلکه دست‌روسها را در خاک ایران باز گذاشت ولی با وجود این از دولت ایران انتظار دارد که دشمنی خود را با انگلستان برای حفظ منافع فرانسه حفظ کند.

گاردان در جواب وزیر خارجه فرانسه درباره میانجیگری بین ایران و روسیه چنین مینویسد که با توجه به دعاوی روسیه و دعاوی دولت ایران صلح و سازش انجام نشدنی است همانطور که شاه ایران هم پیشنهاد کرده است بهتر است ناپلئون در این امر اقدام نماید زیرا در این صورت راه دیگری بنظر نمیرسد.

به‌گودویچ نیز از دربار روسیه دستور رسیده بود حتی المقدور سعی کند که بین ایران و روسیه صلح برقرار شود و در تعقیب همین مطلب گودویچ نامه‌ای به ژنرال گاردان نوشته:

(چون اکنون موافقت کامل و دوستی نزدیک در میان دو امپراطوری بزرگ هست و چون اطلاع یافتم که جناب شما را از طرف اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا بدولت ایران فرستاده‌اند موقع را غنیمت می‌شمارم آشنائی پیدا کنم و با شما وارد مکاتبه بشوم افتخار دارم شما را آگاه کنم که انگلستان دشمن مشترک ما هر فوراً، جونز (۲) نماینده خود را بطهران فرستاده است تا اعوای بجهل کند و صاحب ایالات ایران را برانگیزد که در جنگ با روسیه بکوشد بگمان اینکه از نیروهای روسیه بکاهد، هر چند که انگلستان کاملاً " اشتباه میکند زیرا که عده لشکریان اعلیحضرت امپراطور پادشاه و الامقام من که افتخار فرماندهی آنها دارم اینک باندازه‌ای است که بهیچوجه از نیروهای هراس انگیز روسیه در اروپا چیزی نمی‌کاهد ایران ناتوانی خود را در کشمکش با روسیه حس کرده است و مدتی است پیشنهاد صلح کرده اما چون همواره امیدوار بود وعده‌هایی که فرانسه در ضمن جنگ در میان دو امپراطوری بزرگ که خوشبختانه بپایان رسیده‌با و داده بود اجابت یابد. درباره مواد عمده و بسیار معتدلی که من پیشنهاد کرده‌ام و اینک بفرمان عالی اعلیحضرت امپراطور پادشاه بلند مقام پیشنهاد میکنم تصمیم نمیگیرد.

آقای سرتیپ من افتخار دارم چون شما سفیر کبیر امپراطوری هستید که اینک اتحاد نزدیک

باامپراطوری روسیه دارد ایران را از اشتباه بیرون بیاورید زیرا من مطمئنم قطعا " بشما دستورهائی رسیده است که در برابر منافع روسیه وارد نظریات ایران نشوید (۱)۰۰۰

کنت ژنرال ژان گودویچ

ژنرال گاردان برای انعقاد قرارداد صلح بین ایران و روسیه با رعایت حقوق ایران و تعهدات دولت فرانسه فعالیت و کوشش زیاد میکرد ولی وقتی دولت متبوع او دیگر توجهی بوضع ایران ندارد و رعایت منافع روسیه را تذکر میدهد او چه میتواندست بکند .

گاردان کوشش بسیار کرد که ناپلئون بین روسیه و ایران وساطت کند فتحعلیشاه هم با این نظر کاملا " موافق بود ولی دولت روسیه ابدًا باین پیشنهاد موافقت نداشت زیرا نگران بود که با وساطت ناپلئون نظریات اوتامین نشود و مجبور گردد قسمتی از ایالات متصرفی را به ایران برگرداند و ضمنا " میل نداشت دوستی بین ایران و فرانسه پایدار بماند زیرا میترسید روش سیاسی ناپلئون مجددا " تغییر کند و ناپلئون از دوستی با ایران بر علیه روسیه استفاده نماید و روابط روسیه با ناپلئون مجددا " تیره شد و روسیه بر علیه فرانسه با انگلستان متحد گردید بالاخره دولت روسیه چون خود را قوی و آماده میدید و میدانست اگر ایران شرایط پیشنهادی او را قبول نکند ، با ادامه جنگ نواحی جدیدی را هم تصرف خواهد کرد بنابراین علاقهای به وساطت دیگران نداشت .

جنگ بین فرانسه و روسیه و شکست الکساندر ، بالاخره منجر به عقد قرارداد بین روسیه و فرانسه گردید . این عهدنامه که به تیلسیت معروف است اوضاع اروپا را بکلی تغییر داد و در سرنوشت ایران نیز بسیار موثر واقع شد .

در ملاقات بین دو امپراطور اختلافات بین روسیه و فرانسه از میان رفت ضمنا " ناپلئون واسطه صلح بین روسیه و عثمانی گردید ، دولت روسیه هم برای رفع اختلاف بین فرانسه و انگلستان فعالیت زیاد کرد و ناپلئون هم قول داد که در خصوص ایجاد روابط دوستانه با دولت انگلستان اقدام نماید ولی انگلستان حاضر به چنین امری نبود .

در موقع ملاقات دو امپراطور همانطور که در بالا اشاره شد درباره بسیاری از مسائل سیاسی مذاکراتی بعمل آمد ، با اینکه ناپلئون تعهد کرده بود که ولایات قفقاز و گرجستان را به ایران برگرداند ، معذک در این باره با امپراطور روسیه مذاکره ای ننمود ، در این موقع دولت ایران امیدواری کامل داشت که ناپلئون به عهد خود وفا کند و روسیه را وادار نماید که ایالات متصرفی را به ایران واگذارد . بنظر میرسد که ناپلئون صلاح در این دیده است که ایران در دست روسها باشد در حقیقت همانطور که انگلیسها برای حفظ منافع خودشان ایران را در اختیار روسها گذاشتند

ناپلئون هم برای اجرای سیاست خود ایران را به روسها واگذار کرد . پس از انعقاد عهدنامه تیلست دیگر ناپلئون توجهی بایران ننمود و برای او دیگر اهمیتی نداشت اگر دولت روسیه تمام ایران را نیز اشغال میکرد . فتحعلیشاه که از کمک فرانسه و اجرای تعهدات ناپلئون مایوس گردید مجدداً "متوجه انگلیسها شد ، ژنرال گاردان هم ایران را ترک نمود و عهدنامه تیلست درحالیکه باعث اتحاد فرانسه و روسیه گردید موجب قطع روابط ایران و فرانسه شد . عباسمیرزا نیز ضمن نامه‌ای اوضاع ایران را برای ناپلئون تشریح کرد و نوشت با اینکه جهانداران اطراف ، دوستی و اتحاد این دو دولت را به صلاح خود میدانند و هریک به طریقی در تیره‌گی روابط دوستی دو دولت کوشش میکنند ولی چون دوستی ایران و فرانسه پایدار است نظر مخالفین تأثیری در این روابط ندارد . در این موقع که نماینده انگلستان بعد از مدتی که در سواحل فارس در حال انتظار بود اجازه حضور بدربار دولت ایران را خواستار شد و با آنکه تعهدات بسیار پیشنهاد کرد ولی نظربه روابط دوستانه با فرانسه به تقاضای او ترتیب اثر داده نشد و تا موقعی که آثار موافقت از طرف آندولت ظاهر است دولت انگلستان از دوستی ایران بهره‌ای نخواهد برد . با اینکه ژنرال گاردان اطلاع کامل داشت که دولت ایران را با انگلستان الفتی نیست و اعلیحضرت نیز راضی به بازگشت ایشان نمی‌باشد ، اما چون گاردان خود را اصرار به مراجعت داشت اجازه بازگشت به ایشان داده شد امید است به مدد خداوند بزرودی آثار انجام تعهدات از طرف آن اعلیحضرت امپراطوری ظاهر گردد (۱) سند شماره ۲۱

عباسمیرزا که از جهات مختلف ، تجاوز روسها ، کارشکنی و تهدید انگلستان ، بی‌خبری از نظر ناپلئون در اجرای تعهدات ، نگران و بلا تکلیف بود ، نامه‌ای برای موسیو دو شامپاینی وزیر روابط خارجی فرانسه فرستاد ، عباسمیرزا ضمن اظهار خوشوقتی از دریافت نامه وزیر خارجه چنین نوشته است .

در این مدت از طرف دولت عثمانی و کاربرد ازان روسیه و انگلستان (انگریز) ما را به دوستی با شما ملامت کرده و اعلام میدارند که دوستی فرانسه با دولت ایران مانند درختی بی‌ثمر است و نفعی بر آن متصور نیست .

اما اولیاء این دولت که تابحال امری مخالف دوستی و اتحاد از آندولت ندیده‌اند به انجام تعهدات آن دولت امیدوار میباشند و اگر تأخیری در انجام تعهدات از طرف آندولت پیش آمده ، بعلت گرفتاری به مسائل دیگر میداند .

نظر به تعهدات و وعده‌های ژنرال گاردان، در استحکام سرحدات اهمال شد و روسها از این فرصت استفاده نمودند و به مرزهای ایران تجاوز کردند که البته حمله آنها دفع گردید. انگلیسها نیز هنگام سرگرمی ما با روسیه آتش فتنه‌جوئی برافروختند ولی نتیجه‌ای برای آنها حاصل نشد به خواست خدا اگر بزودی انجام تعهدات دولت فرانسه آشکار شود دیگر مجال دشمنی و خصومت برای آنها پیدا نخواهد شد.

عباس میرزا این نامه را بوسیله مسیولامی که عازم فرانسه بود فرستاد، و ضمناً "نوشت‌که نامبرده در طول اقامت در ایران در انجام امور محوله زحمات زیاد متحمل شده و شایسته تقدیر و عنایت میباشد (۱) سند شماره ۲۲

میرزا شفیع وزیر خارجه ایران نامه‌ای برای تالیران وزیر خارجه فرانسه فرستاد، و اظهار کرده که ما در انتظار اجرای تعهدات آن دولت میباشیم و با اینکه کشورهای دیگر ما را بعزت دوستی با فرانسه ملامت میکنند، با وجود این ما بر سر عهد و پیمان هستیم و اگر دولت فرانسه به تعهدات خود نیز عمل نکند خود جواب دشمن را خواهیم داد و نسبت سست عهدی به آن دولت نمیدهیم در خاتمه به کوشش و فعالیت موسیولامی مهندس اشاره نموده و تشویق اورا توصیه کرده است (۲) سند شماره ۲۳

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران جلد ۱۱ صفحه ۳۲۳ ۱۸۰۹

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران جلد ۱۱ صفحه ۳۲۰ ۱۸۰۹

ناه‌ عباس میرزا به ناپلئون

آنچه زجان زنده برآرد نفس فاتحه حمد خداست و بس

سپاس بیحد و ستایش بی‌ عدد خداوندی را سزد که دارنده پیوند جسم و روح است و گشاینده ابواب سلم و فتوح، ظلمت خانه تن از او بنور جان روشنست و سراج دانش از او بر سراچه روان پرتوافکن صبح صبح را از پرده شب پرشعب باروئی دلنواز و جمالی غم پرداز کوکبه افروز روایت افزا را آرد، و آفتاب جهان تاب را از حجاب صبح عنبرین نقاب یا فروغی عالم آرا و صفائی بهجت فرا پرتوانگیز و نورافشان دارد.

مبدع بدایع صانع صنایع پادشاهی که پادشاهان را پادشاهی ز پادشاهی اوست و روایح تحیات حیات بخش که چون طره دلایز خوبان بهشتی لقا بادل و جان آویزد بر روان پیغمبران روشن روان و راهنمایان بافروشان باد.

بر آئینه ضمیر منیر اعلی حضرت پادشاه کشور گیر، خورشید افسر، گردون سریر، سکندر حشم، فیلقوس سیم، ماه علم، عطار در قم، برجیس فطنت، مریخ هیئت، ثریا مقام، کیوان احتشام، فلزم قدر و اقبال، عمال ابهت و جلال، پاسوداد، نگارنده رخسار اتحاد و خدیونیکوکار، سایه بلند پایه کردگار، امپراطور اعظم، تاجور عم اکرم، فرح سیر، دام ملکه منطیع میدارد که اکنون دیرگاهی است که از تأییدات آسمانی آثار موافقت روحانی که در ازل میانه دو دولت پایدار فرانسه و ایران استقرار داشت از باطن میل به ظاهر و از معنی میل بصورت کرده و ظهور این موافقت موفور بساط نشاط و سرور برانجمن خاطر هواخواهان دوشوکت ابد دستور گسترده است و با آنکه همه جهانداران اطراف دوستی و ائتلاف این دو دولت را مخالف صلاح خود پنداشته هریک از طرفی بطریقی مختلف طالب گردیدند که بر آئینه این الفت زنگ کلفتی پدید آرند و از جانب سنی الجوانب امپراطوری نیز در این مدت مدید بملاحظه مشاغل خطیره چند که دامنگیر همت بلند بود، خبری از مجاری کار این دولت پایدار نرسید و برخی امور نیز در این بین حادث گردید باز دوستی و مهربانی این دو دولت گردون مبانی مانع رخنه رخنه گران اطراف شده شراب ناب خلت و ائتلاف، آلوده به درد خلاف نشده و امری منافی رویه و قانون یکجتهی و اتحاد میانه دو شوکت قوی بنیاد رو ننمود.

در این وقت نیز که فرستاده انگریز (انگلیس) بعد مدتی مدید که در سواحل فارس غریق عمان سرگردانی بود اجازت حضور بدربار دولت ابد مدت علیه حاصل نمود با آنکه تعهدات بسیار در کار این دولت اظها رکرد باز بحکم اینکه دل را پیوند مودت بیک جا حاصل میگردد ممتع

سخنان او در آستانه دولت علیا رواجی نیافت و چنانکه عنقریب بر آن خسرو ملک‌ستا، روشن و هویدا خواهد شد.

مادام که از طرف مستلزم اشرف امپراطوری آثار موافقت ظاهر است کاربرد ازان دولت انگریز (انگلیس) از شجر مطابقت ایندولت ثمری نخواهند چید و هرچند عالیجاه مجدت و نجدت دستگاه، جلالت و بنالت انتباه، زبده الامراء المسحیه، سفیر هوشمند آگاه، ژنرال غاردان خان (گاردان) علم کامل داشت که دولت علیه ایران را با انگریز بنای الفتی نبوده و نیست و یقین نمود که خاطر اشرف همایون اعلیحضرت قدر قدرت قضا قوت اسکندر رتبت، جمشید شوکت، فریدون جاه، سلیمان بارگاه پادشاهی و این نیازمند درگاه الهی، دقیقه بمعادوت اوراضی نخواهد شد لیکن چون ژنرال مشارالیه خود اصراری بسیار در رخصت معادوت به آن دربار شوکت مدار نمود و بارها از روی خیراندیشی و مصلحت‌کشی دودولت مذکور کرد که این معادوت متضمن ظهور فواید دوستی دولت فرانسه و ایران خواهد بود، لابد و ناچار از اینظر محض رضای او شرایط رضوا قبول مرعی و سفیر مشارالیه بعزم دریافت فیض حضور شوکت دستور، اعلیحضرت سکندر حشمت، امپراطوری، با عزار و اکرام تمام روانه آستان گردون احتشام گردید و چون دوستی دولتین فرانسه و ایران بهاری است بی‌خزان و بر همه نزدیک و دور نیز آشکار و عیان گردیده است که جدائی این دواز یکدیگر صورت امکان نخواهد یافت بخواست خدا ابداً "هیچ دولتی را مجال رخنه‌گری در رکن رکن ایندو شوکت جاوید قرین نخواهد بود و آمد و رفت و عزیمت و بازگشت... سفر اوایل چنان جان‌بین در نظر الفت و داد موجب نقص و ازدیاد دوستی و اتحاد نخواهد شد، و بمعدتائیدات داور دانا و ایزد توانا عنقریب که آثار ظهور عهد از طرف زاهر اشرف اعلیحضرت امپراطوری ظاهر و هویدا میگردد و اموری که از این دوستی منظور نظر اولیاء دو دولت گردون مسیر بوده و میباشد بر وجه اکمل فیصل پذیر خواهد شد و اثر قوت و قدرت این دو شوکت بر همه بحر و بر سایر و منتشر خواهد گردید، بالجمله اولیاء این دولت همواره بمقتضای یکجتهی و مودت چشم براه ظهور آثار عهد قدیم و در مقام یکتادلی و محبت ثابت و مستقیم میباشد. و ترقب از کرایم ملکات پادشاهی آنکه همه اوقات خاطر دوستان موالفت شیم را از مؤده محبت ذات همایون و نصرت عساکر فیروزی نمون تازه و خرم فرمایند تا روزگار را مدار است پیوسته روزگار کامرانی پایدار باد (۱)

نامه عباس میرزا به موسیو شامپاینی وزیر روابط خارجه فرانسه

جناب مجدت و نجت نصاب بنالت و جلالت انتساب صدر آرای انجمن صدارت قدر-
افزای گوهر وزارت، دارنده حدود و دادگشاینده درهای اتحاد، رونق بخش امور رواج آموز جمهور
صدراعظم افخم صاحب نشان مکرم، داننده دقایق کاردانی، چهره پرداز صبح دولت و کامرانی
موسیو شامپاینی زید مجده را بعد از ابلاغ دعای مشفقانه غزائنها میدارد که دو طفرانامه مطابقت
نما که هریک دیوان مرافت را طفرأ بود رسید و از عبارات مصادقت آیاتش آثار کمال اتحاد دو
دولت ظاهر و جلوه گر گردید.

از آنگاه که بخواست خداوند مهر و ماه اختر میروز دوستی این دو دولت جان افروز گردیده
تا امروز همواره از تائیدات آسمانی و تالیفات روحانی، انوار مطابقت این دو شوکت پایدار بر
ساحت روزگار پرتو افشان بود و آنرا " وفانا " شاهد دلارای محبت در نهانخانه ضمیر جانبین
بوجهی نیکو چهره دلجو نموده و با آنکه در این مدت متمادی که میانه این دولت واعادی کاربجنگ
و ستیز کشیده گاه از رجال دولت عثمانی و گاه از کارپردازان روس و انگریز باین دولت جاوید
مدار ملامتی در دوستی با شوکت بهیه فرانسه اظهار و مکرر اعلام میشده است که دوستی دولت
فرانسه برای دولت ایران مانند درختی است بی ثمر که فایده و منفعی بر آن متصور نیست و نسبت
نقص عهد و نقض پیمانی نیز بآن دولت جاوید ارکان داده و میدهند لیکن اولیای این دولت نظر
بحسن نیت خویش و بملاحظه اینکه از دیرباز هرگز امری مخالف قانون التیام از کارپردازان آن
شوکت گردون احتشام ندیده اند بدروستی عهد و درستی وعد و حسن کردار و صدق گفتار آن دولت
کیوان مدارا طمینان و استظهار دارند و تراخی و تاخیری رانیز که از طرف دولت ابد مدت فرانسه
در وفاء عهد این شوکت گردون عهد شده بواسطه اشغال خاطر مشیران حضرت فرانسه به برخی
مهام لازمه دیگر میدانند.

در هر حال تکیه بتائیدات قویه خدا و مساعدت بخت جهان گشا دارند و شکر این نعمت
بی منتهی و موهبت کبری را میگردانند که با آنکه در این سال نظریه تعهدات بلیغه مجدت و
نجدت پناه زبده الاکابر والامرا جنرال غاردان خان از تهیه کار جنگ وجدال غفلت و اهمال شده
گمان ظهور دوستی والتیام بونده دشمنی و اختصام و روسیه پاس دوستی و قرارداد جنرال مشارالیه
را نداشته بناگاه با گروهی انبوه که عدت وحدت ایشان معلوم آنجناب خواهد شد از دو جانب
عزیمت این سرحدات کردند باز تائیدات ایزد کار ساز عساکر خصم انداز این دولت را مدد کار گشته
از حملات ایشان عساکر روس باند امتی که نهایت نداشت منصرف و منعطف گردیدند و قطع نظر

از این اهالی انگریز که هنگام اشتغال ایندولت بجنگ و ستیز روسیه از طرفی دیگر آتش فتنه جوئی نیز کرده بودند بیاری باری صرفه و سودی نیافته عنان از طلب مقصود تافته و خواهند تافت و بخواست خدا عنقریب که از جانب دولت پایدار فرانسه آثار عهد بسته ظاهر و آشکار میگردد بوجه اولی مجال خصومتی برای ایشان مقدور و میسر نخواهد شد و دوستی هریک از این دو شوکت جاوید اثر برای آن دیگر مفید فوائد بسیار و عوائد بی اندازه خواهد بود .

- باجمله در این اوان محمود که فراست و فطانت پناه مهندس فرزانه آگاه موسیولامی عزیمت آنحدود مینمود بمقتضای میل خاطر حالات آنجناب را مستفسر گردید و چون مشارالیه در این مدت مدید رنج و زحمتی بینهایت در انجام امور محوله بخود کشیده و تلافی خدمت او منوط به افاضه عنایت عم اکرم ایمپراطور اعظم است باید آنجناب شرایط نیکخواهی را مرعی داشته در ازدیاد و جاه و پایه او کوشد و او را مخصوص عنایات شاهانه سازد و روز بروز حالات خود را نگارد
- (۱) سند شماره ۲۲

جناب انصاف و انصاف کجایک تا غم نامم کامل امور سام پوشیده نمود و در اول کجاستی و کارزار آید و علی الوفا کلمات و اشعار و غیره صاحبان کمال

نہیں ہوتی اگر ابد از ابدی دعا فی مشائخہ ظاہم میدارو کہ چون از بدایت کجائی تکالیف کسی که از ازل میاید و دولت مقدر شدہ بود و آخر فرمایند

این واسطه صلوات و فرقه شریعت بود بجای نبوت که امروز انکال نمود و دولت فاسد و ایران ماسخ گریخ در وقت و یک تن در دو پیرانه

و حال وقت آن است که محرم می که بهایک مصلحت میسر خواهد کرد و در وادان برود و جانب یار شود ولی خدا پادار انجام در انظار و ابروی پند

کوشیده انفعیل خود را از روستا بکشت و جنس سوسا را که محسوساتی که صدق و بیخانیاد از انداز و حساب آن را می بیند اندک

دوروز یک عرصه فکری بود و یک بیان درست و قاطع بود و در نهایت ما این شوکت را مشاهده می کردیم و ما و هر ذوق که در آن

باز در مقام مودت و ثبات و در طریق مطالب راجع باشند و در نظر دوستی و ارمک اگر بر فرض محال از فایان و اقصایه روانه راجع باشد به حد خود

و نه ناسید و کل آفرینند چو کل که در پاشای شرای بران و دوان توپهای شش فان شومان در اجواب گفته می برده اند

و از آن پس به احوال از طرف دوستی کامل و بیسان ملایمت است و حاصل است و از دوستی ثانی است و این ایران و قوم کربل و کرمان و عابد و درین وقت

سوسولای در ادوات و فایده و دومی در تقدم و تفرق اوله بگوئید که فی آن حرف بیاض خاص طهرت و قدرت بر اطوار است و بوسیله

فردا بجزایر سرخ نشانی که در کاشانه ملایم فدای خاطر باشد

نامه میرزا شفیع به موسیو تالیران

جناب بنالت نصاب، دولت انتساب، مجدت اکتساب، ناظم مناظم آنام، کافل امور و مهمام، پیوند رشته مودت ووداد، واسطه عقد یکجهتی و اتحاد، فرزانه آگاه والی الولات اکفی الکفات بالانشین انجمن بناهت، صاحب نشان بزرگ فرانسه بنومت موسی تالیراند را بعداز ادای دعائی مشفقانه اعلام میدارد که چون از بدایت کار بحسن کفانت آنجناب الفتی که از ازل میانه این دو دولت مقدر شده بود استقرار یافته بمیامین آیین وساطت صادقانه رفته رفته رشته مودت بجائی پیوست که امروز از کمال اتحاد دولت فرانسه و ایران مانند یک روح در دو تن و یک تن در دو پیراهن اند و حال وقت آن است که تخم محبتی که آنجناب برخاک مصلحت ریخته مثمر فواید گردد و عوائد آن بر دو جانب عاید شود و علی هذا میباید آنجناب در اظهار فواید دوستی و مودت کوشیده اوضاع این حدود را نیز از فراست و کیاست پناه مهندس هوشیار آگاه موسیولامی که صداقت او با آنجناب زیاده از اندازه و حساب است استفسار نماید و یقین داند که با آنکه ممالک دور و نزدیک پیوسته ملائنگر اولیاء دولت ایران در دوستی فرانسه بوده و مدت ها است تا امان این شوکت نیز بانتظار ظهور اثر عهد و وفا و عهد آندولت گذرانیده اند باز در مقام مودت ثابت و در طریق مطابقت راسخ میباشند و در نظر دوستی دارند که اگر بر فرض محال کارفرمایان دولت علیه فرانسه را مجال آن نباشد که بعهد خود وفا نمایند توکل با فریبنده جزء و کل کرده بزبان شمشیرهای بران و دهان توپهای آتش فشان دشمنان را جواب گفته نسبت سست عهدی بدولت ابد مدت فرانسه ندهد.

بالجمله از اینطرف دوستی کامل و اطمینان دل بعهد آن دولت حاصل است و تا از دوستی نشان است ایران یا فرانسه یک دل و یک زبان خواهد بود و چون فطانت و فراست پناه موسیو لامی در اوقات توقف این حدود زحمتی در تقدیم محوله بخود کشیده که تلافی آن موقوف بعنایت اعلیحضرت قدر قدرت ایمپراطوری است و پیوسته در این حدود و سامان نیز ذکر خیر آنجناب راورد زبان میداشت آنجناب نیز میباید اهتمامی نماید که بازاء این زحمت از طرف اشرف عم اکرم ایمپراطور اعظم بعنایت تازه و مرحمتی بی اندازه سرافراز گردد و همواره حالات خود را با اخبار مسرت بخشای آن حدود نگاشته نشاط افزای خاطر باشد (۱) سند شماره ۲۳

نامه ای از طرف موسیو شامپاینی وزیر روابط خارجی دولت فرانسه برای عباس میرزا فرستاده

شد که از پاسخ عباس میرزا چنین مستفاد میشود که دولت فرانسه اقدامی درباره تعهدات خود بعمل نیاورده و درخصوص اخراج روسها از ایران کاری انجام نداده است و دولت ایران را در انتظار و نگرانی گذاشته است. (۱) سند شماره ۲۴

باعث تاسف است که امپراطور فرانسه نه تنها توجهی به اجرای تعهدات خود ندارد، حتی پاسخ منفی هم نداده و اعلام نکرده است که ما در نظر داریم با دولت روسیه روابط دوستانه برقرار کنیم و بهمین دلیل نمیتوانیم کاری برخلاف نظر دولت روسیه انجام دهیم و بدون توجه به نامه‌های فتحعلیشاه، عباس میرزا، میرزا بزرگ و میرزا شفیع به اجرای برنامه‌های خود در اروپا پرداخته و ایران را به حال خود گذاشته است و چنانکه قبلاً نیز اشاره شد به تزار گفته است من ترجیح میدهم ایران در دست شما باشد تا در دست انگلیسها. این است قهرمان اروپا که فرانسویان به وجودش افتخار میکنند، قهرمان خودخواهی و نادرستی.

پاسخ عباس میرزا به نامه موسیو شامپاینی وزیر خارجه فرانسه

جناب وزارت ماب مجدت ونجدت نصاب جلالت و بنالت انتساب عزت پناه، مناعت، دستگاه، نظام بخش امور، رواج آموز جمهور، واسطه عقد مسالمت دو دولت جاویدمبانی موسی (موسیو) شامپاینی را بعد از ابلاغ سلام مشفقانه عزانها آنکه نوشته آنجناب بوقتی خوب رسید و مضامین آن .

مژده سرور بخاطر عطوفت دستور رسانید هرچند نوشته مزبور بعد از مدت ها رسیدن از مضمون آن اثر ظهور فوائد دوستی ظاهر نمیشد لکن چون فقرات آن از انتظام امور و حصول مقاصد اعلی حضرت قدر قدرت پادشاه سکندرجه عم اکرم امپراطور اعظم دام اجلاله خبر میداد و درهای شادمانی و انبساط و سرور بر چهره دل عطوفت منزل گشاد و غنچه های سرور بر شاخسار ضمیر شکفتن آغاز نهاد .

عالیجاه صداقت آگاه عزت همراه موسی ژوانین نیز آمده نظر بمأموریت خود اصرار در توقف دربار دولت علیه داشت اما باقتضای وقت، مناسب ندانسته اورا مراجعت دادیم و او باقتضاء وقت حال روانه صوب ایروان شده در آنجاست .

بالجمله ما بهممه فرانسه کمال التفات داشته و داریم و همگی ایشان نزد ما معزز خواهند بود میباید آنجناب همه اوقات ابواب اتحاد و موافقت را گشاده دانسته روز بروز حالات آنصفحات را نگاشته خامه خلت دارد .

الخاتمه بالفاتحه (۱)

سند شماره ۲۴

میرزا شفیع مجدداً "نامه ای به موسیو شامپاینی نوشته و اشاره کرده است که از زمان ورود ژنرال گاردان به ایران تا بحال ما شرایط دوستی و اتحاد را رعایت کرده ایم ولی از طرف آن دولت اقدامی برای انجام تعهدات بعمل نیامد، مکرر نامه فرستاده ایم و جریان امر نیز گزارش شد ولی از آنطرف جوابی که حاکی از انجام تعهدات باشد نرسید .

میرزا شفیع مینویسد که باعث تعجب است که چگونه آن دولت وعده های خود را پس از این همه مذاکرات در مدت سه چهار سال رها کرده بطوری که مورد ملامت دوست و دشمن واقع شدیم . البته در این اواخر بعلت یاس از اقدامات فرانسه دولت ایران با نمایندگان انگلیس شروع

به مذاکرات نمود و میرزا شفیع نیز در نامه خود به آن اشاره کرده است که دولت فرانسه بداند اگر به تعهدات خود در اخراج روسها از ایران اقدام نکند دولت ایران به دولت انگلستان متعایل خواهد شد (۱) سند شماره ۲۵

تبرستان
www.tabarestan.info

و به فرستادن کلاه به مناسبت عید نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات

دست فرستادم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم

خبر فرستادم که این خبر را به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم

و به فرستادن کلاه به مناسبت عید نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات

دست فرستادم که این خبر را به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم

و به فرستادن کلاه به مناسبت عید نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات

دست فرستادم که این خبر را به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم

و به فرستادن کلاه به مناسبت عید نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات

دست فرستادم که این خبر را به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم و در این باره به شما اطلاع دهم

و به فرستادن کلاه به مناسبت عید نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات و در روزهای منتهی به نوروز و تبریکات

نامه میرزا شفیع به وزیر خارجه فرانسه

عالیجاه رفیع جایگاه ابهت و مناعت اکتناه، شهامت و بسالت انتباه دوستی و مواحدت آگاه وزیر بی نظیر و مشیر صاحب تدبیر عظام و زبده وزرای گرام .
دوست عزیزم موسی شام پایینی (موسیوشامپاینی) همواره از مکاید ایام در حفظ و حراست ملک علام باد .

بعد از ابلاغ مراتب اتحاد و دوستی مشهودرای شریف میدارد که چون بعد از ورود عالیجاه جنرال غاردان خان کیفیت خیرخواهی و مراسم نیکاندیشی این دوست بر آن دستور اعظم ظاهر و معلوم شده خواهد بود تا امروز بهر نوع که صلاح دولتین علینتین ایران و فرانسه را میدانست رشتہ ارتباط و دوستی و شیوه مواحدت و یکجہتی را مستحکم و مضبوط داشته اگر با سایر دولت های فرنگ ظاہرا " بنای آمیزش و آمد و شدی در این اوقات شده است بطریقی که مکرر در مقام اظهار برآمده ، چون برای پادشاه ذیجاء ایمپراطور اعظم در آن صفحات گرفتاری بود و بایفای مواثیق و عہود دست رس نداشت با عالیجاه غاردان خان همین مرحلہ را قرارداد نمودیم کہ مقصود از این آمیزش و آمد و شد برای این است کہ در میان الطاف الہی بجہہ حضرت دارا درایت پادشاه ذیجاء ، فرانسه فراغت و آسایش بہمرسیدہ بلوازم انجام و اتمام کار عالیجاء عمدہ الخوانین العظام عسکرخان پرداختہ مشارالیه را مقضی المرام روانہ فرمایند .

الحمد للہ آنچه این دولت با جنرال غاردان خان درہنگام روانہ شدن بناگذاری و تعہد نمودہ بود خلاف آن بعمل نیاوردہ و بکرات نامہ و تاتار بدولت علیہہ فرانسه فرستادہ و شرح حال را بہ امنای دولت علیہ قلمی داشتہ و از آن طرف جوابی کہ موافق صواب و حاکی برایفای شرایط عہد و وفاق باشد نرسیدہ .

ہرچہ فکر و تامل میکنم امنای دولت علیہ فرانسه چگونه در کل عالم متحمل این معنی خواهند شد کہ عہدی کہ بمبادرت اولیای آن دولت با آنہمہ داستان و سپاس فیما بین بستہ و دوستی و یکجہتی کہ حکایات آن در این سہ چہار سال بسمع دور و نزدیک پیوستہ باشد ، حال یکبارہ بی فایدہ و بی ثمر و خالی از نفع و اثر و در نظر دوست و دشمن ما و شما مورد صدہزارگونہ ملامت و خود قرین انواع پشیمانی و ندامت باشیم و این معنی در ہر دولتی مقرر است کہ اینگونہ امور کہ موجب بدنامی و ملامت است غرامت آن بر رجال دولت و ملامت آن عاید روزگار اعیان حضرت خواهد شد پس بر این دوست لازم و بر آن دستور معظم الزم است کہ تا نتوانیم بکوشیم و جہد نمائیم کہ بر کردہ و گفتہ های سابق اثری و ثمری لاحق شود و زیادہ بر این مورد طعن و ملامت

دوستان و دشمنان نباشیم و اگر تا حال در انجام آنچه موعود و معهود بوده است اهمالی رفته بعد از این تدارک آنرا کرده و سخنان خود را مقرون ثمری و اثری آورده باشیم و بالجمله ما بر سرعهد و پیمان خود هستیم و از جانب آن دولت علیه عالیه نیز منتظر حصول مقاصد و عهد میباشیم و این مراسله دوستی بتاريخ نوزدهم از شهر صفر المظفر محرر و ارسال نزد آن دستور اعظم اکرم گردیده است در انتظار جوابی بروفق صوابیم تا اساس دوستی بیش از پیش مشید و مستحکم و قواعد الفت و یکجتهی مهمد و منتظم گردد باقی ایام مودت و محبت مستدام باد (۱) سند شماره ۲۵

میرزا شفیع نامه دیگری برای وزیر خارجه فرستاده و بطور اختصار اقدامات ایران را طبق مفاد قرارداد شرح داده و نوشته است که عسکرخان به عنوان سفارت بدربار فرانسه اعزام گردید و سرجان ملک انگلیسی نماینده انگلیس را قهرا "خارج کردیم و از طرف دیگر با طایفه افغان برای گشودن راه تسخیر هندوستان به جنگ پرداختیم و چون امپراطور فرانسه با روسیه روابط دوستانه داشت بنا بر توصیه دولت فرانسه با آنها موقتاً "ترک خصومت کردیم". نزدیک یک سال است که عسکرخان عازم شده ولی هنوز خبر مساعدی نرسیده از طرف دیگر گودویچ نیز از فرصت استفاده کرده به مرزهای ما تجاوز نموده و باعث خسارت زیادی گردید. میرزا شفیع نوشته است نمیدانم ان عدم توجه به مفاد قرارداد به علت بعد مسافت است و یاموانع دیگر در کار است. (۱) سند شماره ۲۶

نامه میرزا شفیع وزیر خارجه ایران به وزیر خارجه فرانسه

نسیم دلاویرد عائی که از جنبش خامه مشکبیر در اهتزاز آید و غنچه رعنائی ثنائی که گلزار نامه مهر ختامه را برنگ و بوئی تازه آراید ، شایسته حضور جناب جلالت نصاب ، بنالت انتساب شوکت و دولت مآب ، فرازنده رایت اقبال ، طرازنده انجمن اجلال ، واسطه نظام ملک و دولت ، ماشطه عذار مجد و شوکت ، قدرا یوان وزارت ، صدر دیوان صدارت ، وزیر ملک و فردا مشیر ظلم زدا دستور عقده گشا ، برادر نیکو اختر نیکوسیر که تا جهانست جهانش بگام و باده عشرتش در جام باد بعد از آرایش عذار شاهد صفحه بغازه دعا مکشوف رای مودت پیرا میدارد که اولای غایات منظور مامول استقامت ذات سعادت شمول است و ثانیاً " در باب موافقت این دولت ابد تاسیس با شوکت بهیه فرانسیس که بعون الهی سمت حصول پذیرفته و در ضمن این موافقت عهد و شرطی چند رفته است که اهم همه شروط و عهود اخراج طایفه روس از سرحدات این ملک محروس میباشد .

بعد از مراجعت عالیجاه میرزا رضا که عالیجاه عزت همراه جنرال گردان خان (گاردان) وارد این درگاه سپهر مثال و مراتب مودت و مواحدت حضرتین بمرتبه کمال ، عالیجاه رفیع جایگاه حمدت و نجات اکتناه ، عمده الخوانین الکبار ، عسکرخان ، سالار سپاه افشار از جانب اولیای آیند دولت مامور بسفارت آن حضرت شد و امنای این شوکت بهیه همه خواهش و تکلیفات آن دولت علیه بسمع قبول اصفا نمود .

ملکم انگریزی (انگلیسی) را که از جانب دولت انگریز ، مامور و وارد دریای عمان شده بود جبرا " قهرا " جواب داده ابواب جنگ و کاوش با طایفه مزبوره گشادند و در اینطرف نیز با جماعت افغان برای گشودن راه تسخیر و تصرف ملک هندوستان بنای جدال و نزاع نمودند و چون حضرت امپراطوری با دولت روسیه بنای آمیزش داشتند ملاحظه رای حضرت معزی الیه جنگ و کاوش با آنها را برکنار گذاشتند و در هر حال رای خود را بارضای آندولت علیه مطابق و دولتین علیتین را متحد و موافق دانسته و با دوست آندولت دوست و با دشمن دشمن بودند و از آنحضرت نیز چشم آن داشتند که بر همین ضابطه و سیاق راه نورد طریق مهر و وفاق باشند نهایت چون حال متجاوز از مدت یکسال است که عالیجاه عسکرخان روانه آنصوب باصواب شده و بهیچوجه خبری از جانب او نیامده و چندین نامه و سفیر دیگر هم روانه و آنفاد آن حضرت سپهر مصیر گردیده و جوابی از هیچیک نرسیده و در این اثنا نیز گودویج سردار سپاه روس بمقتضای فساد طینت و جبلت در محال ایروان و نخجوان که دو ولایت معظم آذربایجان است شورا فکن فتنه انگیز گشته در این چند گاه که سپاه ظفریناه ایران را از تدارک لوازم حرب و ضرب آسوده

یافته بود فرصتی کرده روی عزیمت بجانب دو محل مزبور نهاده و آنچه در قوه داشت برای تسخیر و تصرف آنجا بغفل آورد تا عاقبت الامر بعون عنایت حضرت آفریدگار بهیچوجه امری از پیش او نرفته راه دیار ادبار خود را پیش گرفته با نهایت خذلان پی سپروادی فرار شد و از این غدر و حیلت بجز ناکامی و ندامت حاصلی نیافت و اکثری از سپاه گمراه راه او ببادیه هلاک شتافته بقیه السیف را عرصه تاب و طاقت ننگ و پای ثبات و درنگ لنگ شده، گریز را بر سنج و فرار را بر قرار و نام را به ننگ بدل نمودند و همه عراده و آذوقه و تفنگ و آلات و ادوات حرب و جنگ آنها نصیب غازیان فیروز چنگ گردید.

اما از آمدن و مراجعت آنها قریب دو کرور نقصان و خسران بولایات ایروان و نخجوان رسید و اولیای ایندولت را نهایت تعجب و حیرت حاصل است که باعث تعویق وصول خبر و تعطیل در ظهور اثر عهود سابقه چه چیز است، آیا بعد مسافت مانع است با عایقی دیگر واقع طریق دوستی نه این بود و اقتضای رسم مرافقت نه چنین که در این عرض مدت بکلی از احوال و اوضاع اینولا (این ولایت) بی خبر باشند و از وضع امور این حدود مطلع نشوند بیرون شدن روسیه از خاک ایران در مقابل منافع و فوایدی که در ضمن این موافقت و مواحدت با ولیای دولتین عاید میشد نهایت سهولت داشت و امری را که حضرت امپراطور بر ذمه همت پادشاهانه گرفته اند زودتر از این باید صورت انجام داده باشند در اینوقت هم که عالیشان موسیو طوریلر را روانه آن صوب مینمودند نامه دوستانه از جانب معذلت جوانب شهریاری بحضرت سپهر رفعت ایمپراطوری مرقوم و مکنونات ضمائر در ملفوفه مبارکه معلوم شده و عالیجاه ژنرال گردان خان (گاردان) نیز مفصل امور را قلمی داشته است توقع از دوستی و مواحدت آن دوست آن است که جواب این مراسله را بزودی قلمی داشته از مژده سلامتی و جواز خود خاطر دوستی را خوشوقت و خوشنود سازند الباقی ایام دولت و اقبال بکام باد (۱) سند شماره ۲۶

میرزا بزرگ وزیر شاهزاده عباس میرزا پس از عزیمت ژنرال گاردان نامه ای برای کنت دوشا-
مپاینی فرستاده و پس از تعارفات معمول نوشته است.

(دانای رموز نکته دانی بانی بنای محبت و مهربانی موسیو شامپاینی است) که اوضاع احوال این سامان همانست که از طرف اعلیحضرت و شاهزاده عباس میرزا و نمایندگان شما (ژوانین و نیرسیا) ضمن نامه های فرستاده شده، معلوم گردیده است و در خاتمه نوشته است که موسیو و نیرسیا که پس از عزیمت ژنرال گاردان در نظم امور زحمات کاشیده شایان تقدیر و تحسین از طرف آن وزارت میباشد و (۲) سند شماره ۲۷

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۱ صفحه ۸۱

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۲ صفحه ۲۳۰

نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به موسیو شامپاینی - سند شماره (۲۷)

وزیر خارجہ فرانسیسہ

830

سید محمد تقی کا ذخیرہ تاج محل میں محفوظ ہے جس کی کاپی موجود ہے۔

R.F. ARCHIVES

پرواز خود را در دسترس دارد و قصد آن علم اعم را باطن او را می بیند که در یک سر راه دانش او رسیده است و در این میان

[illegible][illegible]

در شرح مراتب دعا براچندین محاسبه کرد که اجماع آنست که در این دعا بیست و پنج بار بخواند و چهار کیفیت فعل این دعا هر یک است آمد و نسخی که در کتاب
درج شد

[illegible][illegible][illegible]

نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به وزیر خارجه فرانسه

نسیم عنبر آمیز تحییتی که از خرام مستانه او جهان جهان عطر نسبین بر دامن روزگار ریزد و صبای دلاویز درودی که هنگام خرام او خرمن لاله و گل بر دامش آویزد . هدیه بزم حضور فرخنده دستور واسطه عقد مناظم امور و رابطه قوام مصالح جمهور که دیده ملک به سرمه مداد مشک اندودش روشن است و رخسار دولت از آرایش ماسطه کلک ، بخارش رشک گلشن ، از رای زرینش حدود مملکت چون سدا سکندر متین و از فکر دوربینش رخنه جویان بواسطه عدم قدرت قرین آه و امین ، فرید دهر و وحید زمان سپهر جلالت را مهری تابان و بحر اقبال را گوهری فروزان ، بستان و فاراسروی روان و کان وفاق را لعلی درخشان ، دانای رموز نکته دانی بانی بنای محبت و مهربانی موسی شامپایی است که تا آفتاب درخشنده از اوج سپهر برین نور افشان است صهبای دولتش در جام و نشاء یاب از مدام هر مراد و مرام باد .

بعد از شرح مراتب دعا بر لوح صحیفه مدعا مینگارد که اطلاع و استحضار از مجاری حالات بهجت علامات این حدود و اخبار از کیفیت وقایع این صوب سعادت آموز به نهجی است که در نامه های اعلیحضرت قدر قدرت کیوان مهابت ، سپهر شوکت پادشاهی نواب مستطاب جوزا رکاب فلک جناب شاهزاده اعظم و مراسله دوستی مواصله معتمد الدوله العلیه و تقریر عالیجاهان رفیع - جایگاهان عزت و سعادت همراهان ، فراست و کیاست انتباهان ، فطانت و متانت اکتناهان ، میرزا یوسف ، مریم ، ژوانین و موسیو ونرسیا معلوم رای ملک آرا و مشهود ضمیر فطانت شهیر خواهد شد . و در باب عالیجاه عزت همراه موسیو ونرسیا که مدتی مدید میباشد خصوصا " بعد از روانه شدن عالیجاه شهابت و فطانت همراه مجدت و مناعت انتباه دولت و اقبال پناه عمده الکبراء المسیحیه جنرال غاردان خان در نظم امور دولتین علیتین رنجهای دیده و کشیده و مزارت های بی نهایت چشیده است ، شایان شان وزارت و صدارت ، مقتضی آنست که الطاف کامله را شامل حال و کافل حال صداقت مال او سازند و از کمال مکرمات بترتیب و تقویت او پردازند .

همواره مستلزم شروط موافقت و وداد آنست که من بعد بخلاف اوقات گذشته گاهگاه دوستان محبت بنیاد را یاد و بنگارش مراسلات محبانه و به سفارش مهمات اتفاقیه دل موافقت منزل را شاد فرمایند . باقی ایام خجسته فرجام بکام باد . (۱) سند شماره ۲۷

میرزا شفیع وزیر خارجه ایران نامه دیگری برای موسیو شامپایی فرستاد و پس از مقدمه و تعارفات

به عهدنامه بین دو دولت و ترک رابطه دوستانه با دولت عثمانی اشاره کرد و درخصوص گشودن راه هندوستان و جلوگیری از ورود سفیر انگلیس به ایران مطالبی نوشت و اعلام نمود با اینکه انگلیسها اصرار بسیار برای اعزام نماینده داشتند مورد قبول واقع نگردید . میرزا شفیع مینویسد نظر به تعهداتی که ژنرال گاردان درخصوص رفع خصومت و جنگ بین ایران و روس کرده بود قشون در سرحدات بطور کافی نگذاشت .

و با اینکه روسها امپراطور فرانسه را حامی ایران میدانستند گودیچ سرادر سپاه روس بدون مقدمه مجدداً " به خاک ایران تجاوز کرد و خسارات مالی و جانی وارد نمود و در همین موقع که قشون ایران عازم ایران گردیده بود و از جانب خراسان با آغا غنه برای تهیه مقدمات فتح هندوستان مقابله میکرد انگلیسها از فرصت استفاده کردند و در جنوب اعتشاشاتی فراهم آوردند و خواستار اعزام سفیر گردیدند .

روشن است که جنگ یک دولت با سه دولت بسیار مشکل است ما جنگ با انگلیس را تا دو ماه دیگر موقوف داشتیم و با ژنرال گاردان گفتگو کرده ایم که اگر در این دو ماه خبری از انجام تعهدات فرانسه برسد سفیر انگلیس را خواهیم راند و مانع ورود او به ایران خواهیم شد . بر آن برادر پوشیده نیست که امروز دوست منحصر ایران دولت فرانسه است و طوایف روس و افغان و انگلیس از سه طرف درصدد دشمنی میباشند اگر از طرف دولت فرانسه تعهدات قبلی عملی نشود جنگ ایران با سه دشمن خالی از اشکال نیست .

روسها هر چند تمایل به صلح داشته اند قبول نشده و به نظر امپراطور محول کرده ایم بهمین جهت دولت روسیه از دوستی با ما مایوس شده و به تجاوز خود ادامه داده است . هرگاه خدای نخواستہ حضرت امپراطور توجهی به تعهدات خود ننماید که البته شان سلطنت و ملک داری نیست ، در نظر پادشاهان جهان و مردم صورت خوشی نخواهد داشت و بدنامی ابدی خواهد داشت .

یقین است که آنجناب و سایر رجال فرانسه به مقتضای محبت و غیرتی که دارند در فکر بیرون کردن طایفه روسیه از خاک ایران خواهند بود (۱) .

فتحعلیشاه برای آخرین دفعه نامه ای به ناپلئون مینویسد و بطور کلی و اختصار به شرح مقدمات روابط دوستانه و عقد اتحاد می پردازد .

شاه ایران مینویسد که مدت چهار سال است که بین دو دولت ایران و فرانسه روابط دوستی برقرار است اول دفعه موسیو ژوبر برای مذاکره و بعد لابلاننش به ایران آمد و با تقدیم مراسلات دوستانه بر اطمینان خاطر ما افزوده شد .

ما عالیجاه میرزا را روانه کردیم و نتیجه چنین شد که با دوست یکدیگر دوست و با دشمن یکدیگر دشمن باشیم، بهمین دلیل ما با همه دوستان خود که با دولت فرانسه مخالف بودند ترک رابطه کردیم. با انگلستان که نظر به همجواری هندوستان روابط تجارتي داشتیم از این منافع درگذشتیم و نماینده خود را از آن کشور احضار کردیم و به دولت عثمانی صریحا "اعلام کردیم که اگر با فرانسه روابط دوستانه داشته باشد ما نیز با آنها موافقیم در غیر این صورت روابط ما خصمانه خواهد بود.

با جماعت افلغنه و ترکستانی نیز بنای ستیز گذاشتیم و بالاخره همه جهات دوستی با آن دولت را رعایت کردیم و امیدوار بودیم که آن دولت نیز به عهد خود وفا کند. عالیجاه عسکرخان را نیز برای یادآوری فرستادیم، ژنرال گاردان هم ما را خاطرجمع کرد که امپراطور ردر مصالحه با روسیه حقوق ایران را یادآور خواهد شد و یاروسیه را از خاک ایران خارج خواهد کرد.

نماینده روسیه به ما اعلام کرد که دولت فرانسه با روسیه مصالحه کرده و مطلقا "صحبت ایران به میان نیامده است شما که با دولت روسیه هم جوار میبایشتید و همیشه روابط دوستی داشته اید با خود ما قرار صلح بگذارید.

این مطالب به اطلاع ژنرال گاردان رسید او اظهار داشت که نظریه تعهدات دولت فرانسه و بودن عسکرخان در آنجا بهتر است که اساس مصالحه در پاریس گذاشته شود و سفیر روسیه هم در آنجا میباید و این کار به آسانی انجام خواهد شد.

بهمین دلیل نماینده روسیه را مرخص کردیم و بهمین سبب هم خصومت آنها بیشتر گردید. مجددا "نماینده دیگری از جانب روسیه بدربار ما آمد و اظهار داشت که فرانسه در مغرب است و مملکت شما در مشرق و فاصله بسیار زیاد است و ما با شما همسایه هستیم و باید بایکدیگر دوست باشیم ولی ما چون به تعهدات و وعده های گاردان امیدوار بودیم نمایندگان روسیه را مجددا جواب کردیم.

ژنرال گاردان در حضور ما تعهد کرد که دولت روسیه نظر به حسن رابطه ای که با فرانسه دارد مزاحم دولت ایران نخواهد شد، ما نیز با روسها ترک مخاصمه کردیم.

گودویچ از موقعیت استفاده کرده و عازم ایروان گردید. گاردان تقاضا کرد که موسیولاژار را نزد گودویچ بفرستیم که او را از تعرض باز دارد و پیغام دهد که اگر نظر ما را نپذیرد ناپلئون با روسیه نظر دشمنی پیدا خواهد کرد. پس از رفتن لاژار تعرض روسها بیشتر گردید و ما نیز قشونی اعزام داشتیم و روسها را متواری کردیم.

عسکرخان به ما نوشته است که آن برادر مهربان بزودی به تعهدات خود عمل خواهد کرد و پس از اتمام کار اسپانیا روسها را از خاک ایران خارج میکند.

بعد از مراجعت از اسپانیا عازم ملاقات امپراطور روسیه شدید و ما یقین کردیم که موضوع اصلی مذاکره شما درباره ایران خواهد بود، مدتی هم منتظر بودیم تا اینکه معلوم گردید که آن برادر از این امر غافل بوده است و صحبتی درباره ایران نکرده‌اید (ناپلئون در مذاکرات با تزار گفته است من ترجیح می‌دهم ایران بدست شما بیفتد تا بدست انگلیس‌ها) با وجود این مراتب، قدمی خلاف طریق اتحاد و دوستی برنداشتیم، در این چند سال به تکاء تعهدات شما با دوستان قدیم ترک دوستی کردیم و خسارتهای زیاد متحمل شدیم ولی از طرف شما سهل انگاری و غفلت دیدیم.

در ایام اقامت ژنرال گاردان نامه‌های زیاد برای یادآوری فرستادیم و الان متجاوز از یک سال است که یک نامه هم از طرف شما نرسیده است.

از عسکرخان نیز تا بحال خبری نرسیده و معلوم نیست علت معطلی او در آنجا چیست. عالیجاه موسیو ژوانین را که مدتی در اینجا به خدمتگزاری مشغول بود و از او نهایت رضایت را داشتیم به خواهش خود او مرخص و روانه نمودیم که از طرف ما مطالبی باطلاع شما برساند و موسیو ونیرسیا را به همراهی حاجی حسین خان فرستادیم تا بکلی ابواب دوستی مسدود نشود (۱).

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

مکشوف رای ملک آرا میدارد که

مدت چهار سال است که فیما بین دولت علیه ایران و فرانسه راه دوستی و آشنائی باز و نسیم مودت از دو جانب در اهتزاز است . موسیو ژوبر آمد از تقریرات او و تحریرات آن درست اعتقاد کامل بدوستی ایشان حاصل گردید و او را با نهایت استعجال مأمور به مراجعت داشتیم و بعد که عالیشان موسیو "بلانش" وارد و مراسلات دوستانه متوالد شد ، بر اطمینان خاطر ما افزود و عالیجاه میرزارضا را روانه و یقین کردیم که شما در برادری و یکجتهی از ما بهیچوجه جدا نخواهید بود تا عالیجاه مشارالیه معاودت کرد ، عالیجاه جنرال غاردان خان (گاردان) نیز باتفاق اوشرفیاب حضور و عهدنامه همایون منظور نظر مهرظهور گردید و باضعاف مضاعف خاطر جمعی بهمرسید .

درمطاولی عهدنامه خسروانه و نامه دوستانه همهجا مذکور و مسطور نموده بودند که بادوست یکدیگر دوست و با دشمن یکدیگر دشمن باشیم ، ما هم بهمین خاطر جمعی از همه دوستان خود که مخالفتی با دولت فرانسه داشتند دست کشیده و همه دوستانها را بدشمنی مبدل کردیم . با طایفه انگلیس که نظر باتصال هندوستان همه وقت معامله و تجارت داشتیم تارک طریق مراودت گشتیم و از این منفعت خود درگذشتیم . ایلچی ما که در آنجا بود بسرعت هرچه تمامتر احضار نمودیم و با دولت عثمانیه که بتقریب قرب جوار از سوالف آن زمان الی الان قواعد دوستی و یکجتهی برقرار بود صریحا " اظهار کردیم که هرگاه با دولت فرانسه موافقت داشته باشند از اینطرف نیز ابواب خصوصیت گشاده باشد ، و هر وقت بنای مخالفت گذرانند از این جانب اسباب خصومت آماده گردد .

با جماعت افلغنه و طوایف ترکستانی نیز بنای ستیز و آویز گذاشتیم و حواس باطنی و ظاهری را مصروف و موقوف بتشید مبنای اتحاد با آن برادر نیکو نهاد داشتیم و دور و نزدیک را بهواخواهی و دوستی شما ترغیب و تحریص کردیم تا از تفضلات الهی و میمنت ، کار دولت فرانسه بالا گرفت و ما به این معنی مطمئن و خاطر جمع بودیم که بعد از آنکه در دعوای روسیه فتوحات کلیه برای آن برادر میسر گردید و عالیجاه میرزارضا را با آنهمه تعهدات ماذون به مراجعت نمودید بمقتضای رسوم برادری و مهربانی در فکر وفای عهد خود خواهید بود .

عالیجاه عسکرخان را برای یادآوری فرستادیم جنرال هم ما را خاطر جمع کرد که باوجود کمال تسلط شما بطایفه روسیه لامحاله حرف ایران مذکور خواهد شد ، اگر با آنها بنای مصالحه خواهند داشت برای این دولت هم بنای مصالحه خواهند گذاشت والا با نهایت استقلال و

اقتدار روسیه را از خاک ایران بیرون خواهید کرد ما به این خاطر جمعی منتظر بودیم که عنقریب خبری از عسکرخان واصل و استیشاری از وصول این بشارت حاصل شود در کمال اطمینان مشغول کاوش با افاغنه و انگلیس و مخالفین دولت فرانسین (فرانسه) بودیم.

در این اثنا ایلچی روسیه وارد و مذکور نمود که ما با دولت فرانسه مصالحه کرده و مطلقاً " حرف ایران را بمیان نیاورده ایم، شما که با دولت روسیه قریب الجوار میباشید و همه وقت دوستی و سازش داشتهاید با ما خود بنای صلح و صلاح بگذارید ما بمقتضای لوازم دوستی و اتحاد این مطلب را به جنرال اظهار فرمودیم در جواب معروض داشت که نظر به تعهدات برادرانه آن برادر و بودن عالیجاه عسکرخان در آنجا آنست که بنای مصالحه در دارالملک پاریس شود، ایلچی بزرگ روسیه هم در آنجا است و انجام این امر بجهت مقدور خواهد گردید، ما نیز ایلچی روس را جواب گفتیم و بهمین سبب خصومت و ناخوشی آنها بیشتر از پیشتر شد و عساکر فیروزی مآثر در سرحدات آماده و حاضر بودند و در لوازم سرحداری کوتاهی و سهل انگاری نمیشد تا در ثانی ایلچی دیگر از جانب روسیه آمد و بعد از او به اندک فاصله سفیری علیحدّه وارد شد، حاصل کلام آنها این بود که مملکت فرانسه در سمت مغرب است و شما در مشرق، میان شما و آنها از مغرب تا مشرق راه است و ما و شما همسایه ایم و همیشه با یکدیگر سازگاری داشته ایم و باید بدستور سابق با یکدیگر دوست و موافق باشیم.

ما باز نظر بعرض و عهد جنرال خاطر جمعی داشتیم و ایلچیان روسیه را جواب دادیم و آدمهای متعدده فرستادیم که بنای این مصالحه در پاریس با اطلاع و استحضار آن برادر و آلاتبار گذاشته شود، ایلچیان مزبور بکدورت و یاس تمام مراجعت نمودند و چون جنرال معتمد آن برادر بود و حرف او را حرف آن برادر میدانستیم بعد از آنکه در حضور ما تعهد کرد و حجت و التزامی سپرد من بعد جماعت روسیه نظر بموافقتی که با دولت فرانسه دارند ملاحظه ای آن برادر بنای مخالفت با این دولت نمیکذارند و ایلچی معتبر هم از شما در پایتخت روسیه متوقف و از جمله امور و رموز آنها واقف بود آن دولت هم نهایت تسلط و اقتدار را به طایفه مزبوره داشتند، ما نیز عرض جنرال را معتبر و برحسب اشاره آن برادر دانستیم و در لوازم سرحداری بالجمله غفلتی اتفاق افتاد و سپاه و استعدادی که باید در سرحدات نبود، گودویچ این معنی را غنیمت دانسته غفلتاً " عازم ایروان و مصمم کاوش دولت ایران شده جنرال بعد از ملاحظه این حال استدعا نمود که موسیو لازار را روانه نزد گودویچ نماید و در مقام منع اواز این حرکت برآید و مذکور ساخت که هرگاه او سخن مرا در این باب نپذیرد حضرت ناپلئون با روسیه قهر و غضب خواهد کرد، بهمین خصوص نیز آدمی نزد شما فرستاد و موسیو لازار که وارد نزد گودویچ گردید شدت آنها زیاده تر شده نتیجه برعکس بخشید و خودش نیز مراجعت را موقوف داشت ما هم سپاهی ظفر همراه تعیین کردیم و شرایط اتمام را بجای آوردیم، تا قریب یکروز ضرر بولایات ما رسیده مبالغ معتبر

صرف لشکرکشی شد و بفضل الهی روسیه خائب و خاسر معاودت کرده منکوب و مغلوب گردیدند جمعی کثیر از آنها اسیر و فوجی مجروح و مقتول و بقیه السیف پریشان و هراسان راه فرار پیش گرفتند و به دربار خویش رفتند. عالیجاه عسکرخان بما عرض نموده بود که آن برادر مهربان او را خاطر جمع ساخته است که عنقریب بعهد خود وفا کند و چون تعهد کرده است که روسیه را از خاک ایران بیرون نماید و از عهده تعهد خود برآید، لیکن چون انتظام امر اسپانیا در نظر است مهلتی در این امر ضرور است، همینکه امر اسپانیا صورت گرفت و مراجعت از آنجا حاصل شد، دیگر حالت معطله برای تمام امر ایران و روانه کردن عالیجاه مشارالیه نخواهد بود و غفلتی از این امر نخواهند کرد و شرایط دوستی و برادری را وضعی بعمل خواهند آورد که بر همه سلاطین عالم معلوم شود. ما هم مدتی منتظر مراجعت آن برادر از اسپانیا بودیم و بعد از مراجعت شما از آنجا که بعزم ملاقات با شاه روسیه روانه ارفوت شدید، یقین قطعی حاصل نمودیم که همت کلی و باعث اصلی این ملاقات تمام امر ایران خواهد بود، مدتی نیز مترصد وصول این خبر شدیم تا از این رهگذر هم یأس کلی بهمرسید حسب الواقع مشهود و مکشوف گردید که آن برادر از این فقره بکلی غافل میباشند، باز با اینهمه تعافلهادل از دوستی آن مهربان برادر برداشتیم و قدمی برخلاف طریق اتحاد و موافقت نگذاشتیم.

خود انصاف بدهید با آنکه ما در این چند سال برسر عهد خود ثابت و استوار ایستاده و بموافقت شما با دوستان قدیم خود، ابواب مخالفت گشاده و به سخن مردم دور و نزدیک گوش ندادیم و چندین کروار ضرر و اخراجات سپاه و لشکر را متحمل شدیم و از آنطرف اینهمه غفلت و سهل انگاری در ازای اینهمه مودت و دوستداری روی داد، جواب مردم نزدیک و دور را چگونه بدهیم هرکس از هر طرف به این جهت سرزنش میکند که ما متحمل نمی توانیم شد. بهترین صفت ها و پسنیدیده ترین خصلت ها در این عالم آن است که دوستان از عهده عهد خود با دوستداران برآیند. عهد نا بستن از آن به که به بندند نپایند.

دراوقات توقف ژنرال ما به طیب خاطر خود و خواهش او برسل و رسائل، آن برادر مهربان را یادآوری کردیم و تفصیل اوضاع این ولارا بزبان خامه دوستی نگار آوردیم و از آنجانب حال متجاوز از یکسال است که نه رسول آمده و نه مراسله ای رسیده، بلکه از عالیجاه عسکرخان هم بهیچوجه خبری واصل نگردیده است. معلوم نیست باعث معطلی او در آن حدود چه خواهد بود با آنکه مملکت ایران در مشرق و مملکت فرانسه در مغرب واقع است و در این میانه مسافتی بعید حائل و مانع، لطف ربانی کامل و فضل یزدانی شامل شد تا فیما بین ما و شما از درون دل علاقه مهر و اختصاص حاصل گردید که موجب حیرت جهانیان و حسرت سلاطین جهان گشت. در اینصورت بر خاطر مهر مظاهر باری و بردل دوستی خاری گرانتر و گزاینده تر از این نیست که امروز بواسطه اینگونه تغافل از هر طرف راه ملامتی بر اولیاء این دو دولت باز باشد و از هر جانب

زبانی به سرزنش هواخواهان هر دو حضرت دراز. بدوستی آن دوست همه دوستان را از دست دادیم و دیده انتظار بر اثر دوستی آن مهربان نهادیم. وعاقبت از ظهور خلاف منظور، قرین یاس و ندامت و مورد چندین سرزنش و ملامت شدیم.

آخرم دوست نگشتی تو ودا غم که چرا دوستان را بخود از بهر تودشمن کردم حاصل تغافل و مسامحه آن دوست همین بود که ناخوشی و عداوت ما با روسیه بمرتبہ کمال رسیده و ما خود به دولت در این سال فرخنده فال بتلافی حرکات روسیه در سال گذشته عازم آذربایجان و مصمم دفع و رفع آنها گشته ایم تا حال چندین دفعه آتش حرب و پیکار فیما بین عساکر منصوره و جماعت مزبور شعله ور شده و هربار سر و اسیر بسیاری بدست غازیان فیروزی نشان آمده است و با زبهمین امر مشغول میباشیم تا بعون الله تعالی مطلب و مدعا بعمل آید.

چون مدت ها بود که از احوال آن برادر اطلاعی نبود و بعضی اخبار در اینولا (ولایت) اشتها و انتشار داشت، عالیجاه رفیع جایگاه فطانت و متانت آگاه فراست و گیاست همراه موسیوژوانین را که چندی در رکاب همایون ما مشغول خدمتگزاری و محاسن خدماتش متحسن طبع اشرف شهریاری بود و نهایت رضامندی از او داشتیم به رضا و خواهش خود مرخص و روانه نزد آن برادر کردیم که از جانب ما در آنجا مطالبی که هست من المبداء الی المنتهی حالی کند و چون مغایرتی در میانه نبوده است در پیش شما مشغول انجام خدمات ما باشد و عالیجاه موسیو دینرسیا نیز مامور و عالیجاه حاج حسین خان را هم باتفاق عالیجاه معزی الیه فرستادیم تا بکلی ابواب آمد و شد بین الحضرتین مسدود نشود و بر رأی آن گرامی برادر واضح و ظاهر گردد که مادر طریق دوستی و برادری آن دوست کماکان ثابت قدم میباشیم و اگر کوتاهی در شرایط مودت و دوستداری شده باشد از جانب ما نبوده است و باز هم - ترا که دوستی با ما همین بود. وفای ما وعهد ما همان است الباقی ایام سلطنت و فرمانروائی پردوام باد. (۱) سند شماره ۲۸

صدراعظم ایران مجدداً "برای متارکه موقت و شروع مذاکرات صلح نامهای برای گودویچ فرستاد که رونوشت آن بدست نیامد ولی از نامه کنسول فرانسه در تعلیس به کنت دوشامپینی میتوان به مفادنامه پی برد .

تعلیس چهارم آوریل ۱۸۰۹

آقای کنت دوشامپینی (۱)

(حسن آقا کرایلو) غلام پیشخدمت عباس میرزا (روز گذشته به تعلیس وارد شد و حامل

پیغام برای مارشال کنت دوگودویچ بود .

میرزا بزرگ (وزیر ایران) برای افتتاح باب مذاکرات صلح با روسیه اظهار تمایل کرده و از مارشال خواسته است که برای عبور سفیری از طرف فتحعلیشاه برای عقد قرارداد در سن پترزبورگ تسهیلات لازم فراهم شود ولی هیچگونه اطلاعی درخصوص شرایط پیشنهادی از طرف دولت ایران نداد و ضمناً "اظهاری درباره قبول پیشنهاداتی که قبلاً" از طرف مارشال شده است نکرد میرزا بزرگ اعلام کرده که سرهارفور جونز (۲) بعنوان سفیر دربار لندن وارد بندربوشهر شده و پیشنهاد عقد قراردادی بین ایران و انگلیس را نموده است . وزیر اضافه کرده که روسیه همسایه و هم مرز ایران است و فتحعلیشاه علاقه دارد که در درجه اول با این همسایه روابط دوستانه داشته باشد و اعلیحضرت پادشاه ایران قبل از عقد قرارداد با انگلستان و قبول تعهداتی میخواهد با امپراطور روسیه مذاکراتی بعمل آورد .

مارشال به میرزا بزرگ چنین پاسخ داده که با دفتر اعلیحضرت امپراطور روسیه درخصوص تقاضای دولت ایران و اعزام سفیر به سن پترزبورگ قبلاً "مذاکره کرده است" از طرف امپراطور اختیار تام دارد و علاوه بر این دولت ایران میدانند که دولت روسیه با چه شرایطی حاضر بعقد قرارداد صلح میباشد .

مارشال به من گفت من نمیدانم که اعلیحضرت امپراطور روسیه درخصوص اعزام سفیر از طرف ایران چه تصمیمی خواهد گرفت ولی مطمئن است که شرط اولیه امپراطور بازگشت کلیه انگلیسهای است که در ایران اقامت دارند .

ضمناً " از نظر مارشال پوشیده نمانده که دربار ایران از فرستادن نماینده‌ای به تفلیس دو منظور سری داشته :

۱- موقعی که دولت ایران با پیشنهادات خود روسیه را سرگرم مینماید با استفاده از موقعیت با انگلیس‌ها بمذاکره پردازد .

۲- کسب اطلاعات لازم در خصوص اقداماتی که ممکن است در محل بعمل آورد و اطلاع از میل ونظریه قبایل کوهستانی و تحریک آنها برعلیه روسیه (۱)

میرزا بزرگ ، وزیر عباس میرزا نایب السلطنه شرحی به عسکرخان سفیر ایران در دربار فرانسه نوشت و درخصوص آمدن سفیر انگلیس اظهار کرد که انگلیس‌ها اصرار داشتند که یا ایران با آنها از درسازش درآید و یا از راه خصومت ، چون از طرف فرانسویها درخصوص انجام تعهدات اقدامی نشد که دولت ایران از طرف روسها آسوده خاطر باشد ، جنگ از دو طرف با دو دولت قوی مصلحت نبود پیشنهاد سازش با انگلیس مورد قبول واقع گردید و با آن دولت (در انتظار انجام تعهدات فرانسه) از درسازش درآمد که کار به جنگ و خصومت نرسد .

ژنرال گاردان از این امر ناراضی و عازم آذربایجان گردید از طرف شاه فرمانی برای گاردان صادر شد ، که در تبریز در دربار عباس میرزا بماند و جریان را به کشور خود گزارش دهد و منتظر جواب باشد ولی گاردان بهیچوجه حاضر به انجام این کار نشد و بالاخره با مذاکرات بسیار راضی گردید که یکی از کارمندان سفارت در تبریز باقی بماند . بالاخره موسیورمون رابعنوان وکیل معرفی نمود او هم پس از بیست روز به فرانسه عزیمت کرد و موسیو ژوانین و موسیو ونیرسیا از طهران رسیدند و با میل خودشان به ترتیب و تعقیب کارهای ژنرال گاردان پرداختند .

امپراطور فرانسه هم پس از اطلاع از اوضاع ایران و گرفتاریهای مختلف راضی به ارتباط و سازش ایران با انگلیس خواهند شد البته وقتی دولت فرانسه به تعهدات خود عمل کند و خیال ایران از طرف روسها آسوده شود این روابط و سازش قطع میگردد .

دستور داده شده که اگر از طرف دولت فرانسه ماموری بیاید که نتیجه آن فقط رنجش نماینده انگلیس باشد او را نپذیرند مگر اینکه نماینده فرانسه حامل خبری از انجام تعهدات معهود باشد . نماینده انگلیس از اعزام حاج حسین خان به فرانسه مطلع گردیده و خیال حرکت از تبریز را دارد .

اعلیحضرت برای رفع رنجش نماینده انگلیس فرمان داده اند که حاج حسین خان از فرانسه مراجعت نماید تا در این هنگام که جنگ با روسها ادامه دارد و از حمایت و کمک فرانسه هم خبری نیست جنگ با انگلیس بوجود نیاید . . . (۲) سند شماره ۲۹

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران پرونده ۱۱ صفحات ۲۳۶ - ۲۳۸

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه ایران پرونده ۱۳ صفحه ۲۴۳

243

ملک و ملک کا شہر و شہر کا

نیرستان

www.tabarestan.ir

[illegible]

نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به عسکر خان سفیر ایران در فرانسه

عالیجاها رفیع جایگاهها شہامت و بسالت انتباہا دوستامہما

مراسلہ مرسلہ در زمانی مطلوب رسید و فتوحات گوناگون اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم باعث کمال بہجت و سرور اولیای ایندولت جاوید دستور گردید . درباب اشفاق امپراطوری و الطاف جناب وزارت مآب فرزانه زمانی موسیو سامبانی دربارہ آن عالیجاہ کہ بہ آن نحو قلمی نمودہ بودند این معنی موجب نہایت امتنان کارپردازان ایندولت گشتہ ، امید آنست کہ از این طرف ہم بقدر امکان ہموارہ لوازم اتحاد دولتین ملحوظ شود .

درباب عزل جنرال غاردان خان (ژنرال گاردان) کہ بآن نحو نوشتہ بودید ہر چند دوستدار

راضی بہ اذیت موری نیست اما معلوم است کہ جام جہان نماست ضمیر میز شاہالبتہ اعلیحضرت امپراطور اعظم کاری کہ منافی عدالت باشد نفرمودہ و نخواہند فرمود اگر چہ مفصل حالات بکرات و مرات مرقوم و ارسال نزد آن عالیجاہ شد ، اما چون از قرار مضمون مراسلہ آن عزیز بوضوح پیوست کہ هیچیک از شروح مطولہ بآئعالیجاہ نرسیدہ است ، مجدداً " بر سبیل اختصار مرقوم میشود کہ مقصود از راہ یافتن ایلچی انگلیس بہ ایران ہمین بود کہ دولت انگلیس بہ ایندولت استعجال و اصرار بسیار در اختیار یک کدام از دو کار کاوش و سازش داشت و اثری از وفای عہد دولت فرانسہ بظہور نرسیدہ بود کہ ایندولت را از سرحدات متصلہ بروسیہ خاطر جمعی بہم رسیدہ از روی اطمینان اقدام بہ کاوش نمایند . ستیز و آویز با دوو دولت قوی مکتن از دو سمت مملکت خلاف رویہ ملکداری بود . لہذا بمقتضای مصلحت سازش دولت انگلیس مقرون بہ قبول و بہ انتظار عہد دولت علیہ فرانسہ بنای آمیزش با آن دولت گذاشتہ شد کہ امر بہ محاربہ نیانجامد .

عالیجاہ غاردان خان از این معنی متغیر و فورا " روانہ آذربایجان گشتہ ایلچی انگلیس وارد رکاب پادشاہی و بملاحظہ این حرکت بی جای جنرال اوہم در مقام ہمین نوع اطوار برآمدہ بود امنای ایندولت ہم کہ آمیزش با انگلیس را متضمن صلاح میدانستہ اند رد بحث اورا بطریق حساب ہم قادر نبودہ اند .

اما فرمان سلطانی بافتخار جنرال صادر شدہ بود کہ در خدمت نواب نایب السلطنہ متوقف و جریان حال را بدربار امپراطوری عرض نمودہ منتظر جواب باشد . فرمان جداگانہ بافتخار نواب نایب السلطنہ عرضہ دریافتہ بود کہ لوازم اعزاز و مہمانداری از او بعمل آوردہ رنجش اورا منافی رای پادشاہی دانند . نواب والاہم نوعی دلجوئی و اکرام از او بعمل آوردند کہ گویا مشہور آفاق شدہ باشد و با وصف ابرام های بیحد و نہایت کہ نواب نایب السلطنہ بالمشافہہ و دوستدار عالیجاہ

همزمان بیگربیگی و دیگران حسب الامر درباب توقف او کردیم بجائی نرسید بالاخره نواب - نایب السلطنه بهمین قدر متقاعد شدند که همیشه وکیلی از فرانسه ملتزم رکاب والا باشد و بعد از تعهد که از عهده نگاهداشتن با اعزاز او برآیند، جنرال، موسیورمون را وکیل کرده مامور بتوقف رکاب والا کرد. اتفاقاً "موسیورمون بفاصله بیست روز، مذکور ساخت که من زیاده در این مادون بتوقف نیستم و باید روانه شوم و به هراز جرثقیل او را چندی نگاهداشتم تا اینکه عالیجاهان موسیوژوانین و موسیودنرسیا از تهران به تبریز آمده مورد انواع نوازش و التفات نواب نایب - السلطنه شدند.

بعد از نزول مرکب پادشاهی به چمن اوجان خود استدعای رخصت برای شیرازه بندی اوراق امور ژنرال نمودند و اعلیحضرت پادشاهی نظر به کمال وثوق و اعتماد به کاردانی و راستی و درستی و آگاهی عالیجاه فرزندی موسیوژوانین دارند، این معنی را عین مصلحت دانسته او را مرخص و مامور بالقای گزارش حالات موافق استحضاری نمودند که دوستدار چگونه ابرام و اصرار

برای نگاهداشتن موسیورمون نمود هرگونه حجتی که خواست مرقوم و تسلیم نمودم و سعی من به جائی نرسیده و بیهوده شد.

بنابر مراتب مزبوره و محبت قلبی نواب نایب السلطنه بخاص و عام فرانسه که مشهور آفاق گردیده با آنکه معمول و متعارف چنین است که ایلچیان و سفرا در پایتخت پادشاهان توقف نمایند ایلچی انگلیس از دربار پادشاهی تقاضا نمود که ملتزم رکاب نواب نایب السلطنه شود و پولی هم که هر ساله برای لشکرکشی بسرکار والا از سرکار دیوان عنایت میشد، حسب الاستدعای ایلچی از بابت وجه قبولی او که امنای این دولت محض صلاح نه بسبب جلب نفع که مظنون بی خبران است پذیرفته بودند، ابواب جمع نواب والا شد از آنجا که مقدمه اصرار در توقف موسیورمون و انکار او از این معنی و سایر مراتب کما هو حق معروض رای پادشاهی شده از این رهگذر هم بحث ایلچی انگلیس را وارد میدانسته اند و یقین داشته اند که اعلیحضرت امپراطور اعظم بعد از اطلاع از مراتب سفارشی با عالیجاه فرزندی موسیوژوانین و استحضار از اموری که خود او مطلع است، محض صلاح این دولت راضی بآمیزش این دولت با دولت انگلیس خواهد شد و ستیزه این دولت را با دولت مزبور مقرون بصلاح نخواهند دانست تا هروقت که از آن طرف وفا بعهد شود و این دولت از سمت دولت روس اطمینان بهمیرسد، از این جانب هم شرایط عهد بعمل آمده و از مماشات قطع نظر شود، چنین میپنداشتند که هرکس بعد از این از دولت فرانسه وارد این حدود گردد مزده ایفای عهد آند دولت خواهد آمد، لهذا در طی فرمان سفارش نامه ایلچی انگلیس به نواب نایب السلطنه مرقوم و مقرر گردیده بود که اگر از جانب دولت فرانسه کسی آمده که ماحصل آمدن او منحصر بر نجش انگلیس باشد نه آنکه خبری از حصول مطلب معهود داشته باشد و ایلچی -

انگلیس بسبب آن رنجش مصمم رفتن از ایران و موسس اساس سمت فارس گردد، باید آنفرزند بمجادله سمت فارس راضی نشود.

بعد از مدتی مدید که ایلچی انگلیس در تبریز متوقف بود موکب سعادت نشان پادشاهی مراجعت از او جان نموده بود شروح متعدده از ایلچی انگلیس رسیده معروض رای پادشاهی گردید که ایلچی مزبور از اعاده حاج حسینخان بصوب فرانسه استحضار بهم رسانیده به این سبب بار سفر بسته در جناح حرکت از تبریز است فوج روسیه نیز در همین اثنا بتحریک مصطفی خان طالش وارد جامیشورن و فوجی دیگر به اغوای مهدیقلی خان جوانشیر وارد قیان و مقری متعلقه بعالیجاه ابوالفتح خان گشته نواب نایب السلطنه که در خوی رخل اقامت انداخته بودند برای دفع فساد و اختلال دوسر حد مزبور حرکت بصوب تبریز نموده اند. چون اعلیحضرت پادشاهی نظر بامتداد مدت روانه شدن حاج حسین خان یقین داشتند که تا آنوقت وارد پاریس شده خواهد بود، برای اسکاات و دلجوئی ایلچی انگلیس از قرار فرمان واجب الادعان بنواب نایب السلطنه امر ومقرر فرمودند که حاجی حسین را احضار نماید تا در این هنگام ستیز و آویز، با دولت روس و بی- خبری از حمایت وجانب داری دولت فرانسه، جنگ و جدال با دولت انگلیس و اغتشاش در فارس روندهد.

اتفاقاً " مقارن وصول فرمان همایون، ایلچی انگلیس هم بنابر خبری تازه که در این مورد به او رسیده بود اصرار را از حد گذرانید تا رقم احضار حاجی حسین خان صادر و ارسال اسلامبول داشته بود. معذالک عالیجاه فرزند مقامی موسیوژوانین از عرص راه معاودت نموده هرچند خبر از بقای محبت دولت فرانسه به این دولت عموماً " واز دیدا دالتهات بنواب نایب السلطنه خصوصاً " بود والحق مطلب اصلی باطنی منحصر بهمین است. لیکن چون نواب نایب السلطنه را درباب امور ظاهریه که چاره کار روس و بی مضایقگی از رنجش و رفتن ایلچی انگلیس باشد دست آویزی نبوده که به آن عذر متمسک گردید. موسیو شامپانی وزیر هم در آن اوقات نوشته بود که از الفتی که به ملاحظه مصلحتی میانه ایران و انگلیس شده مضایقه نیست او را محض صلاح دو دولت به تعجیل روانه کرده بودند. دوستدار را در تهران محض استحضار در این کار چنین بخاطر رسید که خود از آستان پادشاهی مرخص و برای شرکت امور آذربایجان وارد رکاب نواب نایب السلطنه گشته فرزند مقام مشارالیه را ملاقات و بعد از مشاوره با یکدیگر بهره مصلحت مقتضی باشد معمول شود. اتفاقاً " بعد از حصول رخصت و طی آن همه مسافت در کمال سرعت دوستدار وارد دار السلطنه تبریز گردید که عالیجاه مشارالیه از قارص هم حرکت و به ارزنه الروم رسیده بود و معلوم شد که مشارالیه از حقایق مقصودات و مکنونات خاطر این دولت چنانکه باید استحضار یافته و برای صلاح کار دو دولت رفته هرچند او را ندید اما چون بملاحظه صلاح دو دولت رفته بود و حقیقت امر و صلاح کار را دانسته بود زحمت راه و حرمان دیدار او را بر خود گوارا نمود و باز

محقق شد که تا امروز دیناری از پول انگلیس ابوانجمی را نگرفته .

میرزا امین را برای دفع مایقال روانه اسلامبول فرموده‌اند که قدری ناقابل از وجه مزبور را بازیافت نماید اما برای دفع الوقت نزدیک به ماه از تبریز الی اسلامبول رفته‌است خلاصه کلام چون چنان پادشاهی ذی شوکت عهدی بدولت ایران نمود و امتناع عقلی دارد که آن عهد از قوه به فعل نیاید معلوم است که این تاخیر منوط به عذری بود که البته در این اوان که ارتفاع شوکت و شأن آنحضرت بسرحد کمال رسیده رفع آن عذر شده خواهد بود . لہذا دیدہ انتظار در راه است که انشاء الله الرحمن از همت والانہمت آنحضرت عن قریب مطلب ایندولت مقرون به حصول گشته ، اولیای آندولت از روی انصاف تصور نمایند کہ در این مدت انتظار بر این دولت چه گذشته و بنا بر آگاهی نکته گیری و بهانه جوئی ننموده در انجام عهد معہور ساعی و جاہد باشند تا بعد از حصول این نعمت از این طرف مراتب تعہدی کہ ماہو حقه بعمل آمده فوائد این اتحادات انقراض عالم عاید حضرتین گردد و نواب مالک الرقاب نایب السلطنہ کہ خود بمنزلہ فرزند علیحضرت امیراطور اعظم دانسته صیت این رابطه در اطراف و اکثاف عالم منتشر ساخته‌اند لافهای بیحد از طرف قرین الشرف آن دولت جاوید اثر به یار و یاور و ایل و برادر و قاطبہ خلق ہر یوم و بر زدہ‌اند (۱) سند شماره ۲۹

عباس میرزا در ذیقعدہ ۱۲۲۴ (ژانویہ ۱۸۱۰) نامہای بہ عسکرخان سفیر ایران در فرانسه نوشت کہ روسہا مکرر اظهار دوستی کردند و ما بعلت دشمنی روس و فرانسه دوستی آنها را نپذیرفتیم . پس از مصالحہ روسیہ و فرانسه باز مدتی منتظر بودیم کہ از طرف دولت فرانسه بہ مصلحت ما کاری انجام شود تا اینکه نمایندہ روسہا اعلام کرد کہ ناپلئون در موقع انعقاد قرار داد با روسیہ در خصوص ایران اظهاری نکرده است

بہ دولت فرانسه اعلام کردیم کہ انگلیسہا مایل بہ دوستی با ایران هستند و یکسال است کہ بہ تقاضای آنها پاسخ نداده‌ایم و نوشتیم کہ اگر از طرف فرانسه اقدامی نشود اجباراً "ایلچی انگلیس را می‌پذیریم و چون باز خبری نشد نمایندہ انگلستان وارد ایران گردید و ژنرال گاردان ہم ایران را ترک کرد و اجازه نداد کہ افسران او در جنگ با روسہا بہ ما کمک کنند .

موسیو ژوانین آمد و نامہ‌هایی ہمراہ داشت کہ خلاصہ آن این بود کہ بعلت بروز حوادث و مشکلات برای ایران اقدامی نمی‌توان کرد .

موسیو ژوانین را مراجعت دادیم کہ مشکلات ایران و جریان وقایع را بہ اطلاع اولیاء دولت فرانسه برساند و اعلام نماید کہ ہر وقت اثر عهد دوستی از طرف آندولت آشکار شود از طرف ما این دوستی با کمال میل استقبال خواهد شد .

گرچه بواسطه اموری که اتفاق افتاد دولت روس وانگلیس ما را ملامت کرده اند ولی ما میدانیم اگر از طرف فرانسه اقدامی برای ما نشده بعلت گرفتاری آندولت به کارهای دیگر بوده است و علت دیگری نداشته است (۱) سند شماره ۳۰

تبرستان
www.tabarestan.info

فرمان عباس میرزا برای عسکرخان - سند شماره (۳۵)

صورت فزونی و شادمانی و آوازه که به گوش می رسد

Dépêche de S. A. L. Prince Abbas-M.
à S. E. Asker-Iskân.

Année à la d.

№ 20.

IV

(S.S) حکم دلا شد کہ لیا۔ فیروز خان دوت و قبل از فوت و فیروز خان

[illegible]

این طرف داشته تسلیم کرده و هم بسیار از سخن کلام سواد و کاردستی پادشاهی جنگ
و بیگانه گذشته بجزیره ایران اندام کردند و ده نهاد در وقت نستان که بجا داشت
گذشت و اگر چه در آخر آنکه خواسته خداوند بطور رسید لکن با اینها طرف
غربت با این طرف رسید و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
در قوه گذشته بطور رسانیدند و از طرف این به بعضی طرف داشتند و بعضی را با
بدون فرشته اعلام نمودیم که وقت انجمن وقت شدت و این شده و این شده و این شده
که بعضی دست و دست فرشته آنها را داده ایم و اگر نداده این با آنها این قسم می فرمایم
و از طرف که اگر با شما به این طرف می آید و در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
از طرف فارس تا این طرف خواهد گذشت و اگر از طرف و این فرشته اثر خواهد گذشت
طاهر شود و باید به بعضی صلاح کار این شخص را با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
انجام شد و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
و این طبع نماند و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت و با وجود آنکه در کسبه نیکت
بگذاشته کان فرشته کسبه را داشت و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت
احد در کسبه نیکت و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت
طاعت در کسبه نیکت و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت
ناجیه نیکت و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت
آنگاه از کسبه نیکت و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت
و دست و دست نیکت که گذشت و دست و دست نیکت که گذشت

که متول نظر بکافات مددگار بر بیعت ایران اقدام بکارش نمود و دولت انگلیس در آن
 با یکدیگر دوست شد و هر دو دولت از دو طرف علیه دولت یک سید دولت زدند و اگر او را
 این دولت انگلیس را با یکدیگر انداخته و دولت افغان نیز که بیعت خواست حاصل اند
 سازش نمودند و از آن طرف نیز خود برای این دولت بر پا شد و این استقامت
 که این قدرت این طرف بر دست مسلح این دولت استخواند ما خود و کات و کات
 و لایحه موثر و این اذن رحمت داده قرار دادیم که اگر همه مرتب این طرف و دولت
 با دو دولت در نهان و در ظاهر کند و بعضی داریم که بکار این دولت در نهان و در ظاهر
 این دولت بدست در نهان در بیگ کرده و در ظاهر این دولت بدست در نهان و در ظاهر
 شده و بزرگ و در نهان و در ظاهر و آنچه دانند که هر وقت از اوقات که از طرف یک
 دولت به باز آمدن در هر دو طرف شود و در این دولت از یک طرف این دولت که در
 جهت و در هر دو طرف این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 خواهد شد و در این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 دولت در نهان و در ظاهر و این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 که نهان و در این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 بعضی که در این دولت بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو
 و در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو
 بدست در نهان و در ظاهر و در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو طرف و در هر دو

صورت فرمان دولت شاهزاده والا که بعالیجناب عسکر خان ایلچی مرقوم شده

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه دولت و اقبال همراه فخامت و مناعت و نجدت و بسالت انتباه متانت و صرامت پناه، صداقت و ارادت آگاه، عمد الخوانین، عسکرخان سالار سپاه افشار و ایلچی دولت علیه فرانسه بمزیدخاطر خطیر مرحمت تخمیر نواب مستطاب والا امیدوار بوده بداند که مفصل اوضاع اینحدود بکرات و مراتب آنعالیجاه نوشته شده و آنعالیجاه استحضار یافته است. حال هم مرقوم میسازیم که بعد از رفتن آنعالیجاه بارها از طرف روسیه اظهار دوستی با ایندولت شده اولیاء ایندولت بملاحظه دشمنی دولت فرانسه با دولت روس و انتظار عهدهای اعلیحضرت ایمپراطوری کار مصالحه را استقرار ندادند و بعد از آنکه میانه دولت فرانسه و روس عقد مصالحه انعقاد یافت باز مدتی اولیاء دولت علیه منتظر بودند که خبری از طرف دولت فرانسه رسیده بصواب دید آن دولت اقدام بکار نمایند. و چندانکه روسیه اعلام داشتند که دولت فرانسه در باب ایران سخنی مذکور نکرده خود مصالحه کردند از اینطرف التفاتی بسخان آنها نرفت و چون هر روزه عالیجاه جنرال غاردان خان (گاردان) وعده وصول خبری از آنطرف میداد حجتی در باب عزم تعرض روسیه بسرحدا ت اینطرف نوشته تسلیم کرده ماهم سپاه را مرخص کردیم. سردار عساکر روسیه بناگاه بنای جنگ و پیکار گذاشته بمحاصره ایروان اقدام کردند و مدت ها در اوقات زمستان کار بمجادله و محاربه گذشت و اگرچه در آخر آنچه خواسته خدا بود بظهور رسید، لیکن باز خسارتهای کلیه در آن عزیمت باینطرف رسید و با وجود آنکه روسیه نه بحجت عالیجاه جنرال اعتماد کردند و نه به سخن عالیجاه موسیولاژارخان اعتنائی نمودند و دوستی دولتین فرانسه و ایران را میدانستند و آنچه از دشمنی در قوه داشتند بظهور رسانیدند و از آنطرف در این باب بهیچوجه اثری ظاهر نشد و همچنین بارها بدولت فرانسه اعلام نمودیم که دولت انگلیس طالب دوستی دولت علیه ایران شده و ایلچی فرستاده و یکسال است که محض دوستی دولت فرانسه آنها را راه نداده ایم و اگر زیاده از این با آنها این قسم رفتار نمائیم در اینوقت که عساکر پادشاهی در اینطرف بمجادله روسیه مشغول اند نظریه قرب جوار آنها هم از طرف فارس بنای محاربه خواهند گذاشت. و اگر از طرف دولت فرانسه اثر عهدهی که بسته اند ظاهر نشود لابد بملاحظه صلاح کار، ایلچی انگلیس را اولیاء دولت راه خواهند داد.

بعد از آنکه این مطلب چند بار اظهار شد و جوانی نرسید و ایلچی انگلیس بدر بار پادشاهی آمد عالیجاه جنرال غاردان خان در آستانه دولت علیه نمانده به آذربایجان آمد و در آذربایجان هم متوقف نشده عزیمت حدود فرانسه نمود و از بیکزادگان فرانسه کسی را برای نشانه دوستی

دولتین نگذاشت و هنگام جنگ عساکر ایران و روس احدی را از مهندسين و معلمين ما ذون بمحاربه نکرد و در ميان بعضی امور ظاهر شد که همه آنها موجب ملامت روسيه و انگليس بايند دولت گردید .

بالجمله در این وقت هم که عالیجاه موسیو ژوانین آمد نامه های همایون پادشاهی را بعد از مدت های انتظار رسانید . چون نظر بگرفتاریهای که از حوادث آسمانی برای اعلیحضرت امپراطوری حاصل شده بود اثر ظهور فایده عهدی در نامه های مزبوره نبوده و نوشته شده بود که تا حال نظر بحادثات روزگار برای دولت ایران اقدام به کاری نتوان نمود و دولت انگلیس و روم (روس) نیز با یکدیگر دوست شده و هر دو دولت از دو طرف همسایه و نزدیک باین دولت بودند و اگر اولیاء ایندولت انگلیس را مایوس میکردند آنها بدولت افغان نیز که بسرخدات خراسان متصل اند سازش مینمودند و از آن طرف نیز خصومتی برای ایندولت برپا میشد و این را هم میدانستیم که اعلیحضرت امپراطوری بدوستی ، صلاح ایندولت را میخواهند ما خود به وکالت دولت فرانسه عالیجاه موسیو ژوانین را اذن مراجعت داده ، قرارداد کردیم که او همه مراتب را نظر بخیرخواهی دو دولت باولیاء دولت فرانسه حالی و خاطرنشان کند و یقین داریم که بعد از آنکه مشارالیه مراتب را که اثر دوستی این دولت با دولت فرانسه دریافت کرده حالی و خاطرنشان نماید ، انشاء الله تعالی اثر عهدی که بسته شده بزودی زود ظاهر خواهد شد و آن عالیجاه داند که هر وقت از اوقات که از طرف دولت علیه فرانسه باز اثر عهد دوستی ظاهر و آشکار شود و برای ایندولت از یک طرف اطمینان حاصل گردد اثر محبت و دوستی و مسالمت قلبی ایندولت با دولت علیه فرانسه کمال ینبغی ظاهر و هویدا و برعالم واضح و پیدا خواهد شد .

دوستی ایندولت با دولت فرانسه بیشتر از همه دولتها بوده است و سالهاست تا دوستی دولت فرانسه در دل های اولیاء این دولت رسوخ یافته است و هرگز این محبت و دوستی از دل اولیاء ایندولت زایل نخواهد شد و اگرچه بواسطه اموری که اتفاق افتاد دولتین انگلیس و روس ملامت ها به این دولت کردند لیکن اولیاء ایندولت این مطلب را دانسته اند که آنچه از دولت فرانسه درباره این دولت بظهور نرسیده بمقتضای رفتاری آندولت بمشاعل دیگر بوده و باعث دیگر نداشته است و همینکه برای آندولت فراغت حاصل شود بمقتضای عهدی که کرده اند معمول خواهند داشت . آن عالیجاه نیز از مراتب مستحضر بوده علی التفصیل حالی کند .

بالجمله حال هم که ما عالیجاه موسیو ژوانین را نظر بوکالتی که از دولت فرانسه محض دوستی داریم روانه تهران نکردیم بملاحظه مراتب مزبوره و این معنی بود که اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور اعظم عم اکرم خود مرقوم داشته بودند که ما را اوضاعی که تا بحال میان دولت علیه ایران و دولت انگلیس باقتضای صلح اتفاق افتاده مضایقه نبوده و نیست و نواب والا نیز یقین داشتیم که بملاحظه این مراتب اولیاء دولت فرانسه با مخرلاف صلاح دولت ایران راضی نخواهند بود . آن عالیجاه همه اوقات حالات و اوضاع را مفصلاً قلمی و عرض نماید .

تحریرا "فی ۴ شهر ذیقعدہ ۱۲۲۴

و بعدها

مقرر آنکه عالیجاه صداقت آگاه موسیوژوانین در اینوقت که وارد حضور اشرف شد نظر بماموریت خود لازمه جهد و اصرار بسیار در رفتن بدارالخلافت تهران و توقف در آستانه پادشاهی ظل الهی داشت لیکن نواب والا بملاحظه بعضی مصالح که حالی عالیجاه مشارالیه نیز فرمودیم در اینوقت رفتن او بمقتضای وقت بدربار دولت علیه مناسب و مقرون بصلاح و صواب ندانستیم و او را روانه نکردیم و بتاخیر انداختیم عالیجاه مشارالیه خود نیز از دقایق و حقایق مصالح امور استحضار یافته والبتہ باولیاء دولت فرانسه اعلام خواهد نمود

تحریرا "فی شهر فوق

۱۵ ژانویه ۱۸۱۰ (۱)

سند شماره ۳۰

عباس میرزا برای دلگرمی و اظهار رضایت از افسران فرانسوی که در قشون ایران خدمت میکردند ضمن نامه‌ای از موسیو وردیر و موسیو لامی قدردانی کرده است سند (۳۱) و ضمن نامه دیگر برای موسیو Pierre Rouffine تقاضای صدور فرمان نشان عاطفت و مکرمت را نموده که از طرف فتحعلیشاه صادر گردیده است سند (۳۲).

میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا در جواب موسیو لامی فرمانده توپخانه از حسن خدمات او اظهار رضایت و اظهار امیدواری کرد که با اقدامات او تعهدات دولت فرانسه نسبت به ایران انجام پذیرد سند (۳۳).

عسکرخان سفیر ایران در فرانسه نیز ضمن نامه‌ای از صدراعظم تقاضا کرد که برای تشویق خدمتگزاران و اشخاصی که در راه انجام تعهدات دولت فرانسه کوشش مینمایند به او اجازه داده شود که در موارد لزوم از طرف دولت ایران نشان ظل‌الهی به آنها اعطا گردد که باعث دلگرمی و تشویق آنها شود سند (۳۴).

३६.१६

22



November 1864.

فرمان عباس میرزا در خصوص تشویق موسیولائی و موسیوردئی - سند شماره (۳۱)

www.tabarestan

کتابخانه کلاں پورہ سیکرٹری ہفت ہجری مسعودی

R.P.
TACHYV.



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم آية في الدنيا والآخرة

کتابت منتهی در دست خود و هر وقت که بخواهید بخوانید

[illegible]

در تبریز به چندی که به یحیی بن جریب آمدند گفتند که شما چه میفرمایید و چه میگویند و چه میگویند

و نه ای نیست که در این دنیا نیست که بگوید که من در این دنیا نیستم و نه ای نیست که در این دنیا نیست که بگوید که من در این دنیا نیستم

فد ابرار و صالحین است که در ملکوتی است و اینها را در جنت است و اینها را در جنت است

1882-1883

فرمان عباس میرزا در خصوص تشویق موسیو لامی و موسیو وردیه

مهر عباس میرزا

حکم والا شد آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان " عزت و سعادت همراهان ، کیاست و فراست
انتباهان ، اخلاص آگاهان ، عمدة الاعظم المسیحیه ، صدرا الافاحم العیسویه ، موسیولامی و موسیو
وردیه موجبات خاطر خطیر مرحمت تخمیر ، نواب مستطاب والا ، قرین افتخار بوده بدانند که
عریضه ارادت فریضه عالیجاهان ملحوظ نظر عاطفت امر والا گردیده ، مراتب حسن عقیدت و
ارادت آنعالیجاهان و مراسم نیکخواهی و صداقت آن اخلاص آگاهان ، کما هو حقه در پیشگاه ضمیر
منیر بعرضه ظهور رسید و عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه ، شہامت و بسالت انتباه ،
عہدہ الخوانین العظام ، عسکرخان ، ایلچی دولت علیہ نیز حقیقت مراتب اخلاص مندی آنعالیجاهان
با چنانکه شاید و باید معروض رای عقدہ گشای والا داشت ، موجب مزید اعتماد و اعتقاد خاطر
خطیر مرحمت تخمیر درباره آنعالیجاهان گردید ، و در اینکه به یمن عنایت اعلیحضرت قدر قدرت
سکندر حشمت ، ایمپراطور اعظم ، عم اکرم افخم ، فرخندہ شہ ، بر مراتب قدر و منزلت آنعالیجاهان
نسبت بدولت علیہ ایران و نواب مستطاب والا کرده بودند تلافی کامل فرمودہ بودند زیاده از
حد سرور و نشاط ، در خاطر دریا انبساط حاصل شد و امتنان تمام از توجهات خاطر امپراطوری
درباره آنعالیجاهان بغایت خوشوقت گردید .

میباید آنعالیجاهان همواره در مقام اخلاص مندی و ارادت ثابت قدم و راسخ دم بوده یقین
دانند کہ آنعالیجاهان لمحہ و لحظہ از نظر مرحمت والا دور نمی باشند و حال آنکہ در آنحدود
میان عساکر جهان آشوب اعلیحضرت قدر قدرت ایمپراطور ، سکندر شہ ، عم اکرم اعظم ، مشغول
خدمت و جان نثاری میباشند زیاده از آن عالیجاهان راضی و خوشنود میباشم ، میباید در هر
باب الطاف خاطر ما را درباره خود بہ اقصی مراتب کمال دانستہ ہمہ روزہ مطالب و مستندعیات
خود را ضمن عرایض چاکرانه عرض و امر انحاح مقرون دانند و بر عہدہ شناسند .

تحریرا "ربیع الاول ۱۲۲۵ (۱) سند

شمارہ ۳۲۵

Nous, soussigné, Joseph-Marie-Jouannin, Premier interprète de l' M. S. R. de France près la Cour de Suède, en Charge de l'agence de France en la dite Cour, Certifions et attestons à tous qu'il appartient au que la présente copie est en tout conforme au Verbaux original, par lequel S. M. le Roi de Suède Déclare de l'ordre du soleil de Pers, Monsieur Pierre Duffin, Membre de la légion d'honneur, Ancien chargé d'affaires près la Sublime Porte, et toujours lui Conseiller de l'Ambassade de l' M. S. R. de à Constantinople En foi de quoi nous avons signé la présente Déclaration, et y avons apposé l'aveu de cette légation Impériale - à Cauxwiz le 18. mai

J. M. Jouannin



انکه ما پناه فریبیجا فرات و خطا شمس با یک بود است
تبرستان

موسیو دوشیزه مصطفی که در دولت پیر و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

از این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

از این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

از این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

از این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

از این دولت قریب الاکان جمیع کمال و نامی یون و مسیو مناسبات خاطر خیر و حسن نیتش را بنامش میفرستای بود که چون کرد و جبهه عیدانی

فرمان نشان عاطفت و مکرمت برای موسیو ژوانین

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه، فراست و فطانت انتباه، کیاست و درایت اکتناه، اخلاص و عقیدت عمده‌الاعظم المسیحیه، موسیوروفین (۱) مشیر و مصلحت‌گزار دولت بهیه فرانسیس (فرانسه) بعنایات خاطر خطیر مرحمت تاسیس پادشاهی مفتخر و مباهی بوده بداند که چون مکرر مراتب عقیدت شعاری آنعالیجاه نسبت باین دولت قدیم الارکان، بمسامع جلال نواب‌هایون رسیده و حقیقت اهتمام او در خدمت‌گزاری این شوکت‌سدیدالبیان، برآئینه ضمیرمنیرالهام پذیرشاهی رایج و صورت‌نما گردیده است، لہذا بشمول عنایت و التفات پادشاهی عالیجاه را مباهی و سرافراز و باعطاء نشان عاطفت و مکرمت خسروانی او را مورد اکرام و اعزاز فرمودیم. همچنانکه برادرذیجاه مکرم حضرت امپراطور اعظم آنعالیجاه را که به صفت کاردانی موصوف و به شیوه فطانت و هوشمندی معروف است به مصلحت گذاری دولت بهیه فرانسه پسندیده و او را باصابت رای از امثال و اقران برگزیده‌اند.

نواب‌هایون ما نیز بنا بر اتحاد دولتین علیتین او را بصلاح اندیشی و خدمت‌گزاری این دولت دوران عدت قاهره، سرافراز فرمودیم.

باید آنعالیجاه نشانی را که بجهه سرافرازی او ارسال فرموده‌ایم و شاح صدرافتخار وزیرب جیب اعتبار خود ساخته در مصالح ملکیه خدمت این شوکت بهیه را مرعی و ملحوظ داشته به ضوابط و قواعد دولخواهی همواره مراتب کاردانی خود را بر رای جهان آرای پادشاهی رایج و هویدا سازد و پیوسته در استحکام مبانی الفت و اتحاد سلطنتین بهیبتین کوشیده خود را از وکلاء این دولت جاوید قرار داند که به حسن اهتمام آنعالیجاه کارآگاه خللی در ارکان دوستی و وفاق حضرتین بظهور نرسد و نقصی در عهد و موثیق دولتین علیتین واقع نگردد، بلکه یوما "قیوما"، الفت و اتحاد این دو دولت کبری و موافقت و وداد این دو شوکت عظمی، ازدیاد پذیرفته منع فواید عظیمه گردد و همه اوقات مطالب و مستدعیات خود را معروض رای اشرف داشته که به انجاح و اسعاف مقرون و موصول و پذیرای صورت حصول شود و در عهده شناسد.

تجریرا "فی شهر ذی القعدة الحرم ۱۲۳۲

سند شماره ۳۲

نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا در جواب موسیو لامی فرمانده توپخانه

عالیجاه معلی جایگاه، عزت و کیاست پناه فراست و ممانت، آگاه نجات و مجدت اکتناه، زیده
الاکابر المسیحیه و عهده الاعظم العیسویه زید شانه، همواره مقرون به صحت و عافیت بوده از عوارض
و مکاره زمان در امان و گنجینه خاطر محبت سراپا ارتلالو لالی مسرت و شادمانی مملو و مشحون
باد.

بعد از اظهار مراسم محبت و ولا مشهود دوستی اقتضا میدارد که مکتوب مرعوب دوستی
اسلوبیکه قلمی و ارسال داشته بودند، در بهترین وقتی از اوقات رسیده، از مضامین موافقت که
مشمول بر صحت ذات بود کمال مسرت و خوشوقتی رخ نمود و عریضه صداقت که بخدمت بندگان
سلیمان مکان نواب مستطاب سپهر جناب رکاب ولی النعم علی الهمم نایب السلطنه العلیه و
خلیفه الخلافه البهیة دام شوکه الولاه قلمی و ارسال داشته بودند در محل خاص بنظر فیض
اثر والا رسیده مراتب دولتخواهی و صداقت آنعالیجاه حسب الواقع معروض و مکشوف رای مهر
انجلاء گردید و عالیجاه رفیع جایگاه، مجدت و جلالت همراه، شهادت و بسالت آگاه، عمد
الخوانین العظام عسکرخان نیز مراتب نیکخواهی و خیراندیشی آنعالیجاه را کامیاب بعرض کار
گذاران سرکار شوکت مدار و الارسانیده بود، این مراتب باعث مزید اعتماد و اعتقاد نواب اشرف
والابر حسن صداقت و راست کیشی آنعالیجاه گردید.

اینکه بندگان اعلیحضرت سکندر حشمت، قدر قدرت، خدیو جم شوکت، امپراطور اعظم
اکرم فرخنده شیم، از وفور مرحمت و ملاحظه دوستی با این دولت، مراتب قدر منزلت آنعالیجاه
در طریقه دوستی و صداقت، ثابت قدم و راسخ دم بود انشاء الله تعالی تعهدات امپراطوری به
واسطه حسن سعی و دولتخواهی آنعالیجاه، جلوه گر عرضه ظهور گردد البته همه اوقات سلامتی
حالات را و هرگونه مهمات و مرجوعات اتفاقیه قلمی ارسال دارند که در طی آن شرایط محبت
بجا رسانیده شود. باقی ایام دوستی بکام باد (۱).

نامه عسکرخان سفیر ایران در فرانسه به صدراعظم درخصوص کسب اجازه برای دادن نشان ظل الهی به اشخاص شایسته.

جناب وزارت مآب آصف الدوله العلیه العالیه وزیر مکرم مشیر مخم صدراعظم بعد از تقدیم شرایط یکانگی و پس از ترسیم رسوم محبت و الفت، مشهور رای بیضاضای اخوت پیرا میدارد که نظر بر اینکه دوست حقیقی در زمره چاکران درگاه دولتمین معظمین میباشد و خواهشمند این مطلب گردیده که نشان مخصوص ظل الهی را در این ولایت جهت زینت جیب و گریبان بعضی اشخاص ساخته باشد، نظر بر اینکه چون حضرت ظل الهی و قبله عالم و عالمیان پناهی در این ولایت شریف ندارد و الحال دوستدار در زمره خدام درگاه فلک آشیان، خاقان مملکت ستان، پادشاه زمان حضرت امپراطور اعظم و دوام السلطنه العالی میباشد، درخواست مینماید که مراتب را با خاکیای توتیا آسای شاهشاهی عرض نموده که دوستدار را اذن داده و مرخص فرمایند که نشان ملک رفعت و آسمان سطوت ظل الهی را زینت افزای جیب و گریبان بعضی اشخاص ساخته که هر یک نشان بجهت لایق نشان داشته باشد. باقی در امان حضرت باری باشند (۱) سند شماره ۳۴

میرزا شفیع وزیر خارجه ایران در نوامبر ۱۸۰۰ نامه ای برای عسکرخان سفیر ایران در پاریس فرستاده و نوشته که مدت دو سال است که در فرانسه مقیم هستید، معلوم نیست حاصل سفارت شما چه بوده و در این مدت چه گفته و چه کرده اید از روزی که آنعالیجاه به سفارت رفته است اثری از انجام عهود و قرارداد معلوم نیست و ندانستیم که حاصل اینهمه ایام اقامت چه بوده است. امید است آنعالیجاه در انجام وظایفی که به او محول شده کوشش نماید و امیدوار است که دولت فرانسه که در این ایام فراغتی پیدا کرده در اجرای مواد عهدنامه اقدام نماید (۲) سند ۳۵

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۲ صفحه ۱۳۰

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۳ صفحه ۲۳۵

نامه میرزا شفیع وزیر خارجه ایران به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه

عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و مجدت پناه، فخامت و مناعت اکتناه، شهامت و بسالت
انتباه، صداقت و اخلاص آگاه، عمده الخوانین العظام، عسکرخان سالار عساكر افشار وایلچی
بزرگ دولت علیه ایران به کمال سلامت مقرون و کامروای مقاصد و مرام باد.

و بعد مکشوف میدارد که حال قریب به دو سال است که آنعالیجاه بخدمتی مامور و روانه
درگاه عالم پناه پادشاه دیجاه فلک دستگاه امپراطور اعظم اکرم گردیده در آنجامتوقف و مقیم
است تا بحال معلوم ما نشده است که حاصل این سفارت آنعالیجاه چه بود در این عرضمدت
چه گفت و چه جواب شنود.

بنای عهد دوستی این دو دولت قبل از رفتن آنعالیجاه نه چندان موکد و مشید بود که کمال
مسلحه و خودداری اولیای آندولت علیه باشد. سفارت آنعالیجاه نتیجه بعکس بخشیدار زروزی
که آنعالیجاه رفته است تا بحال به پیچوجه اثری از عهود و قرارداد ایشان ظاهر نیست و ندانستیم
حاصل این همه طول و توقف آنعالیجاه در آنجا تاکنون چیست. از دور و نزدیک مورد طعن و
ملامت شده ایم سه چهار سال است که دل به این عهد و میثاق بسته و در انتظار حصول فایده و
ثمر آن نشستهایم تا بحال میگفتیم برای اولیای آندولت در آن حدود گرفتاری و مشغولی هست
و بکار ایفای عهود پرداختن مقدور نیست حال که الحمد لله کارهای آن دولت علیه عالییه بروفق
مرام هواخواهان ساخته و ساحت این عهد و پیوند از عبار هرگونه عذر و مانعی پرداخته است
آخر آنعالیجاه هم اهتمامی در امر سفارت و انجام خدمتی که به او رجوع شده باشد کرده باشد.
ما را یقین قطعی حاصل است که اولیای آندولت علیه باقتضای کمال فطانت و نیک اندیشی
دولت خود و خیرخواهی این دولت، راضی به بدنامی دولتین علیتین نخواهند شد و در این
اوقات که فراغتی کامل برای ایشان حاصل شده است البته در ایفای عهد و قرارداد خود کوشش
کامل خواهند کرد و مقاصد دولتین بهیبتین بروفق صواب و خاطر خواهد بانجام رسید.

بهر حال باید آنعالیجاه خودداری نکرده کماهی احوال و کوائف اخبار آن صفحات را بزودی
اعلان دارد. باقی ایام دوستی مستدام باد (۱) سند شماره ۳۵
به عباس میرزا اطلاع داده شد موسیولازار منشی سابق سفیر فرانسه در تهران از طرف آندولت
بعنوان نماینده عازم ایران گردیده است.

عباس میرزا شرحی به عسکرخان سفیر ایران در پاریس نوشت در موقعی که موسیولاژار به همراهی ژنرال گاردان به ایران آمده بود برای اجرای ماموریتی به قرارگاه ایروان نزد مارشال گودویچ فرستاده شد کارهایی از او سر زده که شایسته و مناسب نبود و به نظر رجال دولت بلکه تمام ملت ایران مستحق نیامد .

اگر امپراطور نیز از این جریان اطلاع حاصل کنند از اعزام او صرف نظر خواهند کرد و اگر فرستاده شده باشد راضی به توقف او نخواهند بود .

فرستادگان باید شخصیت و شهرت خوب داشته باشند و موسیولاژار شایسته نمایندگی آن دولت در این درگاه نمی باشد ، امثال او اگر ضرورت باشد باید بیایند و پیغامی بیاورند و مراجعت کنند .

این مطالب را بطوری که مصلحت باشد با اطلاع دولت فرانسه برسانید که انتخاب این شخص مقرون به صواب و صلاح نیست (۱) سند شماره ۳۶

نامه عباس میرزا به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه در خصوص عدم پذیرش موسیو لاژار بعنوان سفیر فرانسه در ایران

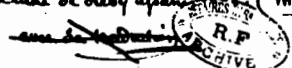
عالیجاه رفیع جایگاه ارادت و صداقت آگاه زبده خوانین کبار عسکرخان سالار سپاه افشار
وسفیر ایران در فرانسه بداند که در این وقت مذکور شده که عالیجاه موسیو لاژار خان از دولت علیه
فرانسه مامور بسفارت این حدود خواهد شد هر چند غیرت ما در دوستی دولت فرانسه میان همه
اهل عالم شهرت کرده و ما را بعموم اهالی آنجا از دیرگاه محبت بوده لکن چون مشارالیه در
اوقاتی که بهمراهی عالیجاه جنرال غاردان خان بدربار دولت گردون مدار آمد و برای قرارگاه
ایروان و ابلاغ نوشته ژنرال مشارالیه نزد غراف گودیچ سردار روسیه رفت بنوعی که جنرال مشارالیه
خود و عموم بیکزادگان فرانسه استحضار دارند اموری چند در آن عزیمت مشارالیه ظهور یافت
که در حضرت پادشاهی و نظر همه رجال دولت بلکه همه اهالی ایران خوب و مستحسن نیامد
معاذیر جنرال مشارالیه بهیچوجه رفع رکاکت آنرا نکرده ما هم به آن واسطه خجالت‌های کلی
کشیدیم حال که مدت‌هاست از عهد حضرت امپراطوری گذشته و نظر بموانع روزگار هنوز اثری از
آن آشکار نگردید و تعیین او را با مراتب مزبوره و بی‌اعتنائی‌هایی چند که از غراف گودیچ
سردار روسیه نسبت به او ظاهر و موجب عدم عظم او شد میان اهل عالم شایسته‌شان آن دولت
ندیدانم و چنان میدانم که چون هنوز عالیجاه موسیو ژوانین نرسیده این امور برای جهان‌آرای
عم اکرم پوشیده و مستور بود والا که بر رای اعلیحضرت امپراطوری معلوم گردد یقین داریم که
هرگز راضی بفرستادن او نخواهند گردید و اگر او را فرستاده باشند راضی بتوقف او نخواهند
بود چرا که فرستاده که از دولتی عظیم بدولتی عظیم دیگر میرود و مقصود از فرستادن او انجام
مهمی از مهام دوستی میباشد باید در نظر نزدیک و دور یا عظم و شهرت تمام داشته باشد یا
رجال آن دولت و اهالی آن مملکتی که فرستاده مزبور به آنجا میرود و ثوقی به کار او نمایند تا آمدن
او موجب فایده و اثری گردد مشارالیه که از بی‌اعتنائی روسیه به او و مورد دیگر که در سفر ایروان
او ظاهر گردید در نظر آشنا و بیگانه نوعی دیگر جلوه نموده و چگونه از عهده این کار بزرگ
کما ینبغی میتواند برآید و چگونه در کاری که مامور شود از توقف او فایده حاصل میتواند شد
دیگر امور چند بر عالیجاه موسیو ژوانین معلوم شده که بعد از ورود مکشوف خواهد داشت و ظاهر
خواهد گردید که تعیین موسیو لاژار خان و امثال او در نظرها پسندیده و به شان آن دولت مناسب
نیست بلکه وجود او و امثال در صورتی که تعیین شوند همین قدر فایده خواهد داد که ابلاغ پیغامی
نمایند و از آمد و شدی که در میانه نمایند جزئی مجهولی معلوم سازند و جوابی گرفته باز خود

به مقصد رسانند، برای امری از امور توقف و ماموریت آنها سودی نخواهد داشت و مباشر اینگونه مهمان کلیه نمیتوانند شد باری تا وصول رقم البته عالیجاه موسیوژوانین رسیده و مراتب حالی اولیاء دولت علیه فرانسه گردیده خواهد بود لیکن بر آن عالیجاه هم لازم است که مراتب کامیابی حالی و معلوم رای رجال آندولت گردیده و بمقتضای شان بزرگ سلطنت معمول و مرتب دارند آنعالیجاه الطاف ضمیر منیر مرا درباره خود بدرجه کمال دانسته مطالب و مستدعیاتی که دارد بااوضاع و اخبار و حالات و مصدرات عامه را خامه اظهار و کلک عرض دارد و مدعیات خود را در حضرت والا بدرجه انجاح و عزقبول داند و مطالب و مراتب مرقومه را به نوعی که باید و شاید حالی رجال دولت علیه فرانسه معلوم نماید که بجهات مزبوره مسطور و غیرت دولت فرانسه، تعیین مشارالیه را مقرون بصورت و صلاح و شایسته و مناسب نمیدانم البته بعد از حالی کردن مطالب اولیاء آندولت نیز تصدیق خواهند کرد و حسن غیرت ما را استنباط خواهند نمود.

تحریراً " فی شهر ربیع الثانی ۱۲۲۵ (۱) سند

شماره ۳۶

پس از اینکه دولت ایران از کمک فرانسه مایوس گردید و نماینده انگلستان را پذیرفت عباس میرزا در اوائل ماه ربیع الثانی ۱۲۲۵ (۱۸۱۰ م) شرحی به عسکرخان درباره مراجعت ژنرال گاردان و موسیولامی و ژوانین نوشت و اشاره کرد که قرار است نمایندگان روس و ایران در قراباغ درخصوص متارکه جنگ مذاکره نمایند تا بعداً " ترتیب معاهده صلح داده شود. درخاتمه نوشته است که به فرمان همایون اعلیحضرت پادشاهی آقا حسین را به جای خود گذاشته و به ایران مراجعت نماید (۲) سند شماره ۳۷



فرمان عباس میرزا به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه و دستور بازگشت او - سند شماره (۳۷)

پاکستان

www.tabarestan.info

آئو ہا فرسج کا بندھنے سے جو کہ ہے سارے ماضی کا اور جبر

[illegible][illegible]

فرمان عباس میرزا به عسکر خان سفیر ایران در فرانسه و دستور بازگشت او

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، مجدت و نجدت انتباه، بسالت و جلالت اکتناه، عمده خوانین کبار، ایلچی فرزانه هوشیار دولت دائمه القرار فرانسه، عسکرخان سالار سپاه افشار برماحم بیشمار خاطر والا افتخار یافته بدانکه عریضه صداقت ترجمانی که مبتنی از کمال اقتدار دولت علیه فرانسه و محاریبات عساکر منصوره آندولت در ممالک نما و غرایم شاهانه علیحضرت قدر قدرت عم اکرم امپراطور اعظم و حسن توجه و التفاف علیحضرت ایمپراطوری و محبت و رفتار جناب صدراعظم موسیوشامپاینی نسبت به خود و مجمل اوضاع و اخبار و فتوحات آندولت نگاشته و مصحوب فرستاده ایلچی دولت عثمانی به اسلامبول ارسال داشته بود رسید و مطالعه آن موجب کمال انبساط و سرور خاطر محبت دستور گردید.

اینکه نوشته بود که اخبار این حدود کمتر بآن عالیجاه اخبار شده، چنین نیست، نواب والا چه در اوقات توقف عالیجاه جنرال غاردان خان و چه بعد از مراجعت و چه هنگام معاودت عالیجاه موسیوژوانین و چه در این روزها همواره اوضاع و حالات را همراه تاتاران که از جانب عالیجاه جنرال و غیره به آن حدودی آمده اند، به آن عالیجاه اعلام فرموده ایم و از طرف کارگزاریان سرکار والا، هرگز در ابلاغ صوا در حالات مساهله و ماطله بظهور نرسیده و قطع نظرا از این نامه های دوستانه بسیار هم از طرف والا با بنجمن حضور علیحضرت قدر قدرت عم اکرم امپراطور اعظم سابقا لاحقا "ارسال" و سخن موافقت و التیام که مایجب اظهار شده و در این مواد دقیقه فرو گذاشت ننموده ایم و اگر بآن عالیجاه نرسیده باعث آن بر رای والا معلوم و هویدا نیست با کمال موافقت دولتین چگونه میشود که در این امور مساهله بظهور آید و پیوسته نامه های دوستانه و صادرات اوضاع و احوال مرقوم میگردد.

در باب پنجاه هزار تومان اخراجات عالیجاه ژنرال نیز که بآن طریق نوشته بود کمال تعجب داریم چرا که میانه دولتین مغایرتی نبود که عالیجاه مشارالیه خرجی نماید، در این حدود اخراجات او داده میشد.

باری نظر علیحضرت امپراطوری کیمیا و ضمیر او خود آئینه حقایق ماست، حقیقت هر امری را میداند و صحیح و سقم را می شناسد و اگر چه عالیجاه مشارالیه شرایط صلاح دو دولت را در اوقاتی که عزم مراجعت نمود کمابینگی ملاحظه نکرده باصرار تمام معاودت نمود، لکن باز نواب والا بملاحظه اینکه مشارالیه سابقه خدمتی در آستانه علیه امپراطوری داشت قلبا "راضی به نقض التفات امپراطوری درباره او نبودیم".

بالجمله اعلیحضرت امپراطوری خود حقیقت هرکار را کمایجب میدانند و آنچه‌الی الان شده البته مصلحتی در آن دیده‌اند و خلاف رویه غیرت و مصلحت که شایسته شان آندولت میباشد ظهور و مرور نخواهد یافت .

سابقاً "نیزکیفیت هرامری مرقوم گردید عالیه عزت پناه صلاح اندیش نیکخواه موسیو ژوانین هم که معاودت بحضور نمود اگرچه بموجب حکم امپراطوری مامور بتوقف بود لکن بعد از آنکه هر مجهولی را بر او معلوم و پدیدار و حقیقت هرکار بر او ظاهر و آشکار شد ، خود نیز مراجعت را اسلم و اصلح دانست و دانسته از حضور معاودت وبعد از مراجعت از حضور ، مطالب دیگر هم که باز همه آنها مقرون به صلاح دو دولت بود در ایروان به او اعلام داشتیم او نیز نظر به کمال خیرخواهی و آگاهی و فطانت و نیکخواهی / عزم انصراف نمود و چنان میدانیم که بعد از ورود به آنحدود دیگر مجهولی باقی نماند و طریق صلاح بقسمی که مرعی بود برای ولیاء آندولت حالی کرد و اثر عهد اعلیحضرت امپراطوری که شهره عالم شده والی الان بتعویق افتاده بعد از ورود او ظهور یابد .

حال نیز کارگزاران سرکار شرحی مفصل بعالیجاه زبده الاما جد موسیو ژوانین در هرباب مرقوم داشته و فرستاده‌ایم که البته آنعالیجاه نیز مطالعه خواهد نمود و موانع و عوائق هرامری از او را خواهد دانست .

در باب عالیجاهان صداقت آگاهان ، موسیولمی و موسیو ویردی و ازدیاد رتبه ایشان در حضرت امپراطوری و مهربانیهای آنها با خود که به کارگزاران سرکار نوشته بود و حسن صداقت و نیکخواهی ایشان در کار دو دولت پایدار ، موجب فوائد بسیار برای آنها شده و خواهد شد و درخت راستی و درستی و صلاح اندیشی مثمرتر نیک بوده و خواهد بود . و چنانکه برای ایشان بهمین حسن صداقت فایده‌های نیک حاصل شد ، برای عالیجاه عزت پناه زبده الاما جدالمسیحیه موسیو ژوانین نیز که زحمتهائی در صلاح دولت کشیده و میکشد بخواست خدا فوائد کلیه در دو دولت حاصل خواهد گردید ، و رنجهای او سودهای جاوید خواهد داشت .

در باب عالیجاه عزت پناه مجدت دستگاه زبده الاکابر العیسویه موسیو ژوبرنیز که بآن طریق نوشته بود صلاح اندیشی او نیز معلوم و هویداست فی الحقیقه اول واسطه دوستی دو دولت او بود و خواهد بود و حسن صلاح اندیشی او را ظاهر کرده و خواهد کرد و فوائد مصلحت جوئی او پیش از پیش عاید او خواهد گردید و بجای اهتمامات تازه او نیز که البته بظهور میرسد نشان پادشاهی برای او ارسال خواهد شد .

بالجمله از طرف دولت علیه ودائمه القرار همواره شرط صلاح و التیام مرعی بوده هرگز خلاف رویه رو ننموده است و در اینوقت که بنای متارکه که میانه این دولت و دولت روس شده و عالیجاه مجدت پناه دولت و اقبال همراه نایب الوزاره قائم مقام با احتشام چاکر فدوی دولت

فدوی دولت پایدار میرزا بزرگ و بنارال الشف الکسندر طور مصوف سردار روسیه در محال قرا باغ یکدیگر ملاقات مینمایند و بعد از انعقاد متارکه بنای تعیین ایلچی و استقرار کار مصالحه خواهد شد.

البته بملاحظه حسن عهدی که از طرف ایندولت مرعی بود اولیاء آندولت نیز اثر عهد مودت را ظاهر و آشکار خواهند کرد آنگاه نیز چون بموجب فرمان همایون اعلیحضرت پادشاهی که سابقاً "از راه اسلامبول ارسال شده احضار، و مامور معاودت گشته و مقرر شده است که عالیشان زبدهالاعیان آقا حسین را بجای خود در آنحدود گذارد و البته در این روزها معاودت خواهد نمود و عهد دولت علیه فرانسه با ایندولت پایدارینوعی که باید صورت ظهور خواهد یافت مرحمت ضمیر منیر را درباره خود کامل داند و در عهده شناسد.

تحریراً "فی اوایل شهر ربیع الثانی ۱۲۲۵

(۱) سند شماره ۳۷

سیاست مستعمراتی انگلستان در هند چنین اقتضا میکرد که با دول مجاور، مخصوصاً "با ایران که از لحاظ جغرافیائی، و دست داشتن به معابر هندوستان موقعیت خاص داشت ارتباط دوستانه برقرار سازد، بهمین جهت پس از ظهور ناپلئون در اروپا، برای جلوگیری از هر گونه خطری که از طرف ناپلئون ممکن بود متوجه هندوستان شود به تجدید روابط با ایران پرداخت. ابتدا از طرف فرمانروای هندوستان سفیری بنام مهدیقلی خان ملقب به بهادر جنگ که نماینده مقیم شرکت در "بوشهر" بود مامور ایران گردید این نماینده در ربیع الاول سال ۱۲۱۴ (۱۷۹۹) در تهران بحضور فتحعلیشاه رسید و نامه فرمانروای هند و هدایائی که از طرف او و دربار انگلستان همراه آورده بود به شاه ایران تقدیم کرد و تقاضا نمود که برای انصراف حکام افغانستان از حمله به هند قشونی برای محاصره هرات اعزام دارند.

این نماینده به بوشهر بازگشت و سر جان ملکم از طرف فرمانروای هندوستان و پادشاه انگلیس با ۵۰۰ نفر همراهان عازم ایران گردید و در اوائل ربیع الثانی ۱۲۱۵ به بندر بوشهر رسید و از طرف دربار ایران فتحعلیخان نوری مامور شد که از سفیر انگلیس پذیرائی کند. سر جان ملکم از راه فارس و اصفهان عازم تهران گردید و در ماه جمادی الاولی ۱۲۱۵ به حضور فتحعلیشاه رسید و هدایای گرانبھائی از جمله الماس های درشت و آئینه های بزرگ و پارچه های نفیس تقدیم کرد شاه ایران نیز یک قطعه خنجر مرصع و یک شمشیر جواهر نشان به او بخشید (۱) برای عقد یک معاهده سیاسی و بازرگانی ملکم با حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله صدر اعظم مذاکراتی بعمل آورد و در این قرارداد منافع مستعمراتی انگلستان تامین گردید و خلاصه مفاد آن این بود که فتحعلیشاه با اعمال سیاست جنگی زمان شاه و جانشینان او را از حمله به هندوستان بازدارد و اگر زمان شاه به هند حمله کند ایران بر علیه او یا انگلستان متحد شود. انگلستان هم تعهد کرد که هرگاه از جانب افغانستان یا فرانسه بخاک ایران تجاوزی شود به ایران کمک و مساعدت کند و مهمات و لوازم جنگی بدهد.

در قسمت بازرگانی برای تجار انگلیسی و هندی امتیازاتی در نظر گرفته شد از جمله اینکه بازرگانان انگلیسی و هندی میتوانند امتعه انگلیسی از قبیل ماهوت و آهن و فولاد را بدون پرداخت گمرک وارد ایران کنند.

با این ترتیب اولین سفارت نتایج مفیدی برای دولت انگلستان بوجود آورد. سر جان ملکم پس از سه ماه توقف در تهران به همراهی حاجی خلیل قزوینی، سفیر فتحعلشاه عازم هندوستان گردید.

این سفیر با نامه‌های فتحعلشاه و هدایای لازم پس از ملاقات با فرمانفرمای کل هندوستان به لندن عزیمت کرد. سپس از بازگشت دریکی از روزهایی که با همراهان خود به شکار طیور مشغول بود بود جمعی از هندوها که قتل طیور را گناه بزرگ میدانستند با سفیر و همراهان او به منازعه پرداختند و در ضمن منازعه سفیر ایران مقتول گردید.

فرمانفرمای هندوستان Wellesley که از این واقعه بسیار نگران و پشیمان شده بود برای جبران این پیش‌آمد، نامه‌ای به فتحعلشاه نوشت و برای عذرخواهی هیئتی را بدربار ایران فرستاد فتحعلشاه چون آگاه شد که این اتفاق یک توطئه سیاسی نبود، موضوع را تعقیب نکرد و دولت انگلستان نیز رضایت فرزند سفیر را با پرداخت یک مقررری در تمام عمر (دو هزار روپیه در ماه) بدست آورد.

فتحعلشاه با زمان شاه فرمانروای افغانستان در جنگ بود و او نمی‌توانست به هندوستان حمله کند پس تزار روسیه هم که قرار بود که با کمک ناپلئون به هند حمله کنند به قتل رسید بنابراین دولت انگلیس دیگر از طرف روسیه و فرانسه و افغانستان نگرانی برای حمله به هندوستان نداشت و به همین دلایل کوشش زیادی برای گسترش روابط سیاسی با ایران نکرد.

فتحعلشاه محمدنبی خان خواهر زاده سفیر مقتول را به عنوان سفیر جدید به هندوستان اعزام داشت. محمدنبی خان در نوامبر ۱۸۵۵ به بمبئی وارد شد و با فرمانفرمای کل هندوستان ملاقات کرد و برنامه‌اش این بود که ماده‌ای به قرارداد ۱۸۵۰ اضافه کند که طبق آن اگر ایران مورد حمله روسها قرار گیرد انگلستان از لحاظ نظامی و مالی به ایران کمک نماید، چون در این موقع روسیه با انگلیس متحد شده بود و افغانستان هم که از طرف ایران تهدید نظامی میشد، خطری برای هند محسوب نمی‌گردید بنابراین Lord Minto فرمانفرمای هندوستان پیشنهاد سفیر ایران را نپذیرفت.

اما وقتی ژنرال گاردان وارد ایران شد، انگلستان خطر حمله به هندوستان را از طرف فرانسه و ایران احساس کرد. به همین علت با عجله مالکم را به ایران اعزام داشت تا مجدداً "نظر دولت ایران را جلب کند.

مالکم با عده‌ای سرباز پیاده و سوار از راه مسقط به بوشهر وارد شد و تصمیم داشت تقاضای خود را ضمن نامه‌ای بوسیله نامه‌رسانهای مخصوص به تهران ارسال دارد ولی در شیراز بدستور فتحعلشاه مانع حرکت آنها به تهران گردیدند.

مالکم اجباراً "پیام‌هایی برای دربار ایران فرستاد که مفاد آن این بود که دوستی ملت

ایران با فرانسه نتیجه‌ای ندارد. اگر اعلیحضرت به ما اجازه ورود به ایران دهد، پانصد هزار تومان بعنوان هدیه تقدیم میکنیم و با دشمنان ایران می‌جنگیم. در ضمن سفیر انگلیس، ایران را نیز تهدید کرد که دوستی با فرانسه باعث رنجش انگلستان خواهد بود و چنانچه دولت ایران از دوستی با فرانسه صرف‌نظر نکند انگلستان با ایران خواهد جنگید (۱)

در تمام مدتی که نمایندگان ناپلئون در ایران بودند انگلیس‌ها به وسایل مختلف در کار فرانسویها اختلال میکردند اوضاع و احوال نیز به انجام مقاصد آنها کمک کرد.

چون ناپلئون بعزت صلح با روسیه نتوانست به تعهدات خود نسبت به ایران عمل کند و در همان ایامی که ژنرال گاردان در بی‌تکلیفی بسر میرسد عمال انگلیس وعده انجام تعهدات فرانسه را نسبت به ایران میدادند.

ژنرال گاردان هم به شاه ایران اطلاع داد که اگر یک نفر انگلیسی وارد ایران شود او ایران را ترک خواهد کرد.

ژنرال گاردان در این باره چنین مینویسد:

دربار ایران از رد تقاضای ملکم نگران است و در پاسخ من چنین گفته‌اند که انگلیس‌ها خلیج فارس و استان فارس را به خون و آتش خواهند کشید، چون حاکم فارس قادر به مقاومت در مقابل انگلیس‌ها نیست (۲).

حاکم فارس سفیر را مجبور کرده بود که در بندر بوشهر بماند و از پیاده شدن او و همراهانش جلوگیری میکرد مالکم ابتدا وعده کرده که اگر به او اجازه حرکت به تهران و ملاقات با فتحعلیشاه داده شود مبالغی بعنوان هدیه به شاه و صدراعظم و دیگران خواهد داد و چون به این پیشنهاد اعتنائی نشد تهدید نمود که بزودی جزیره خارک را تصرف خواهد کرد (۳).

ژنرال مالکم یک هدف را تعقیب میکرد و آن تصرف جزیره خارک برای داشتن پایگاه نظامی و تجارتي در خلیج فارس بود. او مقدمات حمله به این جزیره را نیز فراهم کرد ولی لرد میتو فرمانفرمای هند به او اطلاع داد بعزت تغییر اوضاع اروپا انجام این نقشه منتفی گردید. مالکم علاوه بر تهدید به تصرف جزیره خارک، برای ارعاب دربار ایران و دریافت اجازه ورود این شایعه را نیز منتشر کرد که یکی از شاهزادگان خاندان زند در کشتی مالکم میباشد و ادعای سلطنت دارد.

ژنرال گاردان هم در این خصوص شرحی به وزیر خارجه فرانسه نوشته است (انگلیس‌ها به

۱- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۲ صفحه ۵۱

۲- مجله بررسیهای تاریخی سال ۱۲ صفحه ۱۷

۳- بایگانی وزارت خارجه فرانسه پرونده ۱۲ صفحه ۸۸

دربار ایران اعلام کرده‌اند که اگر اعلیحضرت آنها را نپذیرد به ایران حمله خواهند کرد و یکی اعقاب کریم خان زند بنام محمد علی خان پسر علیمردان خان را بسلطنت خواهند رسانید. شایعات و دلائل مخصوصی به من ثابت کرده است که حکومت هند این شاهزاده را به بمبئی احضار و وسائل حرکت او را آماده کرده است (۱). این تهدیدات هیچکدام تأثیری در دربار ایران نکرد و فتحعلیشاه همچنان با ورود سفیر انگلیس مخالفت می نمود.

بنابر اصرار Howick وزیر خارجه انگلیس سرهارفورد جونز Sir Harford Jones از طرف دولت انگلستان به عنوان سفارت عازم ایران گردید او در بمبئی در یکی از کشتی‌های جنگی انگلیسی منتظر اجازه ورود بود و بوسیله حاکم بوشهر پیشنهادات خود را در خصوص اتحاد با ایران و انجام کلیه تعهداتی که ناپلئون کرده بود اعلام نمود.

سرهارفورد جونز مدت دو ماه در بوشهر توقف کرد، بالاخره بعیت مایوس شدن فتحعلیشاه از کمک ناپلئون و همراهی میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا که با جونز سوابق دوستی داشت، اجازه یافت که به تهران برود.

سفیر انگلیس از راه شیراز و اصفهان به همراهی یک منشی (James Morier) و شصت سرباز هندی و عده‌ای مستخدم در ۲۶ ذی حجه ۱۲۲۴ وارد تهران شد و در خانه حاجی محمد حسین خان امین الدوله اقامت کرد.

سرجونز و همراهان روز سوم محرم سال ۱۲۲۴ (فوریه ۱۸۰۹) به حضور فتحعلیشاه رسید و نامه‌هایی را که از طرف شاه انگلستان همراه آورده بود با یک قطعه الماس بزرگ تقدیم نمود و خلاصه پیشنهادات دولت انگلیس در خصوص عقد قرارداد دوستی با ایران و انجام تعهداتی که فرانسه کرده بود به اطلاع شاه ایران رسانید.

خلاصه تعهدات این بود که دولت انگلیس سالی ۱۲۰ هزار لیبره استرلینگ برای مخارج سپاه آذربایجان تا مدتی که با روسیه در جنگ است می پردازد و اسلحه کافی از قبیل توپ و تفنگ برای ایران تدارک میکند و افسران انگلیسی، سربازان ایران را تعلیم خواهند داد.

سرجونز در ضمن پیشنهادات خود از فتحعلیشاه تقاضا کرد که برای استحکام روابط دوستانه بین دو دولت به انگلیس‌ها اجازه داده شود که در شیراز و اصفهان و یزد و قزوین تبریز و قنول خانه تاسیس کنند و برای جلوگیری از خطراتی که ممکن است متوجه مستعمرات آسیای انگلستان گردد جزیره خارک را که سابقاً "در اختیار فرانسویها گذاشته بودند در اختیار اعمال انگلیس بگذارند. فتحعلیشاه جواب قطعی بدرخواست اخیر سرجونز داد ولی انگلیس‌ها استحکاماتی در آن جزیره بنا کردند.

ژنرال گاردان ایران را ترک کرد و باین ترتیب نفوذ فرانسه در دربار ایران پایان پذیرفت اما اعدای از فرانسویان مدتی در تبریز باقی ماندند .

فتحعلیشاه خیال نداشت که روابط خود را بکلی با فرانسه قطع کند و تا موقعی که قرارداد باجونس در لندن به تصویب نرسیده بود میخواست روابط خود را با هر دو دولت حفظ کند ولی سرجونز موفق شد که ترتیبی دهد که ژوانین و دونر سیادونفر کاردار فرانسه نیز تهران را ترک کنند . فتحعلیشاه حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی را به سفارت ایران در لندن انتخاب کرد تا هر چه زودتر قرارداد را بمامضای پادشاه انگلستان برساند تا دولت ایران بتواند از مهمات جنگی و سایر کمک‌های انگلستان استفاده کند .

سفیر ایران در ربیع الثانی ۱۲۲۴ (مه ۱۸۰۹) با تحفه‌های گرانبها از قبیل رشته‌های مروارید و شالهای کشمیر و قالی‌های ابریشمی و حقه‌های پادزهر برای پادشاه انگلیس با همراهان خود و جیمز موریه James Morier منشی سرجونز از تهران حرکت کردند (۱) سرجونز در تهران کوشش میکرد که حتی المقدور از نفوذ فرانسه در دربار ایران بکاهد . فتحعلیشاه بالاخره فرمانی صادر کرد که کلیه فرانسویهایی که هنوز در ایران بودند به فرانسه مراجعت نمایند پس از بازگشت ژنرال گاردان و همراهانش به فرانسه ، ناپلئون بمراجعت گاردان اعتراض کرد و دستور داد که هیئت فرانسوی مجدداً " به ایران مراجعت کنند .

ژوانین به تبریز مراجعت کرد و اظهار داشت که نامه‌هایی از طرف وزارت خارجه فرانسه برای فتحعلیشاه همراه آورده است و چون معلوم شد که نامه‌های تازه‌ای نیست جز رونوشت نامه‌هایی که قبلاً " فرستاده شده بود بهمین جهت ژوانین مجبور شد که برای همیشه ایران را ترک نماید . در این موقع اختلاف نظر بین فرمانروای هند و دولت انگلستان باعث بروز اختلافاتی گردید ماست لرد مینتو اصرار داشت که سرجونز ایران را ترک نماید و کار خود را تا آمدن ژنرال مالکم به Jukes پزشک واکذار کند و اظهار میکرد که این مراتب بماطلاع شاه انگلستان رسیده است . صدراعظم ایران نامه‌ای به سرجونز نوشت که حکمران هند ضمن ۲ نامه اعلام داشته است سفیری که از طرف دولت انگلیس به ایران آمده باید مطیع دستور اوامر من باشد و چون وی از دستور من سرپیچی کرده است من او را از سمت خود خلع کرده‌ام (۲) .

در این بین نامه‌ای از سفیر ایران در لندن به تهران رسید که طبق مفاد آن سرهارفورد جونس تا ورود سفیر جدید انگلیس در تهران بماند و وظایف او را تا ورود او انجام دهد . سرجان مالکم قبل از ورود سفیر جدید انگلیس در ربیع الثانی سال ۱۲۲۵ وارد بوشهر

گردید. فتحعلشاه یکی از درباریان بنام محراب‌خان بکشلوی افشار را باستقبال او فرستاد و سفیر با همراهان خود و مهمات جنگی در چمن سلطانیه بحضور فتحعلشاه رسید و توپ‌ها و تفنگ‌های جدیدی که همراه آورده بود به نظر شاه رسانید و افسران انگلیسی Lindsay افسر توپخانه Christie افسر پیاده نظام را معرفی کرد که بلافاصله آنها را برای تعلیم سپاه عباس‌میرزا به آذربایجان فرستادند در همین اوقات نامه‌ای از سفیر ایران در لندن رسید که سرچونز برای عقد قرارداد و امضای آن اختیار کامل دارد و سرچونز باید مراجعت کند (۱). میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی سفیر ایران با توافق موریه در اوائل ربیع‌الثانی سال ۱۲۲۴ (۱۸۰۹) تهران را ترک کردند و پس از چند ماه به لندن رسیدند از سفیر ایران پذیرائی شایانی بعمل آمد و او چندین بار به حضور ژرژ سوم پادشاه انگلیس رسید.

در اوائل سال ۱۲۲۶ سفیر ایران به‌مراهی سرگوراولی Sirgore Oueseley سفیر جدید انگلیس عازم ایران گردیدند، سفیر انگلیس مردی مدبر و کاردان و به‌زبانهای فارسی ترکی و هندی آشنائی کامل داشت و توانست نظر فتحعلشاه را بخود جلب نماید اوزلی علاوه بر هدایای ذی‌قیمت یک قطعه الماس بوزن ۲۵ قیراط به شاه ایران و خانم او یک عنبرچه الماس به یکی از زوجه‌های فتحعلشاه اهدا کرد.

این سفیر بنابر مفاد عهدنامه سابق مقرری سه سال سپاه آذربایجان را که پرداخت آن عقب افتاده بود به مبلغ ۲۰ میلیون ریال تقدیم کرد و ۳۰ هزار تفنگ انگلیسی و ۲۰ عراده توپ نیز به دولت ایران واگذار نمود و علاوه بر این عده‌ای از افسران را نیز برای تعلیم سپاه ایران معرفی کرد. دولت انگلیس بنابر عهدنامه‌ای که با تزار روسیه منعقد کرده بود نمی‌توانست «علنا» به ایران کمک نماید و به‌همین‌جهت افسران انگلیسی که برای تعلیم سربازان ایران آمده بودند، بالباس ایرانی در اردوی عباس‌میرزا خدمت میکردند ضمناً «این سفیر با فرمانده روسیه در قفقاز مکاتبه داشت و در همه موارد مصالح روسها را در نظر میگرفت و خیلی سعی میکرد که شرایط پیشنهادی روسیه را برای صلح که پذیرفتن آن برای دولت ایران مشکل بود به عباس‌میرزا بقبولاند و چون ارتش ایران به سرکردگی عباس‌میرزا به فتوحاتی نائل شده بود سفیر برای اینکه عباس‌میرزا شرایط صلح را بپذیرد افسران انگلیسی از قشون ایران احضار کرد و باعث ضعف قشون ایران گردید. دولت ایران طبق قرارداد ۱۸۰۹ از انگلیسها تقاضای کمک نمود ولی انگلیسها که با روسها بر علیه دولت فرانسه متحد شده بودند حاضر نمی‌شدند که دیگر به ایران بر علیه روسیه کمک نمایند. از طرف دیگر چون انگلیسها در ۱۸۱۳ با تمام مساعی و کوشش توانسته بودند دول معظم اروپا را بر علیه فرانسه برانگیزند می‌خواستند بین تمام دول صلح و مسالمت برقرار باشد

تا همه بالاتفاق بتوانند فرانسه را ضعیف کرده از میان ببرند. دولت انگلیس میخواست بین ایران و روسیه اگر موقتاً "هم باشد تا تعیین تکلیف دولت فرانسه صلح برقرار باشد چون در غیر این صورت روسیه نمیتوانست تمام توجه خود را به اروپا معطوف کند.

برای اجرای این سیاست نماینده انگلستان دولت ایران را وادار کرد که با روسیه صلح کند و پیشنهادات آندولت را بپذیرد.

دولت انگلیس پیشنهاد کرد، که دولت ایران پس از انعقاد قرارداد صلح، سفیری به روسیه بفرستد و ضمناً "وعده داد که با وساطت سرگوزاویلی (۱) دولت روسیه ایالات از دست رفته را پس خواهد داد.

فتحعلیشاه از قبول پیشنهاد سفیر انگلیس در خصوص انعقاد قرارداد صلح و واگذاری ایالات قفقاز بدولت روسیه خودداری کرد و به سفیر انگلیس پیشنهاد نمود که اگر دولت انگلستان پس از انعقاد قرارداد صلح میخواهد وساطت کند که روسها ولایات ماوراءارس را به ایران واگذار کنند چرا در موقع تنظیم مواد قرارداد وساطت نمیکند که روسها شهرهای ایران را تخلیه و واگذار نمایند؟ در اواخر سال ۱۲۲۳ مارشال گودویچ احضار گردید و ترومسوف (۲) عملیات او را تعقیب نمود و از اوائل سال ۱۲۲۴ تجاوز روسها مجدداً شروع گردید و شاه ایران با ۲۰ هزار سپاه به تبریز آمد و دولت شاه عباس میرزا هریک با ۲۰ هزار سپاه آماده حمله به روسها گردید و با نتیجه پیشرفت‌های زیادی نصیب قشون ایران شد.

در سال ۱۲۲۷ سردار روس کنلروفسکی (۳) به پیشرفت خود ادامه داد و عباس میرزا مجبور به عقب نشینی گردید و روسها ایروان را تصرف کردند. سفیر انگلیس مجدداً "پیشنهاد کرد که دولت ایران با انعقاد قرارداد صلح موافقت کند و در این امر اصرار بسیار داشت زیرا زمانی برای جلوگیری از نزدیک شدن ناپلئون به هندوستان روسها را در تجاوز به خاک قفقاز تحریک میکرد تا ایران سرگرم جنگ با روسها باشد و نتواند با خیال آسوده به ناپلئون در تعرض به هندوستان کمک کند، حال روسها خود کم کم به هندوستان نزدیک میشوند و خطر آنها کم از فرانسویها نخواهد بود، به همین دلیل افسران خود را از قشون ایران احضار کرد که ایران بعلت شکست‌های پی در پی اجباراً "به صلح تن در دهد و با نتیجه روسها متوقف شوند و خیال انگلستان از طرف روسها آسوده شود.

انگلیس‌ها برای حفظ منافع خود و ادامه سیاست‌های استعماری ایران را فدا کردند و بدون

توجه به تعهدات خود مثل فرانسویها ایران را تنها گذاشتند .

تصرف ایروان و لنگران و شکست قوای ایران و تسلیم اصلاندوز بیشتر باعث یاس و نا -
امیدی عباس میرزا گردید . انگلیسها هم که ناظر اوضاع جنگ بودند مجدداً " پیشنهاد کردند
که ایران تقاضای صلح کند ، احضار افسران انگلیسی از قشون ایران ، فتحعلیشاه را از کمک انگلستان
نیز مایوس کرد و اجباراً " با پیشنهادات سفیر انگلیس که به نفع روسها بود موافقت نمود . باید
اشاره کرد که سفیر انگلیس در مذاکرات صلح بین ایران و روسیه فقط توجه به منافع دولت خود
و روسیه تزاری داشت .

بالاخره بواسطت و حضور سرگروازلی عهدنامه گلستان بین ایران و روسیه منعقد گردید
(۱۲۲۸ هجری) مواد عهدنامه گلستان بانیات سیاسی انگلیس کاملاً " موافق بود چون انگلستان
همیشه برای حفظ هندوستان از نفوذ هر کشور خارجی در آسیای مرکزی نگران بود زمانی از
توجه ناپلئون به هندوستان خود را در خطر میدید و در این زمان از پیشرفت روسیه در خاک ایران
و نزدیک شدن او به هندوستان واهمه داشت و برای اینکه روسها را متوقف کند کوشش بسیار کرد
که جنگ ایران و روسیه به ترتیبی که باشد خاتمه پذیرد و با عقد قرارداد صلح از نزدیک شدن
روسها به هندوستان جلوگیری کند و چنانکه اشاره شد برای مجبور کردن ایران به قبول شرایط
صلح افسران انگلیسی را از قشون ایران احضار کرد و بالنتیجه جلوگیری از ادامه جنگ به ضرر
ایران و نفع انگلستان تمام گردید .

سرگروازلی منظور اساسیش طرح و تصویب قراردادی بود که برای حفظ هندوستان از هر
گونه خطری که از جانب ایران باشد جلوگیری کند . خطری که از جانب روسیه متوجه
هندوستان بود با قرارداد گلستان برطرف شد و انگلستان برای اینکه از جانب افغانستان نیز
آسوده خاطر شود عهدنامه ای شامل ۱۱ فصل با ایران منعقد کرد . ۱۲ ذیحجه ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر
۱۸۱۴) قرارداد بشرح زیر است :

- ۱- شاه به هیچ لشگری اجازه عبور از ایران بسوی هندوستان را نمیدهد .
- ۲- جلوگیری از تهاجم و حمله قبائل افغانی و امرای بخارا و خوارزم بخاک هند .
- ۳- اجتناب از عقد قرارداد دوستی با هر دولت ثالثی که دشمن انگلستان باشد .
- ۴- قبول حکمیت نماینده انگلیس در اختلافات سرحدی با روسیه و تعیین حدود .
- ۵- از کشورهایی که با انگلیس روابط دوستی ندارند افسر و افراد نظامی برای تعلیم سپاه
استخدام نکند ..

خلاصه تعهدات انگلستان

- ۱- سالی ۱۵۰ هزار لیره به فتحعلیشاه تادیه کند ، مشروط بر آنکه با نظارت نماینده آن

دولت در ایران فقط صرف نگهداری سپاه در سرحدات شمالی شود .

۲- در امور داخلی افغانستان بهیچوجه مداخله نکند .

۳- چنانکه بین شاهزادگان یا امرا اختلافاتی پیدا شود دولت انگلستان در صورت موافقت شاه ، دخالت خواهد کرد و اگر یکی از شاهزادگان بخواهد در برابر کمک انگلستان قسمتی از خاک ایران را واگذار نماید دولت انگلستان قبول نخواهد کرد .

۴- اگر یکی از کشورهای اروپائی به خاک ایران تعرض نماید و دولت ایران از انگلستان تقاضای کمک کند ، دولت انگلیس قشون و لوازم جنگ به ایران بفرستد و اگر اعزام سپاه امکان نداشته باشد مبلغی وجه نقد در حدود ۲۰۰ هزار تومان سالانه بدهد به شرطی که ایران در جنگ سبقت ننموده باشد .

۵- اگر جنگ و نزاعی بین دولت ایران و افغانستان اتفاق افتد دولت انگلیس دخالتی نخواهد کرد مگر برای انعقاد صلح بنا بر خواهش طرفین .

این عهدنامه از لحاظ تأمین منافع طرفین عادلانه نبود زیرا تعهدات ایران صریح و قاطع و موافق مصالح سیاسی دولت انگلستان بود ولی تعهدات انگلستان بیشتر در برابر پیش آمدهای احتمالی و همه با اگر همراه بوده است .

با این مراتب اوزلی تصور میکرد که در این قرارداد از ایران طرفداری کرده و ضمن نامهای که به لرد اوزلی نوشته این مطلب روشن میگردد .

" پیش از اینکه به خود اجازه توضیح دهم از آنجناب استدعا میکنم بخاطر بیاورند که مقامات عالیرتبه با قضاوت های بهتر از من تصمیم گرفته بودند تا با تقویت وثبات نیروی امپراطوری ایران و تشکیل منابع نظامی آن که نقشه بسیار حساب شده ای بوده است کشور ایران را بنفع انگلیس بصورت یک پایگاه و سدی در خاور زمین در آورند (۱) . "

بعداً "خواهم گفت که انگلستان در اجرای تعهدات خود کوتاهی کرد و در جنگهای دوره دوم ایران و روس از کمک به ایران خودداری نمود و برای حفظ مصالح خود و جلوگیری از پیشرفت روسیه در خاک ایران و به مخاطره افتادن هندوستان ایران را مجبور کرد که شرایط غیر عادلانه روسیه را بپذیرد . در خصوص افغانستان هم برخلاف تعهدی که کرده بود بی طرفی را حفظ نکرد ، و با تهدید نظامی و آوردن کشتیهای خود در بندر بوشهر دربار ایران را مجبور کرد ، از تصرف هرات چشم ببوشد

قبول مواد عهدنامه گلستان برای دولت ایران بسیار ناگوار بود ولی روسها از این قرار داد بیش از انتظار استفاده کردند و باور نداشتند که جنگ این چنین به نفع آنها خاتمه پذیرد .

صورت عهد نامه گلستان

که در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ (۲ اکتبر ۱۸۱۳) فیما بین دولتین ایران و روس منعقد شده است .

"اعلیحضرت قضا قدرت ، خورشید رایت ، پادشاه جمجاه و امپراطور عالی دستگاه ، مالک بالاستقلال کل مملاک انمپریه روسیه . اعلیحضرت قدر قدرت ، کیوان رفعت ، پادشاه اعظم سلیمان جاه ، مالک بالاستحقاق ممالک شاهانه ایران .

بملاحظه کمال مهربانی و اشفاق علیتین که در باره اهالی و رعایای متعلقین دارند رفع و دفع عداوت و دشمنی که بر عکس رای شوکت آرای ایشان است طالب و استقرار مراتب مصالحه میمونه و دوستی جواریت سابقه موکده را در بین الطرفین راغب میباشند به احسن الوجه رای علیتین قرار گرفته .

در انجام این امور نیکو و مصوبه ، از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک روسیه ، بتالیجاه معلی جایگاه ، جنرال لیوتنان سپهسالار روسیه و مدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان و ناظم امور و مصالح شهریه ولایات غروزیا و گرجستان و قفقازیه و حاحی ترخان و کارهای تمامی ثغور و سرحدات این حدودات و سامان ، امر فرمای عساکر سفاین بحر خزر ، صاحب حمایل الکساندر نویسکی (۱) و حمایل مرتبه اولین آنای (۲) مرتبه دار رابع عسکریه مقتدره ، حضرت گیورکی صاحب نشان و شمشیر طلا المرقوم بجهت رشادت و بهادری (نیکولای ریتشچوف (۳) اختیار کلی اعطا شده و اعلیحضرت قدر و قدرت والار تبیت پادشاه اعظم ، مالک کل ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ، ایلچی بزرگ دولت ایران که مامور دولتین روس و انگلیس بوده اند عمده الامرا ، والاعیان مقرب درگاه دیشان و محرم اسرار نهان و مشیر اکثرا مورد دولت علیما ایران از خانواده و دودمان وزارت و از امرای واقفان حضور در مرتبه دوم آن ، صاحب شوکت عطایای خاص پادشاهی خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس ترمه و اسب مرصع یراق ، میرزا ابوالحسن خان را که در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ ملاقات و جمعیت نموده اند .

بعد از ابراز و مبادله مستمسک ماموریت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب اختیار نامجات طرفین قیود

Alexandre Nevski -1

Anna -2

Rtichtchhof -3

و فصول و شروط مرقومه را الی الابد مقبول و منصوب استمرار میداریم .

فصل اول - بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در دولتین روسیه و ایران بود ، بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدید ، فیما بین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراتور روسیه و اعلیحضرت خورشیدرایت ، پادشاه دارا شوکت ممالک ایران و وارث و ولیعهدان عظام میانه دولتین علییتین ایشان پایدار و سلوک خواهد بود .

فصل دوم - چون بیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاتو کوپرزانتیم (۱) باشد یعنی طرفین در هر موضع و جایی که الی قرارداد مصالحه الحال بوده است و از آن قرار باقی و تمامی اولکای ولایات خوانین - نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هریک از دولتین بوده کماکان در ضبط و اختیار ایشان بماند

لهذا در بین دولتین علییتین روسیه و ایران بموجب خط مرقومه ذیل ثغور و سرحدات مستقرو تعیین گردیده است .

از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم از راه صحرای مغان تا به معبردی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه کینک چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود سامان ولایات قرا باغ و نخجوان و ایروان و نیز رسی از ثغور گنجه جمع و متصل گردیده . بعد از آن حدود مزبور که ولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمال الدین لورا تا مکان ایشک میدان مشخص و منفصل میسازد و از ایشک میدان تا بالای سرکوههای طرف راست طرق و رودخانههای حمزه چمن و از سرکوههای پنک الی گوشه محال شوره گل و شوره گل از بالای کوه برفدار آلدا گوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود قریه سدره به رودخانه آرپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خوانین نشین طالبش در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده بجهت زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالبش مزبور را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان ماموره که بموجب قبول و وفاق یکدیگر و معرفت سرداران جانبین ، جبال و رودخانهها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تحریر و تمیز و تشخیص میسازند ، آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در دست و در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایت طالبش نیز در بنای اسطاتو کوپرزانتیم مستقرو معین ساخته هریک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق ، اگر چیزی

از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مامور طرفین هر یک طرف دوافق اسطاسکوا و پیرزندیم رضا خواهند داد .

فصل سوم - اعلیحضرت قدر قدرت ، پادشاه اعظم کل ممالک ایران بجهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت خورشید مرتبت ، امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلحنامه بعوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ گنجه و که الان موسوم به الی سابط پول است و اولکای خوانین نشین شکی و شیروان وقبه و دربند و بادکوبه و هرجاز ولایات طالش را با خاکی که الان در تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شورگل و آجوق باشی و گروزیه و منگریل و انجاذ و تمامی اولکاء و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک انمیریه روسیه میدانند .

فصل چهارم - اعلیحضرت خورشید رایت ، امپراطور والاشوکت ممالک روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک ایران و به جهت اثبات آیین معنی بنابر همجواریت طالب و راغب است که در ممالک شاهانه ایران رایت استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار مینمایند که هر یک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد ، هرگاه محتاج به اعانت یا امدادی از دولت علیه روسیه باشند مضایقت ننمایند تا از خارج کسی نتواند دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و به اعانت و امداد دولت روس دولت ایران مستقر و مستحکم گردد و اگر در سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم - کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می نمایند بدستور سابق ماذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی ، از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم بدستور العمل سابق ماذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند ، بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای عسکریه جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم - تمامی اسرائی که در جنگها گرفته شده اند یا اینکما ز اهالی طرفین اسیر شده از کریستیان و یا هر مذهب دیگر باشند ، الی وعده سه ماهه هلالی بعد از تصدیق و خط گذاردن

در این عهدنامه، از طرفین مرخص و رد گردیده هریک از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبور داده به قراکلیسارسا نند و وکلای سرحدات طرفین بموجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین به یکدیگر مینمایند، اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد و اذن به کسانی که برضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند و آنانکه سبب تقصیر و یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده اند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت نمایند و هرکس از هر قومی چما سیر و چه فراری که نخواستہ باشد بیاید کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت به فراریان عطا خواهد شد.

فصل هفتم - علاوه از قرار اظهار مزبوره بالا، رای اعلیحضرت کیان رفعت امیراطور اعظم ممالک ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور دارالسلطنه جانبین میشوند، بر وفق لیاقت رتبه و امور کلیه مرجوعه ایشانرا حاصل و پرداخت و سجل نمایند و بدستور سابق وکلای که از دولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت و ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده به احوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که بر عایای طرفین عاید گردد بموجب عرض و اظهار وکلای رعایای مزبور رضای ستم دیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم - در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده میشود که هرکس از اهالی تجار بخصوص به ثبوت اینکه درست رعایا و ارباب معاملات متعلق به دولت علیه روسیه یا تجار متعلق به دولت بهیه ایران میباشند از دولت خود یا از سرحداتاران تذکره و یا کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر بجانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هرکس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته با مور معامله و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه بولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند و به معرض بیع رسانند و یا معاوضه با مال و اشیاء دیگری نمایند.

اگر در میان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعائی باشد بموجب عادت مالوفه به نزد وکلای طرفین یا اگر وکیل نباشد بنزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت مراتب ادعای ایشانرا مشخص و معلوم کرده خود یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند تعرض و زحمتی با رباب معاملات عاید شود و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد به ممالک ایران میشوند مآذون خواهند بود که اگر با تنخواه و اموال خودشان بجانب ممالک پادشاهانه دیگر که دولت ایران باشد بیروند، طرف دولت ایران بی مضایقه تذکرات راه بایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علیه روسیه نیز درباره اهالی تجار دولت ایران که از خاک ممالک روسیه بجانب سایر ممالک پادشاهان که دوست روسیه

باشند میروند معمول خواهد شد.

وقتی که یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در مملکت ایران فوت شد و املاک و اموال او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای متعلقه بدولت است لهذا می باید اموال مفوت بموجب قبض الواصل شرعی رد و تسلیم ورثه مفوت گردد، دیگر اذن خواهند داد که املاک مفوت را اقوام بفروشند چنانکه مابین معنی درمیان ممالک روسیه و نیز در ممالک پادشاهان دیگر دستور وعادت بوده متعلق بهر دولت که باشد مضایقه نمینماید.

فصل نهم - باج و گمرک اموال تجارتی در دولت بهیه روسیه که به بنادر و بلاد ایران میآوردند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مذکور بهر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نگردد و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر زیاده بعنوان خرج و توجیه و اختراعات چیزی از تجار روسیه با شرو شلتاق مطالبه نشود، بهمین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر بلاد ممالک روسیه میبرند و یا بیرون بیاورند بدستور گرفته، اختلافی بهیچوجه نداشته باشد.

فصل دهم - بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار به تجار و ارباب معاملات طرفین داده شده که اموال و تنخواه خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک از مستاجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند که تا معطلی و تاخیر در کار تجارت ارباب معاملات وقوع نیابد. باج خزانه را از باج یا از مبیع یا از مشتری هر نوع با هم سازش مینماید حاصل و بازیافت دارند.

فصل یازدهم - بعد از تصدیق و خط گذاردن در این شرطنامه، بولکای مختار دولتین علیتین بلا تاخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار و امرا کید بخصوص بالمره ترک قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد.

این شرطنامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرر و از وکلای مختار مامورین دولتین مزبوره و با خط و مهر مختوم گردید، و مبادله با یکدیگر شده است میبایست از طرف اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم امپراطور اکرم مالک کل ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاجاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد و چون این صلحنامه مشروحه مصدقه میباید از هر دو دولت پایدار بولکای مختار برسد لهذا از دولتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد.

تحریر " فی معسکر روسیه و رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه بولایات قرا باغ بتاریخ

۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ عیسوی سمت تحریر یافت."

عهدنامه گلستان شامل ۴ قسمت است ملکی، سیاسی، اقتصادی

قسمت ملکی - دولت روسیه وضعیتی را که در پایان جنگ داشت حفظ کرد و بدین ترتیب قزاق، شکی، شیروان، دربند، باکو و قسمتی از طالش بروسها واگذار گردید و علاوه بر این ایران از ادعای خود نسبت به گرجستان صرف نظر نمود (۱) و در حقیقت روسها نواحی بین مصب رودخانه ترک و کور را اشغال کردند.

حدود و مرز بین این دو کشور طبق قرارداد فوق کاملاً روشن نبود بخصوص در قسمت طالش چون هر دو دولت قسمتی از طالش را در اختیار داشتند. روسها از مشخص نبودن خط سرحدی راضی بودند بخیال اینکه بعداً بهانه‌ای برای تصرف تمام طالش داشته باشند.

طبق ماده ۵ بحر پیمائی در بحر خزر و داشتن کشتی‌های جنگی منحصر بروسها گردید دولت ایران فقط حق داشت کشتیهای تجارتی در بحر خزر داشته باشد و این کشتیها فقط برای کمک به کشتیهای روسی که در خطر بودند میتوانند استند به سواحل روسیه نزدیک شوند. در حقیقت با این ترتیب بحر خزر در اختیار کامل روسها قرار گرفت.

قسمت سیاسی - مواد مربوط به این قسمت به روسها اجازه میداد که در امور داخلی ایران مداخله نمایند.

در ماده ۴ عهدنامه روسها متعهد شده بودند که شاه ایران و جانشینانش را در موقع لزوم کمک نمایند بخصوص ولیعهد را، تا اینکه دولتهای دیگر نتوانند در امور داخلی ایران مداخله کنند.

پس از مرگ هر شاه در صورت بروز اختلاف بین پسران شاه بر سر جانشینی، بخصوص در موقعی که ولیعهد انتخاب نشده باشد دولت روسیه میتواند در این امور دخالت کند.

قسمت تجارتی و اقتصادی - مواد ۸ و ۹ و ۱۰ مربوط به امور تجارتی و اقتصادی است که قسمت مهمی از عهدنامه گلستان میباشد طبق این مواد تسهیلات زیادی برای تجار هر دو کشور در نظر گرفته شد، و اجازه رفت و آمد به تجار هر دو طرف داده شده است. تجار روس میتوانند آزادانه در کشور ایران به تجارت مشغول باشند و به همین طریق تجار ایرانی اجازه داشتند که در کشور روسیه آزادانه داد و ستد نمایند. در خصوص حقوق گمرکی و سایر عوارض هم قرار شد که تجار طرفین ۵٪ قیمت مال التجاره‌های خود را بعنوان حقوق گمرکی و سایر عوارض بپردازند.

این عهدنامه فوق‌العاده موجب نگرانی فتحعلیشاه و عباس میرزا گردید ، زیرا پس از سالها جنگ و مبارزه برای دفاع از خاک ایران بالاخره بعللی که اهم آن عدم اجرای تعهدات فرانسه و انگلستان و تغییر سیاست عمومی اروپا بود مجبور شده بودند ، قسمتی از خاک ایران را به روسها واگذار نمایند البته فتحعلیشاه این عهدنامه را موقت میدانست و حاضر نبود به این آسانی از ولایات ماوراء ارس چشم ببوشد ، بلکه امیدوار بود که با ترمیم قوا و تجهیز سپاه و جمع آوری قشون مجدداً " بر علیه روسها به جنگ پردازد .

فتحعلیشاه که نمیتوانست تنها گرجستان را در دست روسها ببیند طبق این قرارداد مجبور شده بود که چندین شهر دیگر را نیز به آنها واگذار کند .

با توجه به سیاست کشورهای خارجی در این دوره میتوان گفت که فتحعلیشاه و عباس میرزا منتهای کوشش و فعالیت را برای دفاع از کشور کرده‌اند ولی بدعهدی انگلستان و فرانسه و تغییر روش سیاسی کشورهای اروپائی و نبودن قشون منظم و مجهز و علل دیگر باعث شکست ایران گردید ولی بهر حال مقاومت قشون ایران را در مقابل روسها نباید از نظر دور داشت .

دولت ایران در موقع انعقاد قرارداد متوجه بود که وضع مرز ایران روسیه کاملاً " روشن نیست ولی برای اینکه در موقع مناسب بتواند بهانه‌ای برای شروع جنگ داشته باشد در خصوص ابهام وضع مرزها تذکری نداده است . دولت روسیه نیز به آن موضوع توجه داشت ولی برای اینکه بعداً " بتواند از موقعیت استفاده کرده و نواحی مجاور را ضمیمه خاک خود کند . اظهاری در این باره نکرده است . این موضوع میرساند که هیچیک از طرفین در فکر انعقاد قرارداد صلح همیشگی نبوده‌اند بلکه هر دو دولت در پی فرصت میگشتند تا در صورت پیدایش موقعیت مناسب ، جنگ را شروع کنند .

روسها برای ادامه پیشروی و اجرای برنامه سیاسی خود و رسیدن بدریای آزاد و ایران هم برای پس گرفتن ایالات از دست رفته .

روسها از اینکه مسئله جانشینی فتحعلیشاه و دخالت روسیه در این امر در عهدنامه تذکر داده شده بود بسیار راضی بودند زیرا اولاً " تصور میکردند که چون عباس میرزا به قدرت نظامی روسیه آگاهی پیدا کرده است در دوره سلطنتش دیگر جرئت حمله بخاک روسیه را نخواهد داشت ثانیاً " اجازه دخالت در امور داخلی ایران را بدست آورده بودند . عباس میرزا هم بامید اینکه در ایام سلطنتش بتواند جبران شکستهای خود را بنماید کوشش میکرد که جانشین فتحعلیشاه بشود .

زیرا او تنها خود را حریف روسها میدانست و نگران بود اگر شاهزاده دیگری به ولیعهدی انتخاب شود نتواند نیات و نقشه‌های او را که پس گرفتن ولایات ازدست رفته است اجرا کند.

در هر صورت پیشنهاد این مسئله از طرف ایران و دادن اجازه دخالت در امر جانشینی به روسها عاقلانه نبوده زیرا به تحقیق روسها در آن دوره دشمن ایران بودند و به بقاء سلطنت و استقلال این کشور نه تنها علاقه‌ای نداشتند بلکه برای اجرای نقشه‌های سیاسی خود طالب اضمحلال و انحطاط ایران نیز بوده‌اند. اگر واقعا "برسر جانشینی اختلافی هم پیش نمی‌آمد روسها برای دخالت در امور داخلی ایران ایجاد اختلاف میکردند و مدعیان سلطنت را بر علیه یکدیگر برمی‌انگیختند و بکسی کمک میکردند که مجری دستورات آنها باشد.

گرچه عباس میرزا قبل از فتح‌علیشاه فوت کرد و در مسئله جانشینی هم اختلافی پیدانشد و روسها هم مداخله‌ای نکردند ولی نباید چنین موضوعی از طرف دولت ایران پیشنهاد میگردد:

چنانکه در صفحات قبل اشاره شد، ایران با تمام فعالیت و کوششی که کرد نتوانست جلوی حملات سخت روسها را بگیرد و بالاخره مجبور شد ضمن عهدنامه گلستان چند ولایت از قلمرو ماوراء ارس را به روسها واگذار کند.

باتوجه به تغییرات سیاست اروپا و تغییر روش امپراطوران ممالک مقتدر که اثرات عمیقی در اوضاع داخلی ایران داشت میتوان نتیجه گرفت که ایران قربانی سیاست روس و انگلیس و فرانسه گردید و اگر هر اندازه هم در رفع نواقص قشون خود موفق میشد و مرتکب خبط و اشتباه هم نمي‌گردید باز غیرممکن بنظر میرسید که بتواند سیاستهای مختلف سه دولت مقتدر را خنثی کند.

اتحاد ناپلئون با پل در سال ۱۸۰۰ م ۱۲۱۵ دولت انگلیس را به ایران نزدیک کرد و با آمدن سرجان مالکم به ایران قرارداد تدافعی و تعرضی منعقد گردید که درباره آن قبلا "بحث شده است. وقتی پل امپراطور روسیه بقتل رسید سیاست روسیه تغییر کرد و الکساندر اول امپراطور روسیه دشمن جدی فرانسه و طرفدار انگلیس گردید. چون ناپلئون برای اجرای سیاست خود و فتح هندوستان بایران و عثمانی نزدیک شده بود دولت انگلیس روسیه را تحریک کرد که ایران و عثمانی را در مضیقه بگذارد در نتیجه پیشروی روسها در خاک ایران شروع شد و گرجستان بدست روسها افتاد: چرا؟ برای اینکه ایران گرفتار جنگ با روسها باشد و نتواند با ناپلئون بر علیه انگلستان همکاری کند: دولت ایران برای جلوگیری از حملات روسها به انگلیسها متوسل میشود غافل از اینکه سر نخ بدست انگلیسها است و آنها خودشان این جنگ را برای حفاظت مستعمرات خود در آسیا بوجود آورده‌اند.

ایران از انگلیسها مایوس شد و با آنها قطع رابطه کرد و متوجه ناپلئون گردید. اقدامات

ناپلئون و آمدن ژنرال گاردان و سایر افسران فرانسوی ایران را امیدوار ساخت ولی وقایعی پیش آمد که منجر به انعقاد عهد نامه تیلسیت بین فرانسه و روسیه گردید، با نتیجه روسیه دشمن انگلستان و دوست فرانسه گردید.

در ملاقات بین دو امپراطور در خصوص مسائل مختلف تصمیم گرفته شد از جمله آزاد گذاشتن روسیه در تجاوز بخاک ایران.

فتحعلیشاه پس از اطلاع از جریان مذاکرات فرانسه و روسیه از ناپلئون مایوس گردید و با انگلستان قرارداد ۱۸۰۹ (۱۲۲۴ هجری) را منعقد کرد چیزی نگذشت، که مجدداً "روابط بین روسیه و فرانسه تیره شد و روسها متوجه انگلستان گردیدند. نوشتنی روس و انگلیس باعث شد که انگلیسها به تعهدات خود عمل نکنند و چنانکه قبلاً اشاره شد ایران را در مقابل حملات روسها تنها گذارند و حتی افسران خود را نیز از قشون ایران اخراج نمایند.

تبرستان
www.tbrstan.info

قسمت دوم

سیاست روس و انگلیس و فرانسه در ایران

بعد از عهدنامه گلستان

سیاست روس و انگلیس و فرانسه در ایران بعد از عهدنامه گلستان

عهدنامه گلستان که پس از ده سال جنگ بین ایران و روسیه منعقد گردید، مواد آن نه روسها را زیاد راضی کرده بود و نه دولت ایران را و از همان موقعی که این عهدنامه بسته شد معلوم بود که جنگ دیگری درخواهد گرفت.

زیرا دولت ایران نمیتوانست ببیند که قسمتی از خاک ایران در دست روسها باشد روسها هم با اینکه منافع زیادی از این عهدنامه نصیبشان شده بود، ولی باوجود این خیالات دور و درازی داشتند و روح متجاوز آنها قانع نشده و برای اجرای نقشه‌های خود و رسیدن بدریای آزاد و توسعه قلمرو نفوذ در جستجوی راه و وسیله بودند.

عدم وضوح خطوط سرحدی بین ایران و روسیه در عهدنامه گلستان بهر دو دولت اجازه میداد که در موقع لزوم از موقعیت استفاده کنند و بخاک دیگری تجاوز نمایند و همانطور که قبلاً^۳ اشاره شد هر دو طرف باین مسئله آگاهی داشته‌اند و چون هیچیک از طرفین از قرارداد راضی نبودند خواسته‌اند بهانه‌ای برای تجاوز داشته باشند.

ابهام خط سرحدی بین ایروان و دریاچه گوگچه (۱) بهانه بروز جنگ دوم گردید، اگر خط سرحدی هم بطور وضوح مشخص و معلوم بود بروز جنگ حتمی بود، منتهی طرف متجاوز بهانه دیگری بدست می‌آورد.

فتحعلیشاه که نمیتوانست از گرجستان صرفنظر کند چگونه حاضر میشد که از ولایات دیگر نیز چشم ببوشد، بنابراین همیشه در فکر این بود که قوای خود را مجدداً "برای بدست آوردن ولایات از دست رفته و اخراج روسها از مناطق اشغالی آماده نماید.

از سال ۱۲۲۸ یعنی از تاریخ انعقاد عهدنامه گلستان تا ۱۲۴۱ تاریخ شروع دوره دوم جنگهای ایران و روسیه، سیاست دولت تزاری این بود که وضع خود را در مناطق اشغالی محکم و ثابت نماید، و در ولایات متصرفی زمینه را برای شروع جنگ جدید آماده و مردم را با خود همراه کند، زیرا از طغیان ساکنین مناطق اشغالی نگران بود. بنابراین در مدت ۱۳ سال گرچه ظاهراً "بین دو دولت جنگی اتفاق نیافتاد ولی درحقیقت هریک از دو طرف خود را برای مبارزه و تجاوز بسرحدات یکدیگر آماده مینمود البته دولت ایران تصور نمیکرد که روسها مجدداً "خیال حمله و تجاوز داشته باشند.

فتحعلیشاه حاج میرزا ابوالحسن شیرازی را بدربار تزار فرستاد تا در خصوص پس گرفتن قسمتی از ایالات از دست رفته بخصوص درباره قسمتی از قلمرو ایران که در خاک طالش بدون جهت از طرف قشون روسیه اشغال شده بود مذاکره نماید و این اولین اعتراضی است که بعثت ابهام خط سرحدی از طرف دولت ایران بدولت روسیه شده است.

تزار روسیه پیشنهاد دولت ایران را رد کرد فقط وعده داد که بعداً "به این مسئله رسیدگی خواهد نمود".

در سال ۱۸۱۷ یرملوف (۱) سفیر فوق العاده دولت روسیه به تهران آمد تا در خصوص خطوط سرحدی مذاکره نماید ولی منظور نهائی او از آمدن به تهران این بود که از وضع داخلی ایران آگاهی بیشتری پیدا کند و از هدف و نقشه دولت ایران در قبال روسیه اطلاعاتی بدست آورد.

فتحعلیشاه یرملوف را به حضور پذیرفت. سفیر روسیه اظهار کرد که دوران خصومت سپری شده و حال دولت روسیه و ایران باید از نتایج اتحاد و صمیمیت استفاده کنند.

در پایان مذاکرات دوستانه سفیر پیشنهاد کرد که چون روسیه با دولت عثمانی در جنگ است، صلاح است که ایران با روسیه همکاری کند و برعلیه عثمانی به دولت تزار کمک نماید و اگر حاضر به اتحاد با روسیه نیست لااقل با عثمانی برعلیه روسیه متحد نشود.

دیگر آنکه مردم خوارزم و بخارا به کاروانهای تجارتی و غیرتجارتی روسیه حمله کرده و خساراتی وارد میکنند، دولت ایران اجازه دهد که قشون روسیه از گرگان عبور کند و مزاحمین را سرکوبی نماید.

یرملوف ضمناً اظهار کرد دولت روسیه مایل است که در گیلان کنسول دائمی داشته باشد که با مورتجارتی رعایای روسیه کمک کند. در خاتمه سفیر تقاضا نمود که دولت ایران موافقت نماید که یک عده از افسران روسی برای تعلیم قشون ایران فرستاده شود.

فتحعلیشاه در مورد پیشنهاد یرملوف در خصوص اتحاد روسیه برعلیه عثمانی جواب مبهم و غیرصریحی داد، زیرا مایل نبود که روابط دوستانه خود را با عثمانی برهم زند و صلاح در این دید که با این پیشنهاد مخالفت کند تا در موقع بروز جنگ مجدداً بین ایران و روسیه خیالش از طرف عثمانیها آسوده باشد.

در مورد عبور قشون روسیه از ایران هم فتحعلیشاه جواب رد داد و اظهار کرد که قبول این پیشنهاد برخلاف مصالح کشور است.

در خصوص اقامت کنسول دائمی روسیه در گیلان نیز شاه ایران صریحاً "مخالفت کرد زیرا میدانست که روسها منظورشان فقط کمک به تجار روسیه در گیلان نیست بلکه

میخواهند در آن ناحیه تحریکاتی بر علیه ایران بنمایند و در موقع خود از آن استفاده کنند . فتحعلیشاه میدانست که روسها هنوز از ایران چشم نیوشیده‌اند و منتظر فرصت هستند که نقشه خود را عملی نمایند بنابراین صلاح ندید که با دست خود راه را برای آنها هموار کند .

در خصوص اعزام افسران روسی برای تعلیمات نظامی به سربازان ایرانی هم فتحعلیشاه از اظهار لطف دولت روسیه قدردانی / کرد ولی از قبول این تقاضا خودداری نمود ، زیرا معلوم بود که منظور دولت روسیه از این پیشنهاد چه بوده است .

کدام دولتی حاضر است که سربازان کشور دشمن را تقویت نماید ، مگر روسیه نمیخواست قلمرو خود را در خاک ایران وسعت دهد پس چرا به فکر تعلیم سربازان ایرانی افتاده بود . محققا " منظوری جز دخالت در امور نظامی ایران و آگاهی از میزان قوه و استعداد قشون ایران و بالاخره تخریب نداشت . خوشبختانه شاه قاجار با هیچیک از پیشنهادات سفیر روسیه موافقت نکرد .

پس از مذاکرات فوق ، فتحعلیشاه مسئله استرداد قسمتی از خاک ایران را که به تصرف روسها درآمده بود مطرح کرد در این مورد هم یرملوف از طرف دولت خود جواب رد داد و اظهار نمود که این اراضی بضرب شمشیر گرفته شده و یک وجب آنها هم واگذار نخواهیم کرد . پس از این مذاکرات یرملوف بدون اخذ نتیجه بازگشت و مسئله ابهام خط سرحدی نیر روشن نگردید .

در دربار تزار عده‌ای عقیده داشتند که وحشت و هراسی که از فتوحات روسیه و جنگ‌افزارهای زیاد در دل دشمنان روسیه بوجود آمده برای مدتهای مدید همسایگانش جرئت عملیات خصمانه بر علیه آنها را نخواهند داشت. از جمله فتوحات کوتلیاروسکی Kotliarevsky و موفقیت‌های آرتش روسیه در اصلاندوز و ولنگران به پیدایش این نظر کمک کرد بطوریکه امپراطور نیکولا میگفت ایرانیها دشمنانی هستند که همیشه از طرف ماحقین و ناتوان بخساب آمده‌اند. برعکس یرمولوف قشون ایران و ساز و برگ آنها را بدیده حقارت نمیگریست و معتقد بود که ایرانیان با پیدا کردن تجارب در جنگ به اصلاح و تقویت قشون خود پرداخته‌اند و باید مراقب آنها بود.

اختلاف نظر بین یرمولوف و کابینه سن پترزبرگ این فکر را بوجود آورده که جاه طلبی‌های یرمولوف باعث ایجاد جنگی دیگر با ایران خواهد شد.

جنگ با روسیه و شکست ایران موقعیت حکومت قاجاریه را متزلزل کرد بخصوص توسط خوانین ایلات مرزنشین، قاجارها را متهم میساختند که به کفار اجازه داده‌اند که در سرزمین‌های اسلامی مستقر شوند. عهدنامه گلستان هم که طبق آن حاکمیت روسها را بر ولایات مرزی ایران برسمیت شناخت باعث نارضایتی مردم ایران گردید.

عباس میرزا پسر سوم فتحعلیشاه مادرش از خاندان قاجار بود ولی دو برادر دیگرش که از اوبزرگتر بودند مادرشان از خاندان دولو قاجار نبود. طبق قرارداد بین دو تیره قاجار نمی توانستند به سلطنت برسند (۱). و این امر باعث عدم رضایت آنها و ایجاد توطئه بر علیه عباس میرزا

۱ - وقتی کریم خان زند فوت کرد آقا محمدخان قولو قاجار که در دربار تحت نظر بود از موقعیت استفاده کرد و از شیراز عازم تهران گردید و از آنجا به ورامین محل قشلاق ایل قاجار رفت و به میرزا محمدخان قاجار که رئیس ایل دولو بود پناهنده گردید و از او برای رسیدن به سلطنت کمک خواست.

ایلخان قاجار طبق شرایطی حاضر شد که به او کمک کند از جمله شرایط این بود که اگر به سلطنت برسد مادر ولیعهد باید همیشه از خاندان دولو قاجار باشد و تاج را همیشه ایلخان قاجار بر سر پادشاه بگذارد بنابراین پسران شاه که مادرشان از خاندان دولو نبود نمی توانستند به سلطنت برسند.

گردید.

یکی از برادرانش محمدعلی میرزا والی یکی از ایالات غربی و برادر دیگرش محمد ولی میرزا والی کرمان بود که هر دو در قلمرو حکومت خود برعلیه برادر اقداماتی میکردند و خیال سلطنت و فرمانروائی را در سر می پرورانیدند.

عباس میرزا برای استحکام وضع خود پس از شکست فاحش در لنگران و اصلاندوز و عدم همراهی و کمک انگلستان مجبور شد پیشنهادات ژنرال ریتشچف Ritchchev را قبول کند.

ولی امیدوار بود که به کمک انگلستان بتواند تغییراتی به سود خود در عهدنامه گلستان بدهد.

مواد عهدنامه بخصوص در مسائل مرزی روشن و صریح نبود، هر دو طرف به خیال خود جای اعتراض و بهانه گیری را باز گذاشته بودند، روسها برای پیشروی بیشتر و ایران برای پس گرفتن بعضی از ولایات، طبق قرارداد مقرر بود که تعیین حدود خط مرزی بین ایران و روسیه به وتیله نمایندگان دو کشور مشخص گردد و این به هر دو طرف اجازه میداد که در موقع مقتضی اگر بتوانند نظریات خود را اعمال نمایند.

عباس میرزا به کمک افسران انگلیسی به تجهیز ارتش ایران پرداخت و امیدوار بود که در آینده نزدیک بتواند همه یا قسمتی از ولایات از دست رفته را از روسها پس بگیرد و موقعیت خود را مستحکم نماید زیرا با این ترتیب میتوانست نظر روحانیان و مردم ایران را به سوی خود جلب کند.

در اواخر سال ۱۲۳۱ فتحعلیشاه حاج میرزا حسین خان شیرازی را به عنوان سفیر فوق العاده به دربار روسیه اعزام داشت تا درخصوص واگذاری قسمتی از ایالات از دست رفته بخصوص درباره قسمتی از قلمرو ایران که در خاک طالبش بدون جهت از طرف روسیه اشغال شده بود مذاکره نماید. این اولین اعتراضی است که بعلت ابهام خط سرحدی از طرف دولت ایران به دولت روسیه شده است.

سفیر ایران با امیدواری به موافقت امپراطور روسیه اظهار کرد که دولت ایران در ازاء پس گرفتن قسمتی از ایالات ایران، غرامت جنگ را بطور کامل خواهد پرداخت.

لرد کنکارت سفیر انگلیس در سن پترزبورگ نیز از سفیر ایران جانب داری و حمایت میکرد ولی کنت نسلرود وزیر خارجه روسیه صریحا "با دخالت سفیر انگلیس در این امر مخالفت مینمود و به سفیر ایران چنین پاسخ داد که به غیر از خان نشین گنجه که بزور اسلحه تصرف شده است بقیه خان نشینها تا بعیت روسیه را با رضایت خاطر پذیرفته اند و ضمنا "ژنرال یرملوف از طرف امپراطور ماموریت دارد که مرزهای بین ایران و روسیه را بازدید کند و گزارش جامعی تهیه و تقدیم

امپراطور نماید و امپراطور سعی خواهد کرد که در حدود امکان نظرات شاه ایران را رعایت کند. یرمولوف به فرماندهی سپاه قفقاز منصوب گردید، امپراطور به او دستور داد که بررسی نماید که آیا میتوان خط مرزی جدیدی تعیین کرد و امتیازاتی در خان نشین های طالش و قره باغ به ایران داد و در عوض امتیازات دیگری از ایران خواستار شد.

بهترین راه حل برای روسیه این است که در عوض گرفتن خان نشین های ایروان و نخجوان از ایران کلیه سرزمینهای جنوب ارس به ایران واگذار شود ولی امپراطور خود نیز اظهار کرده بود که ایرانیها هرگز حاضر به پذیرفتن این پیشنهاد نیستند.

امپراطور به یرمولوف دستور دیگری نیز صادر کرد که در خصوص تأسیس نمایندگیهای بازرگانی در انزلی و استرآباد با شاه ایران مذاکره نماید.

دولت روسیه بنابر مندرجات عهدنامه گلستان، متعهد شده بود که ولایتعهدی هریک از پسران فتحعلیشاه را که خود شاه انتخاب کرده باشد برسمیت بشناسد. در دستوراتی که امپراطور به عنوان یرمولوف صادر کرد اشاره نمود اگر شناسائی رسمی عنوان ولیعهدی درباره عباس میرزا برای متضمنی درباره کمک به او برای رسیدن به سلطنت در پی نخواهد داشت دلیلی نمی بینم که از دادن این عنوان به او مضایقه کنیم.

یرمولوف که از همان ابتدا با عباس میرزا حسن رابطهای پیدا نکرد معتقد بود که همراهی و کمک به عباس میرزا هیچ سود و نتیجهای برای روسیه ندارد و به درباره روسیه نوشت من در وجود عباس میرزا نه تنها حسن نیت و نظر مساعد نیست به منافع روسیه نمی بینم حتی او از اینکه قسمتی از شهرهای ایران در اختیار ما است ناراضی است و استرداد آنها را مطالبه میکند و این عدم رضایت به اندازه ای زیاد است که اوقادر به پنهان کردن آن نیست و میتوان از ظاهر او دریافت که منتظر موقعیت مناسب است که با حمله به قشون ما ایالات از دست رفته را پس بگیرد زیرا با این کار موقعیت او برای رسیدن به مقام ولیعهدی در نظر مردم ایران محکمتر خواهد شد بخصوص که برادر بزرگترش رقیب او میباشد و بر علیه او مشغول فعالیت است.

یرمولوف پس از بازرسی مرزهای بین ایران و روسیه اعلام کرد که هیچگونه امتیازی نمیتوان بدولت ایران داد. فتحعلیشاه هم اجرای مقررات و مواد عهدنامه را بعهده عباس میرزا محول کرد تا درباره تحدید حدود و تعیین خط مرزی و برقراری کنسولگری روس در ایالات مختلف ایران اقدام کند.

مذاکرات بین عباس میرزا و یرمولوف در خصوص تعیین خطوط سرحدی و رفع ابهام آن و سایر مسائل به جایی نرسید. بنظر میرسید که منظور از آمدن سفیر رفع اختلاف مسائل سرحدی نبود بلکه کسب اطلاع از اوضاع داخلی ایران برای استفاده دولت روسیه در جنگهای بعد و تحمیل پیشنهادات جدید بدولت ایران بوده است.

عباس میرزا که نتوانست با مذاکره لاقلا قسمتی از ایالات از دست رفته را پس بگیرد و علاوه بر این یرمولوف حق وراثت او را هم در امر جانشینی تأیید نکرد، بنابراین تصمیم گرفت به انگلیس ها متوسل شود و با کمک آنها به هدفهای خود برسد.

یرمولوف درباره عباس میرزا چنین گزارش میدهد

"پسردوم شاه، عباس میرزا که به ولیعهدی انتخاب شده با موفقیت کامل به کمک انگلیس ها اصلاحات زیادی در کلیه شئون مملکت بعمل می آورد او واحدهای نظامی منظم بوجود آورده است توپخانه ایران در وضع رضایت بخشی است و تعداد آن سیرعا "افزایش می یابد یک کارخانه ذوب فلزات که از هر لحاظ قابل ملاحظه است وجود ندارد و یک کارخانه اسلحه سازی شب و روز مشغول کار است و انبارها و مخازن نظامی ایران را پر میکند و قلعه ها و دژهای مستحکم مثل قلاع اروپایی مسازند.

یرمولوف هینویسد عباس میرزا در حال حاضر سی گردان که هر گردان از هزار نفر تشکیل میشود فراهم کرده است و هر گردان صد عراده توپ صحرایی دارد.

اصلاحات در همه شئون سرعت ادامه دارد و ایران بزودی دارای پیاده نظامی قوی خواهد بود."

یرمولوف با اطلاع از فعالیت های عباس میرزا به طرح ریزی و تهیه نقشه های برضد او پرداخت و اوضاع ایران را بطور محرمانه به اطلاع کنت دونسلرود وزیر امور خارجه رسانید.

یرمولوف در زمانی که سفیر روسیه در تهران بود با شاهزاده محمد علی میرزا پسر بزرگ فتحعلی شاه رابطه دوستانه پیدا کرد و به او وعده داد که پس از فوت شاه او را در مبارزه بر علیه عباس میرزا برای رسیدن به سلطنت کمک خواهد کرد.

نقشه یرمولوف این بود که پس از مرگ فتحعلی شاه ایلالت ایران را تصرف کند تا بدین وسیله قسمت اعظم قشون عباس میرزا را به آن طرف بکشاند و بدین وسیله برادرش محمد علی میرزا از فرصت استفاده کند و برای رسیدن به سلطنت اقدام نماید.

عباس میرزا بوسیله عمال خود از روابط برادرش با یرمولوف و نیت آنها آگاه گردید و اقدامات آنها را خنثی کرد.

یرمولوف ضمن مکاتباتی که با وزیر خارجه روسیه کرد اعلام نمود که عباس میرزا عمیقاً نسبت به روسیه دشمنی دارد و اظهارات صلح طلبانه او حقیقت ندارد و طبق اطلاعاتی که من دارم ایران در تلاش ایجاد قشون مجهز و نیرومندی است.

او عده ای از عمال خود را به بهانه های مختلف به قفقاز فرستاده تا تحقیق کند که آیا ما نیز خود در ابرای جنگ آماده میکنیم یا نه او به وزیر خارجه مینویسد که تاخیر عباس میرزا درباره شروع مذاکرات دلیلی جز این ندارد که او میخواهد از فرصت برای تمرکز دادن نیروهای خود

در مرزهای ما استفاده کند .

وزیر خارجه روسیه دونسلرود جواب مساعدی به یرمولوف نداد و ضمن نامهای نوشت که برقراری روابط مخفی با محمدعلی میرزا به هیچوجه مورد تأیید امپراطور نیست و از اقدامات عجولانه خودداری کند و با حسن نیت و نشان دادن صداقت به ایرانیها با گسترش نفوذ انگلیس در ایران مبارزه نماید .

کنت دونسلرود وزیر خارجه روسیه ضمن دستورالعملی به یرمولوف چنین مینویسد :
نظر کلی ما این است که شاه ایران را با برداشتن گامهای عملی در جهت منافع ما و ایران و اقداماتی که مزایای زیادی در حفظ روابط طرفین داشته باشد رهبری کنیم .
او اضافه میکند که ایران سرگرم اصلاحات نظامی و اقتصادی خود میباشد و با کمکهای ما در این مورد بالاخره یکی از دوستان وفادار روسیه خواهد شد .
ولی یرمولوف با اظهارات وزیر خارجه موافق نبود و عقیده داشت که پیشرفت قدرت نظامی ایران و گسترش نفوذ انگلیسها در ایران خطری برای روسیه خواهد بود .

یرمولوف مینویسد عباس میرزا امیدوار است که با تسخیر ایالات متصرفی از طرف روسیه ، موقعیت خود را برای رسیدن به سلطنت محکم نماید و برای نیل به این هدف دو راه بیشتر ندارد ، یا باید با کمک نظامی و مالی انگلیس و ایجاد یک ارتش قوی به تسخیر ایالات از دست رفته موفق شود و یا تحت لوای روسیه درآید و او محققاً " راه اول را انتخاب خواهد کرد .
یرمولوف میدانست که نظریات او با عقاید امپراطور توافق ندارد ولی در هر حال وظیفه او اطاعت مطلق از اوامر امپراطور است .

به گزارشهای یرمولوف هیچگونه پاسخ مساعدی از دربار روسیه داده نشد و برخلاف نظر او دولت روسیه با ایران روش صلحجویانه ای اتخاذ کرد و همچنین نسبت به عباس میرزا رویه نامساعدی ابراز ننمود .

یرمولوف عقیده نداشت که مطابق نظرات دربار روسیه رفتار نماید و عملاً " معلوم گردید که روابط خود را با محمدعلی میرزا پسر بزرگ فتحعلیشاه قطع نکرده است .

واقعۀ از این قرار است که شخصی بنام کیفالا Kifaia روزی به ملاقات کنت دونسلرود رفت و خود را نماینده فرزند ارشد فتحعلیشاه معرفی کرد و منظورش این بود که بتواند پس از فوت شاهپشتیانی دولت روسیه را از محمدعلی میرزا برای رسیدن به مقام سلطنت بدست آورد وزیر خارجه روسیه او را نپذیرفت و او را از طریق کرجستان روانه ایران کرد و ضمن نامهای به یرمولوف چنین نوشت : که شما به هنگام آخرین اقامت خود در سن پترزبورگ به این نکته کاملاً آگاهی یافتهاید که روابط و مذاکراتی از این قبیل تا چه حد در جهت عکس منویات اعلیحضرت امپراطور

و برخلاف اصولی است که معظم‌له بدان معتقدند قرار دارد " (۱)

اختلاف نظر بین عباس میرزا و یرمولوف و تا شروع جنگ دوم ادامه یافت. یرمولوف با واگذاری حتی ذره‌ای از خاک ایالات متصرفی به ایران موافق نبود درحالیکه عباس میرزا برای پس گرفتن همه یا قسمتی از شهرها کوشش و فعالیت فوق‌العاده میکرد و چون از مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نشد عباس میرزا خود را برای جنگ با روسیه و اعاده حیثیت ملی آماده میکرد.

یرمولوف از نقشه‌های پنهانی عباس میرزا آگاه بود و ضمن گزارشهای خود به دربار روسیه وقوع یک جنگ جدید را پیش‌بینی میکرد اما در سن پترزبورگ توجهی به گزارشهای یرمولوف ابراز نمیکردید و همه درباریان تحت تاثیر عقاید کنت دونسلرود و وزیر خارجه روسیه بودند که با عقاید یرمولوف موافق نبود و اقدامی در تقویت قشون قفقاز برای یک جنگ قریب الوقوع نمیکردند. یرمولوف که از طرف دربار روسیه ابراز موافقتی نمیدید نظرات خود را برای اراک چیف Araktchiev که یکی از اشخاص مقتدر روسیه بود ضمن مکاتبه اعلام کرد ولی نتیجه‌ای حاصل نگردید.

کنت دونسلرود وزیر خارجه روسیه بطور کلی با یرمولوف هم عقیده نبود و با آگاهی از نیت او از جمله روابط پنهانی اش با محمد علی میرزا معتقد بود که او روسیه را به جنگ با ایران میکشاند در آوریل ۱۸۲۶ سفیر جدیدی بنام مازاروویچ Mazarowitch مامور دربار ایران گردید یرمولوف با آمدن این سفیر مطمئن گردید که اعمال و اقدامات دولت ایران به نظر وزیر خارجه خواهد رسید و گزارشهای او درباره اوضاع ایران و آماده کردن قشون برای حمله به روسیه مورد تفسیر مغرضانه قرار نخواهد گرفت.

یرمولوف ضمن گزارش مجددی قریب الوقوع بودن جنگ با ایران و تقویت سپاه قفقاز را به عنوان احتیاط اعلام کرد.

یرمولوف مینویسد "من میترسم که مرا به تهمت مسبب جنگ بودن و علت و عامل از بین بردن حالت صلح و مهیا کننده مقدمات جنگ به منظور ارضای حس جاه طلبی خود متهم سازند بنابراین در صورت شروع جنگ بهتر آن است که بجای من فرمانده دیگری انتخاب شود".

امپراطور به اظهارات یرمولوف کمترین توجهی نکرد و در پاسخ یرمولوف چنین نوشت "... مع هذا دشوار است که از این موضوع اینگونه نتیجه‌گیری کرد که نیت آنها تهیه مقدمات حمله قطعی بر علیه ما و تصرف ایالاتی که جزء لاینفک روسیه شده است باشد تا کنون دولت ایران کمترین نشانه‌ای که حاکی از عدم واقع بینی و نابخردی باشد از خود نشان نداده است بنابراین من بر روی یک دوستی صمیمانه و صادقانه ایران و یا لاقلاً داشتن تمایل به حفظ صلح

از طرف آن دولت حساب میکنم".

دستخط امپراطور مبنی بر تاکید به یرمولوف درباره کوشش برای حفظ صلح و آشتی یرمولوف را مایوس میسازد. بالنتیجه عقاید یرمولوف که متکی بر مشاهدات و ده سال اقامت و تجربه او در قفقاز بود نتوانست هیچ نفوذ و اثری در دربار امپراطور اعمال نماید (۱).
اشغال ناحیه گوگچه و طرز رفتار روسها با مردم مسلمان نواحی اشغال شده باعث تحریک افکار عمومی و عدم رضایت روحانیون گردید.

دولت ایران بعلت تصرف ناحیه گوگچه و بدرفتاری با مسلمانان بدولت روسیه شدیداً "اعتراض کرد و این امر مقدمه اعزام نماینده‌ای از طرف روسها بایران گردید.

در ۱۸۲۶ پرنس منچیکوف (۲) از طرف نیکلا بدربار ایران فرستاده شد تا در خصوص اعتراض ایران نسبت به طرز رفتار با مسلمین و همچنین تصرف ناحیه گوگچه رسیدگی نماید.
فتحعلیشاه این سفیر را پذیرفت و پس از مذاکره در خصوص رفتار خشونت آمیز روسها نسبت به مسلمین پیشنهاد کرد که روسها باید فوراً "ناحیه گوگچه را تخلیه نمایند ولی چون این سفیر در این باره ماموریت و دستوری نداشت تهران را ترک کرد و مذاکرات در این خصوص را موقوف به آمدن سفیر دیگر نمود (۳).

جنگ مجدداً "بین ایران و روسیه در گرفت فتحعلیشاه بامید کمک و تعهدات انگلیسها طبق مواد قرارداد ۱۸۱۴ بسرحدات روسیه تجاوز کرد تا آنها را از ناحیه گوگچه خارج کند و ضمناً "امیدوار بود که با فعالیت سربازان ایرانی و کمک انگلستان دشمن را از خاک ایران خارج کند و ولایات ازدست رفته را پس بگیرد.

قرارداد ایران و انگلیس یک قرارداد تدافعی بود دولت ایران منعقد شده بود که به قشون هیچ کشوری که دشمن انگلستان باشد اجازه عبور از خاک ایران را ندهد و انگلستان نیز تعهد کرده بود که اگر دولت ایران مورد تعرض واقع شود بنابر تقاضای ایران قشون و اسلحه و مهمات بفرستد و ۱۵۰۰۰۰ هزار لیره نیز بپردازد. دولت ایران طبق مواد قرارداد ۱۸۱۴ (۱۲۳۰ هجری) از انگلیسها تقاضای کمک و اجرای تعهدات را نمود زیرا تصرف گوگچه از طرف روسها تعرض به خاک ایران محسوب میشده است.

چون روسها بنابر تقاضای فتحعلیشاه گوگچه را تخلیه نکردند. قشون ایران تحت فرماندهی عباس میرزا بدون اینکه منتظر رسیدن کمک انگلیسها بشود جنگ را شروع کرد.

۱- مجله بررسیهای تاریخی شماره ۲ سال ۹ صفحه ۴۷ - ۷۸

۲- Mentchikoffe

۳- Pio Carlo رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان صفحه ۳۱

فنون ایران پس از تصرف طالش، شیروان، شکی، گنجه، گرستان، و بالاخره قسمتی از قلمرو ایران را که در جنگ اول از دست داده بود بتصرف آورد ولی پیشرفت آنها بعلت رسیدن قوای رنرال باسکویج (۳) متوقف گردید. بهمین جهت قشون ایران که تا این موقع وضع تعرضی داشت مجبور شد که از این پس مدافع باشد.

برای روسها مرتباً "کمک میرسید درحالی که قوای ایران روزبروز ضعیفتر میگرددید. روسها پس از یک محاصره طولانی ابروان را متصرف شدند و کم‌کم قوای ایران را در همه‌جا عقب‌زدند. چون در اینجا منظور شرح جنگها و محاربات نیست فقط اشاره می‌کنیم که روسها بالاخره تبریز را اشغال کردند و خود را برای حرکت بسمت تهران آماده نمودند. دولت انگلستان به‌عذر اینکه حمله وتعرض ابتدا از طرف قشون ایران بوده است بنابر مفاد قرارداد ۱۸۱۴ (۱۲۳۰ هجری) کمکی به ایران نکرد و قشون ایران را در میدان جنگ تنها گذاشت.

همانطور که قبلاً "اشاره شد دولت انگلستان به بهانه آنکه دولت ایران در تجاوز سبقت جسته است از اجرای تعهدات خود خودداری نمود. مسئله ابهام خطوط سرحدی برای شروع جنگ بهانه‌ای بیش بود همانطور که کمک عثمانی به یونان بهانه حمله به عثمانی گردید. پس از عزیمت لردولینگتون به روسیه و بحث در مسائل سیاسی و انعقاد قرارداد سری، نقشه تقسیم ایران و عثمانی و تضعیف این دو دولت کشیده شد و در سالی که روسها به ایران حمله کردند در همان سال کشتیهای جنگی روس و انگلیس به بهانه اینکه دولت عثمانی به یاغیان یونان کمک کرده است به بنادر عثمانی حمله نمودند.

دولت انگلستان دولت روسیه را آزاد گذاشته بود که هرطور صلاح و میل اوست در شرق اقدام کند البته تا آنجائی که برای دولت هندوستان خطری ایجاد ننماید.

دولت ایران که از جریان سیاست آنروز دور بود و قضا را بنحو دیگری تجزیه و تحلیل میکرد و غافل از بازیهای پشت پرده بود و همه چیز را عادی و طبیعی میدانست. وقتی که روسها به خاک ایران تجاوز کردند دولت ایران میخواست اثبات کند که روسها تجاوز کرده‌اند و ناحیه گوکچه متعلق به ایران است و چون روسها قانع نشدند بامید انگلیسها و تعهدات آنها ضمن مواد ۴ و ۳ قرارداد ۱۸۱۴ جنگ باروسها را شروع کرد غافل از اینکه ابهام خطوط سرحدی بهانه‌ای بیش نبود، و انگلیسها که ایران به پشتیبانی آنها وارد جنگ شده بود، خودطراح نقشه تقسیم و تضعیف ایران هستند.

دراینموقع که دولت روسیه تقاضای پرداخت فوری خسارت جنگ را کرده و ایران هم قادر

به پرداخت این وجه نبود، دولت انگلیس از موقع استفاده کرد و بدولت ایران پیشنهاد نمود که حاضر است در این مورد به ایران کمک کند بشرط اینکه مواد ۳ و ۴ قرارداد ۱۸۱۴ (۱۲۳۰ هجری) دائر بکمک انگلیسها بایران در موقع تجاوز دولتهای دیگر لغو شود.

از طرف دیگر دولت انگلستان که از پیشرفت دولت روسیه نگران شده بود بدولت ایران پیشنهاد کرد که هرچه زودتر تقاضای صلح نماید و شرایط روسها را بپذیرد زیرا دولت انگلیس پیشروی روسها را در خاک ایران خطر بزرگی برای هندوستان میدانست.

دولت انگلیس زمانی برای حفظ هندوستان از حمله ناپلئون، صلاح دید که ایران سرگرم جنگ با روسها باشد تا نتواند در این امر با امپراطور فرانسه کمک نماید بنابراین وعده همه گونه کمک و مساعدت بدولت ایران داد. دولت ایران هم با تکیه انگلستان جنگ با روسها را ادامه داد، حال که دیگر خطری از طرف ناپلئون برای هندوستان در بین نیست و دیگر لزومی ندارد که برای جلوگیری از کمک ایران به فرانسه، ایران مشغول جنگ با روسها باشد، انگلیسها ادامه جنگ ایران با روسیه را دیگر به صلاح خود نمیدانستند و اصرار داشتند که ایران هرچه زودتر پیشنهاد صلح کند و شرایط روسها را هر قدر هم سنگین باشد بپذیرد زیرا هرچه که روسها در خاک ایران بیشتر پیشروی میکردند خطرشان برای هندوستان بیشتر بود.

چنانکه گفته شد دولت انگلستان از اجرای مفاد قرارداد ۱۸۱۴ به بهانه آنکه دولت ایران ابتدا بر خاک روسیه تجاوز کرده است خودداری کرد و هیچ کمکی بایران ننمود، فتحعلیشاه هم که از کمک انگلستان مایوس شد و تهران را هم در خطر دید ناچار گردید شرایط متارکه جنگ را که روسها پیشنهاد کرده بودند بپذیرد و با مواد عهدنامه ترکمانچای که سخت تر و غیر قابل تحمل تر از مواد عهدنامه گلستان بود موافقت کند. یکی از شرایط این عهدنامه پرداخت فوری ۵۰۰۰۰۰۰۰ پنج میلیون تومان از بابت غرامت و خسارت جنگ بود.

در این موقع دولت ایران قدرت پرداخت چنین مبلغ را نداشت زیرا بر اثر جنگهای ممتد خزانه خالی شده بود، از طرف دیگر فتحعلیشاه نگران بود که مبادا پرداخت این مبلغ صرف تجهیز مجدد قوای روسیه بر علیه ایران شود ولی دولت انگلستان فتحعلیشاه را مطمئن ساخت که از این جهت نگران نباشد (۱).

سرجان ماکدونالد سفیر انگلستان در ایران، توصیه میکرد که فتحعلیشاه شرایط قرارداد را بپذیرد زیرا در غیر این صورت روسها تا تهران پیش میروند و ضمناً "تعهد کرد که دولت انگلستان در پرداخت حق غرامت به دولت ایران کمک خواهد نمود (۲)".

ایران که احتیاج مبرمی به پول داشت و میخواست غرامت جنگ را به روسها بپردازد با این تقاضا موافقت کرد.

فتحعلیشاه اجباراً شرایط پیشنهادی روسها را پذیرفت و عهدنامه ترکمنچای در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ (۱۲۴۳ هجری) منعقد گردید که رونوشت آنها بنظر خوانندگان میرسد.

عهدنامه صلح، بین ایران و روس

در ترکمنچای بتاريخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق پنج شعبان ۱۲۴۳ بنام خداوند متعال

"چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت قوی شوکت معظم نامدار امپراطور و صاحب اختیار کل ممالک روسیه بالسویه و از صمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایی داده و مجدداً "روابط قدیمه حسن همجواری و مودت را مابین مملکتین بوسیله صلحی که فی حد ذاته متضمن اساس امتداد و دافع هیانی اختلاف و برودت آتیه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند، لهذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند، مامور هستند از اینقرار معین داشتند .

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه ژان پاسکیوویچ آجودان ژنرال و سرتیپ پیاده نظام و فرمانده اردوی قفقازیه کفیل امور غیرنظامی گرجستان و حاجی ترخان و قفقازیه، رئیس قوه بحریه دریای خزر، دارای نشان الکساندر نوسکی مکمل به الماس و نشان سنت آن از درجه اول و سن ژرژ از درجه دوم و دو شمشیر افتخاری که یکی مرصع و دیگری طلا که روی آن اینطور نوشته (برای شجاعت) و دارای نشان عقاب قرمز از درجه اول و نشان هلال عثمانی و غیره و الکساندر بروسکوف کنیه دتا و پیشخدمت اعلیحضرت امپراطور دارای نشان سن ولادیمیر از درجه سوم و سن ژان بیت المقدس و از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا، وزرای مختار طرفین پس از آنکه در ترکمنچای اجلاس کرده و اختیار نامه های خود را مبادله و آنرا موافق قاعده و مرتبه ترتیبات شایسته یافتند فصول ذیل را منعقد و برقرار داشتند .

فصل اول - از امروز به بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه و نیز مابین ممالک و وراث و اخلاف و اتباع اعلیحضرتین صلح ووداد و مودت کامله علی الدوام برقرار خواهد بود .

فصل دوم - چون مخاصمه طرفین معظمین که بسعادت امروز با ختام رسید تعهدات عهدنامه گلستان را باطل میدارد، لهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه چنین صلاح دیدند که بجای عهدنامه مزبور مواد و شرایط ذیل را که مبنی بر ازدیاد استحکام روابط آتیه مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و وراث خود خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان را به ملکیت مطلقه بدولت روس واگذار میکند بناءً علیهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که دفاتر و اسنادی که راجع

به حکومت و اداره خانات فوق‌الذکر است تنها در ظرف شش ماه از امضای این عهدنامه بمأمورین روس تسلیم نمایند .

فصل چهارم - دولتین معظمین معاهدتین قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین از اینقرار ترسیم شود .

این خط از نقطه سرحدات دولت عثمانی که بخط مستقیم نزدیکترین راه بقله کوه آخری کوچک است شروع شده بقله مزبور رسیده و از آنجا به سرچشمه رود قراسوی سفلی که از دامنه جنوبی آخری کوچک جاری است فرود میآید پس از آن خط سرحدی طول مجرای این رود را الی محل التقای آن تا رود ارس که محاذی شرور است طی نموده و از این جامجرای رود ارس را متابعت کرده و به قلعه عباسآباد میرسد . از استحکامات خارجی این قلعه که در ساحل راست ارس است خطی که طول آن نیم آقاج بعرض سه ورست و نیم روسی بوده باشد به تمام جهات کشیده خواهد شد .

از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود خط سرحدی مجرای رود مزبور را الی گهاریدی بلوک متابعت میکند و خاک ایران از این نقطه اخیر الی سه آقاج بعرض بیست و یک ورست روسی در طول مجرای ارس امتداد مییابد ، بعد از وصول باین محل ، خط سرحدی جلگه دغان را بطور مستقیم گذشته بمحلی از مجرای بالهارود خواهد آمد که در سه آقاج یعنی بیست و یک ورست پائین تر از انتهای دو رود آدینه بازار و ساری قمیش واقع است .

پس از آن خط سرحدی از ساحل چپ بالهارود الی ملتقای دو رود مزبور آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده و از آنجا در ساحل راست رودخانه آدینه بازار شرقی الی سرچشمه آن ممتد و از سرچشمه مزبور الی قله تپه‌های جگیر میرسد ، بطوری که تمام آب‌های که بطرف دریای خزر جاری است متعلق به روسیه بوده و تمام آب‌هایی که جریانشان بطرف ایران است متعلق بدولت علییه خواهد گرفت .

چون در اینجا حدود دولتین بواسطه تیزه‌کوهها محدود میشود لهذا مقرر است که دامنه این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده و دامنه آنطرف کوهها اختصاص بایران خواهد داشت از تیزه تپه‌های جگیر خط سرحد کوه‌هایی را که فاصل بین طالش و ارشق است متابعت نموده و بقله کمرقوئی میرسد و قللی که فاصل دامنه دو طرف کوههای مزبور است در اینجا تحدید حدود مینماید بهمان قسم که در باب مساحت مابین سرچشمه آدینه بازار و قله جگیر ذکر شد پس از آن خط سرحد از قله کمرقوئی تیزه‌کوه‌هایی که بلوک زوندرا از ارشق جدا مینماید متابعت نموده و به محلی که حدود بلوک ولکیج است میرسد و ترتیبی که در باب جریان آب ذکر شده است مراعات خواهد شد و از اینقرار بلوک زوند با استثنای قسمتی که در آنطرف قله کوههای مزبور است متعلق به روسیه خواهد بود .

از محلی که حدود بلوک ولکیج است، خط سرحد بین الدولتین، قتل کوه کلپوقی و قتل سلسله عمده کوههایی که از بلوک ولکیجی میگذرد متابعت نموده و بسرچشمه شمالی رودخانه موسوم به آستارا میرسد و اینجا هم مسئله جریان آب چنانچه در فوق ذکر شده است مرعی مییابد. از آنجا خط سرحدی مجرای آستارا را، الی مصب آن در دریای خزر طی نموده و حدود خاک دولتین را با تمام میرساند.

فصل پنجم - اعلیحضرت پادشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارند بموجب همین فصل از طرف خود و از طرف وراث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق مینماید که ممالک و جزایری که مابین خط تحدیدی فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره این نواحی متعلق بدولت روسیه مییابد.

فصل ششم - محض تلافی مصارف کثیره که از این جنگ بین الدولتین برای مملکت روسیه حاصل شده و در عوض خسارات و ضررهای که بدین جهت باتباع روش رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تادیه کرده خسارت و ضررهای مزبور را جبران نمایند.

طرفین معظمین معاهدتین این وجه خسارت را بده کرور تومان رایج یا بیست میلیون مناط نقره معین کرده و مقرر میدارند که مرتب اقساط و تضمین تادیه آن در قرارداد مخصوص مرتب شود، اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که گانه لفظ بلفظ در همین عهدنامه درج شده باشد.

فصل هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس میرزا همایون فرزند خود را وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانه خود را مکشوف و میلی را که در مساعدت با استحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند، متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان از حین جلوس به تخت سلطنت سلطان حقه این مملکت بدانند.

فصل هشتم - سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی در دریای خزر و در امتداد ساحل آن سیر کرده و بکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و استمداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر کرده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم بآنها کمک و امداد خواهد شد.

اما در باب کشتیهای جنگی چون آنها تیکه بیدق نظامی روس دارند از قدیم الایام، و با - لانفرا حق سیر در دریای خزر را داشته اند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر به همان کشتیها

خواهد بود بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد .

فصل نهم - چون مکتون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه این است که در استحکام روابطی که بسفادت و میمنت ، مجدداً " مابین دولتبین استقرار یافته است سعی و کوشش نمایند ، مقرر میدارند که سفر اکابر و وزراء مختار و شازدها فرهاثیکه خواه برای انجام ماموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند ، به فراخور مقام خود و موافق شان و حیثیت طرفین و مطابق مودت و اتحاد بین الدولتین و نیز بحسب عادات مملکتی مورد اعزاز و احترام شوند علهدا درباب تشریفات که باید از طرفین ملحوظ و منظور شود دستور العملی مخصوص مقرر خواهد شد .

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه استقرار و توسعه روابط تجارتي مابین دو دولت را از نخستین فوائد اعاده صلح میدانند چنین صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع به حفظ تجارت و امنیت اتباع دولتبین است در یک مقاله نامه علیهدا بطور مرضی الطرفین نگارش یابد و این مقاله نامه که مابین وزرای مختار طرفین انعقاد و باین عهدنامه انضمام خواهد یافت مثل این است که جزء متمم همین عهدنامه صلح بوده است .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روسحق میدهد که کما فی السابق هر جا که بجهت مسافع تجارتي لازم باشد بآنجا کنسول ووکیل بفرستد و متعهد میشوند که این کنسول ووکلای تجارتي را که من تبع هریک زیاده از ده نفر نخواهد بود از حمایت و احترامات و امتیازاتی که لازمه سمت و رسمیت آنهاست بهره مند سازد . اعلیحضرت امپراطور روسیه هم وعده میدهد که رفتار بمثل را درباره قونسول ووکلای تجارتي اعلیحضرت شاهنشاهی منظور دارد .

در صورت شکایت حقه دولت ایران از یکی از مامورین یا قونسولهای روس ، وزیر مختار یا شازدها فری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و باین اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه را از ماموریت خود خلع کرده و موقتاً " کفالت کار او را بهرکس صلاح داند واگذار خواهد کرد .

فصل یازدهم - پس از حصول صلح و دعاوی اتباع طرفین که بواسطه وقوع جنگ در عهد تعویق مانده بود مراجعه شده و از روی عدالت قطع و فصل خواهد شد و مطالبی که اتباع طرفین از یکدیگر یا از خزانه جانبین دارند بالتام عاجلاً تادیه خواهد شد .

فصل دوازدهم - طرفین معظمتین معاهدتین نظر بمنافع اتباع خود متفق الرای شدند که برای اشخاصی که در دو طرف رود ارس دارای اموال غیرمنقوله هستند ، مهلتی سه ساله قرار دهند که مومی الیهم بتوانند آنرا بطور دلخواه بمبایعه و معاوضه برسانند ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه تاحدی که این شرط راجع بخود اوست حسین خان سردار سابق ایروان و برادرش حسن خان و کریم خان حاکم سابق نخجوان را از انتفاع مدلول شرط مزبوره مستثنی میدارد .

فصل سیزدهم - تمام اسراء جنگی را که طرفین در هنگام محاربه اخير و يا قبل از آن دستگیر و همچنين اتباع دولتين که در اوقات سايره اسيرا " گرفتار شده باشند در ظرف چهار ماه مسترد خواهند شد .

بعد از آنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمہ داده شد مومی الیهم را بطرف عباس آباد حرکت داده و در آنجا به کمیته‌هایی که از طرفین برای استرداد و تهیه اعزام باو طان ایشان مامور شده‌اند تسلیم خواهند شد .

درباره اسراء جنگی و اتباع دولتين که با سیری گرفتار شده و بسبب بعد مکان آنها و یا بعلت دیگری در ظرف مدت فوق مسترد نشده‌اند طرفین معاهدتین همین ترتیبات را مرعی و مجری خواهند داشت .

دولتین ایران و روس خصوصاً " این حق را برای خود قرار میدهند که ای وقت‌کان این قبیل اشخاص را مطالبه نمایند و ملتزم میشوند که هروقت خود اسراء اظهار کرده و یا از طرفین مطالبه شدند مدعی الیهم را مسترد سازند .

فصل چهاردهم - دولتين معظمتين متعاهدتین اخراج فراریها و ترانس‌فوزهایی را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اطاعت حکومت طرفین آمده باشند مطالبه نخواهند کرد ، ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس‌فوزها با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره میشود لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج ، دولت علیه ایران متعهد میشود که در منصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصی که الحال و یا بعدها با سمه مشخص خواهد شد رواندارد و مقصود از حدود در یکطرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که بواسطه رود چهریق و دریاچه ارومی و رود جفتور و رود قزل اوزون الی مصب آن در دریای خزر رسم میشود .

اعلیحضرت امپراطور روسیه نیز وعده میدهد که در خانات قزاق و نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست واقع است ترانس‌فوزهای ایرانی را نگذارد توطن و سکنی نمایند ولیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد گرفت ، مگر درباره اشخاصی که طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند از قبیل خوانین و بیگها و روسای روحانی یعنی ملاها که اعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث سوء اثر درباره هموطنان و تابعین قدیم آنها میشود و اما در خصوص نفوس عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتين که به مملکت یکدیگر رفته و یا در آتیه بروند آزاد هستند که در هرجائی که آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطه حکومت و اقتدار آن درآمده‌اند صلاح داند توطن و سکنی نمایند .

فصل پانزدهم - چون قصد سلیم و نیت خیر عمیم اعلیحضرت شاهنشاه ایران این است که ممالک خود را مرفه الحال و اتباع دولت علیه را از تشدید مصائب و صدمات حاصله این جنگ

که بسلم و سعادت ختم شده است مصون و محفوظ دارد، لهذا درباره تمام اهالی و کارگزاران آذربایجان عفو کامل و حتمی شامل مبذول می‌دارد، بطوریکه هیچیک از این اشخاص چه بجهت عقاید و نیات و چه از حیث رفتار و کرداری که در موقع جنگ یا در مدت تصرف مزبور از ایشان ظهور رسیده مورد تعرض و اذیت واقع نخواهند شد و علاوه براین از امروز مهلتی یک ساله بآنها داده میشود باینکه بطور آزادی از مالک ایران با کسان خود به ممالک روسیه بروند و اموال منقوله خود را بخارج حمل نموده و بفروش برسانند بدون اینکه دولت غلبه ایران یا کارگزاران محلی اندک مانعتی نموده و از اموال و اشیائیکه فروخته و یا حمل میشود حقوق و مرسوم دریافت یا تکالیفی در مورد آن بگذارند.

اما دریاب اموال غیر منقوله بمومی الیهم پنج سال مهت داده میشود که اموال مزبوره را بفروش برسانند یا بطور دلخواه انتقال و انتراع نمایند کسانی که در این مدت یکساله مجرم به جنحه و جنایت و مستوجب سیاست معموله دیوانخانه شوند از این عفو مستثنی خواهند بود. فصل شانزدهم - وزرای مختار طرفین بمجرد امضای این عهدنامه صلح، عاجلاً "بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که مخاصمه را بلا تاخیر ترک نمایند. این عهدنامه که به نسختین و بیک مدلول نوشته شده و بامضا و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیق نامجات معتبره که دارای امضای ایشان بوده باشد در ظرف چهارماه و در صورت امکان زودتر بتوسط وزرای مختار طرفین مبادله خواهد شد.

تاریخ دهم فوریه سال خجسته فال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری در ترکمنچای تحریر شد.

عهدنامه تجارتی که مابین ایران و روس در ترکمنچای

بتاریخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقد شد

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدتین مایل هستند که اتباع خود را از کلبه فوائد و منافعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهره‌مند سازند لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند .
اتباع روس که دارای تذکره صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط خاک ایران به تجارت اشتغال ورزیده و نیز بدول همجوار آن مملکت بروند ، درازای آن رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر و یا از سرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجاره خود را به روسیه وارد کرده و بمعاوضه رسانند و نیز در روسیه متاع دیگر خرید کرده و بخارج حمل کنند . مومی - البیهم در ممالک اعلیحضرت امپراطور روس از تمام حقوق و امتیازاتی که بر رعایای دول کامله الوداد داده شده است بهره‌مند خواهند بود .

در صورت وفات یکی از اتباع روس در ایران ، اموال منقوله و غیر منقوله او نظر بتعلق به رعیت دولت دوست ، بالتام با قوام یا شرکاء او داده میشود و مشارالبیهم در صورتی که صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال و انتزاع دهند . در صورت فقدان اقوام یا شرکاء ، اختیار اموال مذکوره بسفارت یا قونسول روس مقیم ایران واگذار خواهد شد بدون اینکه از طرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد .

فصل دوم - کنترا و بروات و ضمانتنامه‌ها و سایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است و مابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) و قونسول روس و در جایی که قونسول نباشد فقط در نزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه در صورت وقوع منازعه طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورد و عدلا " رفع اختلافات نمود .

اسنادی که بطور فوق الذکر تصدیق و نگاشته شده باشد در هر محکمه عدلیه معتبر خواهد بود و اگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواد با طرف مقابل ترافع نماید و بغیر از شهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامه شهود او را قبول کند .

تعهداتی که بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسارت وارده را عهده نماید .

در صورت ورشکستگی یکی از تجار روس در ایران ، حقوق ارباب طلب از اموال و اشیاء شخص ورشکست ، داده میشود ولی اگر از وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق

کرده و معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشارالیه‌م نباید در تحقیق این مسئله مساعی جمیله خود را مضایقه دارند. ترتیبات مقرر در این فصل بالمقابل در مورد رعایای ایران که در روسیه تحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت مینمایند مرعی و معمول خواهد بود.

فصل سوم - محض اینکه تجار اتباع مملکتین از منافع که موضوع شروط سابقه الذکر است بطور محکم بهره‌مند شوند مقرر میشود که از مال التجاره که اتباع روس با ایران وارد و از آن مملکت خارج میکنند و نیز از امتعهای ایران که اتباع دولت علیه از راه بحر خرویا از سرحدات خشکی بین الدولتین به مملکت روسیه حمل مینمایند و هکذا از مملکت روسیه و از طریق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوس صدی پنج فقط یکدفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچ گونه حقوق گمرکی مطالبه نشود.

دولت روس تعهد مینماید که در صورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمرکی و تعرفه جدید برقرار نماید، مع هذا بر حقوق صدی پنج فوق الذکر چیزی نیفزاید.

فصل چهارم - اگر دولت ایران یا روس با دولت دیگری در مقام جنگ بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهد بود از اینکه با مال التجاره خود از خاک یکدیگر عبور کرده و به مملکت محارب روند.

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران، اتباع خارجه با شکل خانه و مغازه و امکنه، وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند، لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشد که خانهای برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره بحیطه ملکیت در آورند کارگزاران دولت ایران ماذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبور شوند در صورت لزوم باید باستیذان وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس مراجعه کنند و مشارالیه‌م در اگومن یا یکی از اجزاء، خود را مامور خواهند کرد که در موقع معاینه خانه یا مال التجاره حضور بهم رسانند.

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت و قونسولها و در اگومنها اشیائی که متعلق به ملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معشیت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکند، علیهذا ماذون هستند که بدون ادای حقوق و سایر تکالیف، اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند.

درباره مامورین رسمی اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالک روسیه رفتار بمثل از این حیث کاملاً منظور خواهد بود. اتباع ایران که جزء من تبع وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیه‌م لازمند مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس بالسویه از حمایت آنها بهره‌مند خواهند بود. ولی اگر یکی از این اشخاص مرتکب جنحه و بدین سبب

مورد سیاست قوانین جاریه شود، وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کارگزار محلی که حق این اقدام را داشته‌اند فوراً از وزیرمختار یا شارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت اوست تسلیم مومی‌الیه را خواهند خواست و اگر این عنوان مبنی بر دلایلی است که تقصیر متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند.

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها و مرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط به رسیدگی و حکم سفارت یا قونسولهای اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد.

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه بین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری در صورتیکه طرفین بحکومت مشارالیه مراضی نمایند.

اختلافات و مرافعات مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجع محاکم شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور دراگومن یا قونسولگری بعمل آید. باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس در حضور دراگومن سفارت یا قونسولگری در یکی از دفترخانه‌های اعلیحضرت شاهنشاه ایران که در تبریز و در تهران منعقد است رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود.

فصل هشتم - چون وزیرمختار و شارژدافر و قنصل حق قضاوت درباره هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشارالیه م خواهد بود.

اگر شخصی از اتباع روس یا اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچ‌گونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شراکت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در اینصورت و نیز در صورتیکه تبعه روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور ماموری از طرف سفارت یا قنصل روس نباید بمسئله جنایت رسیدگی کرده و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قنصلگری وجود ندارد کارگزاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که در آنجا قنصل یا ماموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم و قاضی استشهاداتی را که بر علیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء مینماید و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشته معبر دعوی محسوب خواهد شد، مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید.

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد مومی‌الیه به وزیرمختار یا شارژدافر یا قنصل روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شود و در آنجا موافق

قوانین سیاست شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدتین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق النعل بالنعل معمول و مجری گردد حکام ولایات و روسا و سایر مامورین دولتین در هیچ موقع از مفاد آن تمرد نخواهند نمود والاجدا " مسئول و در صورتیکه مجددا " از مفاد آن تخلف کرده و کما هو حقّه خلاف ایشان محقق گردید مستلزم عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضاء کنندگان ذیل وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس ، شرایط مندرجه این عهدنامه را منعقد و مقرر داشتیم و این شرایط که متمم فصل دهم عهدنامه عمده است که امروز در ترکمنچای منعقد شده است همان اعتبار و استحکام را خواهد داشت کانه لفظ به لفظ در همانجا درج شده باشد . بنا علیهذا این قرارداد به نسختین نوشته شده بامضی (بامضا) و مهرما رسیده و مبادله گردید . در ترکمنچای بتاریخ دهم فوریه سال نیکوفال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری .

حسوت مجلس در باب تشریفات پذیرائی

سفرآ کبار وما مورین سیاسی که در ترکمنجای بناریخ ۱۰ فورید ۱۸۲۸

میلادی عطاق پنجم شعبان ۱۲۴۳ امضاء شده است

وزرای مختار ایران و روس، بر طبق فصل نهم عهدنامه، عمده امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفرای کبار و وزرای مختار و شازداه‌های که از طرفین بدربار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند.

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیرکبیر روس به تغلیس رسا، مطلع گردید بدون اتلاف وقت، شخصی که رتبه او مناسب شان سفیر بوده باشد، منتخب نموده تا لرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سرکرده کل گرجستان را از عزیمت مهمان‌دار یعنی شخصی که برای همراهی سفیرکبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود او را بسرحد نخمینا، معین مینماید. سفیرکبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهمان‌دار بسرحد برسد. از وقتی که مهمان‌دار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب مغزی‌الیه خواهد بود.

در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیرکبیر خواهد آمد.

اگر سفیر کبیر در حاکم‌نشین ایالتی مکث نماید، هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه جناب سفیرکبیر تهنیت و تبریک گفته و مغزی‌الیه را الی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید.

در صورتی که سفیرکبیر در یک شهری مکث نماید که حاکم آنجا فرزند اعلیحضرت همایونی است حضرت معظم‌الیه وزیر خود را برای تبریک و خوش‌آمد با استقبال مغزی‌الیه میفرستاد اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم‌الیه آید مشارالیه و تمام اشخاصی که جزو سفارت هستند دعوت بجلوس شده و بجناب سفیر صندلی داده خواهد شد.

در رهگذر جناب سفیر هرجائی که قشون موجود است باید تحت السلاح بوده احترامات نظامی معموله را درباره مغزی‌الیه مرعی دارند. مهمان‌دار اهتمام کرده و وزارت را بموقع از ورود سفیر مطلع خواهد ساخت تا اینکه وزارت بتواند تدارکات لازم را بپذیرد و پذیرائی رسمی مشارالیه را بعمل آورد.

وقتی که سفیرکبیر به آخرین منزل پایتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید، شخص معتبری مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت. در نیمه راه الی پایتخت یا

نیمه راه اردوی همایونی هیئت محترمی از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عساکر ساخلوی شهر یا عساکر اردو پیش‌فنگ‌زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونی فی‌الغور سفیر کبیر را بمنزلی که برای مشارالیه مهیا شده در آنجا گارد دؤنر گذارده شده است راهنمایی خواهد نمود .

فردای ورود سفیر کبیر ، وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر رسماً " بحضور همایونی مشرف خواهد شد .

ایشیک‌آقاسی باشی در ساعت مقرر آمده و بجناب معزی الیه اطلاع خواهد داد که برای پذیرائی او همه چیز مهیا شده است . پس از آن جناب سفیر کبیر بترتیب ذیل حرکت خواهد کرد .

فراشان‌شاهی در جلو و از عقب آنها یک قسمتی از گارد یا پیشخدمتان خود سفیر کبیر ملتزم بوده پس از آن جناب سفیر کبیر درحالی که اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یا اسب خود را سوار می‌باشد . یکنفر از میراخوران همایونی در جلوی معزی الیه و هیئت سفارت در طرف راست و ایشیک‌آقاسی باشی در طرف دست چپ و شاطران سرکاری در جلو حرکت نمایند .

بلافاصله قسمتی از گارد یا پیشخدمتان خود جناب معزی الیه و درغیبت آنها فراشان همایونی . عساکری که در درون قصر یا در اردوی همایونی‌الی محل دخول حیاطهای خلوت یا سراپرده گذارده میشوند ، به سفیر کبیر پیش‌فنگ خواهند زد و ایشیک‌آقاسی باشی که در جلو سفیر کبیر می‌رود سعی خواهند کرد که تمام اشخاصی که در محل گذر جناب معزی الیه هستند سرپا بایستند .

سفیر کبیر در محل دخول به حیاطهای خلوت یا سراپرده پیاده شده بمنزل وزیر اول یا به چادر سپهسالار راهنمایی شده و در آنجا مدت قلیلی تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظر می‌شود . پس از آن ایشیک‌آقاسی باشی جلوفتاده و جناب سفیر کبیر با من تبع خود به حیاطهای خلوت یا سراپرده داخل می‌شود . گارد یا پیشخدمتان سفیر کبیر در محوطه خارجی مانده و ایشیک‌آقاسی باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده و از طرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه را تکلیف بجایگاه مخصوص یا چادر مینماید .

جناب سفیر باتمام من تبع مجاز بدخول خواهد بود و در هیچ مورد نه به سفیر کبیر و نه به اتباع معزی الیه تکلیف نخواهد شد لباسی را که در بردارند تغییر دهند . لیکن جناب معزی الیه و من تبع او سعی کرده و گالشی برای خود تحصیل خواهند نمود که در محل دخول بجایگاه مخصوص یا چادر بیرون بیاورند .

اعلیحضرت همایونی بعد از نطق سفیر کبیر ایشان را دعوت بجلوس فرموده و صندلی به جناب معزی الیه داده می‌شود . بعد از ختم مجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمده است مراجعت خواهد نمود بدون اینکه به منزل وزیر اعظم یا سپهسالار داخل شود پس از این شرفیابی از کسانی که بدیدن او آمده‌اند بازدید خواهد کرد .

برای وزیرمختار یا شارژدافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحب منصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبه پستر و اجزاء آنها در عده کمتر خواهد بود و تمام ساخلو برای مشارالیهم بیرون نخواهد آمد فقط عساکر قراولخانه به مشارالیهم پیش فنگ میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایونی در ملاقات سبقت نمیکند ولی بدون تاخیر در روز بعد به بازدید ایشان خواهد رفت و اگر سفیر کبیر یا وزیرمختار و شارژدافر حامل نامه ای از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان از او خواهند گرفت .
همین تشریفات نیز در روسیه درباره سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافره های ایران که بسمت ماوریت بدر بار پترزغ میروند مرعی و مجری میشوند . لیکن تفاوت رسومات جاریه مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده و بامضی (امضا) و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ به لفظ در عهدنامه امروز مندرج شده باشد . در ترکمنچای دهم فوریه سال نیکوفال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری .

درباره مواد عهدنامه ترکمنچای و قرارداد تجارتی ضمیمه آن ذیلا " بطور خلاصه بحث میشود .
قرارداد ترکمنچای شامل چهار قسمت است :

۱ - قسمت ملکی .

۲ - قسمت مالی .

۳ - قسمت سیاسی .

۴ - قسمت تجارتی .

۱ - قسمت ملکی - طبق مواد (۵ و ۴ و ۳) دولت ایران از ادعای خود نسبت به ولایات گرجستان و داغستان صرفنظر کرد و ضمنا " شهرهای ایروان و نخجوان را بدولت روس واگذار نمود .

مرز بین دو کشور از رودخانه ارس شروع شده و تا طول شرقی ۴۸ درجه امتداد مییابد . از این نقطه خط مرزی بطرف جنوب تمایل پیدا کرده و مجددا " بسمت مشرق پیشرفته تا بحر خزر و آستارا میرسد . منظور از تغییر جهت خط مرزی قسمت جنوب این بوده که نواحی طالش و لنکران نیز جزء خاک روسیه محسوب گردد .

باتعیین خط مرزی فوق الذکر ، دولت روسیه در تمام قسمت غربی بحر خزر با ایران همسایه گردید و رودخانه ارس سرحد طبیعی بین دو کشور تعیین شد .

بنابر مواد ۸ و ۹ عهدنامه ، آمد و رفت های کشتیهای تجارتی و جنگی در دریای خزر منحصر به روسیه گردید و فقط کشتیهای تجارتی ایران حق عبور و مرور در این دریاچه را داشتند و با این ترتیب دولت روسیه بر بحر خزر تسلط کامل پیدا کرد .

۲ - قسمت مالی - ماده ۴ : دولت ایران متعهد شد که مبلغ ده کرورتومان به عنوان غرامت جنگ بپردازد .

۳ - قسمت سیاسی - طبق ماده ۷ طرفین فرایانی را که قبل از جنگ یا بعد از جنگ به هردو کشور رفته اند مطالبه نخواهند کرد و طرفین متعهد میشوند که این فراریان را در شهرهای مرزی اجازه اقامت ندهند ، البته این درباره کسانی است که قدرت محلی دارند و بودن آنها در شهرهای مرزی باعث سوء اثر میشود مثل خان ها ، بک ها .

در ماده ۱۵ دولت روسیه تقاضای عفو عمومی برای کلیه اهالی و کارگزاران آذربایجان که در موقع جنگ و یا قبل از جنگ ، عمل و رفتار آنها برخلاف مصالح ایران بوده مینماید .

طبق ماده ۷ عهدنامه همانطور که در ماده ۴ عهدنامه گلستان اشاره شده دولت روسیه عباس میرزا را ولیعهد ایران میشناسد و بالنتیجه در موقع لزوم برای اجرای این امر در امور ایران مداخله خواهد نمود .

۴ - قسمت تجارتی - درخصوص امر تجارت و تعیین تعرفه گمرکی و تسهیل کار تجار ایرانی و روسی ، بنا بر موافقت پادشاه ایران و امپراطور روسیه طبق ماده ۱۰ عهدنامه ترکمنچای قرارداد دیگری در ۹ ماده تنظیم گردیده که بعداً " درباره آن بحث میشود .

طبق ماده ۱۲ مقرر گردیده که با شخصی که در دو طرف رودخانه ارس مالک اموال غیر - منقول هستند مدت ۳ سال مهلت داده شود که املاک خود را بفروشند و یا معاوضه نمایند امپراطور روسیه ضمن این ماده حسین خان سردار سابق ایروان و برادرش حسن خان حاکم نخجوان را از این ماده مستثنی کرده است .

با توجه به مفاد مواد ۱۲ و ۱۵ معلوم میشود که دولت روسیه هنوز چشم طمع به خاک ایران داشته زیرا در موقع تنظیم مواد عهدنامه ترکمنچای برای خائنین تقاضای عفو کرده و خدمتگزاران و میهن پرستانی که برای نجات ایران و دفاع از خاک ایران فعالیت و جان بازی کرده اند از حقوق خود محروم نموده است تا خائنان بدانند که در آینده از همکاری با بیگانه ضرری نمی بینند و خدمتگزاران متوجه شوند که مخالفت با دشمنان ایران نتایج خوبی ندارد .

به نظر من طرفداری از کسانی که با دشمن همکاری کرده اند و تضییع حق آنهاست که در مقابل دشمن ایستادگی نموده اند ضررش بیش از واگذاری چند شهر است . از دست دادن چند ولایت در مقابل تضعیف روح خدمتگزاری و فداکاری و تقویت و تشویق وطن فروشی ارزشی ندارد زیرا این عمل مقدمه از دست رفتن کشورها و مملکتها خواهد شد .

قابل توجه است که چگونه فتحعلیشاه و ولیعهد در حذف این مواد اقدامی نکرده اند . و فداکاریهای حاکم ایروان را که مدتها در مقابل روسها ایستادگی نمود و از تسلیم ایروان خودداری کرد فراموش نموده اند .

محققاً " اگر دولت ایران در آن موقع در حذف مواد مذکور پافشاری میکرد به نتیجه میرسید زیرا روسها آنچه که آرزو داشتند بدست آورده بودند .

فسمتی از خاک پرارزش ایران - اجازه دخالت در امور داخلی ایران .
یکی دیگر از نتایج شوم عهدنامه ترکمنچای موضوع کاپیتولاسیون است .
مسئله کاپیتولاسیون (فصل ۷ و ۸ قرارداد تجارتی) یکی از نتایج شوم این جنگها بوده و بعداً " کشورهای دیگر اروپائی هم در امر دادگستری ایران دخالت های ناروایی کرده اند .

عمال و اتباع خارجی آزادانه مرتکب جرم و جنایت میشدند و ترسی از ارتکاب هیچگونه عملی نداشتند زیرا میدانستند که با حضور کنسول کشور خود محاکمه میشوند و پس از اثبات مجرمیت

برای اجرای مجازات به روسیه اعزام میگردند، یعنی درحقیقت مجازاتی درمیان نخواهد بود. خوب میتوان حدس زد که شرکت نماینده دولت متجاوز وفاتحی درمحاکم تا چه اندازه‌ای در رای محکمه موثر بوده است.

دولت ضعیف و شکست خورده ایران در آن موقع شاید چاره‌ای جز تحمل و قبول این فشارها را نداشته و صلاحش در این بوده است که با دشمنی که درخانه او رخنه کرده بمدارا رفتار کند و منتظر فرصت باشد تا در موقع مناسب حقوق خود را مجدداً "بدست آورد".

عهدنامه ترکمنچای و قرارداد تجارتی ضمیمه آن برای ایران وضع جدیدی بوجود آورد درنتیجه این قرارداد روسها امتیازات سیاسی و اقتصادی زیادی بدست آوردند و راه دخالت آنها در امور داخلی ایران باز شد.

دولت ایران نه میتواند دخالتهای دولت روسیه را تحمل کند و نه قدرتی داشت که بر علیه آن دولت اقداماتی بنماید زیرا قسمتی از قلمرو ایران یعنی شهرهای ماوراءارس را که روسیه درنتیجه عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای بدست آورده بود باعث شد که این دولت در دروازه ایران قرار گیرد و بالنتیجه استقلال ایران مورد تهدید باشد. دولت ایران که تا قبل از ۱۸۲۸ استقلال کامل داشت پس از امضاء این دو قرارداد (گلستان و ترکمنچای) و قرارداد تجارتی (ماده ۷ و ۸) مجبور شد که استقلال فضائی خود را از دست بدهد و دخالت کشورهای اروپائی را تحمل نماید. عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای برای دولت روسیه دو نتیجه اساسی داشت:

نتایج سیاسی - نتایج اقتصادی و تجارتی

دولت روسیه پس از تصرف قفقاز سیادت در دریای سیاه و دریای خزر را بدست آورد و با تسلط بر این دو دریا از یکطرف به مدیترانه و اروپا و از طرف دیگر به ایران راه یافت اما دولت ایران نه تنها پس از خاتمه جنگها قسمتی از قلمرو خود را در اختیار دولت روس گذاشت بلکه، درب را بر روی دشمن سرسخت و طماعی باز کرد.

روسها در این دوره نفوذ کامل در دربار ایران داشتند و علناً "در امور داخلی ایران دخالت میکردند. دارمستتر در کتابی که راجع بایران نوشته چنین اظهار عقیده کرده است "سفیر روسیه در تهران رل یک نماینده انگلیس را در نزدیک راجه‌بندی دارد".

تبرستان
www.tabaristan.info

قسمت سوم

رقابت روس و انگلیس در ایران

بعد از عهدنامه ترکمن چای

بر سر مسئله افغانستان

رقابت روس و انگلیس در ایران ، بعد از عهدنامه ترکمن چای

بر سر مسئله افغانستان

بعد از عقد قرارداد ترکمنچای روابط ایران و روسیه تغییر وضع داد . دولت روسیه بنابر عهدنامه های گلستان و ترکمنچای بر قسمتی از قلمرو ایران تسلط پیدا کرد و از این به بعد بر -
نامه اش این بود که وضع خود را مستحکم نماید و از موقعیت خود حداکثر استفاده را بکند .
بنابراین تصمیم گرفت که از سیاست خشونت آمیز خود دست بردار و برای جلب نظر دولت ایران
و پیشرفت مقاصد خود روش ملایمی در پیش بگیرد و کاری کند که دولت ایران از دست رفتن
شهرهای ماوراء ارس و عملیات خصمانه دولت روسیه را از یاد ببرد .

هدف اساسی تزار این بود که از امتیازاتی که در نتیجه عهدنامه های منعقد شده بدست آورده
است برای رسیدن به مقاصد حقیقی خود استفاده کند و درحقیقت ایران را دست نشاندۀ خود
قرار دهد و تحت قیمومیت خود درآورد و به همین دلیل در فکر راه سازی و کشیدن راه آهن و
ایجاد تشکیلات صنعتی در ایران بود تا بتواند از این سرزمین به بهترین وجهی بهره برداری
نماید .

در ۱۸۲۹ (۱۲۴۵ هجری) واقعه قتل گری بایدف (۱) سیاست روس را نسبت به ایران
نشان میدهد . دولت ایران انتظار بروز جنگ و حوادث شوم دیگری را داشت ولی از نقشه های
تزار بی اطلاع بود و نمیدانست که دولت روسیه ایران را دست خود میداند و جنگ و محاربه
را برای قتل یکی از اتباعش تجدید نخواهد کرد ، از طرف دیگر دولت روسیه در آن موقع گرفتار

(۱) در ۳۰ ژانویه ۱۸۲۹ (۱۲۴۵ هجری) گری بایدف از طرف تزار به دربار ایران اعزام
شد . ولی سیاست و رفتار غلط او باعث قتل او گردید دو نفر زن گرجی که جزو اسرا بودند دین
اسلام را قبول کرده و جزء زنان حرم الله یارخان آصف الدوله درآمده بودند . گری بایدف پس
از اطلاع از این موضوع جدا آنها را مطالبه کرد که به روسیه اعزام دارد . آصف الدوله در این
خصوص پایداری کرد و تا آنجا که ممکن بود از فرستادن زنها به سفارتخانه روس خودداری نمود
ولی بالاخره از ترس اینکه مبادا این موضوع مقدمه پیش آمده های سوء بشود دو نفر زن را به سفارت
روسیه فرستاد . مردم پس از اطلاع از واقعه بازارها را بسته و برای خلاصی دو زن مسلمان به
سفارتخانه حمله کرده و سفیر و همراهان او را بقتل رسانیدند ، فقط منشی سفارت توانست خود
را نجات دهد .

عثمانی بود و نمیخواست روابط ایران و روسیه تیره شود . چنانکه بعداً " اشاره میکنیم عدم سختگیری روسیه در باره قتل‌گری بایدف ایران را متوجه این نکته ساخت که دولت روسیه ضعیف شده و قدرت کافی ندارد که این مسئله را بهانه جنگ قرار دهد و سهمین دلیل دولت ایران میخواست بخیال خود از ضعف دولت روسیه استفاده کند و برای بازگرداندن شهرهای از دست رفته اقدام نماید . البته بعداً " در این خصوص بحث خواهد شد .

قتل‌گری بایدف باعث نگرانی شاه ایران و درباریان گردیده و همه منتظر عکس‌العمل شدیدی از طرف روسها بودند ولی در این موقع چون دولت روسیه با عثمانی مشغول جنگ بود برای حفظ حیثیت امپراطوری روسیه فقط به عذرخواهی رسمی دولت ایران قناعت کردند (۱) . عباس میرزا ضمن نامه‌ای که بوسیله خسرو میرزا بعنوان نیکلای اول فرستاد ، از پیش‌آمد قتل‌گری بایدف معذرت خواست زیرا تصور میکرد که این واقعه ممکن است باعث بروز اختلافات شدید و بدبختی‌های دیگر گردد .

نامه عباس میرزا نایب السلطنه به امپراطور روسیه

خدایا ستایش کنیم که داننده نهان است و دارنده جهان و بخشاینده گناهان و قدرت بخش شاهان و از آن پس درود پاک به روان تابناک پیغمبران و پیشوایان و راهنمایان فرستیم که دانای راز خدایند و شفیعان روز جزا و بعد بررای والای اعلیحضرت آسمان رفعت، شهریار خجسته اوصاف با عدل و انصاف، سلطان ملک ستان و دارای ملک بخشای عم اعظم تاجدار، امپراطور ستوده طور، پسندیده کردار، پادشاه ذی جاه تمام ممالک روسیه که نامش در جهان نیکوست و لطفش از هر جهت دلجو و قهرش ویرانی بر خانه و مهرش آبادانی بر ویرانه، مکشوف و معروض میداریم که هر چند از حوادث زمانی و قضایای آسمانی، شرمندگی و خجلت دولت ایران زیاده از شرح و بیان است ولیکن رفت شاهانه و عاطفت ملوکانه آن اعلیحضرت رزیدتر از آن دانسته بآن استظهار و اطمینان عرض و حالی میکنم که در سال گذشته دولت ایران دوستی دولت بهیبه روسیه را بجان و دل خریدار شد، در راه تحصیل آن از رنج تن و بذل مال دریغ نکرده چندان کوشید که بنفس خدا و لطف امپراطور کشورگشا آن مقصود عمده و مطلوب کلی را دریافت نمود. امسال نیز برای استحکام همین دوستی و انتظام بعضی مهمام این مملکت این اخلاص کیش خود عازم بود که بدیدار فرخنده آثار آن اعلیحضرت فیاض شود و در این بین از عجایب روزگار فقد ایلچی آن دولت بوضعی روی داد که نه اینگونه واقعه تا امروز در این مملکت دیده یا شنیده بود و نه در صورت این احوال بوهم و خیال میگنجید که قبل از وقوع آن چاره و تدبیری توان کرد.

بلی امری بیخبر و ناگاه حادث شده و چندان فرصت و مجال نشد که بدفع آن بلا و رفع آن قضا و تدبیر آن فتنه و درمان آن درد توان پرداخت خدای عالم که بهر رازنهان عالم است گواهی دارد که این اخلاصمند از درون دل راضی توان بود که خود با تمامی اخوان و اخلاف در امثال این فتنه و بلا با تلافی برسد و بدنامی چنین برای این دولت نماند و همچنین همگی اولیای این دولت و اعیان و معارف این مملکت امروز برای این واقعه هایلّه در عزا و ماتمند و شاهنشاه و الاجاه ممالک ایران در معرض هزار اندیشه و غم میباشند و این معنی آشکار و معلوم است که دولت ایران رنج و زحمتهای و خسارتهای پارساله را ضایع نمیخواست بکند و این صداقت کیش که با آن شوق و عزمی عازم دیدار آن اعلیحضرت بوده هرگز راضی نمی شد که با این سرافکندگی و شرمساری عازم شود و اهل ایران صغیر و کبیر و عالی و دانی بالتام تلخی خصومت و شیرینی محبت آن دولت را چندبار چشیده و آزموده اند ممکن نبود که خوشی رابه ناخوشی عوض و امنیت را بانقلاب

مبدل نمایند .

بذات پاک خدای جهان و تاج و تخت میمون پادشاه سوگند که این کار زشت و کردار بد بجز فتنه جهال و شورش عوام هیچ ماخذ و منشاء نداشته ، غالبا " در شهرهای بی نظام امثال این شورش و غوغا از عوام و نادان برپا میشود خصوصا " در اسلامبول که پایتخت دولت عثمانی است مکرر اتفاق افتاده ولیکن تا پارسال هرگز در ممالک محروسه این دولت دیده نشده بود .

پارسال که از خدمات عساکر روسیه مجال پرداختن بامور دیگر محال بود در بعضی از شهرهای ایران نیز این گونه شورش و بی نظامی اتفاق افتاد و وقت اقتضایمیکرد که دولت به تنبیه آنها اقدام کند تا امسال بدارالخلافت سرایت نمود اما دولت علیه ایران بالفعل در صدد تنبیه و سیاست جهال و مفسدین و انتقام این حادثه اتفاقیه است

این اخلاصمند که آن همه کوشش برای دریافت دیدار آن اعلیحضرت داشت و دارد و محض همین بوده و هست که انشاء الله تعالی یکنوع بستگی قلبی و پیوستگی باطنی در میان این دو دولت بهم رسد که هر چه بخصومت آن دولت خرابی یافته از خصوصیات آن اعلیحضرت آبادی پذیرد ، بعد از فضل خدا بتوجه آن عم اکرم تاجدار بی نظامیهای این ممکت با نظام شود دیگر امر و اختیار با آن اعلیحضرت است و برای چاره این کار که بالفعل حادث شده بهتر آن است که حواله باقتضای رای امپراطوری شود و در خواست این مخلص صداقتمند از آن حضرت ارجمند این است که هر نوع فرمایش در این باب دارند باین اخلاص کیش فرمایند . تا دولت ایران انشاء الله از زیر بار این خجلت برآید و این صداقتمند با کمال امیدواری و استظهار به خدمت آن پادشاه ذیجاه شتابد .

"والعاقبه والعافیه"

خسرومیرزا به همراهی صد و چهل نفر در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۸۲۹ به الیزابت پل وارد گردید و خود را به ژنرال پاسکویچ معرفی کرد تا وسایل حرکت او را به سن پترزبورگ که دربار تزار بود فراهم نماید .

امپراطور روسیه خسرومیرزا را با کمال گرمی پذیرفت . خسرومیرزا پس از اظهار معذرت از طرف شاه ایران تقاضا کرد که تزار این واقعه را فراموش کند . نیکلای اول دست خسرومیرزا را گرفت و اظهار کرد که من برای همیشه این واقعه شوم را فراموش میکنم . (۱)

خسرومیرزا چند دفعه دیگر بحضور تزار روسیه رسید و آخرین دفعه که برای دریافت اجازه مرخصی پذیرفته شده بود از امپراطور روسیه تقاضا کرد که از دو میلیون تومان باقیمانده از مبلغی که طبق قرارداد ترکمنچای بعنوان خسارت ، دولت ایران باید تادیه نماید صرفنظر شود .

وزیر خارجه روسیه اظهار کرد که دولت روسیه نهایت گذشت را در خصوص قتل گری بایدف نموده است ولی معدک امپراطور موافقت خواهد کرد که پرداخت یک میلیون تومان از خسارت با قسط در پنج سال پرداخت شود .

ولی پس از اینکه امپراطور اطلاع حاصل کرد که شاه ایران در تعقیب متهمین قتل گری بایدف میباشد از نصف باقیمانده بدهی ایران صرفنظر کرد . (۲)

در اکتبر ۱۸۲۹ خسرومیرزا پس از کسب اجازه عازم ایران گردید ، نیکلایک عقاب از برلین که روی یک روبان آبی نصب شده بود به خسرومیرزا هدیه کرد و به هریک از همراهانش نیز هدیه های قیمتی اعطا نمود .

این واقعه که میتوانست برای دولت روسیه بهانه جنگ باشد با عذرخواهی رسمی پایان پذیرفت .

گذشت دولت روسیه در موضوع قتل گری بایدف باعث تعجب دولت ایران گردید و این امر را دلیل بر ضعف و فترت دولت روسیه دانست و میخواست با استفاده از این موقع مناسب جنگ را بر علیه روسیه شروع نماید شاید بتواند ولایات از دست رفته را پس بگیرد . اما در این موقع روسها گرفتار مسئله بالگان بودند و فرصت نداشتند به مسائل شرق توجه نمایند .

۱ - Jean Savant سفارت سن پترزبورگ صفحه ۱۷

۲ - Jean Savant سفارت سن پترزبورگ صفحه ۳۰

پاسکوچ وقتی که از نیت ایران آگاه گردید و بوسیله عمال خود اطلاع حاصل کرد کمظمر فتحعلیشاه چیست، نامه‌ای به عباس میرزا ولیعهد ایران نوشت که ذیلا " درج میشود .

"شاه معظم پدر شما میخواهد جنگ را شروع کند ولایات ما جز پادگانهای قلعه‌ها نیروئی برای دفاع ندارد . شما میتوانید در ماه ژوئن در کشور بی دفاع ما وارد شوید و آنرا غارت کنید ولی نمیتوانید استحکامات آنرا تصرف نمائید و جرئت پیشروی و در پشت سر گذاشتن استحکامات مهیب را نخواهید داشت . در ماه اکتبر وقتی که کوهها از برف پوشیده هستند من بسمت تبریز و آذربایجان می‌آیم و این ناحیه را تصرف خواهم کرد برای اینکه دیگر آنرا بشما ندهم و دیگر آنرا بشما ندهم و دیگر امید رسیدن به تاج و تخت از حالا برای شما از میان میرود و سالی نخواهد گذشت که دوران حکومت سلسله قاجاریه دیگر تمام میشود .

استقلال سیاسی شما در دست ما است تمام امیدواری شما باید بروسیه باشد تنها او میتواند اتکاء شما باشد . به وعده‌های انگلیسها و اظهارات عثمانیها اطمینان و اعتماد نداشته باشید . انگلیسها از شما دفاع نخواهند کرد و سیاست آنها جز حفظ منافع مستملکات هندوستان هدفی ندارد . ما میتوانیم در آسیا کشوری را فتح کنیم و هیچکس نگران نخواهد شد اما در اروپا تصرف هروجب خاک ممکن است باعث بروز جنگهای خونین شود . دولت ترکیه برای موازنه اروپا لازم است اما کشورهای مقتدر اروپا توجه ندارند چه کسی در ایران حکومت میکند" . (۱)

بعد از عهدنامه ترکمنچای همانطور که قبلا " اشاره شد روسیه سیاست خود را نسبت به ایران عوض کرد و تصمیم داشت که با سیاست آرام و ملایمی دامنه نفوذ خود را در ایران توسعه دهد و وضع سیاسی و اقتصادی خود را در ایران محکم نماید .

دولت روسیه برای اجرای این سیاست دست به تأسیسات تجاری زد تا بتواند مواد و محصولات خام کشور ایران را که مورد احتیاج کارخانجات روسیه بود بدست آورده و تجارت ایران را منحصر بخود نماید و ضمناً " مال التجاره‌های خود را در بازارهای ایران بفروش برساند .

روابط تجاری ایران و روسیه در این تاریخ بسیار توسعه پیدا کرد و کم‌کم دست سایر کشورهای اروپا از بازارهای ایران کوتاه گردید و فقط دولت روسیه بود که مواد خام مورد احتیاج کارخانجات خود را از ایران صادر میکرد و بعوض محصولات کارخانجات خود را در بازارهای ایران بفروش میرسانید .

دولت روسیه امتعه زیر را از ایران خریداری میکرد :

۱ - پنبه - ایران از دیرزمانی تهیه کننده پنبه بوده و همیشه قسمت اعظم از این محصول را به کشورهای خارج می‌فرستاده است ، البته علت صدور این مال التجاره نداشتن کارخانجات

برای تبدیل پنبه به پارچه و سایر مصنوعات بوده است .

پنبه در قسمتهای زیادی از کشورهای ایران کشت میشود (مازندران ، گرگان ، خراسان و آذربایجان) ولی قسمتی که بیش از سایر نقاط پنبه‌کاری دارد مازندران میباشد . روسها چون احتیاج زیادی به پنبه داشتند تقریباً " تمام محصول ایران را صادر و درکارخانه‌های خود به پارچه تبدیل می‌کردند .

نماینده تجارتی فرانسه در تهران ضمن گزارشهای خود به این مطلب اشاره کرده که ذیلاً " نوشته میشود .

"روسها فعلاً ۹۵٪ از محصول پنبه ایران را صادر میکنند و محصول سالیانه پنبه در این موقع ۳۲۰۰۰۰۰۰۰ کیلوگرم است " در سال ۱۸۳۶ روسیه از آذربایجان مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ پوند یعنی تقریباً " ۹۰۰۰۰۰۰ هزار فرانک پنبه صادر نموده است " (۱)

روسیه برای صدور پنبه از ایران رقیب نداشت ، زیرا مخارج زیاد حمل و نقل و نا امنی جاده‌ها و راهها باعث شده که حمل و نقل پنبه از راه خلیج فارس و سوریه به اروپا قابل استفاده نباشد . چون روسها همسایه ایران بودند با استفاده از راههای دریائی و یا زمینی با سرعت و وقت محصول پنبه ایرانرا حمل میکردند .

۲- برنج - برنج در ایالات ساحلی بخصوص در گیلان و مازندران کاشته می‌شود ، زیرا غذای اصلی مردم این نواحی برنج است و مقدار برنج زائد براحتیاجات اهالی را فقط روسها خریدار و طالب بودند و کشورهای دیگر اساساً " احتیاج به این محصول نداشتند . البته روسها بیشتر محصول برنج گیلان را طالب بودند و محصولات سایر قسمتها را نمی‌پسندیدند .

در این موقع زمینهای برنج‌کاری گیلان بالغ بر صد هزار هکتار بوده است . ضمن گزارشهای نمایندگان تجارتی فرانسه درخصوص مقدار برنج صادره و قیمت فروش آن اشاره‌ای نشده و بنظر می‌رسد که روسها در آن موقع احتیاج زیادی باین محصول نداشتند و مقدار صادرات آن کم بوده است .

۳- ابریشم - از امتعای است که ایران از دیرزمانی آنرا به اروپا می‌فرستاده است . در قرن شانزدهم و هفدهم این مال‌التجاره مورد توجه کشورهای بزرگ اروپائی بود و برای بدست آوردن محصول ابریشم ایران کشورهای پرتقال انگلستان هلند با یکدیگر رقابت میکردند .

شاه عباس در تهیه ابریشم و ازدیاد این محصول فوق‌العاده فعالیت داشت بطوریکه بنابر نوشته‌های الثاریوس محصول سالیانه ابریشم در آن دوره بالغ بر بیست هزار بقچه بوده که هر

بقچه دویست و شانزده لیور وزن داشته است یعنی درحقیقت ۷۲۰۰ خروار سالیانه در ایران ابریشم بدست میآمده است. بهترین ابریشم، ابریشم گیلان بوده که بسیار عالی و ظریف و مورد توجه اروپائیان بوده است و بخصوص هلندیها و اسپانیولی هم زیاد آن بوده اند. در این دوره ایران تقریباً "سالیانه ۴۰۰۰۰۰ ریال ابریشم میفروخت. قسمت اعظم ابریشم از گیلان بدست میآمد و تقریباً "۸۰٪ ابریشم ایران محصول این ناحیه بوده است. نماینده تجارتي فرانسه در تفلیس ضمن گزارشهای خود در خصوص احتیاجات روسیه و صادرات ابریشم مطالبی نوشته که ذیلاً "اشاره میشود:

"در روسیه سالیانه بالغ بر ۲۴۰۰۰۰۰۰ میلیون فرانک ابریشم جات تهیه می شود که تقریباً " قسمت اعظم آن در خود روسیه مورد استعمال دارد. برای تهیه پارچه های ابریشمی دولت روسیه از ابریشم گرجستان و گیلان و ایتالیا استفاده مینماید.

ایتالیا	بر حسب فرانک	۴۵۰۰۰۰۰
گیلان	بر حسب فرانک	۱۵۰۰۰۰۰
گرجستان	بر حسب فرانک	۲۰۰۰۰۰۰ (۱)

میوه جات - در ایران بعلاوه وجود آب و هوای مختلف، همه گونه میوه جات بدست میاید بخصوص در نواحی خراسان و آذربایجان و اصفهان که میوه جات مختلف بحد وفور وجود دارد. خریدار منحصر بفرد این میوه جات روسها بوده اند و برای تهیه کنیاک و عرق، قیسی زیاد مورد توجه روسها بود و مقادیر زیادی از این میوه را از ایران صادر میکردند.

قالی و قالیچه - یکی از صنایع مهم دستی ایران صنعت قالی بافی است و میتوان این صنعت را در ردیف اول هنرهای عالم بشمار آورد. ایران از دیرزمانی به این صنعت آشنا بوده است و سوابق زیادی در این فن دارد.

قالیها و قالیچه هایی که با دستهای ظریف هنرمندان بافته شده و نمونه بدیعی از صنایع دستی ایران بشمار میآید باعث شده که جهانیان ایران را بهتر بشناسند.

آقای ژان پوزی (۲) رئیس اطاق تجارت ایران و فرانسه راجع به مقام هنرمندان ایرانی و بافندگان قالی اینطور اظهار عقیده کرده است "در نظر من هیچیک از کارگران و صنعتگران جهان مرتبه و مقام زنان و کودکان خردسالی که در مقابل کارگاه چوبی خود چندین ساعت نشسته و با انگشتان ظریف خویش با مهارتی خاص گره بر پشمهای رنگین درون نسوج پنبه ای میزنند ندارند". چون برای بافتن قالی و قالیچه کارگران صبور و بردبار و زحمت کش لازم است.

از ایام قدیم قالی بافی جزو صنایع تجملی محسوب شده است و مورخین و نویسندگان یونانی همه این صنعت را معرف تجمل مشرق زمین قلمداد کرده اند.

کلمه قالی بنا بر عقیده پروفیسور پوپ (۱) از نام شهر قالی قلعه ارمنستان اقتباس شده که از خیلی قدیم قالی بافی آن مشهور بوده ولی بعدها کم کم این صنعت در سراسر ایران رواج پیدا کرده است.

بنا بر عقیده پروفیسور پوپ قدیمترین قالی که تا بحال کشف شده قالیهائی است که در ۱۹۲۴ - ۱۹۲۰ هیئت علمی موزه ارمیتاژ (۲) لنین گراد در نوین اولای (۳) مغولستان یافته اند. البته این نظریه پروفیسور پوپ در خصوص قالی قبل از کشفیات پا زیریک بوده است زیرا در ضمن حفاری در این ناحیه در قبوری که از یخ مستور بوده قالیهائی یافته اند که خیلی قدیمتر از قالیهائی نوین اولای میباشد.

این قالیه مربوط به دوره هخامنشی و بطول ۱ متر و عرض ۱/۷۳ می باشد (در هر دسیمتر ۳۶۰۰ گره) این قالیه بسیار ظریف و زیباست و دارای حاشیهای مشتمل بر تصاویر حیوانات بالمدار پس از آن ردیف سواران ایرانی پس از آن ردیف گوزنهای خطو خالدار میباشد در وسط فرش نوعی نقوش چهاربرگی است که از گل و بوته های آشوری اقتباس شده است. نقش وسط قالیه شبیه نقش قالیه ترکمنی و بلوچی امروز میباشد و این میرساند که در این نواحی نقش معمول ادوار باستان را تغییر نداده اند. (۴)

از جمله مدارکی که موید قدمت این صنعت در ایران است توصیف مورخ یونانی بنام آریان (۵) از قالیه های ارغوانی مقبره کورش میباشد. مورخ مذکور چنین نوشته است. "مقبره کورش در میان باغات سلطنتی پاسارگاد که درختان انبوهی دارد قرار گرفته است. قبر کورش از زرناب بوده با ضافه تابوتی زرین دارد. آرامگاه پوشیده از پارچه های کرانیه ساخت بابل و قالیه های ظریف ارغوانی است."

بطوری که گفته شد صنعت قالی بافی در ایران از خیلی پیش سابقه داشته و در ادوار بعد از اسلام نیز این صنعت ترقی کرده است بخصوص در زمان حکومت صفویه این صنعت به منتهی درجه ترقی رسیده است.

۱- Pope

۲- Hermitage

۳- Noin-Ula

۴- گزارشهای اداره باستان شناسی جلد سوم صفحات ۶۸ - ۵۹

۵- ARIAN

در قرن سوم هجری آذربایجان بزرگترین مرکز بافت قالی بوده و هر ساله ۶۰۰ تخته قالی برای دربار خلفای عباسی بعنوان مالیات به بغداد میفرستاده است.

در میان شهرهای ایران تبریز از نظر قالی بافی پیشرفتهای بیشتری بدست آورده و علت آنهم این بوده است که از اواسط عصر مغول و در دوران حکومت ایلخانان ایران آذربایجان بزرگترین مرکز فرهنگی و صنعتی و تجارتی گردید چون این سرزمین سرراه کاروانهای تجارتی قرار گرفته بوده و تجارتارو پائی در این ناحیه آمد و رفت داشته اند، بعلت وجود خریداران زیاد، فرش بافی پیشرفت فوق العاده ای کرده است و امروزه بسیاری از قالیهای ذی قیمتی که در موزه های اروپا و امریکا وجود دارد کار تبریز میباشد.

دولت روسیه زیاد طالب و خریدار این متاع نبوده زیرا این صنعت در روسیه نیز رواج داشته و تا اندازه ای احتیاجات محلی را رفع میکرد، فقط روسها مقدار کمی از قالیهای ایران را خریدار بوده اند. دولت روسیه بیشتر طالب مواد خام و محصولات غذائی ایران بود و سعی داشت در ازاء امتعای که وارد ایران میکرد مواد غذائی برای مصرف مردم و مواد اولیه برای بکارنداختن کارخانجات خود حمل نماید.

۵- پشم - روسیه همیشه خریدار ثابت این مال التجاره بود و تقریباً " در این موقع ۹۰٪ پشم ایران بروسیه فرستاده میشد. مرغوبیت پشم ایران همیشه تجار خارجی را بخود جلب کرده است بخصوص پشم گوسفند و کرک شتر زیاد مشتری داشته و روسها فوق العاده به این متاع احتیاج داشتند.

۶- پوست - در این دور مشتری عمده پوست نیز روسها بودند و تقریباً " ۶۵٪ پوست صادراتی ایران را خریداری میکردند. البته این مال التجاره بصورت پوست خشک نمک زده و پوست خام بره بروسیه حمل میشده است.

۷- ماهی و خاویار - انواع ماهی بدون فلس که در ایران خریداری نداشت با قیمت خیلی کم بروسها فروخته میشد، چون ایرانیان مسلمان خوردن ماهیهائی را که فلس نداشته باشد حرام میدانند. باینجهت یکی از صادرات ایران در آن دوره ماهی بدون فلس بوده است.

۸- دواجات - روسیه مقداری از دواجات ایرانی را خریدار بوده است بطوری که نماینده تجارتی فرانسه در تفلیس گزارش داده است دواجات زیر:

کنجد - کرچک - پوشن (درمنه ترکی) - سقر - خارخسک - جنینانای رومی - شیرین بیان - ریوند چینی به روسیه صادر میشد و قیمت آن دواجات طبق گزارش فوق الذکر در سال ۱۸۳۴ مبلغ ۶۱۰۰۰۰ فرانک بوده است (۱).

۹ - حیوانات زنده - دولت روسیه همه سال برای رفع احتیاجات داخلی خود مقداری اسب و گاو و گوسفند از ایران خریداری میکرد و مرتباً " سالیانه ۱۵۰۰۰۰۰ یک میلیون و پانصد هزار راس گاو و گوسفند بروسیه حمل میشد که البته) تعداد گوسفند بیشتر از گاو بوده است .

دیگر از صادرات ایران بروسیه، پارچه‌های ابریشمی - پارچه‌های پشمی ، شال‌های کرمان ، پشم شتر ، فرش ، ترمه ، مخمل کاشان بوده است و در گزارش نماینده تجارتي فرانسه در تفلیس قیمت امتعه ایرانی فوق‌الذکر دقیقاً " ذکر شده که ذیلاً " قسمتی از گزارش نوشته میشود :

" . . . مال‌التجاره‌هایی که از ایران بروسیه حمل میشود عبارتند از ابریشم گیلان پارچه‌های بافت ایران مثل ترمه ، شالهای کرمان (شالهایی که از پشم شتر بافته میشود) پارچه‌های کتانی (از نخ و پنبه بافته میشود) فرش ، پشم شتر و دواجات مختلف :

ابریشم	۳۴۰۰۰۰۰	فرانک
ترمه	۳۲۵۰۰۰	"
دواجات	۶۱۰۰۰۰	"
شال کرمان	۳۲۵۰۰۰	"
پارچه‌های کتانی	۱۸۰۰۰۰	"
پشم شتر	۹۰۰۰۰	"

۴۹۳۰۰۰۰ فرانک (۱)

در سال ۱۸۳۵ امتعه صادراتی ایران نسبت به سالهای قبل بیشتر بوده مثلاً " مقدار پارچه‌های کتانی ، شالهای کرمان و ابریشم بیشتر از سالهای قبل صادر گردیده است . گزارش نماینده تجارتي فرانسه که ذیلاً " قسمتی از آن نوشته میشود این موضوع را تأیید مینماید .

" در سال ۱۸۳۵ صادرات ایران بالغ بر ۱۴۹۱۰۰۰ فرانک بوده است .

ابریشم	۳۳۳۰۰۰	فرانک
ترمه	۳۲۵۰۰۰	"
پارچه‌های کتانی	۳۶۹۰۰۰	"
شالهای کرمان	۴۶۴۰۰۰	"

جمع ۱۴۹۱۰۰۰ فرانک (۲)

۱ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه ، نامه‌های تجارتي (تفلیس) پیرونده دوم صفحه ۸۵ .

۲ - وزارت خارجه فرانسه ، نامه‌های تجارتي (تفلیس) پیرونده دوم صفحه ۱۳۸

واردات ایران

روسها همانطور که بعداً " اشاره میشود بعضی امتعمای که از ایران صادر میکردند مال التجاره‌های مورد نیاز ایران را از روسیه به ایران می‌آوردند و بالتبع نتیجه تجارت طرفین روز بروز توسعه پیدا میکرد و تجار هر دو طرف منافع سرشاری از این راه بدست می‌آوردند .

در این دوره ترقیات تجارتی روسها در ایران فوق العاده حیرت انگیز و باعث تحریک و عدم رضایت انگلیسها شده است . شهرهای بزرگ شمال ایران مثل تبریز ، مشهد و تهران مرکز تجارت روسها گردیده بود و مال التجاره‌های آنها در بازارهای ایران بحد و فور بدست می‌آمد .

دولت روسیه در این دوره قند - پارچه‌های نخی - روغنهای معدنی - شیشه و آلات چینی و کریستال - کبریت - چای - آهن آلات - اسباب خرازی و ماهوت به ایران می‌فرستاد .

نماینده تجارتی فرانسه در تهران درباره واردات ایران چنین مینویسد .
مال التجاره‌های عمده که روسها به ایران می‌آوردند عبارتند از :

ماهوت - آهن - انواع مختلف بلورجات - ادوات دواتگری افزار و آلات آهنی و مسی - چیت - کرباس - متقال (۱) درباره مقدار امتعه وارده از روسیه به ایران در گزارشهای نمایندگان تجارتی فرانسه اشارهای نشده ولی درباره قیمت مال التجاره‌ها ، نماینده فرانسه چنین نوشته است :

" در سال ۱۸۳۳ روسها مبلغ ۲۲۰۰۰۰۰ فرانک مال التجاره وارد ایران کرده‌اند " (۲) .
مال التجاره‌های دیگری که روسها با ایران می‌فرستادند و مورد احتیاج نیز بوده ، انواع چیت و پارچه و دوا و جواهر آلات میباشد .

در گزارش نماینده تجارتی فرانسه در تفلیس در اینخصوص چنین نوشته شده است :
" نوع و قیمت مال التجاره‌های روسیه که وارد ایران میشود بشرح زیر میباشد : چیت ، پارچه‌های ابریشمی گلدار ، دیبا ، ماهوت ، جواهر آلات ، ادوات دواتگری ، دواجات فرنگی .

چیت و پارچه‌های ابریشمی	۳۰۰۰۰۰	فرانک
دیبا	۵۷۰۰۰۰	"
ماهوت	۳۵۰۰۰۰	"
جواهر و آلات و ادوات آهنی و مسی	۲۸۰۰۰۰	"

که جمعا " بالغ بر ۱۵۰۰۰۰۰ فرانک میشود " (۳) .

- ۱ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه نامه‌های تجارتی تهران ۱۱
- ۲ - وزارت خارجه فرانسه نامه‌های تجارتی تهران پرونده دوم ۵۰۴
- ۳ - وزارت خارجه فرانسه نامه‌های تجارتی تفلیس پرونده دوم ۵۸۰

روسیه بعد از عهدنامه ترکمنچای در میان کشورهایی که با ایران روابط تجارتي داشتند مقام اول را داشته و تقریباً ۶۳٪ تجارت ایران در اینموقع دردست روسها بوده است.

روسیها با اجرای سیاست تجارتي مخصوص و افزودن نرخ گمرک بنادر روسیه، مانع از ورود مالالتجاره‌های کشورهای دیگر بایران میشدند و علاوه بر این اشکالاتی برای تجار خارجی فراهم میکردند تا آنها مجبور شوند از تجارت با ایران صرفنظر نمایند. از طرف دیگر دولت روسیه نمیتوانست با استفاده از کشتیهای خود براحتمالالتجاره‌های خود را بمرز ایران رساند و از آنجا با استفاده از سرویسهای منظم، امتعه روسی را بمرکز مهم تجارت آنروز که مشهد و تبریز بود حمل کند در صورتیکه این تسهیلات برای سایر ملل فراهم نبود و به همین جهت سایر کشورها نمیتوانستند با دولت روسیه در این امر رقابت نمایند.

پس میتوان رونق تجارت روسیه را در ایران معلول علل زیر دانست:

۱- یکی از علل پیشرفت روسیه در مسئله تجارت، نزدیکی و همسایگی این دولت با ایران است زیرا از طرف قفقاز و دریای خزر این دولت با کشور ایران همسایه بود، و روابط تجارتي بدون هیچگونه مانعی برقرار میگردد.

۲- سرویسهای مرتب و منظم کشتیرانی روسیه در بحر خزر شهرهای بزرگ و مهم ایران را که مراکز تجارت آنروز بود، با روسیه مربوط میکرد.

۳- ممانعت دولت روسیه از عبور مالالتجاره‌های ایران از قفقاز که مقصد آنها کشوری غیر از کشور روسیه بوده است.

۴- دولت روسیه به اکثر امتعه ایران احتیاج داشت و در عوض لوازم مورد احتیاج ایران را تامین میکرد، در حالی که کشورهای دیگر اروپائی بخصوص انگلستان که رقیب دولت روسیه بود فقط به قسمتی از مالالتجاره‌های ایران احتیاج داشت و تنها منظورشان توسعه روابط تجارتي این بود که امتعه خود را در بازارهای ایران بفروش برساند.

بعملی که در فوق ذکر شد تجارت روسیه در ایران فوق العاده ترقی کرد و دولت انگلستان و سایر کشورهای که به تجارت ایران نظر داشتند از این امر ناراضی شدند و در پی فرصت بودند که رقیب خود را از میدان بدرکنند.

نماینده تجارتي ایران در تفلیس ضمن گزارشی که برای وزارت خارجه فرانسه فرستاده اشاره کرده است که دولت روسیه برای جلوگیری از توسعه تجارت فرانسویها و سایر کشورها نرخ گمرک بندر ردوت کاله (۱) را فوق العاده ترقی داده است و شرایط سخت و غیر قابل قبولی برای عبور مالالتجاره‌های کشورهای اروپائی قائل گردیده.

"در این سال یک سیستم گمرکی جدید وضع شده که باعث از بین بردن قسمت بزرگی از تجارت گرجستان با خارج است و با بستن عبور و مرور از بندر مذکور منظور نهائی دولت روسیه این است که باعث قطع تجارت ایران با فرانسه و انگلستان بشود و تجارت ایران را منحصر بخود نماید و دیگران را در منافع حاصله شریک نکند" (۱) .

راههای مهم تجارته که ایران را به کشورهای اروپائی متصل میساخت عبارت بودند از راههایی که از کشور روسیه عبور میکرد زیرا راههای زیر:

- ۱- راه طرابوزان - تبریز - تهران ، خیلی طویل و علاوه بر این خیلی سخت و ناراحت کننده بود ، و حمل مال التجاره بوسیله قاطر نیز برای تجار رضایت بخش نبوده است .
- ۲- راه خلیج فارس یعنی راه بوشهر ، شیراز ، اصفهان ، تهران هم خیلی طویل و سخت بود ، و حمل مال التجاره از این راه گران تمام میشده است .
- ۳- راه بغداد ، کرمانشاه ، تهران ، این راه نیز دارای نواقص جادههای مذکور در فوق بوده است .

راههای مهم تجارته که قابل استفاده و اشکالات کمتری داشتند عبارت بوده از:

- ۱- راه باطوم (دریای سیاه) تفلیس ، ایروان ، تبریز ، تهران .
- ۲- باکو (دریای خزر) بندر پهلوی ، رشت ، تهران .
- ۳- کراسنوسک عشق آباد ، مشهد .

همانطور که در فوق ذکر شد کوتاهترین و راحتترین جادههای تجارتی شمال در دست روسها بوده است و این دولت برای اینکه بهتر بتواند از موقعیت خود استفاده کند قسمتی از راههای داخلی ایران را بخصوص راههایی که دریای خزر و سرحدات روسیه را به تهران متصل میکرد تعمیر و تسطیح نمود .

با ذکر مطالب فوق روشن گردید که چگونه روسها توانستند در امر تجارت مقام اول را به دست آورند و رقبای خود را از میدان خارج کنند .

چون ایران بین روسیه و متصرفات انگلستان واقع شده بود خواه ناخواه بین دو دولت رقابت هائی بوجود میآمد و هر کدام برای شکست رقیب خود در فعالیت بودند ولی انگلستان از اقدامات خود نتیجهای بدست نیاورد و هر قدر کوشش کرد نتوانست وضع تجارتی روسها را در ایران متزلزل نماید ، زیرا دولت روسیه در حدود مقداری که به ایران مال التجاره میفروخت بهمان اندازه مال التجاره خریداری میکرد یعنی موازنه تجارتی بین این دو دولت تقریباً "برقرار بود در صورتیکه این موازنه در مورد تجارت ایران با انگلستان وجود نداشت . زیرا اکثر مال التجاره های

ایران مورد احتیاج دولت انگلستان نبود. البته صرفه و صلاح دولت ایران در این بود که متوجه همسایه شمالی خود باشد و در مقابل اجناسی که وارد میکند بهمان اندازه امتعه ایرانی به روسیه بفرستد.

روابط نزدیک و دوستانه ایران و روسیه بعد از عهدنامه ترکمنچای باعث تشویش و نگرانی انگلیسها گردید زیرا میترسیدند که این ارتباط صمیمانه روزی بضرر آنها تمام شود و هندوستان مورد مخاطره واقع گردد.

انگلیسها مایل نبودند دولت مقتدری در همسایگی هندوستان وجود داشته باشد بنابراین همیشه وسایل تضعیف ایران را فراهم میکردند. گاهی روسها را برمی انگیزتند که کشور ما را مورد حمله قرار دهند و گاه بوسایل دیگری متشبث می شدند که ایران را مشغول و سرگرم و بالنتیجه ضعیف نمایند. فتنه اسماعیلیه، اغتشاش امراء خراسان از این عوامل مشغول کننده بوده است. دولت ایران که دارای سوابق درخشان و تمدن کهن و نسبتاً "صاحب قدرت و نفوذ بود مورد توجه ملل همسایه یعنی افغانستان و هندوستان بوده است و همیشه این دو دولت انتظار کمک و همکاری از ایران داشتند این بود که دولت انگلستان با آرامش ایران و قدرت این کشور همیشه مخالف بوده است.

سیاست ملایم و دوستانه روسها در ایران موجب این گردید که انگلیسها جدا " با دولت روسیه در شرق رقابت نمایند و از پیش آمد خطرات احتمالی جلوگیری کنند اما روسها دیگر به سیاست انگلیسها آشنائی داشتند و متوجه شده بودند که که اختلاف و دشمنی آنها با ایران و عثمانی بصرفه انگلستان است.

از این پس هریک از دو دولت روس و انگلیس مستقلاً " سیاست خود را در آسیا اجرا میکردند و بالنتیجه بین این دو کشور رقابت سیاسی پیدا شد که مسئله هرات در زمان فتحعلیشاه و محمد شاه یکی از مسائلی است که در نتیجه اختلاف سیاست این دو دولت بوجود آمده است که بعداً " درباره آن بحث خواهد شد.

از سال ۱۸۳۱ به بعد رقابت انگلیس و روسیه به مسائل سیاسی کشیده شد و مسئله افغانستان در این دوره این موضوع را بخوبی آشکار ساخت. چون در این زمان با اجرای سیاستهای مختلف و دخالت کشورهای اروپائی، این ناحیه که از ادوار قدیم جزء خاک ایران بود، از تسلط ایران خارج میشود، قبلاً " لازم است در خصوص تاریخچه افغانستان و علل جدا شدن آن از خاک ایران مطالبی ذکر شود.

افغانستان ناحیه ای است کوهستانی که از سمت شمال به ترکستان شوروی و از جنوب و مشرق به هندوستان و از سمت مغرب به ایران محدود میشود. افغانستان بوسیله معابر صعب العبوری به هندوستان مربوط میشود و چنانکه میدانیم فاتحین و کشورگشایان عالم همه از معبر خیبر که

یکی از معابر کوهستانی افغانستان است به هندوستان راه یافته‌اند .

این ناحیه سابقاً " جزو خراسان بوده و امروز هم ساکنین جنوبی افغانستان را خراسانی میگویند . ساکنین این منطقه را ایلات متعددی تشکیل میدهند که عمده آنها ایلات ابدالی و غلجائی هستند و جمعیت این دو طایفه بیش از جمعیت سایر دستجات میباشد .

دستجات دیگری بنام تاجیک در افغانستان زندگی میکنند که مردمی زارع و فلاح میباشد . ترکمنها و ازبکها و هزاره نیز جزء اقوامی هستند که در افغانستان زندگی مینمایند . دستجات دیگری بنام اویماق و کافری هستند که در مرکز افغانستان سکونت دارند .

مردم افغانستان به دو لهجه صحبت میکنند ، یکی پشتو و دیگری فارسی .

زبان پشتو میان ایلات و طوایف غلجائی و ابدالی معمول است البته در شهرهای بزرگ افغانستان زبان فارسی رواج دارد ولی کم‌کم بواسطه اجرای سیاستهای مختلف و برای ایجاد اختلاف و جدا کردن این منطقه از کشور ایران از پیشرفت زبان فارسی در افغانستان جلوگیری شده است ولی خوشبختانه امروز هنوز زبان فارسی در افغانستان رایج و مورد علاقه مردم میباشد .

افغانستان در دوران حکومت هخامنشی و اشکانیان و ساسانیان جزء خاک ایران بوده و در کتیبه‌ها از این ناحیه اسم برده شده است و جزء یکی از ساتراپ‌نشین‌ها بوده است . در دوره اشکانیان و ساسانیان حدود ایران دره رودخانه سند و پنجاب بوده بنابراین افغانستان نیز جزء خاک ایران محسوب میگردد .

بعد از حمله عرب و انقراض ساسانیان اعراب در صدر اسلام هرات را فتح کردند و بعداً " در زمان معاویه قندهار و غزنین و کابل نیز بتصرف مسلمین درآمد .

در دوران حکومت سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام شهرهای هرات و بلخ و کابل در تصرف ایران بوده است .

غزنویان هم که خود از شهر غزنین بودند در تمام دوران حکومتشان بر تمام افغانستان تسلط داشتند . بعد از غزنویان هم غوریان در افغانستان حکومت کردند و تقریباً " مدت یک قرن در این منطقه فرمانروائی داشت‌اند .

در موقع هجوم مغولها به ایران این ناحیه نیز گرفتار حملات چنگیز گردید و به تصرف ایلخانان مغول درآمد و تا تشکیل سلسله صفویه در تحت حکومت ایلخانان بوده است .

در سال ۹۱۶ هجری شهرهای هرات و بلخ و کابل بتصرف شاه اسماعیل درآمد و با پیدایش وحدت حکومت مرکزی و اتمام دوران ملوک الطوایفی ، تمام افغانستان جزء خاک ایران گردید .

در اواخر دوران حکومت صفویه بعلت وجود هرج و مرج در تشکیلات اداری و عدم توجه به اوضاع و عدم رسیدگی به شکایت مردم قندهار از گرگین‌خان حاکم محل ، مردم افغانستان سربعصیان برداشتند از ضعف و انحطاط دولت صفوی استفاده کردند و بر علیه حکومت مرکزی

قیام نمودند میرویس که از سران افغانستان و مدتی بواسطه تحریک گرگین خان تحت نظر بود توانست از ضعف حکومت صفوی استفاده کند و با مقام کلانتری به قندهار برود و در آنجا گرگین خان را از بین ببرد و بر علیه دولت ایران قیام نماید .

قشونی که برای رفع شورش و سرکوبی میرویس از طرف دربار صفوی فرستاده شد شکست خورد و مراجعت کرد . بعد از میرویس پسرش محمود دنباله عملیات او را گرفت و چنانکه میدانیم محمود افغان توانست از ضعف شاه سلطان حسین و هرج و مرج و سستی اولیاء امور دربار صفویه استفاده کند حکومت صفویه را ساقط نماید .

نادرقلی پس از اینکه مقام سپهسالاری قشون ایران را بدست آورد بدوا شهرهای مشهد و هرات را تصرف کرد و به طوری که میدانیم اشرف افغان را در سه جنگ مهمان دوست (دامغان) مورچه خورت (اصفهان) و زرقان (شیراز) شکست داد و متواری کرد و پس از مدتی که افغانه در ایران و افغانستان حکومت کردند بواسطه نداشتن رهبران لایق و شایسته از میان رفتند و افغانستان مجدداً " با ایران بازگشت .

پس از حمله نادرشاه به هندوستان حدود شرقی ایران به حدود زمان هخامنشی رسید و رودخانه سند سرحد ایران و هند تعیین گردید . نادرشاه برای جلوگیری از اتحاد دوایل غلجائی و ابدالی عده ای از ابدالیها را جزء سربازان مخصوص خود تعیین کرد و به احمدخان ابدالی سمت خزانه دار سلطنتی و ریاست گارد مخصوص را داد بالنتیجه بین دوایل غلجائی و ابدالی دشمنی بوجود آمد و منظور نادرشاه هم همین بود که از اتحاد و همکاری این دو دسته قوی جلوگیری نماید .

وقتی نادرشاه در جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ هجری (۱۷۴۷) بدست عده ای از سران افشار بقتل رسید وحدت حکومت مرکزی و عظمت ایران متزلزل گردید و شبانه سران قشون نادر برای تصرف خزانه او با یکدیگر بجدال و جنگ پرداختند بالاخره هر کدام با دسته های خود بگوشه ای رفتند .

آن قشون مرتب و منظم که تحت فرماندهی نادرشاه آنهمه فتوحات را کرد ، و وحدت حکومت بوجود آورده بود از میان رفت و مثل این بود که اساساً " نادرشاهی وجود نداشت .

در ادوار مختلف تاریخ نظیر این وضع را زیاد می بینیم که تشکیلاتی که برپایه و اصول محکم استوار نباشد و به قدرت و شخصیت یک فرد بستگی داشته باشد پس از رفتن عامل اساسی همه از هم پاشیده میشود و اثری از عظمت و قدرت گذشته باقی نمی ماند .

نادرشاه تمام ایام حکومتش صرف مبارزه با یاعیان و گردنکشان گردید و فرصتی پیدا نکرد به تشکیلات داخلی و اداری و سازمانهای مملکتی به پردازد شاید هم توجهی به این مسائل نداشت و فقط به جنگ و مبارزه علاقمند بوده است بهر صورت دوران حکومت او خوابی بوده شیرین و

زودگذر.

احمدخان ابدالی توانست با طرفداران خود به قندهار برود ولی چون هریک از سران قشون نادرشاه داعیه سلطنت داشتند احمدخان ابدالی که خود را از دیگران کمتر نمیدانست قندهار را پایتخت خود قرار داد و خود را احمدشاه نامید و می‌خواست بر تمام ایران دست یابد ولی کریمخان زند بر همه داعیان غالب آمد و سلطنت ایران را بدست آورد. احمدخان ابدالی که منظورش از قیام، گرفتن انتقام از مخالفین نادر و تسلط بر ایران بود نتیجه‌ای بدست نیاورد جز اینکه مقدمات تجزیه افغانستان را از خاک ایران فراهم کرد.

کریمخان که گرفتار یاغیان و شورشیان دیگر بود مجال پیدا نکرد که به کار افغانستان سر و صورتی بدهد و جانشینان او نیز گرفتار جنگهای داخلی و خانوادگی بودند.

از اوایل حکومت قاجاریه نیز، دول اروپائی که بهندوستان چشم داشتند برای تجزیه افغانستان از ایران، فعالیت مینمودند و بوسایل مختلف متشبث میشدند تا این ناحیه را از ایران جدا نمایند و چنانکه بعداً اشاره میشود در اجرای نقشه‌های خود موفقیت کامل پیدا کردند و توانستند افغانستان را برای همیشه از خاک ایران جدا کنند.

پس از فوت احمدخان ابدالی پسرش تیمورشاه و پس از او زمانشاه به امارت کابل رسید. در دوران حکومت او آقامحمدخان موسس سلسله قاجاریه عازم فتح خراسان و انقراض سلسله افشار گردید و توانست شاهرخ میرزا آخرین فرد این خاندان را براندازد.

آقا محمدخان چون گرفتار کار قفقاز بود فرصت پیدا نکرد که کار افغانستان را یکسر نماید ولی زمانشاه امیرکابل و برادرش محمود امیرهرات از در اطاعت درآمدند و متعهد شدند که مالیات سالیانه را بدولت ایران بپردازند.

آقا محمدخان خیال داشت پس از تصرف قفقاز و اخراج روسها از مناطق متصرفی افغانستان را تصرف نماید و دست امرای محلی را از حکومت آن ناحیه کوتاه کند ولی در شب ۲۱ ذیحجه سال ۱۲۱۲ در قلعه شوشی کشته شد و برادرزاده‌اش باباخان بنام فتحعلیشاه بسلطنت رسید. در دوران حکومت فتحعلیشاه چنانکه میدانیم جنگهای داخلی و مبارزه بامدعیان سلطنت و بالاخره هجوم روسها بخاک ایران که شرح آن داده شد، فرصتی بدست نداد که دولت ایران مسئله افغانستان را روشن نماید.

پس از اینکه دولت ایران از طرف روسها خیالش آسوده گردید، تصمیم گرفت یاغیان و متمردین را بجای خود نشاند. در سال ۱۱۴۵ هجری (۱۷۳۲) عباس میرزا به حکومت خراسان منصوب گردید و ماموریت اساسی او این بود که ایالت خراسان را از وجود دشمنان و یاغیان پاک کند. مفاد این فرمان باعث تشویش انگلیسها گردید چون از نزدیک شدن ایران بسرحداث هندوستان بیم داشتند زیرا میدانستند موفقیت دولت ایران در اجرای برنامه خود حتمی است.

انگلیسها از طرف دیگر نیز نگران بودند که چون روسها در ایران نفوذ کامل دارند اگر ایران بر افغانستان دست یابد روسها نیز خواهناخواه نفوذ خود را در آن نواحی برقرار خواهند کرد و این عمل برای هندوستان بسیار خطرناک خواهد بود.

دولت ایران پس از اینکه از دولت روسیه شکست خورد و ایالات ماوراء ارس را به روسها واگذار کرد، تصمیم گرفت که در نواحی شرق پیشروی کند و لااقل جبران قلمرو از دست رفته را بنماید، این بود که متوجه منطقه افغانستان گردید.

تزار روسیه نیز از تحریک و تشویق دولت ایران خودداری نکرد و حکومت ایران را در انجام این امر به پشتیبانی خود امیدوار ساخت.

هدف دولت روسیه این بود که اگر دولت ایران بر شهرهای هرات و قندهار و کابل که در بهای هندوستان هستند دست یابد دولت روسیه در این مناطق نیز نفوذ پیدا میکند و در مواقع لزوم هندوستان را تهدید خواهد نمود.

موقعی که دولت روسیه ایران را به محاصره و فتح هرات تشویق میکرد دولت انگلستان نیز برای خنثی کردن اقدامات دولت روسیه فعالیتهای لازم را مینمود.

جنگ بین ایران و افغانستان، جنگ بین ایران و انگلیس و یا در حقیقت جنگ بین انگلیس و روسیه برای کنترل آسیای مرکزی بوده است.

قشون کشی عباس میرزا به خراسان برای دفع یاغیان باعث نگرانی انگلیسها گردید زیرا در این موقع شایع شده بود که دولت ایران خود را برای حمله به هرات آماده میکند و روسیه نیز عباس میرزا را به این امر تشویق مینماید، حتی وعده داده است که اگر ایران به هرات حمله کند دولت روسیه قشون برای کمک ایران خواهد فرستاد و از دریافت بقیه خسارت جنگ صرفنظر خواهد کرد.

برای روشن شدن مطلب لازم است در خصوص وضع افغانستان در این دوره مختصراً ذکر شود.

راجها و احکام محلی هندوستان پس از غلبه یافتن نادر شاه بر محمد شاه و ضعف حکومت مرکزی قدرت زیادی پیدا کردند و هر کدام برای بسط نفوذ و قدرت خود فعالیت میکردند و مانع میشدند که دولت انگلستان نفوذ خود را در هندوستان بسط دهد. امیر پنجاب (تیپو) که با انگلیسها مخالف بود از زمان شاه امیر افغان تقاضا کرد که به هندوستان حمله کند و برای انگلیسها مزاحمت فراهم نماید. این امر باعث نگرانی انگلیسها گردید. تنها راه چاره این بود که ایران را وادار کنند که به افغانستان حمله نماید و بالنتیجه زمان شاه را از حمله به هندوستان بازدارند و برای اجرای نقشه خویش چنانکه قبلاً نیز اشاره شد در ۱۸۵۰ قراردادی با ایران منعقد کردند که ضمن آن ایران متعهد شد که اگر پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید

قشون کافی برای جلوگیری از اقدامات او به افغانستان اعزام دارد (ماده دوم) .
زمانشاه که اوضاع را مساعد ندید و از قرارداد ایران و انگلیس مطلع گردید از پیشرفت در هندوستان چشم پوشید .

چنانچه ملاحظه میشود دولت انگلستان برای حفظ هندوستان ایران را وادار میکند که به افغانستان حمله کند و بالنتیجه زمانشاه را مشغول بدارد تا هندوستان در امان بماند ، اما وقتی که خطر زمان شاه رفع میشود و دولت ایران شخصا " برای تصرف هرات اقدام مینماید و به وسائل مختلف متشبث میشود که ایران را از حمله هرات باز دارد .

دردوران حکومت فتحعلیشاه محمود برادر زمانشاه که حاکم هرات بود با اتفاق پسرش کامران میرزا به ایران پناهنده شدند . دولت ایران این دو نفر را بگرمی پذیرفت و برای بازگشت آنها به افغانستان کمک بسیار کرد و بالاخره محمود با کمک قشون ایران وارد افغانستان گردید و زمانشاه را شکست داد و امیر کابل گردید .

عباس میرزا پس از قلع و قمع یاغیان خراسان نقشه حمله به هرات را طرح کرد . هرات در این موقع بوسیله کامران میرزا فرزند محمود شاه اداره میشد ، عباس میرزا پیشنهاد کرد که اگر کامران میرزا ، افغانستان را ضمیمه خاک ایران نداند او جنگ را شروع خواهد کرد ، البته در این باره جواب مساعدی از طرف او داده نشد . چون در این اوان عباس میرزا فوت کرد ، نقشه حمله به هرات اجرا نگردید ولی کامران میرزا متعهد شد که سالیانه مبلغی بعنوان خراج به دولت ایران بپردازد .

محمد شاه وقتی که بسلطنت رسید تصمیم گرفت نقشه فتحعلیشاه را تعقیب کند و هرات را متصرف شود . حکام هرات همیشه مطیع ایران بودند ولی گاهی از موقعیت استفاده میکردند و یاگیری مینمودند ولی با اعزام قشون ایران بآن ناحیه و سایر اقدامات تسلیم شده و سکه بنام شاه ایران میدادند . اما در آن موقع یاگیری افغانه با اقدامات معموله و تهدیدات دولت ایران خاموش نشد ، زیرا انگلستان آنها را وادار کرده بود که در مقابل ایران مقاومت نمایند و از تجاوز و نفوذ ایران در آن ناحیه جلوگیری کنند .

روسها دولت ایران را به فتح هرات تحریک و تشویق میکردند و انگلیسها بوسایل مختلف متشبث میشدند که ایران را از تصمیم خود منصرف کنند و از خطر نزدیک شدن ایران و روسیه به هندوستان جلوگیری نمایند .

انگلیسها چون از اقدامات خود مایوس شدند و نتیجهای نگرفتند مصمم شدند که قشون هرات را تقویت کنند و با اعزام یک افسر توپخانه Eldred Patinger قلعه هرات را در مقابل قشون ایران حفظ نمایند .

محمد شاه تصمیم قطعی داشت که سلطنت افغانستان را برهم زند ، روسها نیز او را در این

کار تشویق میکردند، البته منظورشان کمک به ایران نبود بلکه برای توسعه نفوذ خود و نزدیک شدن به سرحدات هندوستان شاه ایران را به فتح هرات تحریک میکردند.

محمدشاه به انگلیسها توجهی نداشت و به گفته آنها اطمینان نمیکرد برعکس با توسعه نفوذ روسها در ایران موافق بود و همه‌گونه تسهیلات در کار آنها فراهم مینمود. هرات بوسیله قوای ایران محاصره شد و این محاصره مدت ده ماه طول کشید و در طول مدت محاصره بین انگلستان و روسیه جنگ سیاسی وجود داشته است.

ناما اعتراض آمیز پالمستون وزیر خارجه انگلستان بدربار رسن پطرزبورک مخالفتها و دشمنیهای بین دو کشور را علنی کرد زیرا دولت انگلستان صریحا "ضمن نامهای به عملیات روسیه در آسیای مرکزی اعتراض نمود."

هنگامی که ماک نیل (۱) برای به هم زدن نقشه روسها و منصرف کردن محمدشاه از فتح هرات فعالیت میکرد سفیر روسیه سیمونیتچ (۲) به شاه ایران دستورات مخالف میداد و حتی وعده میکرد که اگر ایران هرات را تصرف کند دولت روسیه از مطالبه قروض ایران خودداری خواهد نمود. نامه نماینده فرانسه در تفلیس بوزارت خارجه فرانسه که ذیلا "درج میشود اوضاع را کمی روشن میکند.

"..... یک افسر انگلیسی که در خدمت ایران است امروز عصر به تفلیس وارد شد و با من درخصوص اختلاف شدید بین دولت ایران و سفارت انگلستان در تهران مذاکره نمود. او میگفت که وزیر انگلیس Mac neill با کمال عجله به اردوگاه هرات رهسپار گردیده است تا از شاه ایران تقاضا کند که برای مرمت و رفع کدورتی که از تعرض ایران به حقوق دولت انگلستان پیدا شده، اقدامات اساسی نماید. ضمنا "به حاکم بمبی دستور داده است که دسته جات و قشون خود را کاملا "آماده و تجهیز کند و در موقع لزوم در بوشهر پیاده شود. اگر واقعا "این نقشه عملی شود جای بس تأسف است زیرا دولت روسیه بعد از اینکه دولت ایران مورد تعرض واقع شده و باید از آن حمایت کند، از مرز ارس خواهد گذشت..."

تفلیس

۲۶ آوریل ۱۸۳۸ (۳). (۱۲۵۲ هجری)

انگلستان از تصمیم دولت ایران درخصوص فتح هرات بسیار نگران بود بخصوص که از دخالت و تحریک روسها در این امر آگاهی داشت .
یادداشت سرهانی آلیس (۱) به پالمرستون (۲) نگرانی دولت انگلیس را بخوبی روشن مینماید .

"اعزام قشون ایران به افغانستان باعث خواهد شد که نفوذ روسیه در آستانه امپراطوری ما ظاهر شود و دیگر عد از این ایران نمیتواند برای ما محل دفاع از هندوستان باشد بلکه اولین پایگاه حمله به مستملکات ما خواهد بود" (۳)

روسها علاقمند بودند که به خاورمیانه نزدیک شوند و راه نفوذ به هندوستان را هموار نمایند ، انگلیسها هم که از نظرات آنها اطلاع پیدا کرده بودند کوشش و فعالیت میکردند که اقدامات روسها را خنثی نمایند و چون از انصراف شاه ایران از فتح هرات مایوس شدند ، تصمیم گرفتند که قوای دوست محمدخان امیرکابل را تجهیز کنند و برای مقابله با قشون ایران آماده نمایند .

حکومت هندوستان چند نفر صاحب منصب برای تربیت قشون دوست محمدخان به کابل اعزام داشت از جمله افسران لیوتنانت تود بود که قبلاً " در قشون ایران خدمت میکرد است . انگلیسها نخصوصاً این شخص را انتخاب کردند که از امور نظامی و طرز کار قشون ایران آگاه باشد . محاصره هرات تقریباً " ده ماه طول کشید در این مدت دوست محمدخان چندین مرتبه خواست تسلیم شود ولی ماکنیل افسران افغانی را ملاقات کرد و آنها را به مقاومت تشویق نمود و ضمناً " اظهار کرد اگر هرات تسلیم شود انگلیسها دست بردار نخواهند بود و بهروسیله که شده آنها پس خواهند گرفت .

دولت انگلستان چون نتوانست به هیچ وسیله‌ای ایران را از تصرف هرات بازدارد بزور متوسل شد و برخلاف ماده هشتم قرارداد منعقد ، در مسئله افغنستان مداخله کرد .

کلنل استودارت باردوی محمدشاه رفت و اولتیماتوم دولت انگلستان را به شاه ایران اطلاع داد که اگر دولت ایران از محاصره هرات دست برندارد دولت انگلستان به ایران اعلان جنگ

۱ - Sir Henry Ellis

۲ - Palmerston

۳ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه (تفلیس) پرونده ۶ دوم صفحه ۳۷۱

ماده هشتم - اگر جنگ و نزاعی مابین دولت علیه ایران و افغانستان اتفاق افتد اولیاء دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچوجه کمک و امدادی نخواهد داد مگر اینکه بخواهد طرفین واسطه صلح باشد .

خواهد داد.

محمدشاه چاره‌ای ندید جز اینکه قشون خود را از افغانستان احضار کند، چون در غیر این صورت قشون انگلیس وارد خاک ایران میشد و روسها هم به بهانه کمک به ایران از ارس میگذشتند و معلوم نبود با چه شرایطی ممکن بود این دو همسایه مهربان را از خاک ایران خارج کرد. بعضی‌ها علل پیش آمده‌های اخیر و تهدید انگلستان و عدم موفقیت ایران در تصرف هرات را بعلت طول مدت محاصره و تعلل قشون ایران میدانند و تصور میکنند که اگر در همان ماه‌های اول قشون محمدشاه کار را یکسره میکرد و هرات را متصرف میشد دیگر انگلستان تعرضی نمیکرد، در صورتی که فتح هرات برای انگلستان مسئله حیاتی بود. تا مدتی که هرات در محاصره بود و اقدامات جدی بعمل نمی‌آمد دولت انگلیس مشغول مذاکره برای انصراف ایران از اجرای نقشه فتح هرات بود ولی بمحض اینکه دولت ایران تصمیم قطعی گرفت و دولت انگلستان منافع خود را در خطر دید فوراً "کشتیهای جنگی خود را بخلیج فارس فرستاد و بنادر ایران را تهدید نمود. در هر حال این اقدام از طرف دولت انگلستان بعمل می‌آمد، خواه مدت محاصره یکماه بود یا یکسال، حتی اگر دولت ایران هرات را نیز فتح میکرد بالاخره مجبور میشد آنرا تخلیه نماید. البته باین موضوع نیز باید توجه کرد که ظاهراً "ایران و افغانستان در جنگ بودند ولی در حقیقت دو دولت روسیه و انگلستان بودند که برای حفظ منافع خود در آسیای مرکزی بر علیه یکدیگر مبارزه میکردند.

در هر صورت محمدشاه با کمال تأسف از محاصره هرات دست برداشت و به مشهد مراجعت کرد و اعلامیه‌ای بشرح زیر صادر نمود.

شرح منشوری که شاهنشاه غازی محمد شاه قاجار در مراجعت از هرات به تمام بزرگان رقم فرمودند

سرداران و امرای تومان و سرتیپان و سرهنگان ایران سپاه ظفر همراه و جمیع افواج قاهره و سواران جلادت نشان و عموم ملتزمین رکاب بدانند .

از وقتی که بحکم خاقان مغفور در رکاب ولیعهد متبرور بخراسان آمدم نیت همین بود که خراسان امنیت شود و اسیرفروشی موقوف و ولایت امن گردد . تا در این سفر پیش من مامور شدم به تنبیه هرات ، قضیه نایب السلطنه مرحوم اتفاق افتاد برگشتیم و شرط محکم کامران میرزا کرد که دیگر از هراتی دزدی و هرزگی نشود . دوماه نکشید نقض عهد کردند متصل چپاول نمودند و اسیر بردند و من خود را در پیش خدا مقصر میدانستم چرا که از فضل خدا همه اسباب جنگ مهیا بود ، اما تکاهل میکردیم زحمت را بخود گوارا نمیساختیم و اسیرها را در فکرس گرفتن نمیشدیم و گرنه نه خدا و نه مردم هیچکدام بمن بحث نمیکردند و خود در پیش خود خجل بودم و مانعی هم بنظر نمیرسید چرا که از رود سند تا جیحون اگر جمیع جنگ من میشدند بعد از فضل خدا بهیچوجه آنها را مانع این همت نمیدانستم و حال آنکه سردار دوست محمد خان از کابل و سردار دوست محمد خان از کابل و سردار کهندل خان از قندها و بزرگان سیستان و بلوچستان و شمس الدین خان کلا "عریضه ها و آدمها فرستاده بودند آن مانع هم بنظر نمیرسید .

خلاصه آمدم و قشون به همت مردانه ، جنگها در محاصره و فتوحات غوریان و بادغیسات و میمنه همه را از جلادت و غیرتی که داشتند درست کردند چنانکه احدی از متمردین از سند تا جیحون دیگر نماند ، بزرگان بلخ و اکابرا و یماقات ، فیروزکوهی ، هزاره و جمشیدی و غیره آمدند . از قشون نهایت رضامندی دارم ، در سرمای زمستان و گرمای تابستان و زحمتهای سنگرو جنگهای کنار خندق و آوردن آذوقه از صحرا بهمه این زحمات در کمال شوق و غیرت تاب آوردند ، منتهای شوق ظاهر ساختند و یورشهای مکرر بردند و جان نثارها کردند بشهر و اهلش صدمه ها زدند و در یک روز چهل هزار گلوله از توپها و خمپاره ها بشهر انداختند ، از این صدمات امر شهر چنان پریشان شد که سی هزار کس با کوچ و بنه از شهر بیرون شدند و قریب هزار نفر از ساخلوی شهر بخدمت آمدند و از بزرگان شهر عریضه ها در جزء آمد که در این وقت با اینکه سه نفر ایلچی انگلیس در سه عهدنامه نوشته بودند که دولت انگلیس را بامر افغانستان به هیچ وجه رجوعی نباشد ، اعلام جنگ رسید ، باین مضمون که جنگ شما با هرات باعث خرابی امر انگلیس در هند خواهد بود و دشمنی با ما است و کشتیهای جنگی آنها بخاک ما که جزیره خارک باشد آمدند که

اگر از هرات برنگردید ما به فارس و کرمان قشون میکشیم و مامضبوطی بندرات و فارس را بهمان عهدنامه دوستی مضبوط میدانستم .

آن عهدنامه را محکمتر از صد قلعه و توپها که در بندر بسازیم پنداشتیم و این وقت قشون ما دوسال است که در سفر است . جنگ با افغانان و ازبک که کمک افغان بود میکردند و با انگلیس که دولت بزرگیت صلاح حرب ندانستیم و برگشتیم مردم ایران تصور ننمایند که من از سفر و جنگ خسته شده یا نیتی که در پس گرفتن ایران داشتم تغییر دادم ، هرگز ، بخدا قسم اسرای ما خاطر جمع باشند که تاجان دارم از این نیت برگشت نخواهم کرد و بفضل خدا همه اسرا را پس خواهم گرفت .

حالا برگشتیم که قشون را تازه کنیم و امور سرحد را مضبوط نمائیم باز سردار خراسان با ساخلوی خواهم گذاشت و قشون خراسان بعد از فضل الهی فوجهای آراسته و عساکر پیراسته در غوریان که بیخ گلوی هرات است که اگر بمعین ما از آنها ادیبتی نخواهد رسید فوراً "خودشان را به هرات خواهند زد و در تربت و مشهد مقدس غازیان جرار و سربازان آتشبار و سواران شیر شگار و توپخانه رعد نشان مستعد و مضبوط دارند که بعد از فضل خدا جواب صد هزار قشون را در یک ساعت بدهند .

توپچیان مخلص و سربازان فدوی و سواران جرار بدانند که مردن با غیرت و مردانگی بذات پاک احدیت بهتر از هزار سال زندگانی بردباری و تملق است و بقوت اسداله الغالب من شمارا چنین دانسته و میدانم که از همه قشونهای دول خارجه تابدارتر بزحمت و غیور و دیندار و پاس آبروی دولت را بکارتر میباشید و هرچه دارم برای شما میخواهم نه در بند خانه و اطاقهای بل زینت و لذت و خوشگذرانی هستم ، همینقدر از خدا طالبم ادیبتهایی که از همسایگان ازبک و سایر ترکمانان بخراسان رسید پس بگیریم و ذلت به هیچکس نکنم این منتهای لذت من است همانا شما برادران دینی و غیور من هستید .

تحریرا " فی شهر جمادی الاخر ۱۲۵۴

دولت انگلیس در مسئله هرات سه هدف اساسی داشت:

۱ - جلوگیری از تعرض روس و ایران به هندوستان .

۲ - ضعیف کردن ایران و افغانستان .

۳ - انتخاب پادشاهی برای افغانستان که دست نشانده دولت انگلیس باشد .

بهرحال محمدشاه از محاصره هرات صرفنظر کرد و بالاخره با هر تمهید و وسیله‌ای که بود انگلیسها توانستند در افغانستان نفوذ نمایند ولی مردم افغان از نفوذ انگلیسها ناراضی بودند و به اطاعت پادشاه ایران رغبت بیشتری داشتند .

یار محمدخان پس از اینکه با دخالت انگلیسها از تعرض قشون ایران خیالش آسوده شد متوجه گردید که مرتکب اشتباه شده و با انگلیسها برعلیه ایران همکاری نموده‌است . بنا -
براین با انگلیسها از در مخالفت درآمد .

نامه‌ای که یارمحمدخان بعنوان محمدشاه نوشته این مسئله را تأیید مینماید :

"ماچاکران استان شاهنشاه اسلام پناه اینکه انگلیسها را باین مملکت راه داده‌ایم فقط از راه احتیاج بوده درحقیقت ما بپول آنها محتاج بودیم در پیشگاه ذات مقدس ملکوکانه پوشیده نیست که قلوب ما همیشه متمایل به پادشاه اسلام پناه است " (۱) .

اقدامات انگلیسها برای جلب نظر یارمحمدخان بجایی نرسید و بهمین جهت نماینده سیاسی انگلیس هم در گزارشهای خود چنین نوشته که با بودن یارمحمدخان اشغال نظامی افغانستان عملی نیست .

پس از اینکه قشون ایران از هرات مراجعت نمود انگلیسها برای حفظ موقعیت خود به استحکام قلعه هرات پرداختند و خرابیهای آنرا تعمیر نمودند و برای تحیب مردم هرات کمکهای مالی زیادی کردند ولی اساساً "مردم افغان که مسلمان بودند به انگلیسها با نظر بدی نگاه میکردند و آنها را کافر میدانستند و حاضر نبودند که تحت حمایت و نظارت آنها باشند .

یارمحمدخان که از مخالفین سرسخت انگلیسها بود ، بیچوجه راضی نمیشد که با انگلیسها همکاری نماید با اینکه از هر حیث وسایل تحیب او را فراهم نمودند معذک مخالفت خود را ابراز میکرد ولی بالاخره انگلیسها موفق شدند که با یارمحمدخان قراردادی منعقد نمایند .

طبق این قرارداد فرمانفرمای کل هندوستان یارمحمدخان را وزیر پادشاه هرات و واسطه دولت انگلیس و حکومت هرات شناخت و قرار شد کمکهای مالی که انگلیسها به هرات میکنند به دست یارمحمدخان خرج شود البته یارمحمدخان نیز تعهد کرد که بدون مشورت نماینده سیاسی انگلستان اقدامی بعمل نیاورد.

انگلیسها قراردادی نیز در تاریخ جمادی الثانی ۱۲۵۵ (۱۸۳۹) با کامران میرزا حاکم هرات منعقد کردند که طبق آن قرار شد حکومت هرات به کامران میرزا و جانشینان او از طرف انگلیسها داده شود و پول کافی برای تجهیز قوا و مقاومت در برابر حمله خارجیها و سیلما نگلستان پرداخت گردد، البته کامران میرزا نیز متعهد شد که با هیچ دولت خارجی بدون مشورت با حکومت بریتانیا متحد نشود و از اقامت اروپائیه در هرات جلوگیری نماید.

با وجود انعقاد قراردادهای فوق و کمکهای مالی انگلستان، کامران میرزا و یارمحمدخان قلباً "بدولت ایران متمایل بودند و بهمین جهت نامههایی دائر به اظهار بندگی و اطاعت بدربار ایران نوشتند و رونوشت عهدنامهها را برای آصفالدوله حاکم خراسان فرستادند. انگلیسها شجاع الملک را بعنوان امیر افغانستان انتخاب کردند و بوسیله او توانستند بر کلیه قلمرو افغانستان دست یابند ولی مردم افغانستان از عملیات انگلیسها ناراضی بوده و منتظر فرصت بودند تا آنها را از خاک خود برانند.

کم کم از گوشه و کنار افغانستان شورشهایی برپا گردید و اقدامات انگلیسها برای ایجاد آرامش مجدد کمتر به نتیجه میرسید.

در نوامبر سال ۱۸۱۴ تقریباً "مردم افغانستان بر علیه انگلیسها آماده مبارزه شده بودند اولین عمل انقلابیون حمله به منزل الکساندر بورنس معاون نماینده سیاسی انگلستان و قتل او بوده است، کم کم مردم دهات نیز وارد کابل شدند و در قیام و شورش شرکت کردند. انگلیسها تصور نمیکردند که کار تا این اندازه وخیم خواهد شد. فرمانده قشون انگلیس تصمیم گرفت که رؤسای شورشیان و سران طوائف را با وعده و وعید آرام کند ولی از اینراه نیز نتیجهای حاصل نگردید.

انگلیسها در کابل محاصره شدند و راه خروج نداشتند و روز بروز وضع آنها سخت تر میشد مفادنامههای که از کابل به یکی از افسران نوشته شده وضع انگلیسها را کاملاً "روشن مینماید". ... اگر تا بحال حرکت نکرده اید برسیدن این مکتوب فوری با قشون ابواب جمعی خود حرکت کرده و خودتان را بما برسانید اوضاع ما بسیار خطرناک میباشد و با کمک نظامی شما ممکن است وضع ما اصلاح شود. هرگاه بزندگانی ما علاقه دارید عجله کنید که جان ما و شرافت و وطنتان را حفظ کنید ما فعلاً "در محاصره هستیم".

انگلیسها بالاخره مجبور شدند که تقاضای صلح نمایند. بالاخره پس از مذاکرات زیاد

شرایطی برای مراجعت قشون انگلیس بین نماینده سیاسی انگلیس و سردارهای افغانی معین گردید . و خلاصه مهم این شرایط این بود که قشون انگلیس که فعلا " در کابل و قندهار و غرنه و سایر قلمرو افغانستان است سالم به هندوستان مراجعت کنند و افغانها معترض آنها نشوند . البته سایر شرایط فرعی بود زیرا انگلیسها منظورشان این بود که فعلا " از این مهلکه خطرناک‌رھائی پیدا کنند .

بموجب این شرایط قشون انگلیس حاضر به تخلیه افغانستان گردید ولی با اینکه سرداران افغانی طبق قراردادی که امضاء کرده بودند متعهد شده بودند که معترض قوای انگلیس نشوند معذک یکی از سرداران افغانی بنام محمد اکبرخان تصمیم گرفت که تمام قشون انگلیس را از میان ببرد .

در ژانویه ۱۸۴۲ شانزده هزار قشون انگلیس از کابل حرکت کردند و تا جلال‌آباد همه آنها بدست افغانها کشته شدند جز یک نفر بنام دکتر برایدون که توانست خود را به جلال‌آباد برساند . پس از اینکه افغانستان از انگلیسها تخلیه گردید ، یار محمدخان مجددا " فرمانفرمای هرات گردید و سکه بنام ایران زد و از طرف حکومت ایران باو لقب ظهیرالدوله داده شد و بالنتیجه دولت ایران بدون جنگ و خونریزی تسلط و نفوذ خود را در افغانستان بدست آورد .

در اوایل حکومت ناصرالدین شاه امرا و حکام افغانستان از دولت ایران با کمال میل و علاقه اطاعت میکردند حتی در بعضی از موارد برای دفع شورشیان و یاغیان ، دولت ایران از قشون یارمحمدخان استفاده کرده است چنانچه دفع خوانین سیستان به یارمحمدخان واگذار گردید . پس از یارمحمدخان صیدمحمدخان پسرش نیز از دربار ایران اطاعت داشت ولی چون مردی بی لیاقت بود برای تحکیم وضع خود با ایران مشغول مذاکره شد . این موضوع باعث نگرانی دولت انگلستان گردید در این موقع امیرکبیر نیز از میان رفته و میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله نوری صدراعظم ایران بود که تمایل زیادی به نفوذ انگلیسها در ایران داشت ، در سال ۱۸۵۳ موافقت نامه ای درباره هرات با انگلیسها امضاء کرد و به سرهنگ شیل نماینده سیاسی انگلیس تسلیم نمود .

طبق این موافقتنامه ایران متعهد شد که قشون به هرات نفرستد مگر اینکه از خارج قشونی به هرات حمله نماید و ضمنا " در امور داخلی هرات بهیچوجه دخالت نکند و این مراتب را کتبا " به صیدمحمدخان اطلاع دهد و در خصوص زدن سکه و خواندن خطبه و سایر علائم و آثاری که دلیل بر اطاعت هرات از ایران باشد دولت ایران ادعائی نداشته باشد .

صدراعظم ایران رونوشت موافقتنامه بین ایران و انگلیس را ضمن نامه ای برای صیدمحمدخان حاکم هرات فرستاد .

نامه میرزا آقاخان نوری صدراعظم ایران به صید محمدخان حاکم هرات
 "وزراء ایران از زمانی که شروع نمودند بشما یاری کنند فرزندان هیچ قصد نداشتند که حق
 حاکمیت ایران را به مملکت هرات ثابت نموده آنرا مالک شوند نه هرگز چنین نبود. آنها مایل
 بودند مملکت هرات در حال استقلال باقی و برقرار بماند و همچنین از تجاوزات و حمله دول
 بیگانه مصون باشد. وزراء ایران هرگز در نظر نداشتند مالک هرات شوند و از هرات و سکنه آن
 مالیات بگیرند و این کیفیات بقاضی و نماینده هرات که بدربار ایران آمده بودند توضیح و
 خاطرنشان گردید اینک که الحمدلله مقاصد آنها برآورده شد لازم میباشد بفرزند خود اطلاع
 دهم که وزراء دولت علیه ایران قراردادی با شروط معین ترتیب داده خودشان را مقید به آن
 نموده‌اند و آن شرایط بقرار ذیل میباشد:

وزراء دولت ایران هرگز این عقیده را نداشته و بعدها هم نخواهند داشت که به هرات
 و یا متصرفات آن و یا به سکنه آن حق حاکمیت داشته باشند و پس از این هرگز در امور داخلی
 هرات بهر عنوانی که باشد دخالت نخواهند نمود، بنابراین این مملکت در امور و حکمرانی خود مختار
 و مستقل خواهد بود و از طرف کابل یا قندهار و یا از طرف حکومت‌های خارجی هیچیک حق دخالت
 در امور داخلی هرات نخواهند داشت. وزراء ایران راضی خواهند شد که خطبه بنام شهریار
 ایران جاری گردد. اما راجع به سکه فقط نظر بحفظ استقلال فرزند من وزراء ایران هرگز راضی
 نخواهند شد که پول رایج هرات بنام پادشاه ایران ضرب شود، لیکن هرگاه در مواقع مخصوص
 مثل زمان یار محمدخان شما مایل باشید یک مبلغی پیشکشی کنید آن مبلغ پول ممکن است بنام
 شاهنشاه ایران سکه زده شود در این صورت وزراء ایران ایرادی نخواهند داشت و آنرا قبول خواهند
 نمود... الی آخر".

در سال ۱۸۵۶ دولت ایران بدون توجه به مواد قرارداد ۱۸۵۳ تصمیم گرفت که هرات
 را مجدداً "تصرف نماید". پس از چندماه محاصره شهر هرات تسلیم شد و بتصرف ایران درآمد.
 دولت بریتانیا که از دور ناظر جریان امر بود با کشتیهای جنگی به سواحل ایران حمله و
 جزیره خارک را اشغال کرد و پس از تصرف بوشهر و خرمشهر (محمره) به پیشروی خود ادامه
 داد، دولت ایران ناچار تقاضای صلح نمود. معاهده صلح در تاریخ ۴ مارس ۱۸۵۶ (رجب ۱۲۷۳)
 در پاریس منعقد گردید و طبق آن دولت ایران افغانستان را تخلیه کرد و استقلال آنرا برسمیت
 شناخت و از تمام حقوق خود صرف نظر نمود و از این تاریخ افغانستان از خاک ایران جدا گردید
 . (۱)

در سال ۱۸۵۳ روسیه صاحب قدرت فوق العاده‌ای در آسیا و اروپا شده بود. انگلیس‌ها که رقیب سرسخت روسها بودند متوجه گردیدند که در آسیا نمیتوانند با روسها رقابت نمایند ولی در فکر تهیه نقشه‌ای بودند که قدرت روسها را از میان ببرند.

در این موقع روسها بعزت تعرض بخاک عثمانی بهانه‌ای بدست انگلیسها دادند. دولت عثمانی بدولت روسیه اعلان جنگ داد ولی عثمانیها قبلاً "با انگلیس و فرانسه بر علیه روسیه عهدنامه سری منعقد کرده بودند. دولت اتریش و پروس نیز به این اتحادیه ملحق شدند و دولت روسیه کاملاً "تنها ماند".

دولت روسیه تصمیم گرفت لااقل ایران را با خود متحد نماید و بر علیه عثمانی برانگیزد. پرنس دالگورکی^۱ نماینده دولت روسیه از ناصرالدین شاه تقاضای ملاقات کرد و پیشنهاد نمود که این ملاقات باید محرمانه باشد زیرا حامل پیام سری از طرف امپراطور روسیه میباشد.

دالگورکی با شاه ایران ملاقات کرد و در خصوص کمک ایران به روسیه بر علیه عثمانی مذاکراتی بعمل آورد. پیشنهادات دولت روسیه این بود که ایران در جنگ بین روس و عثمانی شرکت کند و قشون مجهزی در سرحد کرمانشاهان و قصر شیرین متمرکز نماید و ارزروم و بایزید را تهدید کند و اگر مقتضی باشد به عثمانی اعلان جنگ دهد. تصمیم گرفته شد در صورت موفقیت، ایران نقاطی را که اشغال کرده برای همیشه در تصرف داشته باشد ضمناً "دولت روسیه از دریافت غرامات مربوط به جنگ دوم خودداری خواهد کرد".

البته ایران ضمن عهدنامه‌ای تعهد خواهد کرد که اگر در جنگ شرکت نکند لااقل بدشمنان روسیه آذوقه و اسلحه ندهد و مانع شود از اینکه دشمنان روسیه از خاک ایران عبور کنند و به خاک روسیه حمله نمایند.

عهدنامه سری بین دولت ایران و روس

اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه والاجاه، مالک بلاستقلال کل ممالک ایران و امپراطور ممالک روسیه هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که روابط دوستی قدیم را که فیما بین دولتین برقرار است بواسطه عهد تازه ای محکمتر سازند. لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت کل ممالک امپراطوری روسیه نیکلای انچیکوف شارژدافر خودشان را در ایران و اعلیحضرت پادشاه ایران اعتمادالدوله جناب میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از اینکه در دارالخلافه مجتمع شدند و اعتبارنامه های خود را مبادله کردند موافق قاعده و شایسته دیدند و چنین تشخیص دادند که در اوضاع حال یعنی مدت جنگ مابین دولت روس از یکطرف و دولت عثمانی و متحدانش از طرف دیگر، بهترین تدابیر برای حصول مقصود مزبور آن خواهد بود، شروطی را که بخصوصه بصادقت بی طرفی از جانب دولت ایران مبنی باشد قرار دهند لهذا فصول آتی را تعیین و قرارداد کردند.

فصل اول - دولت ایران قویا " متعهد میشود که بدشمنان دولت روسیه هیچ امداد عسکری را در تمام مدتی که جنگ دولت مشارالیه با دولت عثمانی و متحدان ایشان طول خواهد کشید نکنند و بهیچوجه من الوجوه اعانتی را که منافعی بیطرفی باشد یا اینکه بتواند تعلقی به اعمال خصمانه ایشان نسبت بدولت روسیه داشته باشد ننماید.

دولت ایران تعهد مینماید که نگذارد آذوقه معین شده از برای عساکر اعدای دولت روس در ممالک عثمانی بخارج برده شود و مانع شود که قشون خصمان دولت روسیه از خاک ایران بجهه صدمه رسانیدن بحدود روسیه عبور و مرور نمایند و در مقام دفع و منع ایلات اکراد تابعه امر و نهی خودشان بخواهند آمد که دست اندازی و تاخت و تاز بسرحداث دولت روسیه نکنند و دزدیهای متفرقه که ایلات در خاک روسیه مرتکب میشوند نقص عهدنامه شمرده نخواهد شد اما دولت ایران خودشان واجب میدانند که کما فی السابق بزودی تلافی آنها را بنمایند.

فصل دوم - دولت ایران تعهد مینماید مانع شود که اسباب و آلات حرب از قرار تفصیل ذیل برای عساکر دشمنان دولت روسیه بخارج حمل و نقل شود.

باروت سرب شوره و گوگرد و آنچه که اسلحه نامیده میشود خواه تمام شده باشد خواه نا- تمام باشد. توپ، قپس، خمپاره، زنبورک، تفنگ، طپانچه، گلوله، ساچمه، گلوله سربی و سنگ چخماق، مهتاب اسباب توپ کشی، زین و یراق بجهه سواره، قاب سرنیزه، کمر بند سربازی، زره، چهارآینه و کلاه خود بجهه سواره، سوای چیزی که برای محافظت شخصیه مترددین و عابربین است

و اسباب بجهه دواب ایشان که در راه لازم باشد .

فصل سوم - دولت روسیه از طرف خویش بملاحظه اجرای صحیح فصل مسطوره و نظر بانجام آن با صداقت و حقانیت و وظایف دوستی و حسن همجواریت از جانب دولت ایران اگر در مدت تمام امتداد جنگ دولت روسیه با دشمنان خود این مواد با حسن عمل بانجام شود و هیچ دلیلی موجه در خلال آتزمان برنقص آن شهادت ندهد در ضمن انعقاد صلح مطالبه بقیه آخرین کرور تومانی را که دولت ایران الان هم بدولت روسیه مقروض است دولت روسیه گذشت و انکار خواهد کرد .

فصل چهارم - این عهدنامه دولتی و مخفی بهیچوجه به سایر عهدنامجات که فیما بین دولتین ایران و روس برقرار و باقی است ، تغییر و تبدیل نباید بدهد .

دو نسخه بیک مضمون ترتیب یافته و بدستخط وکلای مختار جانبین رسیده و به مهرایشان مهمور و مابین ایشان ختم و مبادله شده است .

از جانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران مصدق و ممضی خواهد شد و تصدیق نامه های متداوله که بدستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود در مدت چهارماه یا زودتر اگر ممکن باشد بین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد شد تحریرا " ۱۸ محرم ۱۲۷۱ هجری مطابق ۲۸ ماه ستامبر ۱۸۵۴ این عهدنامه یک ضمیمه نیز داشته است که ذیلا " نوشته میشود .

نظر بعهدنامه جدید که دولت ایران با دولت روس منعقد ساخته است این دستخط را صدراعظم اعلیحضرت شاهنشاهی مطابق اختیارنامه خود بشارژدافر دولت روسیه در ایران و موافق قرارداد شفاهی به آنجناب اظهار و اعلام میدارد :

اولا " - اولیای علیه دولت ایران عساکر دشمنان دولت روسیه برای عبور و مرور از آبهای متصله بخاک ممالک محروسه ایران تسهیل نخواهند کرد و بحمل و نقل آلات و اسباب حرب ایشان مساعدت نخواهند نمود .

ثانیا " - بغیر از منع بودن آذوقه برای عساکر دشمنان دولت روسیه ، دولت علیه ایران بطور کلی مانع خواهد شد که از آذربایجان و گروس آذوقه بطرف عثمانیه برده شود ، همچنین خروج آذوقه از کرمانشاهان برای عساکر عثمانی ممنوع خواهد بود و دولت علیه ایران تعهد مینماید که غیر از ضروریات زوار زیادتر از یکصدبار با هر قافله بیرون نشود و قرار رفتن قافله نیز منوط بعادت و طبیعت است که نباید زیاده از سه روز به سه روز بروند و نیز مکاریان ماذون خواهند بود که هر نفری از آنها برای مصرف مختص خودش شش من برنج و شش من گندم بوزن تبریز از کل حدود ایران برای خود ببرند .

ایلات سرحد نشین دو دولت اسلامی در سمت کرمانشاهان و گروس و رعایای ساکن در

رأس حدود این دو مکان چون در مراوده بهم دیگر و به بیلاق و قشلاق دودولت ایران و عثمانی محتاج یکدیگرند روا باید دید که آذوقه برای خوراک خود خرید و فروش نمایند. " والسلام شاه ایران با پیشنهادات دولت روسیه موافق بود ولی میرزا آقاخان نوری که طرفدار جدی انگلیسها بود نظر شاه را با دلایلی تغییر داد و به ناصرالدین شاه یادآوری کرد که اگر دولت ایران برعلیه روسیه با انگلیس و فرانسه و عثمانی متحد شود در صورت موفقیت در جنگ ممکن است ایالات ماوراء ارس از دولت روسیه پس گرفته شود. ناصرالدین شاه دلایل صدراعظم را قبول کرد و در تصمیم خود دایر به کمک برعلیه عثمانی مردد شد.

این تغییر عقیده شاه با اطلاع دالگورکی رسید و باعث نگرانی او گردید چون نماینده روسیه جریان موافقت شاه ایران و عقد قرارداد محرمانه را با اطلاع امپراطور روسیه رسانده بود و دولت روسیه در ضمن تهیه نقشه های جنگ، دولت ایران را جزء متحدین خود بحساب آورده بود. دالگورکی حاضر نبود باین سادگیها از این موضوع صرف نظر کند، مکرراً "باصدرا عظم ایران ملاقات کرد و او را در یکی از ملاقاتها تهدید نمود ولی نتیجه ای حاصل نشد.

صدراعظم بالاخره توانست شاه ایران را از اتحاد با روسیه باز دارد و او را بوعده های انگلستان امیدوار سازد. شاه ایران دست از روسها کشید و متوجه انگلیسها شد و شرایطی تنظیم و بدربار لندن پیشنهاد گردید که خلاصه آن این بود. دولت ایران حاضر است به انگلستان برای زوال قدرت روسیه در آسیا کمک کند بشرطی که دولت انگلیس عده کافی قشون به داغستان بفرستد و با کمک اهالی ناراضی و کمک دولت ایران و همچنین با کمک قشون هندوستان دست روسها را از آسیا کوتاه کند.

پس از مدتها انتظار جواب نامساعدی از دربار لندن رسید که باعث ناراحتی ناصرالدین شاه گردید، چون شاه ایران بامید انگلیسها از اجرای عهدنامه سری خودداری کرد و باعث رنجش روسها گردید و انگلیسها هم به تقاضای دولت ایران جواب رد دادند.

در ژانویه ۱۸۵۶ جنگ کریمه پایان یافت و بین انگلیس، فرانسه، عثمانی و روسیه عهدنامه صلح منعقد گردید و به این مسائل خاتمه داده شد.

تبرستان
www.tbarestan.info

قسمت چهارم

متن قراردادهای ایران

با

روسیه و انگلستان

قرارداد ۱۷۲۳ منعقد بین ایران و روسیه

بنام ایزد توانا

بوشیده نماند که چون چندین سالست در کشور ایران پریشانی و ناامنی پیش آمده و عده‌ای از اتباع آن کشور در برابر اعلیحضرت شاه که پادشاه قانونی ایشانست برخاسته‌اند و نه تنها سبب ویرانی بسیار در ایران شده‌اند بلکه با تبعاع اعلیحضرت امپراطور روسیه که بنا بر دوستی قدیم و قرارداد در میان دو کشور مشغول بازگانی بوده‌اند نیز زیان رسانیده‌اند و آنها را کشته‌اند و مبلغ مهمی از دارائی ایشان را بغارت برده‌اند و چون اعلیحضرت شاه در آن زمان نتوانستند آنچنانکه باید از عهده شورشیانی که ناامنی بسیار فراهم آورده‌اند برآیند به همین سبب بود که اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه بنا بر دوستی واقعی که با اعلیحضرت شاه دارد برای جلوگیری از انهدام سلطنت ایران شخصا " اسلحه خود را در برابر شورشیان بکار برده و برخی از شهرهای ایران و جاهای واقع در کنار دریای خزر را که بی اندازه در زیر فشار سرکشان بود با اسلحه خود آزاد کرد و برای دفاع از اتباع وفادار اعلیحضرت شاه، لشکریان خود را در آنجا مستقر کرد، ولی در ضمن سرکشان دیگری از سوی دیگر چنان نیرو گرفتند که پایتخت دولت ایران را تصرف کردند و اعلیحضرت شاه آن زمان را با خانواده‌اش اسیر کردند و تاج و تخت را از ایشان ربودند و پسرا و طهماسب که بحکم وراثت قانونی پس از پدرش به تخت شاهی نشست و شاه قانونی ایران شد، باقی ماند و از آنجائی که مایل بود دوستی قدیم در میان دولتین را تجدید کند و بیش از پیش استحکام بدهد از میان چاکران نزدیک و وفادار خود که در اختیار داشت اسمعیل بیک اعتماد الدوله معزز و صدیق خود را بعنوان سفیر کبیر و نماینده مختار نزد اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه فرستاد.

وی حامل نامه‌ای بود که نه تنها بتخت نشستن اعلیحضرت شاه طهماسب را اعلان میکرد بلکه در آن خواهش کرده بودند که اعلیحضرت سراسر روسیه در اوضاع کنونی در برابر شورشیان یاری کنند و اراده کنند که تاج و تخت را نیز حفظ کنند و نیز مشعر بر این بود که بسفیر و نماینده سابق الذکر اختیارات تام و تمام داده است و آنرا بمهر خود آراسته که وی قرارداد و موافقتنامه‌ای درباره یاری با اعلیحضرت شاه در برابر شورشیان منعقد کند.

بنابراین اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه بنا بر علاقه دوستی که با اعلیحضرت شاه و دولت ایران دارد فرمان موکد عالی شاهانه خود را صادر کرد که با سفیر کبیر و نماینده مختار اعلیحضرت شاه این قرارداد را ببندند و قرارداد و موافقتنامه بشرح زیر است:

۱- اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه دوستی صمیمانه و دائمی خود را ونیزیاری و تأیید عالی شاهانه استوار خود را در برابر شورشیان باعلیحضرت شاه طهماسب وعده میدهد و برای سرکوبی شورشیان وحفظ اعلیحضرت شاه بر تخت سلطنت ایران اراده میکند، هرچه زودتر باندازه لازم سپاه سواروپیا ده کشور ایران بفرستد تا در برابر کسانی که براعلیحضرت شاه شوریده اند هرگونه وارد عملیات لازم بشوند. تا آنها را شکست دهند و اعلیحضرت شاه باسایش بر مملکت ایران حکومت کند.

۲- در برابر این، اعلیحضرت شاه شهرهای دربند و باکو را با تمام زمینها و جاهائی که مابین دو شهر بسته است و در کنار دریای خزر جای دارند و نیز ایالات گیلان و مازندران و استرآباد را برای تصرف و تصاحب ابدی باعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه واگذار میکند و این سرزمینها از این زمان تا جودان متعلق به اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه و در تابعیت او خواهد بود و اعلیحضرت امپراطور سراسر این نواحی را بدان سبب مایل است بعنوان پاداش بگیرد که سپاهی که اعلیحضرت امپراطور برای یاری اعلیحضرت شاه در برابر شورشیان میفرستد در آنجا نگاهداری شوند زیرا برای نگاهداری این سپاه از اعلیحضرت شاه کمک مالی نخواهد شد.

۳- چون انتقال عده لازم، اسب برای سواره نظام و توپخانه و فرستادن تجهیزات و لوازم و خواربار سپاه اعلیحضرت امپراطور که در برابر شورشیان نزد اعلیحضرت شاه فرستاده میشود بچنین سرزمین دوری از راه دریا ممکن نیست و از سوی دیگر سفیر کبیر و مختار اعلیحضرت شاه اعلام داشته است در ایالاتی که باعلیحضرت امپراطور واگذار کنند عده بسیار اسب میتوان پیدا کرد، بدینجهت فرماندهی که برای یاری نزد اعلیحضرت شاه فرستاده میشود باید در ایالاتی که باعلیحضرت امپراطور واگذار میشود عده اسبی که لازم دارند بدست آورند و اگر نتوانند اسب فراهم کنند در آنصورت عده لازم اسب از جانب اعلیحضرت شاه داده خواهد شد و بهای آن بموجب تقویم ارزیابان خواهد بود و در هر حال نباید بهای آنها از دوازده روبل بیشتر باشد و اما درباره شتر برای حمل لوازم، اعلیحضرت شاه وعده داده است که بی کرایه مجاناً هرچند شتر که لازم باشد در سرحد بدهد. برای خوراک این سپاه اعلیحضرت شاه وعده میدهد هنگامی که برای سرکوبی شورشیان میروند نان و گوشت و نمک را در سراسر راه آماده کنند باندازه ای که احساس تنگی نکنند و اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه باید در برابر آن نان و گوشت و نمک بهائی پردازد و بموجب موافقتی که در این قرارداد شده است بدین ترتیب خواهد بود.

برای هریک من گندم به سنگ شاه ده کوپک برای یک من گوشت گاو بسنگ شاه پنجالتین و یک کوپک برای هر گوسفند که کمتر از چهار من سنگ وزن نداشته باشد یک روبل برای یک من نمک بسنگ شاه دو کوپک و اگر هنگامی که سپاه رهسپار خواهد شد بهای آنها بالاتر از آنچه در

این قرارداد قید شده است باشد در اینصورت اعلیحضرت شاه باید اضافه بها را از قیمت مقرر از خزانه خود بپردازد .

برای آنکه وقت تلف نشود بمحض بازگشتن و رسیدن سفیرکبیر و نماینده مختار سابق الذکر اعلیحضرت شاه بکشور ایران ، برای ذخیره کردن آنچه لازم خواهد شد تدارک لازم بعمل خواهد آمد .

۴- از این پس تا جاودان در میان اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه و دولت روسیه و اعلیحضرت شاه و دولت ایران دوستی برقرار خواهد بود و اتباع هر دو طرف همیشه اجازه دائمی خواهند داشت ، بهر دو کشور سفر کنند و در آنجا بمیل خود آزادانه زندگی کنند و بازرگانان خود را با آنجا بفرستند و هر موقع بخواهند آزادانه برگردند و در این کار هیچگونه مانعی نباید پیش آید و زحمت فراهم گردد و اگر کسی جرئت کند بکسی آزاری برساند از سوی اعلیحضرتین کیفر سخت خواهد دید .

۵- اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه وعده میدهد تا جاودان همیشه دوست دوستان شاه و دولت ایران باشد و دشمن دشمنان شاه و دولت ایران و وعده میدهد در برابری آنها یاری کند و بدیهی است از سوی کشور ایران این دشمنی از هر جانب که باشد اعلیحضرت شاه همین وعده را متقابلاً " با اعلیحضرت امپراطور روسیه میدهد .

عهدنامه منعقدہ بین پطردوم امپراطور روسیہ با اشرف

افغان در رشت (سیزدهم فوریه ۱۷۲۹)

بنام خداوند متعال

بنام ایزد قادر متعال و بخشنده مهربان موافقتنامه زیر اعلام میشود :

چون اعلیحضرت امپراطور پطر دوم پادشاه توانای سراسر روسیہ و غیرہ و غیرہ و غیرہ کہ در دریای خزر و ایالات ساحلی دریا با طرف دیگر یعنی پادشاه سعادتمند اصفہان در ایران و خداوندگار بسیاری از زمینہا و غیرہ و غیرہ همسایہ است بازادہ خداوند متعال اتحاد مقدسی برای وقایعی کہ دارای جنبہ نظامی است و جلوگیری از استعمال اسلحہ ہر دو کشور در برابر یکدیگر برقرار کردہ است . نمایندگان تعیین شدہ از سوی اعلیحضرت امپراطور پطر دوم پادشاه توانای سراسر روسیہ و غیرہ و غیرہ ، عالیجناب آقای محترم سرلشکر واسیلی لواشو دارندہ نشان سنت الکساندر فرماندہ کل سپاہیان روسیہ در گیلان و فرمانفرمای ایالات ساحلی دریای خزر در دارالمرز و از سوی پادشاہ بسیار سعادتمند اصفہان و مالک اراضی و غیرہ و غیرہ سپہسالار بسیار معتمد و بسیار محترم محمد صیدالخان و بیگلربیگی و محترمترین عالیجنابان مستوفی عالی خاصہ میرزا محمد اسمعیل و عمر سلطان و حاجی ابراہیم کہ در میان دربارہای معظم و دولتہای کشورہای معظم و اتباع آنها متفقا " اتحاد حقیقی و دائمی را مفید دانستہ اند و این عهدنامہ دوستی ابدی شامل مواد ذیل بستہ میشود :

۱ - تمام زمینہا و شہرہا با تمام متعلقات آنها کہ در ایران بطرفین معظمتین ضمیمہ شدہ است چہ جاہائی کہ بیش از این سرحد واقع شدہ و چہ جاہائی کہ اخیرا " سرحد معین کردماند بترتیبی کہ در مادہ سوم اعلام شدہ تا جاودان در تصرف طرفین معظمین خواہد بود .

۲ - اعلیحضرت امپراطور روسیہ از سوی دولت معظم خود ارادہ کردہ است کہ ایالت استراباد و مازندران را کہ از ایالات ساحلیست بمناسبت دوستی دیرین کہ امپراطور روسیہ نسبت بہ ایران دارد بایران واگذار کند اما بدین شرط حتمی و استوار کہ این ایالات بہیچوجہ بدولتہای دیگر واگذاشتہ نشود و اگر این شرط را مورد بی اعتنائی قرار دہند ایالات مزبور با ہمہ متعلقات آن دوبارہ تا جاودان و بطور تجزیہ ناپذیر متعلق بامپراطوری روسیہ خواہد شد . و این قرارداد نقض خواہد شد .

۳ - سرحد دو طرف در میان ایالات و زمینہا و شہرہا و ہمہ متعلقات سابق آنها بدین گونه خواہد بود .

از بالای دربند از سوی دریا بداخل زمینہا و از آنجا تا رود کر و تا مصب رود ارس کہ

باب عالی (دولت عثمانی) سرحد قرار داده است و از رود کر تا مصب رود ارس تمام ایالات ساحلی متعلق بامپراطوری روسیه که بلافاصله و از خطی که از بالا میگذرد با ایالات ساحلی دیگر از روی کوهها پیوستگی دارد و نواحی ماسوله و شفت و کهدم و تمام دارالمرزبا سرحدات ایالتی سابق خود مستملکات هر دو طرف معین و منقسم میشود و باید بی هیچگونه بحث و اعتراض باقی بماند و قابل نقض نیست و از محل انتهای این نواحی پس از عبور از شفت از سرحدات آنها تا شاهراه واقع در میان گیلان و قزوین در میان کهدم و زیتون و رودبار تا محل نقله برکه در آنجا کاروانسرا هست و آن کاروانسرا در طرف متعلق بروسیه باقی میماند و از نقله بروکاروانسرا هم از روی رودخانه سبدور میگذرد و از بالای کوهها مستقیماً " بی انحراف به هیچ سوئی درکوه به محلی که مرز محال سام و اشکور و تمیشان با یکدیگر پیوسته میشود .

این محل باید نقطه مرزی باشد و از محل تقاطع خط مرزی از محل اشکور بگذرد و تا مرز تنکابن باید خط مستقیم باشد و اگر مرزهای جدید سابق الذکر از نقله برو کاروانسرا تا سرداب هم تا محل تلاقی خط مرزی و از آنجا تا تنکابن هرجا که میگذرد اگر از وسط هر محال یا بلوک یا ده یا زمین و جنگلها بگذرد باید آن محل در میانه تقسیم شود و هر مقدار زمین در هر طرفی از آنها باقی بماند تا جاودان متعلق بآنطرف خواهد بود و از محل تلاقی خط مرزی سابق الذکر که سرحد مستقیم جدید بطرف مرز تنکابن میرسد و از آنجا هم پس از عبور از سرحدات ناحیه تنکابن تا کنار دریا باید در میان طرفین تقسیم شود و به همین گونه از بالای دربند بخط مستقیم تا مصب رود ارس بنابر سرحداتی که در آنجا تعیین شده دارای اعتبار خواهد بود و از مصب رود ارس هم تا ناحیه کهدم تمام نواحی و محلهای سابق الذکر مطابق حدود ناحیه کهدم است که سابقاً " تعیین شده و در ناحیه کهدم هم شاهراه مذکور از گیلان به قزوین که در میان کهدم و زیتون رودبار واقع است تا محل نقله بروکاروانسرا و از نقله بروکاروانسرا تا محل سرداب و از سرداب تا محل خط مرزی سابق الذکر هم تا تنکابن مرزهای کوهستانیست که سرحد جدید از آنجا خواهد گذشت و از آنجا هم در امتداد سرحدات تنکابن تا کنار دریا خواهد بود .

از سمت چپ بطرف دریا همه نواحی سابق الذکر با همه متعلقات آنها در تصرف اعلیحضرت امپراطور سراسر روسیه و تا جاودان در تملک امپراطوری روسیه خواهد بود .
از سمت راست در داخل اراضی از جاهائی که پادشاه سعادتمند اصفهان در ایران و مالک بسیاری از اراضی در تصرف خود دارد در تملک دربار اصفهان خواهد بود و تا تصویب این قرارداد صلح و اتحاد مقدس از پادشاه سعادتمند اصفهان و مالک بسیاری از اراضی هیچکس بهیچگونه حق ورود بدان نواحی و ارتباط کتبی با آنجا را نخواهد داشت .

۴ - بنابر معمول سابق سفیران و وزیران مختار و کسانی که از طرفین فرستاده می شوند و

از هر دو طرف پیش از وقت عبور آنها را فرماندهان محلی که معین شده باشند اطلاع میدهند دوستانه و با احترام شایان و رفاه و آسایش حرکت داده خواهند شد و پذیرائی و نگهداری از ایشان خواهند کرد و پس از انجام کارهایی که بایشان سپرده مراجعت داده خواهند شد .

۵- نامه‌های دوستانه طرفین معظمین با القاب و عناوین کنونی معتبر خواهد بود و اگر مالکین معظمین از هر دو طرف اراده کنند در القاب عالی خود عنوان ضمیمه شده را بکار ببرند این کار باید اساس استواری داشته باشد و هیچیک از دو طرف حق ندارند عنوان نواحی و اراضی و متعلقات آن اراضی را که تقسیم میشوند در القاب خود بگنجانند و نیز سکه تازه‌ای بزنند .

۶- درباره نزاعها و دشمنی‌هایی که در مرزها بین مردم طبقات زوی میدهد ، فرماندهانی که تعیین شده‌اند برای حفظ صلح و دوستی مقدس که برقرار شده است با حسن نیت و دقت و توجه ، آن اتفاقات سوء را قطع و ریشه‌کن کنند تا اتحاد مقدس طرفین باقی بماند و رعایا در آرامش و آسایش باشند و در این کار باید طرفین با احتیاط کامل مراقبت و دقت کنند .

۷- اگر از طرفی به طرف دیگر مردمی از طبقات مختلف بگریزند و هر دو طرف فراریان را با همه خانواده و دارائی آنها باید بطرف دیگر برگردانند و هیچکس حق ندارد جسارت کند و آنها را در زیر حمایت و پشتیبانی خود بگیرد .

۸- برای نفع بازرگانی آزاد و بی مانع هر دو طرف در میان طرفین و زمینهای متعلق به آنها و رعایا و سکنه اراضی آنها در خشکی و دریا ، پرداخت مالیات معمولی بنا بر رسوم و حقوق سابق بی آنکه اضافه‌ای دریافت کنند معمول خواهد بود و باید حق داشته باشند بی مانع هرگونه کالای خود را دادوستد کنند .

اتباع روسیه در همه کشور و اراضی ایالات حق دارند منافع خود را از بازرگانی دریافت کنند و برای سکناي خود و نگاهداری کالاهای خود خانه و کاروانسرا و انبارودکان بسازند و حق دارند برای تجارت و حمل کالا و کاروانها از راه ایران به هندوستان و کشورها و زمینهای دیگر در عبور آزاد و بیخطر باشند و نیز اتباع دولت ایران متقابلاً " حق دارند در کشور روسیه هر جا که مایل باشند سکونت اختیار کنند و در بازرگانی و سفر آزاد باشند .

۹- در صورتیکه یکی از بازرگانان کشوری در کشور دیگر بمیرد خانه‌ها و کاروانسراها و انبارها و دکانها و کالاهای و دارائی آنها باید بی عیب درجائی پنهان بماند و خوب حفظ و نگاهداری کنند و بی عیب و نقص بورااث قانونی آنها یا کسانی که از جانب دربارهای معظم یا ادارات کتبا " برای تحویل آنها معین میشوند ، آنها را تحویل بدهند .

۱۰- این عهدنامه خداپسندان اتحاد مقدس دوستی با تمام اعتبار و فوائد خود تا جاودان بی نقص و خللی حفظ و نگاهداری و تصویب میشود و بمرورها آراسته خواهد شد و دو نسخه مبادله میشود و برای تأیید این عهد و پیمان صلح ، دو نسخه مطابق یکدیگر از هر دو طرف تهیه شده

است و بامضای نمایندگان مختار سابق الذکر که دارای اختیارات تام هستند رسیده و با مهر ایشان تصدیق شده و مبادله شده است .

درگیلان در شهر رشت در ۱۳ فوریه در سال ۱۷۲۹ "

عهدنامه منعقدہ بین روسیہ و ایران در دشت

ژانویه ۱۷۳۲

بنام پدر پسر و روح القدس

"همه بدانند و آگاه باشند که چند سال است در کشور ایران اغتشاشهای بزرگ روی داده و برخی از اتباع آن دوست بر دولت مشروع خود برخاسته‌اند و نه تنها در آن کشور ناامنی فراهم آورده و ویرانی ایجاد کرده‌اند، بلکه با اتباع امپراطوری روسیه نیز زیان رسانده‌اند.

از این روی که عده‌ای بازرگانان روسی که بایران پناه برده بودند زیان بسیار برده‌اند و چندین صدهزار روبل از دارائی ایشان بغارت رفته و بسیاری از ایشان و پیشکارانشان را آزرده‌اند و نیز از فرمان پادشاه خود سرپیچیده‌اند و این کار دولت ایران را بخطر بزرگ انداخته است و بدین سبب امپراطور بزرگ پتر کبیر که خدای ویرا در رحمت خود جای دهد و امپراطور شاهنشاه همه روسیه بوده چه برای پاسبانی از ولایاتی که نزدیک ایران بود و چه برای آنکه مانع شود دولت ایران از پای درآید، ناچار لشکریان خود را بولایات ایران فرستاد و بایشان فرمان داد در برخی از این ولایات و شهرها که در کنار دریای خزر هستند فرود آیند، یعنی بدان جاها که مردم از سرکشان که بر شاه برخاسته بودند و وی را مغلوب کرده درامان باشند و ایشان آن سرکشان را راندند و در نتیجه این لشکرکشی، سلطنت ایران اکنون در آسایش میتواند اصفهان را پایتخت خود کند و شاه بر تخت نیاکان خود بنشیند و پیشرفتهای دیگر فراهم کند.

اینک امپراطور یس بزرگ آنا یوانوئا که فرمانفرمائی وی قرین آسایش و امپراطور تریس و فرمانروای سراسر روسیه است و لشکریان فراوان در اختیار دارد، فرمان داده و اراده فرموده است همه گونه یاری با اعلیحضرت شاه بکند و چون از نیکاندیشی آن اعلیحضرت همایون، اعلیحضرت امپراطور یس آگاه شده است و از نظر دوستی و حسن همجواری و اینکه همواره خواستار نیکبختی اعلیحضرت شاه است و امیدوار است که وی بتواند از همه ناگواریهایی که در راه پادشاهی موروث او است در زینهار باشد، بنمایندگان مختار خود که در گیلان هستند و مخصوصاً "بکسانی که در ولایات متصرفی اقامت دارند، یعنی سرتیپ نجیب والامقام آقای واسیلی لوشو (۱) دارای نشان سنت الکساندر از درجه کاوالر و آقای بارون پتر شافیرو و مشاور فعلی دولتی فرمان داده است وسائل برقرار ساختن و استحکام دوستی دیرین دولتین را فراهم کنند و وارد گفتگو شوند و با نماینده مختار اعلیحضرت شاه ایران عالی‌جاه میرزا محمد ابراهیم مستوفی سرکاری خاصه که

از سوی اعلیحضرت شاه ایران اجازه رسمی و اختیار تام دارد قرار می‌گذارند و طرفین که از جانب پادشاهان بزرگ خود اختیار دارند پس از گفتگو عهدنامه دوستی مؤبد را باین شرایط امضاء کردند.

۱ - همه اختلافات و عملیات خصمانه که تاکنون از این سوی ایران وارد آمده و از آن سوی ایران وارد آورده است از هر دو طرف کاملاً "فراموش خواهد شد و امید است که پادشاهان دولتین علیتین روابط دوستی و همسایگی دیرین را در میان خود برقرار کنند و از این بعد بدخواه یکدیگر نباشند و یکوشند دشمنیها را هم اکنون و از این پس از میان بردارند.

۲ - طرفین بوسیله این عهدنامه که بفرمان امپراطور بزرگ روسیه دوستی صمیمانه خود را بظهور میرسانند، آنرا اعلام میکنند و از امتیازاتی که امپراطور روسیه که خدا ایشان را بیامرزد بوسیله عهدنامه یا قوه قهریه و با تحمل مخارج گزاف از جانب لشکریان بدست آورده‌اند، برای رفاه مردم ولایات ایران، لشکریانشان میلیونها از کیسه خود خرج کرده‌اند و از آغاز ورود بایران زیان و خسارت بسیار برده‌اند چشم می‌پوشند و تعهد میکنند که یکماه پس از امضاء و مبادله این عهدنامه ولایات لاهیجان و رانکوه و متعلقات آنرا بتصرف عالیجاه نمایند مختار سابق - لئذاکر واگذار کنند و در اختیار کامل شاه ایران بگذارند و منتظر امضای آن از طرفین نخواهند شد. و اما گیلان و استرآباد و سایر نواحی کنار رود کور پنج ماه پس از آنکه این قرارداد بامضای شاه ایران رسید و آنرا تصدیق کرد و اگذار خواهد شد زیرا که مردم این نواحی اکنون در پرتو حمایت لشکریان اعلیحضرت امپراتر بزرگ در کمال رفاه و آسایشند و منافع ولایت کهدم و شفت یکماه پس از آن و عایدات ولایات دیگر که در کنار رود کور هستند سه ماه پس از امضای این قرارداد و تصدیق آن از جانب اعلیحضرت شاه از تصرف ماموران امپراطوری روسیه خارج خواهد شد و بتصرف کسیکه از جانب اعلیحضرت شاه مامور دریافت آن خواهد شد در مدت پنج ماه داده خواهد شد.

اما ولایات محال دیگر ایران در آنسوی رود کور که در تصرف امپراتر بزرگ روسیه است و اکنون رسماً "بموجب قرارداد در دست ماموران اوست، امپراتر بزرگ روسیه نمیخواهد این نواحی را جزء کشور خود کند، بلکه قول میدهد بمحض اینکه رفع خطر بشود یعنی اعلیحضرت شاه دشمنانی را که اکنون دارد از کشور خود براند و آنها را مغلوب خود بکند و کشور را آرام کند، آنها را در اختیار شاهنشاه بگذارد.

تصرف این ولایات بدست لشکریان امپراطوری روسیه دلیلی دیگر بجز خیرخواهی نسبت به شاه ایران و پشتیبانی از او نداشته است تا مبادا روزی که لشکریان امپراتر بزرگ روسیه ناگهان از این ولایات و نواحی بیرون روند، مردم چادر نشین کوهستانی که در آنجا هستند با مخالفین شاه ایران یار شوند و دوباره ناامنی فراهم آورند چنانکه پیش از این، این نواحی آسیب بسیار دیده‌اند و اکنون در پرتو حمایت لشکریان خود را از این ولایات دیگر ایران که متعلق به

ایرانست احضار خواهد کرد و فرمان خواهد داد که این ولایات را بی هیچ عذری بدولت ایران واگذار کنند .

اما امپراطور پروس بزرگ روسیه صلاح را در آن میداند نواحی را که ناوگان روسیه ماموران امپراطور پروس بزرگ گشاده اند و شاه ایران واگذار میکنند بهیچوجه بدولت دیگری واگذار نکنند و اعلیحضرت شاه ایران از این گذشت امپراطور پروس روسیه سپاسگزار خواهد بود و دوستی وی را خواهد پذیرفت و قول میدهد که در برابر ، از هیچگونه دوستی با امپراطور پروس روسیه دریغ نکند .

۳ - بهمین جهت و برای سپاسگزاری اعلیحضرت شاه ایران از جانب خود و جانشینان خود اعلان میکند که همیشه با امپراتریس بزرگ روسیه روابط دوستی و حسن همجواری موبد خواهد داشت در همه قلمرو و محال کشورش بازرگانان در کمال آزادی و آسودگی رفت و آمد کنند و از این پس در برابر کالائی که از روسیه به ایران میبرند و خرید هائی که در برابر آن با ایرانیان و دیگران میکنند و آنچه در آنجا میخرند و مبادله میکنند گمرک ندهند و بیهمه شهرها و ولایات که فرمانروایان وی در آنجا هستند و بعمل گمرک فرمان خواهد داد که هیچگونه گمرک و عوارض دیگر از بازرگانان روسی نخواهند و نگیرند و با ارائه ، نامه های رسمی از حکام نواحی سرحدی خاک امپراطوری که این کالاهای آن اتباع امپراطوری روسیه است در همه جای کشور قلمرو و محال متعلق با اعلیحضرت شاه ، این بازرگانان اجازه داشته باشند و بی گمرک وارد شوند و نیز اگر اتباع روسیه بخواهند از قلمرو کشور اعلیحضرت شاه ایران برای کارهای بازرگانی به هندوستان یا کشورهای دیگر بروند در عبور و مرور ایشان چه از راه خشکی و چه از راه دریا ، گمرکی گرفته نخواهد شد و هیچگونه عوارضی بدولت ایران نخواهند داد و هدایا و رشوای بهیچ عنوان و دلیل داده نخواهد شد و امید است درباره محاکمه و مجازات و در مورد وامها و ضررهائی که با اتباع روسیه باید پرداخته شود و حکام زیر دست اعلیحضرت شاه ایران باید استیفا کنند ، همیشه بحق ایشان برسند و امید است هیچگونه بیداد و تعدی را درباره ایشان روا ندارند و به ایشان اجازه دهند خانه مسکونی و کاروانسرا و دکانی را که برای بازرگانی خود لازم دارند بسازند و کالای خود را در آنجا بگذارند و حکمرانان ایران هرگونه یاری با ایشان بکنند و اگر درجائی زیانی بدارائی بازرگانان روسی برسد امید است در کشور اعلیحضرت شاه ایران فرمان داده شود که درباره این بیچارگان برای آسایش و تامین اجناس و لوازمشان ، اتباع ، ایران همه گونه یاری بکنند و نیز در چنین موارد دشوار امان اکید بدهند که در کشتیهای شکسته ایشان هیچگونه غارت بعمل نیاید و نیز اگر اتفاقاً " مرگی برای یکی از اتباع روسیه در آن سرزمین پیش بیاید اموال متوفی بی کم و کاست بدرخواست شرکای ایشان به کسانشان داده شود و در برابر امضای ایشان بی نقص تحویل بدهند .

۴ - در مقابل با اتباع ایران که در روسیه هستند یا از آنجا به کشورهای دیگر برای بازرگانی میروند وعده داده میشود که از جانب امپراطور پروس بزرگ روسیه از هرگونه یآوری و آزادی در برابر

احکام و سنن روسیه چنانکه شایسته اتباع دولت دوست است برخوردار شوند و در برابر هر گونه درخواستشان با کمال انصاف یاری خواهند کرد و در این زمینه از جانب امپراتریس بزرگ روسیه در شهرها و همه نواحی که فرمانبردار حکمرانان تابع امپراطور روسیه‌اند دستور داده خواهد شد همچنانکه شایسته اتباع دولت دوست است بوسیله فرامینی که صادر میشود در همه نواحی دولت امپراطوری بزرگ روسیه هرگونه مساعدت با ایشان بکنند و درخواستهایشان را برآورند و از هرگونه حمایت برخوردار شوند و نیز از جانب امپراتریس بزرگ روسیه تعهد میشود درباره باززگانی که از کشور شاه ایران با اسناد رسمی و معتبر دولتی برای خرید کالاهائی برای شاه ایران بروسیه می‌ایند این کالاها را بپاس احترام به شاه ایران از گمرک دولتی معاف دارند و بنابر رسوم قدیمی لازمه احترام درباره ایشان مرعی خواهد بود و از یابوری و پذیرائی خود داری نخواهند کرد اما بشرط اینکه این باززگانی بنفع مردم ایران باشد، تا آنها بدینوسیله بجز برای شاه ایران کالاهائی بدست نیاورند و کالا را برای باززگانی خصوصی تحصیل نکنند.

۵- چنانکه پیش از این ذکر شد از آغاز سرکشی شورشیان در کشور ایران و قیامشان در بوابه اتباع شاه ایران به بسیاری از باززگانان روسیه آسیب رسیده است و صد هزار روبل دارائی ایشان بغارت رفته و در نتیجه باززگانان روسیه ورشکست شده‌اند و بدین سبب امپراطور روسیه که از این گرفتاریهای اتباع باوفا خود متأثر شده است فرمان داده است به پیشگاه شاه ایران عرضه دارند تا درباره این اتباع امپراتور روسیه بزرگ روسیه، که باززگانان روسی باشند از جانب اعلیحضرت همایونی دادخواهی بکنند و اموال بغارت رفته آنها را عوض بدهند و اعلیحضرت همایون شاه ایران هم عقیده دارند که آن دادخواهی بعمل آمده است ولی اظهار میدارند که این کار در زمان قیام سرکشان شده اما قول میدهند که هرگاه خداوند توانا به اوتوانائی بدهد که این نواحی را به تسلط خود درآورد در آن هنگام فرمان خواهد داد بدادخواهی آسیب رسیدهگان و اتباع امپراتریس بزرگ روسیه رسیدگی کنند و پس از بازرسی چون معلوم شد مرتکب غارت و کشتار اتباع روسیه، که بوده است متعهد میشود که دادرسی کند و حکم خواهد داد، مقصران یا وراث آنها جبران خسارت اموال منقول یا غیرمنقول اتباع آسیب دیده روسیه را بکنند.

۶- بدانگونه که روابط دوستی و همسایگی اقتضا دارد که برای ادامه روابط دوستانه رفت و آمد طرفین تنها در میان دولتین و در بارها و اقامتگاه وزیران طرفین بنابر اقتضای اراده شاهانه نباشد بلکه در نقاط مهم کشور هم برای رسیدگی بکار باززگانان کسانی باشند که در مرتبه کنسولی یا نمایندگی دانا و بصیر باشند و بتوانند ر موقع لزوم زیانهائی را که به باززگانان میرسد جبران کنند و نیز در میان ایشان دادرسی کنند و انواع وسائل را بکار ببرند تا باززگانی توسعه یابد. بدینجهت قرار شده است برای اینکه در هر دو کشور در دربار و مقرر آن چه از جانب دولت

امپراتور روسیه و چه از جانب دولت شاه ایران وزیر مختار بتوانند مقیم باشند و امتیازاتی را که در خور مقام و اهمیت کار و شخصیت آنها مطابق شئون و دولتی که ایشان را انتخاب کرده است باشد باید در هر دو کشور به آنها مسکن مناسب و وسیله معاش نسبت بوضع آنها بدهند و اما در شهرهایی که لازم خواهد شد برای حمایت از بازرگانان مقیم باشند اجازه داده خواهد شد در هر دو کشور قنصلوها و نمایندگانی مقیم باشند و بفرآور مقامی که در دولت خود دارند همه جا بایشان احترام و یابوری بکنند و به نیروهای هر دو طرف فرمان داده خواهد شد که به ایشان احترام بگذارند و از هر نوع بی حرمتی و زیان، ایشان را کاملاً "حراست بکنند و چنانکه ضرری بایشان رسید و شکایتی درباره اتباع یکی از دو طرف کردند هرگونه دادرسی و حکمیت منصفانه بکنند و بشکایات آنها برسند.

۷- همه مردم ایران و اتباع شاه ایران که هنگام ورود و اقامت لشکریان روسیه در ولایات و شهرهای ایران که پیرو فرمان و تبعیت امپراطوری بزرگ روسیه بودند دولت شاهنشاهی نباید ایشان را مقرر بداند، تا هنگامی که لشکریان روسیه از آنجا بیرون میروند در برابر خدماتی که کرده اند بشخص ایشان آسیبی نرسد و املاکشان هم از تعرض مصون باشد، بلکه کافی السابق مالک املاک و دارائی خود باشند و از مهربانی و سرپرستی شاه ایران برخوردار باشند.

در مقابل از طرف امپراتور روسیه نیز تعهد میشود که پس از امضای این عهدنامه و مبادله آن اتباع شاهنشاه ایران را از این ولایات باسارت نبرند و پس از امضای این عهدنامه به ایشان اجازه داده خواهد شد بکسانی که مایلند داوطلبانه وارد خدمت روسیه بشوند و نیز اگر بخواهند از آن خارج شوند اجازه داده خواهد شد.

۸- واختان پادشاه گرجستان که تاکنون نسبت به امپراطوری بزرگ روسیه و شاه ایران وفادار بوده از دا رائی خود محروم شده است شاه ایران متعهد شده است هنگامیکه گرجستان کافی السابق در تحت حمایت ایران قرار بگیرد کافی السابق املاک و دارائی وی به او بازگردد. این قرارداد بوسیله نمایندگان مختار طرفین بسته شد و از جانب هر دو کشور نسخه ای بامضای نمایندگان مختار طرفین رسید و بمهر ایشان تصدیق شد و مبادله گشت و ایشان بعهده گرفتند با اختیار تامی که در این زمینه از طرفین دارند چه از جانب امپراطوری بزرگ روسیه و چه از جانب شاهنشاهی بزرگ ایران این عهدنامه را هرچه زودتر که ممکن باشد مضاء کرده و به مهر دولتی برسانند و ارسال دارند در رشت گیلان در ۲۱ ژانویه ۱۷۳۲ بامضاء رسید.

در ضمن نمایندگان مختار امپراطوری بزرگ روسیه تعهد میکنند که تا چهار ماه پس از مبادله این عهدنامه آنرا بامضای امپراتور روسیه بزرگ روسیه برسانند و بفرستند و موقع استرداد ولایات معهود در این عهدنامه از وقتی خواهد بود که این عهدنامه بامضای شاهنشاه ایران فرستاده شود و تسلیم نمایندگان امپراتور روسیه بزرگ روسیه بشود.

عهدنامه منعقدۀ در گنجه بین ایران و روسیه

مارس ۱۷۳۵

بنام خداوند بخشنده مهربان

سپاس خدای را که دوستی در میان دولتین را برای آرایش جهان برقرار ساخته و موافقت در میان آنها را برای آرامش همیشگی هر دو دولت فراهم کرده و نزود ابدی بر پیامبری که با نوشته خود از خداوند مسیح پسر مریم خبر داده است با و پناه میبریم و از او آمرزش التماس داریم . بدینگونه بر همه آشکار است که از چند سال پیش دولت ایران (فارس) از تاخت و تاز لشکریان دشمن لگدکوب و ویران شده بود و سرکشان در آنجا بیدادگری بسیار کرده بودند و از هر سوی مزاحمت فراهم آورده بودند و بدخواهان از هر راه میکوشیدند با ستمگری خویش وسایل انقراض کامل آنرا فراهم آورند و درهای نعمت را بروی مردم ببندند اما خداوند توانا که بقدرت خود که همه کس را مشمول عنایت خویش قرار داده است و مردم ایران را نیز از آن برخوردار کرده است مرا نیز از لطف عمیم خود بهره مند کرده است .

بدینگونه بالشکریان فراوان از شهر پایتخت خراسان برای تنبیه و سرکوبی دشمنان برخاستم و به سعی من شهر اصفهان و نواحی دیگر از دشمنان پاک شد و اگرچه آن دشمنان میخواستند دوستی دیرین و استوار و تباہ نشدنی در میان امپراطوری روسیه و دولت ایران را از میان ببرند و بدعتهای نادرست پدید آورند که گوئی امپراطور روسیه ولایاتی را که از ایران گرفته است مانند نواحی دیگر میخواهد در تصرف خود نگاهدارد و بوسیله این تهمت ها خواستار دشمنی در میان دو دولت بودند .

اما بر همه واضح و مخصوصاً " بر اهالی ایران میرهن است که به چه سبب امپراطور بزرگ اعلیحضرت پتر اول که خدایش بیامزد شهرها و ولایات ایران را متصرف شده تا مدتی در تصرف خود داشت اما پس از چندی که موقع را مناسب دید برای اثبات حسن نیت و دوستی صمیمانه خود و دروغهایی که بناروا در میان بود بلکه تنها برای اظهار دوستی حقیقی گیلان و ولایات آبادان دیگر را که از خزانه روسیه اداره میشد بی آنکه اجباری در میان باشد به دولت ایران واگذار کرد و بدینگونه بنفع مشترک دولتین علیتین و برای آنکه دوستی حقیقی که در میان بود تا جاودان برقرار بماند و در آینده این دوستی نیز توسعه یابد و بیشتر شود .

طرفین برای گوشمال دادن دشمنان و پیوند دوستی محکم عهد کردند و بدین کنیاز سرگی گالیتسین رایزن مخصوص والا مقام نماینده مختار صاحب نشان درجه دوم که اکنون در ایران

است بفرمان عالی و بپاداشتن اختیارات تام از جانب امپراتریس بزرگ روسیه درباره قرارهای مختلف این عهدنامه موافقت کرد و اتحاد همیشگی در میان دولتین برقرار شد و امید است که این عهدنامه تا جاودان از هر خللی مصون باشد.

مقدمه - اگر در رشت از طرفین در عهدنامه‌ای که منعقد شده مقرر شده است که شهرهای باقی مانده مانند باکو و دربند در تصرف روسیه، بواسطه حسن نیتی که نسبت بدولت ایران دارد برای آنکه اوضاع سابق برقرار شود و بهترین راه را در این زمینه بیابد و بنزدیکان و دوران نشان دهد که دولت روسیه هرگز اراده نداشته است قسمتی از خاک ایران را در دست خود نگاهدارد و تنها از عنایت شاهانه و لطف عمیم خود خواسته است پیش از آنکه آن موعده برسد، شهرهای باکو و دربند را با همه متعلقات و مضافات آن مانند سابق بدولت ایران مسترد دارد و بمحض اینکه فرصت اجازه دهد لشکریان روسیه را از آنجا بیرون ببرد

لهذا چنین مقرر شده است شهر باکو با مضافات آن در ظرف دو هفته و شهر دربند و مضافات آن تا سرحد در ظرف دو ماه پس از انعقاد این عهدنامه و اگر فرصت اجازه دهد پیش از آن از لشکریان تخلیه خواهد شد و داغستان و نواحی دیگر که جزو شمال و اوسمی هستند کما فی - السابق در تحت تصرف دولت ایران خواهد بود.

مواد این عهدنامه چنین مقرر میشود:

- ۱- در برابر این مهربانی و دوستی که امپراطوری روسیه میکند، دولت ایران متعهد میشود، همیشه اتحاد خود را با امپراطوری روسیه محترم شمارد و دوستان روسیه را جدا "دوستان خود و دشمنان آنها را دشمنان خود بشمارد و هرگاه کسی با کسی یا یکی از این دو دربار فلک مدار وارد جنگ شود این هردو دربار بزرگ، با آن جنگ را آغاز کنند و در هر مورد یاور یکدیگر باشند و شهرهای باکو و دربند بهیچوجه و هیچ عنوان به اختیار دیگران مخصوصا "دشمنان مشترک و اگذار نشود بلکه همه گونه کوشش بکنند که در تحت تسلط دولت ایران بمانند و اگر برخی از اهالی این شهرها که در تحت تبعیت و خدمت امپراتوری بزرگ روسیه و امپراطوری روسیه باشند و در نتیجه وفاداری خود بانجا بازگردند، دولت ایران هیچگونه آزار درباره ایشان روا ندارد و آن کار را دلیل بی وفائی نسبت بدولت ایران نداند.

امید است صومعه نصارای گرجی که در دربند هست همچنان در مقررات خود آزادی داشته باشد و آنها ویران نکنند و اجازه دهند در آنجا بنابر دین مسیح بعبادت پردازند و هیچکس زجمتی برای کارکنان آن که از روحانی و غیر روحانی بیش از شش تن نیستند در عبادت ایشان فراهم نکند و هیچگونه ستم بآنها روا ندارد.

- ۲- نفع ایرانیان در این است که این صومعه با این تصمیم مفیدی که اکنون گرفته میشود در کوتاه کردن دست دشمنان اهتمام ورزد تا بخواست خداوند دشمنان دولت ایران و دشمنان

خود را براندازد و بحال سابق بازگردند و نیز با امپراطوری روسیه نشان دهند که کما فی السابق خطری از جانب ایشان متوجه نیست. دولت ایران خواهد کوشید بهرگونه سعی کند جنگی را که در برابر دشمنان آغاز شده است با اتمام و سعی فوق العاده دنبال کند تا از ایشان انتقام بگیرد و همه ولایات نه تنها ولایات کنونی بلکه ولایاتی را که سابقاً از دولت ایران مجزی شده و گرفته اند بآن دولت برگردانند و از دشمنان بگیرند و تا همه آنها کما فی السابق بدولت ایران مسترد شده است قرار صلح بکنارند و اما به کفر خد عمای که از ترکان سرزده است آن جنگ را در داخل دو کشور خود ادامه دهد و تا وقتی که دولت ایران همه ولایات خود را پس نگیرد تا است در جنگ بماند زیرا منافع دولت ایران چنین اقتضا میکند.

۳- طرفین متعهد میشوند بیش از آنکه با یکدیگر گفتگو کنند بهیچ مذاکره‌ای با ترکان وارد نشوند و اگر کار بآنجا کشید که اسلحه در این مورد بکار برآید یا با بعالی بطیب خاطر هم‌آن ولایات گرفته شده را بدولت ایران مسترد دارد و صلح با این دولت را بهمان اساس سابق برقرار کند، در این حال دولت ایران تعهد میکند در این مصالحه دولت امپراطوری روسیه را نیز شریک بداند، بدینگونه که دولت ایران با دولت روسیه قراردادی دارد که بنا بر آن وظیفه دارد همه دشمنان روسیه را دشمن خود بداند و با تمام کسانی که بخواهند با امپراطوری روسیه جنگ داشته باشند دولت ایران وظیفه دارد با آنها وارد جنگ شود و مصالحه را با این توضیح برقرار کند و بی آن قراری نگذارند و اگر وقتی در میان امپراطوری روسیه و بعالی در آتیه کار بعد نامهای برسد در آن حال نیز بهمین طریقی که توضیح داده شده است دولت ایران را نیز در آن دخیل خواهند کرد.

۴- در عهدنامه‌ای که در رشت در میان دو دربار منعقد شده (ژانویه ۱۷۳۲) بجز موادی که پیش از این بموقع اجرا گذاشته شده است باید این ماده از این بعد از مواد آن شمرده شود و کلمه به کلمه جزء آن باشد و با این عهدنامه اتحاد همیشگی تجدید میشود و استوار میگردد، و عهدنامه‌ای خواهد بود که تا جاودان اعتبار خواهد داشت.

۵- چون منافع طرفین اقتضا دارد که تجارت برپایه‌ای استوار، برقرار گردد و اتباع طرفین هیچگونه اشکالی در فرستادن کالا نداشته باشند و این لازمه نفع طرفین است باینجهت دولت ایران تعهد میکند از این بعد با بازرگانان روسی بنا بر مقررات عهدنامه رشت وارد داد و ستد شود و بایشان و کشتیهایشان اجازه دهد در همه لنگرهاها و کرانه‌ها و باراندازها بایستد و کالای خود را بهر جا بخواهند خالی کنند و در آنجا گرد آورند و بجای دیگر ببرند و کسی مزاحم بازرگانی ایشان نشود و ستمی رواندard و اگر فرامین بعد از شهرهائی که این بازرگانان روانه آن هستند فرستاده شده که مغایر با عهدنامه رشت باشد آنها را ملغی باید دانست و بآنها رفتار نکنند و باید در این زمینه بوسیله فرامین دیگر مقرر دارند که مفاد عهدنامه رشت در همه جا عملی شود و بهمانگونه از طرف دولت روسیه با اتباع و بازرگانان ایران بموجب مواد همان عهدنامه رشت رفتار خواهند کرد و درباره‌ی اتباع ایران در امپراطوری روسیه بهمانگونه رفتار

کنند که اتباع دولت دوست رفتار خواهند کرد .

برای آنکه فایده این عهدنامه بیشتر باشد امپراتریس بزرگ روسیه لطفاً " قنسولی مأمور رشت خواهند کرد و بزودی از دربار عالی روسیه با اعتبارنامه لازمه امپراطوری فرستاده خواهد شد و از جانب ایران پذیرفته خواهد شد و فرمان درباره وی صادر خواهد گشت .

۶- بدین سبب و برای ادامه دوستی در میان طرفین امپراتریس روسیه پیش از هر وظیفه دیگر بنابر عدالت پروری خود و بیاس نمایندگی که این بنده درگاه داشته است ، فرمان داد اسیران اینطرف نه تنها کسانی را که در حال حاضر در اسارت هستند ، بمیرزا کاظم نماینده مختار ایران مسترد دارند ، بلکه در سراسر کشور خود فرمانی صادر کند که اسیران را از هر طرفی برای بازگرداندن بایران بیاورند و بهمین گونه همه اتباع و ساکنان امپراطوری روسیه را بهر اندازه که درهرجا باشند بروسیه بازگردانند و در این زمینه بهمه جای ایران قوامین فرستاده شود و اما کسانی که از این بعد از دوطرف دور بشوند باید آنها را طرفین دستگیر کنند و مسترد دارند .

۷- این بنده درگاه غالبی با نماینده مختار نام برده که از دربارهای عالی خود اختیار داریم در مواد این عهدنامه اتحاد موافقت کردیم . برای آنکه تاجاودان آنرا تأیید کنیم به مهر اعلیحضرت شاه ظل الله مزین شده و بنماینده عالی مقام مذکور تسلیم شده است و در مدت پنج ماه پس از امضای این عهدنامه به تصویب خواهد رسید و همه مواد آن با اجرا گذاشته خواهد شد و بامضای مسئولین دیگر خواهد رسید و به حضور امپراتریس بزرگ روسیه فرستاده خواهد شد . حضور امپراتریس بزرگ روسیه فرستاده خواهد شد و این بنده درگاه متعهد میشود آن را برساند . برای اطمینان از این عهدنامه اتحاد مقرر شده است در دو نسخه مطابق یکدیگر تهیه شود و هر دو آنها بمهر برسد و مبادله شود .

قرارداد منعقدہ بین ایران و انگلیس در ۲۵ نوامبر

(۱۸۱۴) مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۲۲۹

الحمد لله الوافی الکافی ، اما بعد ، این خجسته اوراق دسته گلی است که از گلزاری بی خار و فاق رسته و بدست اتفاق و کلاء حضرتین بهیبتین برسم عهدنامه مفصل برطبق صدق خلود پیوسته میگردد .

چون قبل از آنکه عالیجاه زبده السفرا سره فرید جونیس بارونت از جانب دولت بهیه انگریز بجهت تمهید مقدمات یکجہتی دولتین علیتین وارد دربار شہر اقتدار شہریاری شده بود ، عهدنامه مجملی فیما بین و کلاء دولت علیہ ایران جناب میرزا محمد شفیع صدراعظم بالقابہ و حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک باوصافہ با مشارالیه کہ وکیل و سفیر دولت بهیه انگریز بود بشروط چند کہ تبیین آن بہ عهدنامہ مفصلی رجوع شدہ مرقوم گردیدہ بود و عهدنامہ مزبورہ علیّ شرایطہا بتصدیق و امضای دولت بهیه انگلتر مصدق و ممضی آمد .

بعد کہ عالیجاه سرگوراوزلی بارونت بالقابہ ایلچی بزرگ دولت مزبورہ برای اتمام عہود و انجام مقصود حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناہ پادشاهی گردید ، از جانب فرخندہ دولت وکیل و کفیل درباب یکجہتی بود و وکلای ان ہمایون حضرت قاہرہ بصلاح و صوابدید مشارالیه عهدنامہ مفصلہ مشتملہ بر عہود و شروط معینہ مرقوم و مشروح ساختہ بعد از آنکہ عهدنامہ یک جہتی و اتحاد مزبور منظور دولت بہیہ انگلتر گردید چند فصل از آن با تغییرات چند بہ مقتضای مراسم یکجہتی و اتحاد دولتین علیتین انسب دانستہ عالیجاه ہنری الیس را روانہ در طی نامہ دوستانہ خواہشمند تغییرات مزبور گردید .

لہذا جناب صدر معزی الیہ و نایب الوزارہ میرزا بزرگ قائم مقام و میرزا عبدالوہاب منشی الممالک ، و کلاء دولت علیہ ایران با عالیجاه مستر موریہ بالقابہ ، ایلچی جدید دولت بہیہ انگلتر و عالیجاه مشارالیه شروع در تفصیل شروط و عہود کردہ مقاصد معاہدہ میمونہ از قراری است کہ بعد از تغییرات مزبورہ در فصول یا زدہ گانہ لاحقہ شرح دادہ خواہد شد .

فصل اول - اولیای دولت علیہ ایران برخود لازم داشتند کہ از تاریخ این عهدنامہ فیروز ہر عہد و شروطی کہ بہر یک از دولتہای فرنگ با دولت بہیہ انگلتر ، در حالت نزاع و دشمن باشد بستہ اند باطل و ساقط دانند و لشکر فرنگیان را از حدود متعلقہ بہ خاک ایران راہ عبور بسمت ہندوستان و طرف بنادر نہند . واحدی از این طوایف را کہ قصد ہندوستان و دشمنی با دولت بہیہ انگلتر ، در سراسر است نگذارند کہ داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبورہ خواہند کہ از راہ خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیرہ عبور بمملکت ہند نمایند ،

شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبور بازدارند خواه از راه تخویف و تهدید خواه از روی وفق و مدارا .

فصل دوم - چون این عهدنامه خجسته که در میان دو دولت ابد مدت بدست دوستی و صدق بسته اندامید چنان است که بخواست خدای یگانه از هرگونه تغییر و تبدیل مصون و روزبروز ملزومات و مقتضیات یکجتهی و یگانگی درمیانه افزون و پیوند موافقت و موحدت میان این دو پادشاه ، جمجاه فلک دستگاه و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزراء و امراء و ولات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالاباد برقرار و استوار باشد .

پادشاه و الاجاه انگلیز قرارداد مینماید که بر سر امور داخله ایران فیما بین شاهزادگان یا امرا و سردارها مناقشتی روی دهد دولت بهیه انگیز را در آن میان کاری نیست تا شاه وقت خواهش نماید و احیاناً " اگر احدی از مشارالیهام ولایتی و جائی از خاک متعلقه ایران را به آن دولت بهیه بدهند که بازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز اولیای دولت بهیه انگیز باین اقبال نکرده پیرامون آن گردند و دخل تصرف در خاک متعلقه بدولت ایران نخواهند کرد .

فصل سوم - مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک بیکدیگر نمایند بشرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردند .

این عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد ملک خارج از خود نمودن است و خاک متعلقه بهریک از دولتین ایران و روس از قرار نیست که باطلاع و کلاء دولتین ایران و انگلتر و دولت روس بعد از این مشخصو معین گردد .

فصل چهارم - چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیما بین دولتین علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه‌ای از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس خواهش مزبور را بعمل آورند و لشکر بقدر خواهش و سردار و اساس جنگ از سمت هندوستان به ایران بفرستد و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیه انگلیس مبلغی وجه نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیما بین دولتین قویتین بسته میشود معین خواهد شد .

الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه باشد و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه‌ای از طوایف فرنگستان نمایند ، امداد مذکور از جانب دولت بهیه انگیز داده نخواهد شد چون وجوه نقد مذکور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی بهیه دولت انگیز را لازم است که از رسیدن آن به قشون مستحضر

و خاطر جمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود.

فصل پنجم - هرگاه اولیای دولت ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ معلم بایران بیاورند مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیه انگلتر نزاع وجدال نداشته باشند معلم بگیرند.

فصل ششم - اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت بهیه انگریزمیباشد نزاع وجدال با دولت علیه ایران نمایند پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت نمایند که فیما بین دولت علیه ایران آن طایفه صلح واقع شود و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاء انگلستان بطریقی که مرقوم شده از مملکت هند عسکرو سپاه کمک ایران مأمور کند، یا آنکه دویست هزار تومان مقرر را برای خرج وعساکر وسپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند و این اعانت و امداد مادام که جنگ فیما بین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیه ایران صلح ننمایند مضایقه نشود.

فصل هفتم - چون قرارداد مملکت ایران این است که موجب قشون شش ماهه شش ماهه داده میشود قرارداد تنخواهیکه بعوض عساکر از دولت بهیه انگریز داده میشود این شد که تنخواه مزبور را ایلچی آندولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر و بیشتر مهم سازی نمایند.

فصل هشتم - هرگاه طایفه افاعنه را با دولت انگریز نزاع وجدالی باشد اولیای دولت از اینطرف لشکر تعیین کرده به قسمتی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیه انگریز اعانت نمایند و وجه اخراجات آنرا از دولت انگریز بگیرند از قراری که اولیای دولتین قطع و فصل نمایند.

فصل نهم - اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگریز را در آن میای کاری نیست و بهیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردد.

فصل دهم - اگر از روسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یا غی شود و فرار به ولایت انگریز نماید، بمحض اشارات امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون نمایند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبوره اشاره از امنای دولت ایران درباره او بحاکم آن حدود برسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از مخالفت اگر آنکس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و همچنین از جانب دولتین معلوم است که شرایط این فصل مذکور از طرفین استقرار پذیرفته.

فصل یازدهم - اگر در بحرالعجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگریز بشرط امکان و فراغ بال کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آن را موافق برآورد آنوقت قطع فصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن خورها و لنکرگاهها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان میدهند و از جاهای دیگر بی رخصت و ضرورتی عبور نکنند.

نتیجه

در صفحات قبل در خصوص روش سیاسی روسیه و انگلیس و فرانسه در نیمه اول قرن نوزدهم تا آنجائی که ممکن بود بحث شود سعی گردید که سیاست های استعماری کشورهای اروپائی در ایران و موقعیت کشور ما و نتایج انعقاد قراردادهای مختلف با فرانسه و روسیه و انگلستان روشن شود، ضمناً واضح گردید که نقشه ناپلئون برای تصرف هندوستان و اقدامات انگلستان برای حفظ هندوستان و کوشش دولت روسیه برای رسیدن به دریای آزاد برای کشورها اوضاع وخیمی بوجود آورد و بالنتیجه قسمتی از سرزمین آباد و زرخیز کشور ما در آن دوره از دست رفت و کوشش و فعالیت اولیاء امور آن زمان برای بدست آوردن نواحی از دست رفته بجائی نرسید.

باید گفت در نیمه اول قرن نوزدهم عدم آشنائی ایران به امور سیاسی و نبودن سیاستمداران شایسته، و بی اطلاعی از اوضاع جهان بروحامت اوضاع کشور ما افزوده است. شاه ایران به این مسئله توجه نداشت که قدرت نظامی ایران در مقابل روسیه کافی نیست و روسیه کشوری است که فرانسه زمان ناپلئون را شکست داد و ایران قدرت مقابله با آنرا ندارد.

غرض و عدم توجه به اوضاع عمومی آنروز و آشنانیدن به هدفهای سیاسی استعماری کشورهای اروپائی مانع از این بوده است که شاه ایران حقایق را دریابد و وضع خود را تشخیص دهد و بامید کمک انگلستان و فرانسه با روسیه وارد جنگ نشود.

شاید اگر فتحعلیشاه تعرض روسها را به ناحیه گوگچه نادیده می گرفت جنگهای دوره دوم پیش نمی آمد و قسمتی دیگر از خاک ما ضمیمه روسیه نمی گردید. چنانکه قبلاً اشاره کرده ایم فتحعلیشاه در فکر تهیه مقدمات جنگ سوم نیز بود و عدم اعتراض شدید روسها را در خصوص قتل گری بایدف دلیل بر ضعف روسیه دانست و خود را برای حمله ب خاک روسیه آماده میکرد خوشبختانه این جنگ پیش نیامد والا شاید امروز آذربایجان نیز از دست ما خارج شده بود.

میدانیم که همیشه دولت ایران کوچکترین تعرض روسها را بخاک ایران نادیده نگرفته و بجنگ پرداخته است و این خود میرساند که شاه و ولیعهد ایران به میهن خود علاقه مند بوده اند و برای حفظ استقلال کشور و دفع متجاوزین بجنگ مبادرت کرده اند ولی متأسفانه همیشه جنگ و مبارزه یک دولت ضعیف با یک دولت قوی نتیجه اش شکستهای جبران ناپذیر میباشد، بخصوص برای دولت ضعیفی که به امید کمک دیگران وارد کارزار شود.

بی اطلاعی و عدم آشنائی به سیاست عمومی جهان آنروز را نمیتوان برای دولت ایران نقض و تقصیری شمرد ما نباید با رعایت مقتضیات و ممکنات امروز اوضاع آن دوره را مورد مطالعه

قرار دهیم. امروز کوچکترین واقعه با سرعت هرچه تمامتر به تمام عالم مخابره میگردد و بوسیله تلویزیون و رادیو و سایر وسایل مخابراتی مردم دنیا از اکثر وقایع مهم روز باخبر میگردند، اما در آن دوره ماه‌ها طول میکشید که نامه امپراطور فرانسه بدست فتحعلیشاه برسد و یا ناپلئون گزارش ژنرال گاردان را دریافت دارد.

مدتها از انعقاد قرارداد تیلسیت گذشته بود ولی شاه ایران اطلاع نداشت که چنین قراردادی بسته شده و صحبتی از حقوق ایران بمیان نیامده است و هنوز به کمک ناپلئون امیدوار بود.

در موقعی که انگلستان بر علیه ناپلئون با روسیه متحد شده بود ایران بی خبر از اتحاد آنها به اطمینان کمک و حمایت انگلستان با روسیه به جنگ ادامه میداد. در حالی که انگلستان جنگ ایران و روسیه را دیگر خلاف مصالح سیاسی خود میدانست و دولت ایران را با تهدید بمحضر افسران انگلیسی مجبوره قبول شرایط صلح از طرف روسها کرد و حتی حاضر گردید برای اجرای این امر مبلغی برای پرداخت خسارت جنگ به ایران قرض دهد چرا؟ برای اینکه روسها به پیشروی خود در خاک ایران ادامه ندهند و به هندوستان نزدیک نشوند. تا این مستعمره زرخیز مورد خطر واقع نگردد.

بطوری که قبلاً نیز اشاره شد ظاهراً "ایران با روسیه در جنگ بوده است ولی در حقیقت سه دولت روسیه و انگلیس و فرانسه بر سر مصالح سیاسی و اقتصادی خود مبارزه میکردند و ایران تا میدان این مبارزه بود گاهی هم برای حفظ منافع خود سه کشور مذکور را با یکدیگر به ضرر دولت ایران سازش مینمودند. بدون اینکه اولیاء کشور ما اطلاعی از این روابط پنهانی داشته باشند، گاهی به امید کمک فرانسه که با روسیه قرارداد اتحاد بسته بود و زمانی به انتظار حمایت انگلستان که با روسیه بر علیه ناپلئون متحد شده بود، به جنگ و جدال با روسیه ادامه میدادند غافل از اینکه مسئله‌ای که اساساً "مورد توجه این کشورها نیست مصالح و منافع دولت ایران و رعایت مواد قراردادهای منعقد شده است.

تاریخ قرون معاصر معرف این نوع سازش‌ها و پیوستگی‌ها برای بهره‌برداری از کشورهای ضعیف است.

البته در ادوار گذشته بعلت کمی ارتباط و عدم برخورد منافع و مصالح قدرتمندان کمتر به این جریانات سیاسی برخورد میکنیم. ولی از اوایل قرن نوزدهم که بهره‌برداری از منابع ثروت کشورهای ضعیف مورد توجه قرار میگیرد، سیاست‌های استعماری به نحو تازه‌ای جلوه‌گری میکند و سازش‌های محرمانه بین ابرقدرتها برای بهره‌برداری از ممالک دیگر بطرق مختلف انجام میگیرد که باعث بروز حوادث خونین و نابسامانی و دربرداری ملل ضعیف گردیده است.

استعمارگران بنام نشر تمدن و فرهنگ سرزمین‌های آباد را به تصرف درآوردند و ساکنان

آنها به نقاط غیرمعمور رانند و یا قتل عام نمودند .

و با سازش با یکدیگر سرزمین های مناسب را بین خود تقسیم کردند . زندگی مردم بومی را بریاد دادند .

چنانکه گفته اند از سازش بین گریه و موش بریاد شود دکان بقال .

چرا ناپلئون با ایران قرارداد اتحاد بست آیا علاقه مند به پیشرفت و ترقی ایران بود . چرا انگلستان با ایران بر علیه روسیه متحد گردید ؟ آیا منظور کمک به کشور ایران بوده است ؟ ناپلئون میخواست هندوستان را به کمک ایران تصرف کند و انگلیس ها میخواستند از این اقدام جلوگیری کنند بنابراین روسها را برای تجاوز به گرجستان تحریک کردند تا دولت ایران در آنجا سرگرم شود و نتواند به ناپلئون در فتح هندوستان کمک کند بعد هم بنا بر مقتضای از اجرای قراردادها چشم پوشیدند و ایران را تنها گذاشتند و شک آنچه نباید بشود . این اظهار علاقه ها و قراردادها بیشتر ویا همه برای رسیدن به هدف خاص و بهره برداری در جهات مختلف است .

تاریخ سیاست های استعماری نشان میدهد که استعمارگران ابتدا با تظاهر بدوستی و کمک های مادی و علمی قدم اول را در راه اجرای نیات خود برداشته اند و کم کم که موقعیت خود را مستحکم دیدند به اجرای برنامه های خود پرداخته اند .

فریب تربیت باغبان مخور ای گل که آب میدهد اما گلاب میگیرد

بهر حال اجرای برنامه های استعماری سه کشور روسیه و انگلستان و فرانسه باعث شد که خسارات مالی و جانی زیادی بر ایران وارد آید و سرزمین های ما وراء ارس از تصرف ایران خارج شود . برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

تاج بخش - فروردین ۱۳۶۰

فهرست اسناد

- ۱ - نامه والی زاده گرجستان به ناپلئون ۲۱
- ۲ - نامه والی زاده گرجستان به ناپلئون ۲۵
- ۳ - نامه عباس میرزا به ناپلئون ۳۴-۳۳
- ۴ - نامه عباس میرزا به وزیر روابط خارجی فرانسه ۳۸
- ۵ - ترجمه نامه مارشال گودویچ به عباس میرزا ۵۴-۵۰
- ۶ - نامه گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا ۷۴-۶۶
- ۷ - نامه گودویچ به میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا ۸۵-۸۱
- ۸ - نامه ژنرال گاردان به موسیوشامپاینی ۸۵-۸۱
- ۹ - نامه میرزاشفیعی به وزیر روابط خارجی فرانسه ۸۷
- ۱۰ - نامه میرزاشفیعی به وزیر روابط خارجی فرانسه ۹۰
- ۱۱ - نامه میرزاشفیعی به کنت دوشامپاینی ۹۹-۹۳
- ۱۲ - نامه کنت گودویچ به عباس میرزا ۱۰۵-۱۰۲
- ۱۳ - نامه میرزاشفیعی وزیر خارجه ایران به وزیر روابط خارجی فرانسه ۱۰۸
- ۱۴ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون ۱۱۲
- ۱۵ - نامه کنت گودویچ به میرزا بزرگ ۱۱۸-۱۱۶
- ۱۶ - نامه میرزاشفیعی به موسیوشامپاینی ۱۲۲
- ۱۷ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون ۱۲۶
- ۱۸ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون ۱۲۸
- ۱۹ - نامه میرزاشفیعی وزیر خارجه ایران به وزیر خارجه فرانسه ۱۳۲
- ۲۰ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون ۱۳۶-۱۳۵
- ۲۱ - نامه عباس میرزا به ناپلئون ۱۴۶-۱۴۵
- ۲۲ - نامه عباس میرزا به موسیوشامپاینی ۱۴۹
- ۲۳ - نامه میرزاشفیعی به تالیران ۱۵۲
- ۲۴ - نامه عباس میرزا به موسیوشامپاینی ۱۵۵
- ۲۵ - نامه میرزاشفیعی به وزیر خارجه فرانسه ۱۵۸
- ۲۶ - نامه میرزاشفیعی به وزیر خارجه فرانسه ۱۶۱

- ۲۷ - نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به موسیوشامپاینی ۱۶۴
- ۲۸ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون ۱۶۹
- ۲۹ - نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه ۱۷۶
- ۳۰ - فرمان عباس میرزا بعنوان عسکرخان ۱۸۵ - ۱۸۲
- ۳۱ - فرمان عباس میرزا درخصوص تشویق افسران فرانسوی ۱۹۰
- ۳۲ - فرمان نشان برای موسیوژوانین ۱۹۲
- ۳۳ - نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا در جواب موسیولامی فرمانده توپخانه ۱۹۴
- ۳۴ - نامه عسکرخان سفیر ایران در فرانسه به صدراعظم برای کسب اجازه برای دادن نشان ظل الهی به اشخاص شایسته ۱۹۶
- ۳۵ - نامه میرزا شفیع به عسکرخان سفیر ایران در فرانسه ۱۹۸
- ۳۶ - نامه عباس میرزا به عسکرخان ۲۰۱
- ۳۷ - فرمان عباس میرزا به عسکرخان و دستور بازگشت از فرانسه ۲۰۴

فهرست منابع

اسناد و مدارک و کتابهایی که مورد استفاده واقع شده.

مکاتبات سیاسی - ایران پرونده‌های ۳ - ۵ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ } بایگانی وزارت خارجه فرانسه
مکاتبات تجاری }
تهران پرونده ۱
تهران پرونده ۱ و ۲

- | | |
|------------------------|---|
| 1 - Chevalier Chardin | Voyage en Perse et autre lieux de l'orient Rouen 1713 |
| 2 - Conte de Sercy | une Ambassade extraordinaire de la Perse Paris 1840 |
| 3 - Dr Rouire | Rivalité Anglo - Russe - au XIX Siecle en Asie Paris 1908 |
| 4 - Driault (Edward) | la question d'orient depuis Ses origines 1904 |
| 5 - Driault (Edward) | Politique de Napoleon Paris 1904 |
| 6 - Emile Lesieure | Les Anglais en Perse Paris 1812 |
| 7 - Fonton | La Russie dans l'Asie mineure Paris 1840 |
| 8 - Heaton | Histoire economique de l'Europe |
| 9 - Jean Savant | Une ambassade A'Saint Perers Bourg Paris 1938 |
| 10 - James Darmesteter | Coup D'oeuil Sur l'histoire de laperse Paris 1885 |
| 11 - Jules Thieury | la Perse et Normandie Paris 1860 |
| 12 - Martens | Recueil des Traités Paris 1821 |

- | | |
|--------------------------|---|
| 13 - Malcom(Sir John) | Histoire de la Perse Paris 1814 |
| 14 - Milioukov | Histoire de la Russie Paris 1932 |
| 15 - Maurice de Kotzeduë | Voyage en Perse a la suite de
L'ambassade Russe en 1817 |
| 16 - Pio Carlo Trenzo | Rivalité Anglo - Russe en Perse
eten Afganistan Paris 1947 |
| 17 - Victor Bernard | la revolte de l'Asie Paris 1914 |

منابع فارسی

- ۱- تاریخ روابط سیاسی و اجتماعی ایران
 - ۲- روابط سیاسی ناپلئون و ایران
 - ۳- تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران
 - ۴- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس
 - ۵- تاریخ افغانستان
 - ۶- تاریخ ایران در قرن ۱۲ و ۱۳
 - ۷- ناسخ التواریخ
 - ۸- ماموریت ژنرال گاردان
 - ۹- مجله بررسیهای تاریخی
- سعيد نفیسی
دکتر خانبا بایانی
دکتر بینا
محمود محمود
اعتضاد السلطنه
علی اصغر شمیم
سپهر
از انتشارات شورای نظام
شماره ۲ و ۳ سال نهم ۹
شماره ۲ سال ۱۲
شماره ۳ سال ۱۳

فهرست اعلام

۲۹۸	آنا یوانونا		۱
۲۷۲	اویماق	۲۱۳	ابوالحسن شیرازی
۷۷-۶۵-۵۵-۱۷	ایروان	۲۷۴-۲۷۳-۲۷۲	ابدالی
۱۳۰-۲۰۰-۲۱۴		۲۵۳-۲۶۲-۲۶۳	آذربایجان
۲۳۳-۲۳۲-۴۱۵		۲۶۶	
۲۷۰-۲۵۳-۲۴۴		۷۸-۶۴-۵۸-۴۸	آرپاچای
		۱۰۰	
	۲-ب	۷۸-۶۴-۴۸-۲	ارس
۲۷۰-۳۲۲-۸	باکو	۲۴۴-۲۱۴-۱۰۰	
۸۰-۷۹	بارون ورد	۲۵۵-۲۵۴-۲۵۳	
۲۷۰	باطوم	۲۹۴-۲۷۵	
۷۶-۷۵-۶۵	بالایوف	۱۸	ارمنستان
۱۸	باگراتیان	۱۳۸-۱۰	استانبول
۲۶۹-۲۵۳-۲۲	بحر خزر	۲۱۵-۲۱۴-۱۳	افغانستان
۲۱۷-۹	بحر اسود	۲۷۱-۲۵۷-۲۵۶	
۵۵	برنارد	۲۷۴-۲۷۳-۲۷۲	
۲۲۸	بخارا	۲۷۸-۲۷۶-۲۷۵	
۷	بندرعباس	۲۸۴-۲۸۲-۲۷۹	
۵۵	بن تان	۲۸۵	
۲۷۰	بغداد	۲۲۳-۷۹-۱۷-۱۵	آلکساندر
۲۷۰	بندر انزلی	۱۰	آلکساندر سوارف
۲۸۵-۲۸۴-۲۷۰	بوشهر	۲۸۳	الکساندر لورنس
			الله یار خان آصف
	۳-پ	۲۸۳-۲۵۷	الدوله
۲۸۵	پاریس	۲۷۶	الدرپاتینجر
۲۶۲-۲۶۱-۲۲۷	پاسکوچ	۲۶۳	الثاریوس

۲۷۸ - ۲۷۷	پالمستون	۵ - ج	
۲۸۶	پرنس دالگورکی	جقتور	۲۴۴
۲۶۳	پرتقال	جلال آباد	۲۸۴
۲۹۴	پطر دوم		
۱۲ - ۱۰	پطرزبورگ	۶ - ج	
۱۰ - ۸ - ۷	پطر کبیر	چالدران	۳
۲۲۳ - ۲۹	پل	چین	۵
۴۶	پل آنژلوئی	چنبرق	۲۴۴
۲۷۲	پشتو		
۲۷۲	پنجاب	۷ - ح	
۲۶۴	پوپ	حاج ابراهیم خان	
		اعتماد الدوله	۲۰۸
	۴ - ت	حاج ابوالحسن	
۲۷۲	تاجیک	شیرازی	۲۲۸
۱۵۳ - ۱۴۴ - ۲۹	تالیران	حاج حسین خان	۱۷۵ - ۱۷۳ - ۱۶۸
۲۷۰ - ۲۶۲ - ۲۳۷	تبریز	حاج خلیل قزوینی	۲۰۹
۵۵	ترزول	حاج میرزا حسین خان	
۷	ترکیه	شیرازی	۲۳۱
۲۲۲	ترک	حاجی ترخان	۲۱۷
۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۵۰	ترکمانچای	حسن خان حاکم	
۲۵۳ - ۲۵۲		نخجوان	۲۵۴
۲۷۱	ترکستان	حسین خان سردار	
۱۷ - ۷ - ۱۷۴ - ۵۵	تفلیس	ایروان	۲۵۴
۲۵۰ - ۲۶۹ - ۲۷۰			
۲۷۷		۸ - خ	
۱۴۰ - ۱۴۳ - ۲۳۵	تیلستیت	خارثولی	۱۷
۳۱۱		خارک	۲۸۵ - ۲۸۰ - ۵۵
۲۷۴	تیمور شاه	خراسان	۲۷۲ - ۲۶۳
۷۹	تولستوی	خرمشهر	۲۸۵
۲۱۴ - ۲۰۵	تورمسوف	خسرو میرزا	۲۶۱ - ۲۵۸

۹۱-۷۹	رومانزف	۵-۹-۳۰-۴۴-	خلیج فارس
۳۴۴	رود قزل اوزن	۴۸-۷۸-۷۹-	
۲۴۶	رود چقطور	۲۶۳-۲۷۰	
۲۱۳-۲۱۷	رتیشچوف	۲۲۸	خوارزم
۲۷۵-۲۷۴-۲۰۸	زمانشاه	۲۷۱	خیبر
۲۷۳	زرقان		
			۹-د
	۱۲-ژ	۲۵۵	دارمستتر
۱۸۰-۱۷۸-۱۶۸	ژوانین	۲۸۹	دالگورکی
۲۰۳-۱۸۸-۱۸۷		۲۵۳	داغستان
۲۷۳	ژرژسوم	۵	دجله
		۲۹۴-۲۲-۸	دربند
	۱۳-س	۵	دریای احمر
۲۷	سرجان مالکم	۱۷۰-۵	دریای سیاه
۲۳۸	سرجان ماکدونالد	۹	دریای ابیض
۲۱۵-۲۱۴-۲۱۳	سرگوراولی	۲۴۴	دریاچه اورومی
۳۰۷		۲۵۳-۴۴	دریای خزر
۲۸۷	سرهانری الیس	۱۲۰	دمرت
۲۸۴	سرهنگ شیل	۲۸۴	دکتر برایدن
۲۸۴	سیستان	۲۸۸	دوست محمدخان
۲۷۷	سیمونیچ		
۲۷۳-۲۷۲	سند		۱۰-رشت
۲۷۷-۲۳۰-۷	سن پترزبورگ	۲۹۸-۲۷۰	رشت (قرارداد)
۵	سوریه	۲۳۱-۱۷۵	رمون
۲۷	سیسیانف	۱۵-۷-۵-۴-۲-	روسیه
		۴۹-۴۴-۱۷-۱۶-	
	۱۴-ش	۱۶۷-۷۸-۵۰	
۳	شاه سماعیل	۳۰-۲۹	رومیو
۸-۷	شاه سلطان حسین	۲۹	روسو
۷	شاه عباس ثانی	۵۷	رومیانتز

۲۱۵-۲۱۳-۲۲۳	۷۹-۹۱-۱۴۱-۱۵۰	شامپاینی
۲۳۱-۲۳۳-۲۳۴	۱۵۳-۱۵۶-۱۷۴	
۲۷۶	۲۷۴	شاهرخ میرزا
۲۲۸	۲۸۳	شجاع الملک
۵۷-۷۹-۹۱-۱۰۶	۲۲۲-۲۳۷-۲۷۰	شکی
۱۲۰-۱۲۹-۱۳۸	۲۷	شوروی
۱۶۰-۱۶۷-۱۶۸	۲۷۰	شیراز
۱۷۰-۱۷۲-۱۷۵	۲۷-۲۲۲-۲۳۷	شیروان
۱۸۰-۱۹۷-۱۹۹		
۲۰۰-۲۰۳-۲۰۵		۱۵ ص
۲۷۰	۲۸۴	صید محمدخان
۲۳۸-۲۳۹-۲۵۴		-
۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷		۱۶ ط
۲۶۹-۲۷۱	۲۲۲-۲۲۸-۲۳۱	طالب
۲۲۲-۲۲۷-۲۳۲	۲۳۲-۲۳۷-۲۵۳	
۲۳۸-۲۵۴-۲۵۵	۲۷۰	طرابوزان
۲۵۷	۱۰۶	طوریلر
	۴۲	طهران
۱۹-غ		
۲۷۲-۲۷۳		۱۷ ظ
۲۷۲		ظهیرالدوله
۲۸۴		
۲۷۲		۱۸ ع
	۳۵-۳۹-۴۳-۵۵	عباس میرزا
۲۰-ف	۵۶-۵۸-۶۴-۷۵	
۵۵-۱۱۹	۷۸-۷۹-۱۰۱-۱۱۴	
۵-۱۴-۱۵-۳۰	۱۴۳-۱۴۴-۱۴۷	
۳۵	۱۵۰-۱۵۴-۱۵۶	
۲-۴-۵-۷-۱۵	۱۷۴-۱۷۵-۱۷۷	
۴۳-۷۸	۱۸۰-۱۹۱-۱۹۹	

۲۱۴	کتلروفسکی	۲۰۸-۹۱	فتحعلیخان نوری
۲۱۳	کریسنی	-۲۷-۱۷-۳-۲	فتحعلیشاه
۲۳۰	کریم خان	-۵۷-۴۰-۳۰-۲۹	
۲۹۴	کر	-۱۱۹-۱۱۱-۱۰۶	
۲۸۷	کلنل استودارت	-۱۳۹-۱۲۹-۱۲۰	
-۷۸-۶۴-۵۸-۴۸	کورا	-۱۵۴-۱۴۳-۱۴۰	
۲۲۲-۱۰۰		-۲۰۸-۱۷۰-۱۶۶	
۲۳۳	کنت دوسلرود	-۲۱۴-۲۱۳-۲۰۹	
۲۴۰	کوتلیاروسکی	-۲۲۷-۲۲۵-۲۲۴	
۲۳۴	کیفالا	۲۲۹	
		۱۴۰-۱۰۶-۴۳	فین کین اشتاین
	۲۳-ک	۱۲۰	فینو
-۵۹-۵۵-۴۶-۴۳	گاردان		
-۸۰-۷۹-۷۸-۶۴			۲۱-ق
-۱۰۶-۱۰۱-۹۱		-۲۱۷-۲۰۵-۲۷	قرا باغ
-۱۳۱-۱۲۱-۱۲۰		۲۴۴-۲۳۲-۲۲۲	
-۱۴۳-۱۴۱-۱۴۰		-۱۴۲-۲۷-۱۷-۳	قفقاز
-۱۶۷-۱۶۶-۱۴۴		-۲۶۹-۲۳۳-۲۱۴	
-۱۸۰-۱۷۵-۱۶۸		۲۷۴	
-۲۰۹-۲۰۳-۲۰۰		-۲۷۴-۲۷۳-۲۷۲	قندهار
۲۲۵		۲۸۴-۲۷۵	
-۱۷-۱۵-۱۲-۱۰	گرجستان		
-۲۷-۲۱-۲۰-۱۸			۲۲-ک
-۹۲-۴۴-۴۳-۴۰		۱۰-۹	کاترین دوم
-۲۱۷-۱۴۲-۱۳۹		۱۷	کاخت
-۲۲۴-۲۲۳-۲۲۲		۱۷	کارتیل
۲۵۳-۲۳۷-۲۲۷		۲۸۴-۲۷۵-۲۷۲	کابل
۲۷۰	گراسنوسک	۲۵۴	کاپیتولاسیون
۲۷۳-۲۷۲	گرگین خان	۱۰	کارساکف
۲۶۱-۲۵۸-۲۵۷	گری بایدف	۲۸۳	کامران میرزا

۸۰-۱۱۹-۱۳۹-	مالکم (سرجان)	۲۳۱-۲۳۷-۳۰۳	گنجه
۱۶۰-۲۰۸-۲۰۹		۵۸-۶۴-۶۵-۷۵	گودویج
۲۳۱-۲۳۳-۲۳۴	محمد علی میرزا	۷۷-۷۸-۷۹-۸۰	
۲۳۱	محمد ولی میرزا	۹۱-۱۰۰-۱۰۱	
۲۰۹	محمد نبی خان	۱۱۴-۱۲۰-۱۲۴	
۱۲۰	مرشل	۱۳۰-۱۳۹-۱۴۱	
۲۷۱-۲۷۶-۲۷۷	محمد شاه تبرستان	۱۴۲-۱۶۶-۱۶۷	
۲۷۹-۲۸۰-۲۸۲		۱۷۰-۱۷۴-۲۰۰	
۴۶-۵۹-۷۹-۸۰	میرزا شفیع	۲۱۴	
۹۱-۱۱۹-۱۲۰		۲۲۷-۲۳۷	گوکچه
۱۲۴-۱۴۴-۱۵۳			
۱۵۷-۱۵۹-۱۶۲			۲۴-ل
۱۶۶-۱۹۷		۷۵-۷۸-۹۲-۱۰۰	لازار
۵۷-۵۸-۵۹-۶۴	میرزا بزرگ	۱۰۱-۱۷۱-۲۰۰	
۷۵-۸۰-۱۱۴			
۱۵۴-۱۷۴-۱۷۵		۵۵-۱۴۴-۱۵۱	لامی
۱۷۷-۱۹۵-۱۹۹		۱۹۱-۱۹۵-۲۰۳	
۲۸۴	محمد اکبر خان	۲۳۱	لردکنکارت
۲۳۰	میرزا محمد خان	۲۳۷	لردولینکتون
۲۸۴-۲۸۵	میرزا آقا خان نوری	۲۰۹	لردمینتو
۱۲۰-۱۶۷	میرزا رضا خان	۲۶۵	لنین گراد
۲۷۳	مورچه خورت	۲۱۵-۲۳۰-۲۳۱	لنکران
۲۷۳	مهمان دوست	۲۵۳	
۲۷۳	میرویس	۲۱۳	لیندزی
		۲۸۸	لیوتونان تود
	۲۶-ن		
۲-۱۵-۱۶-۲۰	ناپلئون	۸-۱۶-۱۰۶-۱۰۹	۲۵-م
۲۱-۲۹-۳۵-۴۰		۴۸-۵۵-۵۷	مازندران
۴۳-۴۵-۵۷-۵۸			مارشال گودویج
۷۸-۸۰-۹۱-۱۱۱		۲۷۷	ماک نیل

۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳	هرات	۱۱۹-۱۴۰-۱۴۲	
۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸		۱۴۳-۱۴۷-۱۶۶	
۲۷۹-۲۸۰-۲۸۲		۱۷۰-۱۷۱-۱۸۰	
۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵		۳۱۰	
۱۰-۱۲-۱۷-۱۸	هراکلیوس	۱۰	نادرشاه
۱۳-۱۵-۲۷-۲۹	هندوستان	۲۸۴	ناصرالدین شاه
۴۳-۴۶-۵۰-۱۳۹		۲۲۲-۲۴۴-۲۵۳	نخجوان
۱۷۰-۲۱۴-۲۳۸		۲۵۴	
۲۶۱-۲۷۱-۲۷۲		۲۵۸-۲۶۱	نیکلای اول
۲۷۷-۲۷۸-۲۸۲			
۲۸۳-۲۸۶-۳۱۰			۲۷-و
۴۰	هوک برنارماره	۳۰۲	واختان
		۹-۱۰	والرین زوبوف
۲۹-ی		۵۵-۱۲۰-۱۹۱	وردیه
۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴	یارمحمدخان	۲۰۹	ولزلی
۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱	یرملوف	۸	ولینسکی
۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴		۱۶۸-۱۷۳	ونیرسیا
			۲۸-ه
		۱۴۱	هارفورد جونز

Handwritten text on a small, tilted piece of paper, likely a library label or note, partially visible on the left edge of the page.

